



**برتری های اسلام
در
اعجاز علمی کلام رحمان**

غلام محمد خیرخواه

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: برتریهای اسلام در اعجاز علمی کلام رحمان

نویسنده: حاجی غلام محمد خیرخواه

مراکز پخش: هرات، نمایندگی شماره (۱): شمال پارک مسجد جامع بزرگ (۲۲۲۶۱۵) -

۰۷۰۰۴۰۶۲۸۷) نمایندگی شماره (۲): چهارراهی معارف، بنیاد شهید مسعود، طبقه زیرین، نمایشگاه

دایمی کتاب (۴۴۴۸۵۰ - ۰۷۹۹۳۸۶۶۴۰) نمایندگی شماره (۳) سرک باغ آزادی، مقابل تعمیر جدید

پوهنتون هرات (۰۷۹۵۳۱۵۶۶۳)

کابل: شهر نو، چهارراهی انصاری، نبش سرک اول کلوله پشته (۰۲۰-۲۲۰۳۵۹-۰۷۰۰۵۹۰۵۴۵)

حروفچینی و صفحه آرائی: فضل الحق وحید و فضل الرحمن نوید

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

سال چاپ: ۱۳۹۰

قیمت: ۱۵۰ افغانی

فهرست عناوین

- تقریظ بقلم استاد «سید عمر منیب» وزیر اسبق تحصیلات عالی و استاد دانشکده
شرعیات دانشگاه کابل ك
- تقریظ به قلم فقیه جید و نویسنده‌ی شهیر کشور پوهندوی دادمحمد نذیر استاد
دانشکده شرعیات دانشگاه کابل ل
- تقریظ بقلم مولوی محمود «مستمد» مسؤول دارالعلوم تولک ولایت غور م
- سخنی که باید گفته شود س
- معرفی کتاب ص
- مقدمه ر
- اعجاز علمی قرآن ث
- فصل اول (شگفتی‌های خداوند در کاینات) ۱
- عظمت عالم و کاینات: ۱
- دانشمندان از خدا بیشتر می‌ترسند: ۴
- آسمان برگشت کننده: ۶
- طبقات جو زمین یا هفت آسمان: ۷
- دانشمندان فضاشناسی می‌گویند: ۸
- تعادل مطلق جهان: ۱۰
- وجود تاریکی در فضای خارج از جو: ۱۱
- تحقیقات فضائی ۱۳
- سفر مهتاب: ۱۶
- شکافته و گلگون شدن آسمان: ۱۶

- ۱۸..... پیدایش کاینات:.....
- ۱۹..... قرآن در باره منشأ کاینات چنین می‌فرماید:.....
- ۲۰..... خلقت از دود داغ:.....
- ۲۰..... توسعه کاینات:.....
- ۲۲..... جدا شدن زمین و آسمان:.....
- ۲۳..... خورشید، ماه و زمین متحرک اند:.....
- ۲۴..... مدار مهتاب:.....
- ۲۶..... زمین کرّوی:.....
- ۲۷..... فاصله بین اجسام سماوی.....
- ۳۰..... آغاز جهان:.....
- ۳۱..... وظیفه کوه‌ها:.....
- ۳۲..... وزن ابرها:.....
- ۳۳..... در آسمان موجودات زنده می‌باشد:.....
- ۳۴..... تفاوت ساختمانی بین آفتاب، ماه و ستاره گان:.....
- ۳۵..... نقاط مختلف طلوع و غروب:.....
- ۳۵..... تنقیض زمین در نهایات:.....
- ۳۶..... ستون‌های نامرئی [نادیدنی]:.....
- ۳۶..... اشتباه [بودن] نظریه تکامل داروین:.....
- ۳۸..... فصل دوم (پیدایش حیات در زمین).....
- ۳۸..... خلقت آنچه در بین آسمان هاست:.....
- ۴۰..... خلقت [انسان] و خلیفه گردانیدن آن در زمین:.....
- ۴۰..... آفرینش انسان از خاک:.....

- ۴۱ آفرینش انسان و سایر زنده جانها از آب گل:
۴۱ آفرینش انسان و سایر زنده جانها از آب گل:
۴۲ پیدایش حیوانات:
۴۴ پیدایش نباتات:
۴۶ فصل سوم: (عاقبت جهان و انقباض عظیم)
۴۶ عاقبت جهان:
۴۷ سرنوشت کیهان:
۵۴ فصل چهارم (مراحل خلقت انسان)
۵۵ قطره منی:
۵۵ مخلوط منی:
۵۵ جنسیت طفل:
۵۶ علقه که به رحم می چسبید:
۵۷ پوشانیدن عضلات بالای استخوانها:
۵۷ الآن کمی همراه با تصویر در این مراحل هفتگانه می اندیشیم:
۵۸ مراحل تاریکی در رحم مادر:
۵۹ محل تولید نطفه:
۶۰ اعتراف دانشمندان طب:
۶۲ من عرف نفسه فقد عرف ربه:
۶۸ پنج دانش مخصوص خداوند متعال:
۷۲ کلمات اعجازی آیه:
۷۵ فصل پنجم: (تفوق طب در اسلام)
۷۵ برتری طب وقایوی:

- ۷۸ اهتمام به نظافت وسایل اکل و شرب و تنفس:
- ۷۹ حفظ الصحه دهان ومسواک:
- ۷۹ پیشگیری از انتشار مرض:
- ۸۰ شراب و مواد مخدر:
- ۸۴ مقاصد شریعت اسلام پنج است:
- ۸۵ درمان اعتیاد به الکل:
- ۸۷ برخورد اسلام به درمان شراب:
- ۸۹ مقاربت در زمان حیض:
- ۹۱ تحریم خبایث
- ۹۱ ۴-۱: گوشت خوک در اسلام چرا حرام گردید؟!
- ۹۳ ۴-۲: حکمت شرعی ذبح:
- ۹۳ ۴-۳: تحریم حیوان خودمرده:
- ۹۳ ۴-۴: تحریم خون روان:
- ۹۴ حکمت منع ازدواج با مُحرمات:
- ۹۵ حکمت و فواید طبی روزه:
- ۹۸ حکمت و برکت سحر خیزی:
- ۱۰۰ احساس درد در پوست:
- ۱۰۱ مفاد صحی حرکت، شستن و نوشیدن:
- ۱۰۳ حیات میکروسکوب:
- ۱۰۳ حکمت مقدم ذکر سمع در قرآن:
- ۱۰۵ طریق تشکیل شیر:
- ۱۰۶ فصل ششم (معجزات علمی قرآن در طبیعت)

- ۱۰۷.....تشکیل اسپینل از نگاه قرآن:
- ۱۰۹.....مرجان از نعمت های خداوند ﷺ است:
- ۱۰۹.....تشکیل پترول:
- ۱۱۰.....احتراق بدون آتش:
- ۱۱۱.....دریاها چون آتش افروخته میشود:
- ۱۱۱.....بحرها با هم مخلوط نمیشوند:
- ۱۱۴.....دوران آب و تشکیل باران:
- ۱۱۶.....بادهای بارآورکننده:
- ۱۱۶.....دانشمند زیست شناس اعتراف بخدامیکند:
- ۱۱۸.....آفرینش ازواج:
- ۱۱۹.....شناخت از روی انگشت:
- ۱۲۰.....دلها با ذکر الله ﷻ آرام میشوند:
- ۱۲۱.....مادی گری به تنهای کافی نیست:
- ۱۲۳.....فصل هفتم: (اعجاز و شگفتی های خلقت در حشرات و پرندگان).....
- ۱۲۴.....دنیای مورچه گان:
- ۱۲۷.....زن سالاری در خانه عنکبوت:
- ۱۲۸.....گروه بزرگ ملخها:
- ۱۲۹.....تقلید از حیات، الهام از زنده جانها برای طراحی:
- ۱۳۱.....توانائی وامکانات پرنده گان مافوق هواپیما وانسان است:
- ۱۳۴.....مهاجرت پرندگان:
- ۱۳۷.....فصل هشتم (اعجاز پیشگوئی در قرآن).....
- ۱۳۷.....مغلوب شدن رومیان و پس کامیابی شان:

- ۱۳۹..... فتح مکه:
- ۱۴۰..... خبر بازگشت محمد ﷺ به مکه:
- ۱۴۰..... خلافت خلفای راشدین:
- ۱۴۱..... هلاک باد هر دو دست ابولهب و خود او:
- ۱۴۲..... وسایط عصری حمل و نقل:
- ۱۴۳..... قوم بنی اسرائیل دو بار متکبر می‌شوند:
- کشف و توضیح حادثه یازدهم سپتامبر و خراب شدن مرکز تجارتي جهان در جرف هاراز
- ۱۴۴..... سوره توبه جزء یازدهم قرآنکریم:
- ۱۴۶..... فصل نهم (اعجاز تاریخی قرآن)
- ۱۴۶..... هامان وزیر فرعون:
- ۱۴۸..... کلمه فرعون در قرآن:
- ۱۴۹..... طوفان نوح (ع):
- ۱۵۱..... شهر ارم:
- ۱۵۲..... شهرهای سدوم و گموره:
- ۱۵۳..... مردم سبا و سیل عرم:
- ۱۵۵..... فصل دهم (معجزات ریاضی در قرآن)
- ۱۵۷..... حساب ابجد در قرآن:
- ۱۵۸..... تکرار کلمات در قرآن تصادفی نیست:
- ۱۶۰..... تنا سب خشکه و آب:
- ۱۶۱..... محاسبه سال قمری:
- ۱۶۲..... سرعت نور:
- ۱۶۳..... معلومات مختصر درباره قرآن:

- فصل یازدهم (کمال اعجاز ادبی و تشریحی قرآن)..... ۱۶۴
- اعجاز بلاغی و ادبی قرآن: ۱۶۴
- اعتراف مشرکین به اعجاز ادبی قرآن:..... ۱۶۴
- مبارزه طلبی قرآن کریم از اعراب:..... ۱۶۵
- مقابله مشرکین با قرآن از راه های مختلف:..... ۱۶۹
- عدم اختلاف در قرآن: ۱۷۰
- حفظ و صیانت قرآن از تحریف: ۱۷۱
- کمال ادبی زبان قرآن: ۱۷۲
- بخش های اساسی بُعد ادبی قرآن..... ۱۷۳
- ماهیت عالی قافیه در قرآن: ۱۷۹
- اعترافات دانشمندان بیگانه:..... ۱۸۰
- اعجاز تشریحی و قانونی قرآن:..... ۱۸۱
- علوم و معارف جدید بشر در راستای اعجاز علمی قرآن چه میگوید؟ ۱۸۵
- فصل دوازدهم (اسلام دین علم تفکر و حجت)..... ۱۸۸
- اسلام دین علم است: ۱۸۸
- علم همراه با اندیشه: ۱۹۳
- قرآن بحر علوم است:..... ۱۹۳
- فضیلت تفکر:..... ۲۰۰
- مسلمانان همگام با قرآن هم سطح زمان خود شوند: ۲۰۳
- مسلمانان پیشتاز علوم در جهان بودند:..... ۲۰۷
- فصل سیزدهم: (اخبار رسالت پیامبر ﷺ در کتاب های آسمانی) ۲۱۰
- پیشگوئی های عهد قدیم از پیامبر خاتم : ۲۱۰

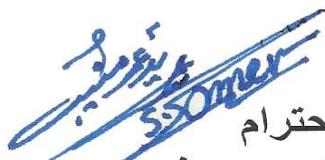
- ۲۱۰..... پیشگوئی های موسی (ع):
- ۲۱۱..... کشف نام محمد ﷺ در قدیمی ترین نسخه تورات:
- ۲۱۲..... پیشگوئی های حبقوق:
- ۲۱۲..... پیشگوئی های داود (ع):
- ۲۱۳..... پیشگوئی اشعیا:
- ۲۱۴..... پیشگوئی های عیسی (ع):
- ۲۱۴..... حضرت رسول الله نبی الامم و نبی الانبیاء (ع) است:
- ۲۱۶..... فصل چهاردهم (معجزات سیرت و پیشگوئی های رسول الله ﷺ):
- ۲۱۶..... سیرت رسول اکرم ﷺ معجزه بزرگ است:
- ۲۲۲..... معجزات و پیشگوئی های پیامبر ..
- ۲۲۷..... منابع و مأخذ:

تقریظ بقلم استاد «سید عمر منیب» وزیر اسبق تحصیلات عالی و استاد دانشکده شرعیات

دانشگاه کابل

وقتی که رساله‌ی برادر محترم «الحاج غلام محمد خیرخواه» را که تحت عنوان «برتری‌های اسلام در اعجاز علمی کلام رحمان» که در یک مقدمه و چهارده فصل و فهرست منابع و مصادر تحریر گردیده است مطالعه نمودم، واقعاً موضوع رساله‌ی مذکور بسیار جالب و مناسب عصر و زمان است و مؤلف مذکور به قدر توان و قدرت خویش در جمع آوری و ترتیب رساله از کتب و مصادر معتمده، استفاده‌ی زیاد نموده که قابل قدر است. در این وقت مناسب که تهاجم فرهنگی اجانب اخلاق و آداب اکثریت جامعه خصوصاً اطفال و جوانان ما را خراب ساخته و به فساد اخلاقی، اداری، خودخواهی و بی‌عدالتی مبتلا نموده است، برادر محترم الحاج غلام محمد «خیرخواه» ب فکر اصلاح و نجات اولاد این ملت غیور و مجاهدپرور از تقلید کورکورانه و تحریکات دشمنانه‌ی دشمنان دین و وطن عزیز ما افتیده و برای علاج امراض اجتماعی نسخه‌ی شفا را از کتاب الله و سنت نبوی ترتیب نموده است، که در روشنائی این تألیف وی انشاءالله: اخوت، محبت، وحدت، همبستگی، تعاون و همدردی بین افراد این ملت مظلوم ایجاد گردیده، که در حقیقت حیثیت (آب، هوا و غذا) را دارد که بدون اخوت، محبت، وحدت، همبستگی، غم شریکی و عمل به هدایات روح بخش اسلام هیچ ممکن و میسر نیست که در افغانستان صلح و امنیت، اخوت و وحدت و عدالت و برابری بین مردم ما ایجاد گردد و از این زندگی فلاکت‌بار نجات یابند. جالب است که با گذشت اضافه از چهارده قرن که علم و تکنولوژی به حد اعلی پیشرفت و ترقی خود رسیده حکمت و اعجاز آیات قرآن بیشتر هویدا می‌گردد که شمه‌ی آن را از این کتاب خواهید دانست.

به هر حال این نیت خیر، قصد و عمل قابل تمجید و تحسین است كما قال النبی ﷺ: «خیر الناس من ینفع الناس» و ایضاً قال: «معلم الخیر ینستغفر له کل شیء حتی الحیتان فی البحار» در خاتمه توفیق مزید از بارگاه ایزد متعال برایش خواهانم.



با احترام
استاد سید عمر «منیب»

استاد دانشکده شرعیات دانشگاه کابل

**تقریظ به قلم فقیه جید و نویسنده‌ی شهیر کشور پوهندوی دادمحمد نذیر استاد دانشکده
شرعیات دانشگاه کابل**

کتاب هذا که توسط برادر گرانمایه غلام محمد «خیرخواه» تحت عنوان «برتری‌های اسلام در اعجاز علمی کلام رحمان» در یک مقدمه و چهارده فصل با نتیجه‌گیری و ذکر منابع و مأخذ پایان یافته است، با وجود ضیقی وقت آن را از آغاز تا انجام مطالعه نمودم و موضوعات رساله‌ی مذکور را در عصر حاضر بسیار جالب، مفید و نافع و مطابق به نیازهای فعلی جامعه یافتم و مطالعه‌ی آن برای اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان و دانش پژوهان مثمر بوده و از خداوند منان استدعا دارم تا به جوانان عزیز و مسلمانان شوق و علاقه استفاده‌ی کاملتر از این رساله را عنایت فرماید.

مؤلف محترم در تدوین این اثر که محور اصلی آن را اعجاز علمی قرآن کریم تشکیل می‌دهد، از منابع و مصادر معتبر و معتمد جدید علمی استفاده نموده و در انتخاب عناوین علمی بسیار دلچسپ و خواندنی دقت بخرج داده که خواننده را مجذوب و تا ختم مطلب با خود می‌کشد.

مطالعه و تحقیق در باب اعجاز علمی قرآن کریم دارای دامنه‌ی وسیع و گسترده بوده و با تدوین چند کتاب، رساله، مقاله و... نمی‌توان آن را خاتمه شده پنداشت؛ بلکه تدوین کتب هر چه بیشتر در زمینه در هر عصر و زمان و بخصوص از ضرورت‌های شدید جوامع امروزی به حساب می‌آید، فلهدذا تدوین کتاب حاضر را قدمی مثبت انگاشته، آن را قابل طبع و نشر دانسته و مطالعه آن را برای علاقمندان توصیه می‌نمایم.

در خاتمه از الله تعالی مسئلت دارم که به عمر و علم و عمل مذکور (جزاه الله عنا و عن سائر المسلمین خیر الجزاء) برکت عطا فرموده و ایشان را برای موضوعات علمی و دینی بیشتر و بهتر موفق نموده و این گونه خدمات علمی و دینی را مورد قبول خود قرار دهد آمین و لله الحمد اولاً و آخراً.

با احترام
پوهندوی داد محمد " نذیر"
استاد دانشکده شرعیات دانشگاه کابل



تقریظ بقلم مولوی محمود «مستمد» مسؤول دارالعلوم تولک ولایت غور

سپاس و ستایش بیکران و حمد و ثنای بی پایان مر خداوند دو جهان را و درود و صلوات بر پیامبر آخزمان و بر اهل بیت، اصحاب و یاران فداکار آن. و بعد، مسوده‌ی کتاب را مؤلف محترم آقای «خیرخواه» برایم داد و آن را مطالعه نمودم. نوشتار زیر را بعنوان تأیید کتاب برشته تحریر درآوردم. این کتاب در رابطه به برتری‌های اسلام و اعجاز علمی قرآنکریم تدوین گردیده است، فضیلت و برتری قرآن عظیم الشان را نمی‌توان به نهایت رساند. آیات کثیر از قرآن که در این کتاب و سایر کتاب‌های این فن نگاشته شده‌اند، بر برتری و فضیلت اعجاز آن دلالت دارد. به نظر بنده آیه ۸۹ سوره‌ی نحل که خداوند می‌فرماید: «^ع وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً وَدُثْرَىٰ

لِلْمُسْلِمِينَ» و فرود آوردیم بر تو کتاب برای بیان کردن هر چیز و برای راهنمودن و بخشایش و خبر خوش دادن مسلمانان» مبین تمام امور می‌باشد. اهل علم و معرفت می‌توانند که از آیات قرآن احکام و معارف مختلف را استنباط نمایند و از ارمغان‌های آن به جامعه انسانی عرضه دارند، بنی نوع انسان را خداوند لایزال از تمام آفریده‌های خود برتری بخشیده، تاج «ولقد کرمانا بنی آدم» را بر سرش نهاده در عین حال افراد این نوع برگزیده از درک حقایق و مفاهیم کلام بی‌مثال الله متعال عاجز و ناتوان است. البته در میان ایشان علمایی وجود دارند که عاشقانه و مجدانه در بحر معانی و معارف آن وارد می‌شوند و از نور قرآن پاک استفاده نموده و علوم متنوع را کشف کرده و معلومات شگفت آوری را برای انتفاع جامعه بشری بالاخص به مسلمانان ارایه می‌کنند، تفاسیر گرانسنگ دانشمندان و کتاب‌های پرمحتوای که در رابطه به اعجاز قرآن کریم در ابعاد گوناگون انتشار یافته‌اند، نتیجه‌ی زحمت کوشی شیفتگان و دوستداران قرآن است. کتاب حاضر که اثر اندیشمند نیک اندیش و والاهمت محترم الحاج «غلام محمد خیرخواه» می‌باشد در فن اعجاز قرآن نگاشته شده؛ نگارنده مدت مدیدی از زندگی خود را صرف مطالعه و جمع آوری جوانب مختلف معجزات قرآن گردانیده تا اینکه مطالب بسیار مفید و ارزشمند را درین کتاب گرد آورده و متون ثمر بخش را تقدیم محبتان علوم اسلامی نموده در فهرست کتابخانه دینی بیافزاید. خداوند مؤلف گرامی را پاداش کثیر اعطا فرماید واقعاً کتاب حاضر در فن اعجاز کلام سبحان مدون نافع بوده و حاوی مسایل عدیده از معجزات می‌باشد که بشر از درک آنها در وقت ظهور اسلام ناتوان بوده، حتی شمه‌ای از علوم که در قرآن پیرامون مخلوقات ماوراء طبیعت، فضا، باد، باران، جنین و غیره تذکر داده شده نداشت، اما بشریت عصر ترقی و تمدن به اثر سعی و تلاش و اختراع وسایل انکشافی توانسته اندکی از معجزات قرآن را تبیین نمایند؛ انتشار کتاب هذا و مانند آن کتاب‌های که در زمینه قرآن و اعجاز آن تألیف گردیده از مقتضیات عصر محسوب شده و وجیه دینی است. بنابراین از جمیع پویندگان حقیقت و جویندگان شریعت و طالبان هدایت آرزو

میشود که این دست آورد مؤلف را بدیده قدر نگریسته و مطالب آنرا مورد مطالعه و تعمق قرار دهند تا اینکه معلومات ایشان در زمینه وجوه اعجاز قرآن افزایش یافته و بهتر و شایسته تر در میدان نبرد فرهنگی قدم نمایند به امید قبولی زحمات مؤلف به درگاه رب العالمین.

والسلام بنده امید وار درگاه پروردگار

محمود «مستمد غوری» دارالعلوم تولک



سخنی که باید گفته شود

حمد و سپاس خدای را سزاوار است که انسان را آفرید و به او بیان آموخت قرآن را فرو فرستاد و برای پندگیری آسانش کرد. برای این هدف خود را به جولان در آورد و آن را محور و مبنای تکلیف و ابزار تأمل و اندیشیدن قرار داد و همچنان کسانی را که در قرآن نمی‌اندیشند و به آن حد از خواندن آن بسنده می‌کنند که از گلوی شان فراتر نمی‌رود و به دل و خردشان نمی‌رسد نکوهش کرده است و درود خدا بر محمد ﷺ که اصول کلیه پیام‌های آسمانی به او منتهی شد.

خود را کمتر از آن می‌دانم که با بضاعت اندک علمی و عدم تجربه‌ی نویسنده‌ی، زبان قاصر و قلم شکسته بتوانم شمه‌ای از بحر پهناور، لایتناهی و بی‌کران اعجاز علمی قرآن را که لایق و شایسته باشد تحریر و بیان نمایم و بی‌انصافی خواهد بود که با همه ناتوانی، نارسائی، کمی و کاستی‌ها خود را عالم، محقق و قلم بدست وانمود نمایم. با وجود علاقه، آرزو و ذوقی که بکسب علم و دانش داشتم، شرایط زمان طوری آمد که مواد سوخت انقلاب و شرایط ناگوار آن گردیدم و به آرزوی خویش نایل نشدم. دوران جوانی و تحصیل مصادف گردید با کودتای هفت ثور و تجاوز ارتش سرخ شوروی و قیام ملت مجاهد ما علیه آنها. در آن زمان من دانشجوی مدرسه عالی ابوحنیفه (رح) کابل بودم؛ نسبت عقده و نفرت سردمداران و عمال رژیم با متدینین و مدارس دینی آنقدر فضای وحشت و دحشت را به وجود آورده بود که غیر از فکر نجات جان و عقیده فرصت برای هدف و آرزوی دیگر نبود. شبانه در صحن مدرسه جیب‌های روسی با چند نفر اجنت مسلح سرسپرده‌ی بی‌رحم و درنده‌خوی رژیم آمده بهترین جوانان محصل و متعلم را به جرم اخلاق حمیده و عقیده اسلامی دستبند زده می‌بردند که تا امروز نشانی از آنها نیست که در چنین شرایط بخصوص تعلیم و تعلّم دینی برای محصل و استاد دشوار بود.

بعد به صف جهاد پیوسته مسؤلیت یکی از جبهات مجاهدین را عهده‌دار شدم و به واسطه اکمالات آنها رفت‌وآمد به کشور پاکستان و هم نظر به شرایط و اشدّ ضرورت جامعه و مجاهدین با استفاده از وقفه‌هایی که در پاکستان داشتم کورس‌های طبی را تعقیب نمودم، برعلاوه مصروفیت‌های مردمی و جهادی، مسؤلیت کلینیک صحی کوچک صحرائی به قدر توان و امکانات رسیدگی به بیماران و مجروحین؛ وقتی برای مطالعه و آموختن مساعد نگردید.

بعد از پیروزی جهاد محیط عقب مانده و دور افتاده از همه چیز، مشکلات اقتصادی، تربیه اولاد و نفقه فامیل نسبتاً بزرگ و سایر جنجالهای زندگی و عدم دسترسی بمواد و کتب مورد علاقه و نبود اشخاصی که از آنها استفاده و مشوره گرفت؛ بناءً نتوانسته ام این رساله را به معیاری که باید تهیه میگردید آماده نمایم و ادعا ندارم که این مجموعه کوچک تمام موضوعات مربوط به اعجاز علمی قرآن را که هر کلمه آن معجزات شگفت انگیز دارد و تعداد بشمارای حقایق علمی درین کتاب مقدس گنجانیده شده. عدّه از آنها در قرن ۲۰ و ۲۱ کشف گردیده و در آینده با پیشرفت علم و تکنالوژی حقایق و اعجاز آن زیادتر برملا خواهد گردید، تحقیق حساب شده باشد.

و قابل تذکر است طوریکه اشاره گردید در محیطی قرار دارم که به هیچگونه وسایل و اسباب لازم دسترسی نبوده و هم وقت کافی برای تحریر و تدوین میسر نمیشد. بعد از اینکه ارجمندانم فضل الحق جان فارغ انستیتوت ملی اداره و مدیریت و محصل سال دوم دانشکده حقوق و علوم سیاسی و فضل الرحمن جان محصل دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه هرات مسوده اثر هذا را حروفچینی و صفحه آرایی نمودند، در محیط کسی را نیافتم که بازخوانی و ویرایش این سطور را به عهده گرفته مشوره و هدایت لازم که ضرورت مبرم بود بدهند و هم در صفحه آرایی، دیزاین و غیره ارجمندانم تجربه و راهنمای نداشتند؛ روی ملحوظات فوق به امید اینکه گرد آوری هایم با وجود کم و کاستی ها و نواقص عدیده که دارد اهل دانش و مسلک و خوانندگان گرامی از روی لطف و بزرگواری خویش خط اغماض کشیده بنده را متوجه گردانند، چون عصر حاضر روزگار بازنگری و نوآوری است؛ زمان تعقل، تفحص و فلسفه است لذا مطالب شرعیه منقول باید به استدلال عقل، علم، فلسفه و مطابق ذوق جدید بیان شود تا سبب هدایت افراد و اشخاص جامعه گردد... بناءً اندیشمندان، علماء و متفکرین جهان اسلام راجع به اعجاز علمی قرآن و برتریهای خارق العاده اسلام نسبت به سایر ادیان با محوریت قرآن پژوهش های گوناگون و تحقیقات علمی قابل ملاحظه و قناعت بخش نموده، آثار و تألیفات با ارزش را به دسترس جامعه بشری بخصوص به مسلمانان قرارداده اند که به مراجعه و مطالعه آنها میتوان دانست که اسلام یگانه دین فراگیر جهانی که منبع علوم اجتماعی، حقوقی، انسانی، فرهنگی و تمدن است، این مطالعات بر مسلمانان معاصر کمک میکند تا فهم روشمند و اندیشه علمی بدست آورده و در ساختن نظم فرهنگی، عقیدوی و اصلاح روش فکری خود قدرت علمی حاصل کنند و جایگاه اصیل و از دست رفته خود را بدست آورند (انشاءالله)

بنده که تلمیذ مبتدی علوم دینی می باشم، قطراتی از بحر بی پایان اعجاز علمی قرآن و شگفتی های آفرینش او و اینکه اسلام یگانه دین برتر است که نسبت به سایر ادیان به فراگرفتن علوم مختلف ارزش زیاد قایل گردیده پیروان خویش را به جنبش، تحرک، عقلانیت و کسب معرفت و مکلف گردانیدن به گشتن در زمین و تأمل در آن و اندیشیدن در آفاق و انفس و کشف مداوم سنت ها و قانون مندی ها و تعامل به آنها در چارچوب علوم مختلف از جمله علوم زیست شناسی و هستی شناسی تشویق و ترغیب نموده؛ گردآوری های نموده ام به امید اینکه نشر و پخش آن برای علاقه مندان و خوانندگان مفید واقع گردیده و الله به لطف بیکران خویش برایم صدقه جاریه گرداند.

در اخیر با ابراز سپاس و امتنان فراوان از اساتید گرانقدر و دانشمند محترم پوهاند «سید عمر منیب»، پوهندوی «داد محمد نذیر» اساتید دانشگاه کابل و مولانا «غلام نبی حنفی» عضو اکادمی علوم افغانستان با وجود مسئولیتها و مصروفیتها و (مشغله های) فراوان مسوده کتاب هذا را مطالعه نموده ضمن راهنمایی ها و هدایات لازم و مفید؛ مطالب و موضوعات آن را ارزنده خواننده و عدهای از علمای دیگر که با حسن نیت خواهان طبع و نشر آن گردیده اند. و جا دارد که از ارجمندم «فضل الحق جان وحید» که در حروفچینی، صفحه آرایی، ویرایش، همکاری در تحریر مقدمه و نتیجه گیری کتاب و سایر امور زحمات فراوان را متقبل گردیده، تشکر نمایم و از بارگاه خالق بی نیاز برایش عمر پر بار، هدایت، علم و عمل، توانائی خدمت بمردم مستحق را خواهانم. اقول قولی هذا والله علی ما نقول وکیل.

با احترام

غلام محمد خیرخواه

معرفی کتاب

سپاس بیکران خدای لایزال را که توفیق عنایت فرمود تا این مجموعه‌ی کوچک تدوین و به زیور چاپ آراسته گردید.

کتاب برتری های اسلام که همین اکنون پیش روی شما قرار دارد، نتیجه سعی و تلاش نگارنده میباشد که خیال این و امثال این مجموعه را از آوان جوانی بسر می پرورانید. بیاد دارم که دایم الاوقات کاغذپاره‌ها و یادداشت‌های نگارنده که حاوی مطالب ارزنده دیگری که شامل این مجموعه نمی‌باشد از یک مکان به مکان دیگری انتقال میشد به امید روزی که جمع آوری گردند و یا اقبال چاپ بیابند.

نگارنده این مجموعه در تدوین اثر هذا بذل مساعی نموده تا عناوین مفید و ارزنده که در پرتو انوار قرآن تبلور یافته و امروز با پیشرفت ساینس و تکنالوژی پرده از اسرار بعضی آنها برداشته را جمع آوری نماید و ثابت نماید که اکتشافات جدید همواره در قرآن تذکر یافته و همچنین سعی بعمل آمده تا از مباحث طویل و تفصیلات مزید که باعث ملالت خاطر خواننده میگردد جلوگیری گردد و درعین زمان کاهش هزینه و حجم کتاب را نیز در قبال خواهد داشت.

بدیهی است که این مجموعه طوریکه از نامش پیداست حاوی عناوینی میباشد که محور اصلی آن را اعجاز علمی و شگفتی های خلقت در عالم تشکیل میدهد.

امروز راهیکه برای ترویج و تقویت فرهنگ اصیل اسلامی، برملا ساختن چهره حقیقی اش، زدودن غبار، برداشتن نقاب و امحای القابی که به اسلام عزیز از طرف دشمنان آن داده شده است برای ما باقی مانده، تنها چنگ زدن به ریسمان خداوند و رسانیدن پیام حق برای بندگان از طرق مختلف و بکار بردن ابزار و وسایل ضروری که درین زمینه ما را یاری و معاونت مینماید و یکی از این راه های مناسب تألیف، تدوین، پخش، نشر و اشاعه کتب و سایر مواد معلوماتی مرتبط به این حوزه وسیع و پهناور به شکل سخت افزار و نرم افزار که موثرت قابل ملاحظه ای دارد، میباشد و از بارگاه ایزد متعال مسئلت دارم که همه مسلمانان را توفیق علم و عمل عنایت فرماید و

برای مسلمین تحرک و جنبش بیشتر نصیب بگرداند تا عزت از دست رفته‌ی خویش را بازیابند، طوریکه در حوزه اخلاق و معنویت پیشگام هستند در حوزه ساینس و تکنالوژی نیز پیشتاز باشند.

قابل ذکر است منابع و مآخذ با ذکر صفحه با امانتداری در لست کتب منابع در اخیر کتاب ذکر گردیده و از شیوه (End Note) استفاده گردیده.

و حال میپردازیم به معرفی مختصر عناوین و فصول کتاب برتریهای اسلام که حاوی چهارده فصل و عناوین گوناگون دیگر میباشد، برای اینکه معرفی فصول و مباحث طولانی نگردد، تنها با ذکر نام فصل‌ها اکتفا می‌نمائیم:

- فصل اول: شگفتی‌های خداوند ﷻ در کاینات.
- فصل دوم: پیدایش حیات در روی زمین .
- فصل سوم: عاقبت جهان و انقباض عظیم.
- فصل چهارم: مراحل خلقت انسان.
- فصل پنجم: تفوق طب.
- فصل ششم: معجزات علمی قرآن در طبیعت.
- فصل هفتم: اعجاز و شگفتی‌های خلقت در حشرات و پرندگان.
- فصل هشتم: اعجاز پیشگوئی در قرآن.
- فصل نهم: اعجاز تاریخی قرآن.
- فصل دهم: اعجاز ریاضی در قرآن‌کریم.
- فصل یازدهم: کمال اعجاز ادبی و تشریحی قرآن.
- فصل دوازدهم: اسلام دین علم تفکر و حجت.
- فصل سیزدهم: اخبار رسالت پیامبر ﷺ در کتابهای آسمانی.
- فصل چهاردهم: معجزات سیرت و پیشگوئی‌های رسول الله ﷺ

بقلم فضل الحق «وحید»

کابل، افغانستان، حوت ۱۳۸۹

مقدمه

ابتدا سازم بنام پاک آن بی ابتدا در ره ادراک او هر عقل را عجز انتها

الحمد لله رب العلمين والعا قبه للمتقين والصلوة والسلام على خاتم الانبياء والمرسلين المبعوث الى كافة الخلق اجمعين و آله واصحابه الدعاء الى الحق والنور واليقين وعلى من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

از مطالعه‌ی تاریخ اسلام و مشاهده‌ی کتب مدون در علوم مختلفه به وسیله علماء و دانشمندان اسلامی، معلوم میگردد که بزرگان دین، امامان، مجتهدین گرامی و مفسرین بزرگ اسلام هرکدام در عصر و زمان خویش به خاطر رهنمائی و هدایت و روشن ساختن اذهان مسلمین و انتشار دین برحق اسلام و ترویج قانون برتر قرآن، زحمات قابل قدر کشیده و اسلام را بصورت زنده به نسل های بعدی خود رسانیده اند، اسلام که سرچشمه همه تمدنها و افتخارات بوده و در آینده خواهد بود، اسلامیکه قانون زندگی و مطابق با فطرت بوده و رو گرداندن از آن جز فرار از خویشستن و افتادن در دام نیروهای شیطانی چیزی دیگری نخواهد بود، چشم پوشی از آن چون پنهان نمودن آفتاب به دو انگشت است؛ اما با کمال تأسف که این حرکت مقدس با گذشت زمان و به اثر عوامل مختلف از جمله محول شدن امور رهبری مسلمانان به دست زمامداران بی خبر از اسلام و قرآن و سوء استفاده آنها از دین بخاطر بقاء و دوام قدرت خود، رو به کندی گرائید و آهسته آهسته به رکود مواجه شد. در نتیجه امت مسلمه از علم و آگاهی، تجدد و ابتکار فاصله گرفته، فرهنگ اصیل خود را کنار گذاشته و از فرهنگ بیگانه بصورت کورکورانه تقلید نمودند که این تقلید ها باعث انتشار اوهام و خرافات و رسم و رواج های نادرست در بین مسلمانان و بنام اسلام گردید.

در اوضاع و احوال گذشته علمای حقانی اسلام با وجود اینکه تعداد شان اندک بوده همچنان به پیشبرد تکلیف شرعی و رسانیدن خالص احکام شرعی تلاش ورزیدند، ولی این تلاش ها به ویژه در قرون معاصر بعد از فروپاشیدن خلافت اسلامی بدست دشمنان اسلام و تجزیه کشور اسلامی به کشورهای متعدد و کوچک که هیچکدام به تنهایی توان دفاع از خود در برابر کفر را ندارند و بعد از اوج گرفتن تهاجم فکری،

فرهنگی جهان کفر و گسترانیدن فرش اوهام و شکوک در باره احکام اسلامی که حتی خداوند، پیامبر و قرآن که اساس ایمان مسلمانان را تشکیل میدهند زیر سوال قرار داده و فکر و ذهن عامه مسلمانان را مغشوش ساختند، کافی به نظر نمی رسد. فلهذا ضرورت مبرم ایجاب مینماید تا همه دانشمندان اسلامی دست بدست هم داده در برابر تهاجم فکری جهان کفر ایستاده و بنیان کفر را که بر جهل استوار است منهدم سازند. آنچه که در عصر حاضر بیشتر از همه مسلمانان را در رفع اوهام و خرافات و دور ساختن شکوک و جلوگیری از تهاجم فرهنگی بیگانگان کمک میکند، توجه جدی به جنبه های علمی و اعجازی قرآن کریم است زیرا اکثراً خرافات امروزی و شک و تشکیک های ایجاد شده در مورد مقدسات دینی به بهانه های علم ترویج گردیده است. امروز هم تعداد زیادی از مسلمانان به علم به مفهوم امروزی آن ایمان آورده اند، همین ایمان به علم است که آنها را به انکار از بعضی چیزهائی که در قالب علم که به زعم شان نمی گنجد وادار ساخته است. با روشن ساختن پایه های علمی قرآن کریم با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی منکران را وادار خواهد ساخت تا به پای تعالیم قرآن و اسلام خاضعانه سر تسلیم فرود آورند.

واقعیت این است که قرآن بحر عمیقست که هیچگاه غواصان اعجازش به عمق واقعی آن نخواهند رسید چون علم و معجزه جاوید خداوند است. علم الله شامل، کامل، فراگیر، بی نقص و مصئون از خطاست، هرچند در معانی و مفاهیمش تحقیق، تدبر و پژوهش مکرر صورت گیرد مفهوم و نتایج نو و تازه بدست می آید، نسل های بشری یکی پی دیگری به مفهوم و اعجاز آن پی خواهند برد. در رابطه به اعجاز علمی قرآن کریم در عصر حاضر کتب متعدد به رشته تحریر آورده شده، ولی مقتضای زمان ایجاب مینماید تا تحقیقات علمی در باره فنون و علوم قرآنی هر چه بیشتر صورت گیرد و آثار مکتوب بیشتری بصورت سخت افزار و نرم افزار با شیوه های متداول عصری در خدمت مسلمانان و غیر مسلمانان قرار گیرد تا همه افراد انسانی از تعالیم نجات بخش قرآن کریم مستفید گردیده و بوجود الله متعال و حقانیت اسلام و قرآن یقین حاصل نموده و راه سعادت ابدی را تعقیب نمایند.

بنابر عوامل فوق و احساس خدمت گذاری به اسلام و علاقه مندی خاص که به اعجاز علمی قرآن کریم داشتم، خواستم تا رساله‌یی را تحت عنوان «برتریهای اسلام در اعجاز علمی کلام رحمان» به رشته تحریر در آورم و خدمتی (هر چند اندک) در راه اسلام و در جهت انتشار علوم قرآن انجام دهم.

از خداوند منان خاضعانه تقاضا دارم که توفیق علم، فهم، پیروی و عمل به قرآن را برای من و سایر مسلمین اعطا فرماید و غبار ریا، تزویر، خود پسندی و وسوسه شیطانی را از ما دور نماید، اثر تدوین شده ام را از جمله باقیات صالحاتم قرار دهد و به تو پناه می‌آورم ای پناه بی پناهان و اخیر دعوانا ان الحمد لله رب العلمین.

حاجی غلام محمد خیرخواه

جمعه شب ۶ حوت ۱۳۸۹ مطابق ۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۲

مرکز ولسوالی تولک، ولایت غور.

اعجاز علمی قرآن

خداوند تبارک و تعالی در کلام خویش به بعضی از آیات موجود در هستی اشاره نموده و در آنها به بیان برخی از حقایق طبیعت پرداخته که مردم از وجود شان بیخبر بوده اند، حقایقی که حتی عده‌ای از فیلسوفان و فزیکدانان گذشته وجود برخی یا همه آن حقایق را انکار نموده اند و علت انکار شان این بوده که در آراء، نظریات، ملاحظات و تفسیرات شان پیرامون هستی دچار خطاء و اشتباه شده و تصویری دور از حقیقت را از آن ارایه کرده بودند، سپس بحث و بررسی های علمی کم کم پیشرفت کرد و تحقیقات پیشرفته تری صورت گرفت تا سرانجام به کشف حقایق منجر گشت که قرآن به صراحت یا به صورت ضمنی در عباراتش به آنها اشاره نموده، دیدیم دست آوردهای که بطور حتمی و یقین از راه علمی به آنها دست یافته شده مطابق با بیانات آشکار و یا ضمنی قرآن است، که این امر غیر قابل انکار دلالت بر آن میکند که در حقیقت قرآن کلام خداست، زیرا هیچ انسانی در زمان نزول آن و بعد از آن نیز از وجود چنین حقایقی علمی، علم و شناختی نداشته تا اینکه پس از مدت زمانی بیشتر از ده قرن بعد از نزول قرآن؛ توسط پژوهشگران، فیلسوفان و دانشمندان یکی بعد دیگری کشف گردید، بخصوص در صد سال اخیر که صنعت و تکنالوجی علم جدید که در رشته های مختلف به اوج ترقی خود رسید حقایق معجزات و خارق العاده بودن قرآن آشکارتر گردید و انشاءالله پیشرفت‌ها در علوم مختلف هرچه بیشتر گردد، تفوق و رازهای نهفته قرآن واضح تر خواهند گشت که این واقعیت ها یکی از معجزات خارق العاده قرآن عظیم الشان است که خود دلیل نازل شدنش از سوی آفریننده برتر که درک آن از فهم و عقل بشر ناتوان است خارج و اوست که رازهای بزرگ و کوچک، پنهان و آشکار این جهان پهناور حال و آینده آن آگاه می‌باشد. (۲۷: ص ۳۷۱)

به همین جهت کسانی که به خدا و کتاب اعجازی و خارق العاده آن ایمان دارند، آراء و نظریات فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی را که مخالف با مضمون آیات و سوره های قرآن کریم باشند رد نموده از پذیرفتن شان سر باز می‌زنند، زیرا میدانند که

آفریدگار نازنین هستی بر تمام امور مربوط به آن آگاه است، امکان ندارد چیزی در کتابش نازل فرماید مگر آنکه حقیقت داشته و مطابق با واقع نیز باشد. اگر احیاناً آنچه پژوهشگران علوم طبیعی در مخالفت و تعارض با قرآن بدان دست یافته اند، مطابق با حقیقت و واقعیت ببینند احتمال میدهند که فهم و برداشت خودشان از نصوص قرآن در این مورد خطاء و اشتباه بوده لذا سعی می‌کنند با فهم دقیق تر برداشت صحی و مطابق با واقع از آن داشته باشند.

صاحبان فکر و اندیشه در عصر حاضر عنوان «اعجاز علمی قرآن» را بر این پدیده با معجزه قرآن نهاده اند، بمنظور حقانیت این مقوله اعجاز قرآن و مطابقت آن با علم و کشفیات علم در چند موارد به قدر توان بشری اندکی که داشتیم جمع بندی نموده امید است مفید واقع گردد و هم باید تذکر داد که واقعاً اگر در بحر بی پایان قرآن با سلاح علم غواصی گردد از بحر پهناور آن می‌شود قطره‌های بدست آورد و با پیشرفت و ترقیات علوم گنج ها و رازهای نهفته آن یکی بعد از دیگری پدیدار خواهد گردید، از جمله رازها و اعجاز بیشمار علمی که در قرآن هست، مقدار اندکی در این کتاب جمع خواهد گردید، امید است نسل جوان مسلمان بخصوص تحصیل کرده‌های حال و آینده با دانش، رأی و تدبیر و با مطالعه این کتاب و کتاب های ارزنده تر و علمی تر دیگر که در این مورد علما و دانشمندان به رشته تحریر درآورده‌اند و می‌آورند مطالعه بیشتر نمایند، تا با علم و اعجاز بی انتهای قرآن واقف گردیده و با دانستن حقایق و دانستنیها و عقیده مستحکم و باسلاح علم و دانش و فهم استدلال نقلی، عقلی و علمی در مقابل عقاید باطل، لادینی ها، خرافات، مبشرین نصرانیت و ملحدین ماده‌پرست و تهاجم فرهنگ‌های بی‌بندوبار بیگانه و سایر عقاید باطل شرکی استوار، پایدار و جانانه مبارزه و مجاهده نمایند و به امید آنروز که بیداری مسلمانان جهان و عرضه نمودن و رسانیدن اعجاز علمی قرآن و اسلام به جهانیان و رسیدن و برملاشدن حقایق اسلام به آنها.

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ رابه چشم سر مشاهده

نمائیم، انشاءالله

فصل اول (سگفتی های خداوند در کاینات)

عظمت عالم و کاینات:

خدای که در خرگه آسمان
به بالای ایوان، نگارین سپهر
زمین آفرید و مه و کهکشان
به گیتی برینش درخشنده مهر
کنار ره شیری کهکشانی
هزاران آبر اختر آتشفشان

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي

الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ «بی تردید در آفرینش آسمانها و زمین و توالی شب و روز برای

خردمندان نشانه‌هایی وجود دارد» [آل عمران، آیه ۱۹۰]

وای برکسی که آن را بخواند اما در آن تدبر نکند.

در حدیث صحیح ابن حبان به نقل از اعطا بروایت عایشه (رض) آمده است که:

«پیامبر ﷺ شبی که نوبت من بود نزد آمد و گفت ای عایشه بگذار که امشب را به

عبادت پروردگارم بپردازم، سپس بطرف مشک آب رفت، وضوء گرفت و به نماز ایستاد،

آنقدر گریست که محاسن ایشان تر شد، سپس سجده کرد آنقدر گریست که زمین تر

شد، آنگاه به پهلو دراز کشید تا اینکه بلال ﷺ آمد که فرارسیدن صبح را به ما اطلاع

دهد؛ با دیدن اشک پیامبر ﷺ پرسید؛ چه چیز باعث گریستن شما شده است؟! گفت:

ای بلال وای بر تو چگونه گریه نکنم در حالی که امشب این آیهی مبارکه بر من نازل

شده است». و بروایت قضای ذهبی از پیامبر روایت شده که پرودگارم بمن امر فرموده

که سکوتم با تفکر، گفتارم با ذکر، نگاهم با عبرت همراه باشد. خداوند که آسمان و

زمین را به حق آفریده است می‌فرماید: سُرِّيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ

حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ «ما به آنانی که (منکر اسلام و قرآن اند) هر چه زودتر

دلایل و نشانه های خود را در اقطار و نواحی آسمانها و زمین (جهان کبیر) و در

داخل و درون خود شان (جهان صغیر) به آنان (منکران اسلام و قرآن) نشان خواهیم داد؛ تا برایشان روشن و آشکار شود که اسلام و قرآن حق است» [فصلت، آیه ۵۳]

لازم است بطور اختصار، یافته های علمی دانشمندان راجع به هستی را که با وسایل پیشرفته عصر حاضر به آنان دست یافته اند یادآوری کنیم. در روایتی آمده است که تعداد ستاره گان در آسمان به اندازه و تعداد دانه های شن و ماسه است، در گذشته دانشمندان کیهان شناس، تعداد ستاره گان را در حدود هزارها ستاره، برآورد می کردند، پس از آن ترقی و پیشرفت ابزار و وسایل از میلیون ها ستاره سخن راندند، پس از مدتی ملیاردها یعنی هزاران میلیون و امروز تعداد ستاره گان در کهکشان راه شیری با استفاده از تلسکوپ های عظیم در حدود سی میلیارد ستاره برآورد کرده اند و میدانیم که این کهکشان از لحاظ حجم متوسط است و خود جزئی از صدها میلیارد کهکشان است که تعداد واقعی آنها را فقط خداوند توانا و دانا میداند که چه نیکو فرموده است:

مِنْ فُرُوجٍ ﴿٦﴾ «آیا آنان تا کنون سربلند نکرده اند و به آسمان ها نگریسته اند که ما چگونه آنها بنا کرده ایم و آراسته ایم و هیچ گونه خلل و شکافی در آن نیست» [ق، آیه ۶]

این تعداد ستاره گان بود؛ چه رسد به حجم آنان، می دانیم که حجم زمین یک میلیون کیلومتر مکعب و خورشید ۱،۰۰۰،۰۰۰ برابر زمین است و فاصله میان آنها ۱۵۶،۰۰۰،۰۰۰ کیلومتر است و یکی از ستاره گان برج عقرب به اندازه ای بزرگ است که گنجایش زمین و خورشید و فاصله میان آنها را دارد و ستاره دیگری بنام (منکب الجوزا) صد میلیون بار از زمین بزرگتر است با دانستن چنین مسائلی به عظمت فرموده خداوند ﷻ پی می بریم که می فرماید: وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ

﴿٤٧﴾ «ما آسمان را به قدرت بنا ساخته ایم و همواره آن را وسعت می بخشیم»

[آیات، آیه ۴۷]

فاصله میان ستاره گان را با سال نوری اندازه گیری می‌کنند؛ نور در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر یعنی در هر سال ده تریلیون کیلومتر فاصله را طی می‌کند، جالب است بدانیم ماه فقط به اندازه یک ثانیه و خورشید هم به اندازه هشت دقیقه و هفده ثانیه نوری با ما فاصله دارد، قطر منظومه شمسی بیشتر از سیزده ساعت نوری نیست، نزدیک ترین سیاره نوری با زمین چهار سال نوری فاصله دارد، برای درک مسافت چهار سال نوری باید بگوئیم که اگر با سواری سرعت ماشین های زمینی برابر باشد سفر ما، تقریباً ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ سال طول می‌کشد یعنی چهار سال نوری.

حال در مورد سحابی مارپیچی $m33$ که میلیونها سال نوری از ما فاصله دارد و یا درباره کهکشان‌ی که اخیراً کشف شده، بیست میلیارد سال نوری فاصله دارد چه بگوئیم «آیا خالق این همه کائنات عظیم ماده است؟ و خود بخود بوجود آمده؟ با همه نظم و قوانین منظم که دارد؟!»

حقیقتاً خداوند جل جلاله چه نیکو فرموده است: **فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ** 

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَتَّعْلَمُونَ عَظِيمٌ  «قسم به جایگاه ها و محل طلوع و غروب ستاره گان و (این قطعاً سوگند بزرگی است (اگر درباره مفهوم آن بیاندیشید و از علم نجوم و ستاره شناسی چیزی بدانید) [واقعه آیات ۷۵-۷۶]. (۲۸: ص ۳۹) در کتاب عجایب فضا و کهکشان ها، کهکشان‌ها را چنین تعریف کرده است: «کهکشان به مجموعه‌ای از ستاره گان، گاز و غبار گفته می‌شود که با نیروی جاذبه کنار هم نگهداشته شده اند». کوچکترین کهکشان ها دارای عرض برابر با چند صد سال نوری هستند و بزرگترین کهکشان ها تا سه صد میلیون سال نوری عرض دارند و شامل هزار میلیارد ستاره هستند، اشکال کهکشان ها بر اساس و شیوه طبقه بندی می‌شوند، بر اساس طبقه بندی‌ای که ستاره شناس امریکایی «ادوین هابل» طرح کرده است. در مورد کهکشان ها اطلاعات قطعی کمی در دست است، تنها مطلب مورد اطمینان اینست که کهکشان ها میلیاردها سال پیش به شکل توده ای از ابرهای گازی و غبار بوجود آمده اند که به چند طبقه تقسیم بندی می‌شوند که از بحث ما خارج است. (۲۱: ص ۴۸)

قرآن کریم پیش از یکهزار و چهارصد سال در سوره فصلت آیه ۱۱ می‌فرماید: **ثُمَّ**

أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ «و آنگاه توجه نمود به آسمان ها که دود بود»

اما امروز دانشمندان به کمک علم و تکنولوژی به این حقیقت پی می‌برند.

در میان مردم هندوستان و چین ضرب المثلی وجود دارد که می‌گویند: «دنیا فقط تا جایی است که بشر بتواند آنرا پای پیاده در نوردد». بزبان ستاره شناسان می‌توان گفت که جهان فقط تا جایی است که تلسکوپ‌های ما می‌توانند آنرا ببینند، جهان مشاهده شده بخشی از کل جهان است که هزاران میلیون پارمیک در فضا، هزاران میلیون سال زمان را در بر گرفته که به روی مشاهده ساختمان بزرگ، محتوا و تکامل جهان از تجهیزات عظیم و روش های ماهرانه استفاده می‌شود، ممکن با پیشرفت زیادتر رازهای نهفته‌ی دیگر خداوند متعال ﷻ برملا گردد که باعث تقویت ایمان و عقیده جویندگان راه هدایت و حقیقت گردد، انشاءالله.

آنچه بطور اختصار شمه‌ای از عجائب هستی بود بیان شد. و اگر از نحوه حرکت ستاره گان، سرعت بالای آنها، مدارهای بزرگ استحکام، قدرت نورپردازی، تعادل در حرکت و نیروی جاذبه میان آنها سخن گفته شود سخن به درازا می‌کشد، همین که ناتوانی خویش را از درک هستی پی ببریم نشان فهم است و هم اشارات قرآن کریم به عظمت کائنات و تفکر و تعقل (به آن) و احادیث ذکر شده که خداوند متعال بهترین بنده و رسول و فرستاده خویش را از آفرینش این دنیای پهناور و هستی بزرگ عالم با خبر می‌گرداند باعث حیرت و خشوع و خضوع آن می‌گردد

دانشمندان از خدا بیشتر می‌ترسند:

إِنَّمَا خَشِيَ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﷻ «و از میان شما مردان دانا مطیع و

خدا ترس اند» [فاطر، آیه ۲۸]

دانشمند هندی «دکتور عنایت‌الله» می‌گوید: روز یکشنبه ۱۹۰۹ برای ضرورت از خانه بیرون رفتم، در دروازه خانه با ستاره شناس مشهور «سر جیمز جنیز» استاد

پوهنتون کمبریج که بطرف کلیسا می‌رفت رو برو شدم، من گامی نزدیک شدم، سلام نمودم اما او سلامم را جوابی نداد؛ مجدداً سلام خود را تکرار کردم، از من پرسید؛ از من چه می‌خواهی؟ گفتم شخصیتی چون شما که شهرت علمی تان در جهان آوازه است چگونه طرف کلیسا می‌روید؟ در برابر سوالم توقفی کرد و گفت فردا به انتظار توام جای با من صرف خواهی کرد، فردا وقتی بخانه آن رفتم، خانم جیمز گفت استاد منتظر شما هستید، داخل اتاق شدم چای آماده بود، استاد غرق تفکر و اندیشه بود، بطرف من دید و گفت سوال خود را تکرار کن، ولی پیش از آنکه به سوال من متوجه گردد از تشکل اجرام سماوی و نظام حیرت آور آن، ابعاد و فواصل لایتناهی، طرق مدارات، جاذبیت و طوفان انوارها قصه نمود. وقتی متوجه جیمز گردیدم او حالت دیگری داشت، موهای سرش برخاسته و اشک از چشمانش جاری بود و دست هایش از خوف خداوند ﷻ می‌لرزید، ناگهان به جای خود ایستاد شد و گفت: خداوندا! وقتی به زیبایی‌ها و جهان حیرت‌آور تو می‌بینم وجودم از جلال تو بخود می‌لرزد، وقتی در برابر خداوند به رکوع می‌روم و می‌گویم بار خدایا تو بزرگی می‌بینم که تمام اجزای وجودم مرا درین دعا همراهی میکند و من آرامش و سعادت بزرگی را احساس می‌کنم، چنان سعادت را که بلندتر و هزار مرتبه بزرگتر و بیشتر از سعادت دیگران است، آیا فهمیدی عنایت الله خان که چرا به کلیسا می‌روم؟!

من گفتم استاد من! سخنان شما انقلابی را در مغز من تولید نمود و شما از تفاضل علمی که برایم ارایه نمودید، بیشتر از من متأثر گردیده اید، آیا اجازه است که در مورد صحبت شما آیه‌ای را از کتاب مقدس قرآن برایت بخوانم؟. با اشاره سر تأیید نمود، مرا گفت بخوان؛ با همه سرور و خوشی میخواندم:

وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَعَرَابِيٌّ سُودٌ ﴿٦٧﴾

وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا تَخْشَى

اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﴿٦٨﴾ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٦٩﴾ «و در زمین کوه‌ها طرق

زیاد و اصناف رنگ‌های مختلف سفید، سرخ و سیاه خلق فرموده و از اصناف مردم و

اجناس جنبندگان و حیوانات نیز رنگهای مختلف آفریده همین گونه بنده گان هم مختلف اند. و از میان اصناف بندگان تنها مردان دانا مطیع و خداترس اند» [فاطر، آیات ۲۷-۲۸]

جیمز نعره‌ای بلند زد و گفت: چه گفتی؟ در میان بندگان خداوند، علما بیشتر از خدا خوف دارند؟ عجیب است، جداً عجیب است؛ من بعد از ۵۰ سال تحقیق و تتبع سخنی را از پیام محمد ﷺ کشف می‌کنم، آیا حقیقتاً چیزیکه فرمودید آیتی از قرآن است؟ اگر سخن همین گونه باشد پس از طرف من این شهادت را بنویس که قرآن کتابی است که از جانب خداوند وحی گردیده است و علاوه نمود که محمد ﷺ امی بوده و ممکن نیست که این سیر را خودش کشف کرده باشد و الله ذاتی است که محمد ﷺ را از این سیر خبر داده است (۱۶: ص ۲۱۰)

آسمان برگشت کننده:

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿۱۱﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿۱۲﴾ «قسم به آسمان برگرداننده‌ی (امواج رادیویی و بخار آب به شکل برف و باران) و سوگند به زمین شکاف بردار (در برابر قدرت و حرکت گیاهان و ریشه دوانی آنها و یا بر اثر عوامل دیگر)» [طارق آیات ۱۱، ۱۲]

لغت (رجع) به معنی برگشت و دوباره فرستادن است، جوّ زمین متشکل از طبقاتی است، هر طبقه وظایف مهم و حیاتی برای زمین است. تحقیقات نشان داده که یکی از آن وظیفه‌ها انعکاس یا برگردانیدن است که اشعه و سایر چیزهای را که از فضا به سوی زمین می‌آید دوباره به فضا برگردانیده و آنچه از زمین می‌آید دوباره به طرف زمین برمی‌گرداند. به طور مثال «تروپوسفر» در فاصله سیزده الی پانزده کیلومتری، آب را که از سطح زمین به هوا می‌رود متکاثف به آب تبدیل نموده به شکل باران بر می‌گردد.

اشعه مضره ماورای بنفش را در ارتفاع ۲۵ کیلومتری ستراتوسفر طبقه اوزون به فضا برمی‌گرداند.

طبقه آیونوسفیر تمام امواج رادیویی را که از زمین پخش می‌شود به نقاط مختلف زمین بر می‌گرداند، یعنی مثل یک قمر مصنوعی برای رادیو کار میکند، این طبقه ارتباط رادیو، بیسیم، تلویزیون را در مسافه‌های طویل امکان پذیر می‌سازد.

طبقه مقناطیسی: ذرات مضره شعاعی رسیده از آفتاب و دیگر ستاره‌ها را بعقب می‌زند. این حقایق در قرن بیست کشف شد، آفریدگار هستی که آسمان را برگرداننده توصیف می‌کند هر قدر که علم پیشرفت میکند، حقایق جدید می‌آید و این تعریف معجزه آمیز را تائید می‌کند. (۳۲: ص ۳۳)

ماه در مدار خود به دور زمین می‌چرخد پس از یک دور دوباره به مکان اولی خود برمی‌گردد. خورشید که نسبت به محور خود در گردش است پس از هر بار گردش دوباره به مکان اصلی خود باز می‌گردد. ستاره‌گان دنباله دار از جمله ستاره‌ای که در سال ۱۹۱۰ میلادی از کنار زمین عبور کرد در سال ۱۹۸۶ دو باره باز گشت و هر بار گردش این ستاره به دور زمین ۷۶ سال طول می‌کشد پس می‌بینیم که زمین، ماه، خورشید و ستاره‌های دنباله دار و هر چه که در مدارهای بیضوی شکل یا دایره‌ای هستی قرار دارند دور می‌زنند و بر می‌گردند اینک پروردگار آسمان را باین کلمه «ذَاتِ الرَّجْعِ» وصف نموده کاملاً حقیقت است.

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿۱۱﴾ «سوگند به زمین شکاف بردار» می‌دانیم که همه قاره‌های کنونی زمانی به هم متصل بوده و سپس شکاف برداشته و از هم جدا شده‌اند کوه‌ها، سنگها و اجزای کوچک نیز شکاف برمی‌دارند. (۲۸: ص ۴۲)

طبقات جو زمین یا هفت آسمان:

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا «آنکه هفت آسمان را بالای یکدیگر و

هم‌آهنگ آفرید» [ملک، آیه ۳]

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ ۗ «پس به آسمانها توجه

نموده و آن را به قسم هفت آسمان تنظیم کرد» [بقره، آیه ۲۹]

لغت (سَمَوَاتٍ) به معنای آسمانهای بالای زمین و هم به معنی کاینات بکار رفته است، از آیه فوق استنباط می‌گردد که آسمان یا جوّ زمین متشکل از هفت طبقه است، که علوم امروزی نیز طبقات مختلف جوّ یا آسمان را تثبیت نموده است که هر یک از طبقات جوّی از نظر خصوصیات فیزیکی، نوع گازات و وظایف از همدیگر فرق دارند، که هفت طبقه مذکور را همراه با وظایف شان ساینس امروزی از هم مجزاً نموده است.

وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا ۗ «به هر آسمان وظیفه سپرده شده» [فصلت،

آیه ۱۲]

هر یک از این طبقات برای حیات روی زمین وظایف بسیار مهم دارند مثل ساختن باران، جلوگیری از اشعه مضره و...

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ﴿۱۵﴾ «آیا نمی‌دانی چگونه

خداوند هفت آسمان را یکپارچه بالای دیگری آفریده است» [نوح، آیه ۱۵] لغت (طِبَاقًا) جمع طبقه، بخوبی نشان می‌دهد که هر قشر منظمی یکی بالای دیگری قرار

دارد. مطمئناً که منظور از آسمانهای دارای هفت طبقه، جوّ زمین است و علم امروزی هم ثابت نمود که آسمان نیلگون همان جوّ زمین با طبقات مختلف که صدها سال قبل در قرآن ذکر گردیده است (۳۲: ص ۳۲)

دانشمندان فضاشناسی می‌گویند:

طبقه اول: همان طبقه پائین است که پرنده گان و سایر مخلوقات زنده در آن زندگی می‌کنند که از چند لایه تشکیل شده و در حال دگرگونی و تغییر است. تبدیل

به حالت گرما، سرما، ابری، بارانی که این تغییرات مبنای اخبار هواشناسی است ارتفاع آن به شانزده کیلومتر می‌رسد.

طبقه دوم: که در آن ذرات گوگرد به صورت گاز وجود دارد و در بارورساختن ابرها و تسهیل باران‌زائی نقش اساسی دارند؛ اگر این طبقه وجود نمی‌داشت باران نمی‌بارید و حیات در روی زمین ایجاد نمی‌شد. در همین طبقه اکسیژن سه طبقه‌ای است این طبقه اشعه ماوراء بنفش را که برای انسان خیلی مضر و خطرناک است بخود جذب می‌کند، این اشعه از خورشید صادر می‌شود اما طبقه اوزون مانع عبور آن به سوی زمین می‌شود، به جز مقدار اندکی که آنهم برای نابودی برخی از میکروب‌های کشنده در بدن حیوانات است.

طبقه سوم: شبیه یک تنور هسته ای و بسیار پر حرارت است، اگر این طبقه نبود سنگها و اجرام آسمانی با زمین برخورد می‌کردند و آن را نابود می‌ساختند. این طبقه هر چیز را ذوب می‌کند از جمله شهاب سنگ‌ها، فلزات، ستاره‌های کوچک و پاره‌سنگ‌های که همه این‌ها قبل از رسیدن به زمین چنان آتش گرفته و ذوب می‌شوند که جز خاکستر از آنها باقی نمی‌ماند. وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا «و

آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم» [انبیاء، آیه ۳۲]

مطالعات قرن بیستم، این صفت آسمان را کشف نموده که جوّ زمین وظیفه اساسی برای بقای حیات دارد. طوری که ذکر گردید اشعه مضره آفتاب را فلتر می‌نماید در حالیکه آن قسمت اشعه که برای حیات مفید و لازم است اجازه می‌دهد و... (۲۸: ص ۴۲)

طبقه چهارم: همان طبقه یوتسفیر است با بار الکتریکی با قشرهای مختلف خود، در فاصله ۸ کیلومتری و بالاتر از طبقه ماگتوسفیر قرار دارد که این طبقه در معرض اشعه‌های خورشید بویژه اشعه فرابنفش قرار دارد و در شکسته شدن اتم‌های اکسیژن و نیوتروجن نقش دارد بالآخره در واقع روش ارسال امواج رادیویی از قاره‌ای به قاره‌ی دیگر را در تمام جهان تسهیل می‌کند.

طبقه پنجم: که از ارتفاع ۱۰۰۰ تا ۶۵۰۰۰ کیلو متری زمین ادامه دارد، هوا با افزایش ارتفاع به شدت کمیاب می‌شود، پس هوای اطراف زمین تقریباً تا ۶۵ هزار کیلومتری وجود دارد. طبقه پنجم همه چیز را می‌سوزاند و دمای آن بالاتر از هزار درجه می‌رسد حتی آهن را ذوب می‌کند.

طبقه ششم: فضای قابل رؤیت که در آن هزاران کهکشان وجود دارد و کهکشان راه شیری یکی از آنها است.

طبقه هفتم: فضای بی‌نهایت که پیوسته در حال توسعه است، داکتر طارق سویدنی می‌گوید: در غرب کتابی تحت نام (جهان ماوراء) خواندم که نوشته بود در مرحله انفجار بزرگ «Big Bang» که کاینات از هم جدا شده، جهان به هفت بخش و یا به هفت آسمان تقسیم شد، این سخن گفته‌ی یک غیرمسلمان است که هیچ ایمانی به قرآن ندارد و حتی از آن هم بی‌خبر است. لذا شایسته است که محققان قرآن را رهنمای خود قرار دهند چون آنچه درباره علم می‌گویند اصالت دارد. گرچه در ابتدا به نظر می‌رسید با علم در تضاد است ولی در آینده که علم پیشرفت خواهد نمود می‌بینیم که تضاد مذکور ناشی از نقص علم است نه قرآن (ص ۳۲: ص ۳۳)

تعالل مطلق جهان:

مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوُّتٍ ۖ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن

فُطُورٍ ﴿۲۰﴾ «اصلاً در آفرینش زمین و آفریده‌های خداوند مهربان خلل و تضاد و عدم

تناسبی نمی‌بینی، پس پر برکت و زوال ناپذیر است»

میلیونها ستاره و کهکشان‌های عالم در حال تعادل مطلق در مسیر خویش حرکت دارند. ستاره‌ها، سیاره‌ها و قمرها نه تنها بدور خود بلکه یکجا با هم بدور یک سیستم که جزء آنند نیز در حرکت اند. بعضاً صد تا سه صد ملیارد ستاره در مسیرهای متقاطع در حرکت می‌باشند. جای تعجب است که هیچ تصادمی صورت نمی‌گیرد که باعث تخریبات در عالم گردد، این معجزه بزرگتر از آن است که ما بتوانیم بیان کنیم.

وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا ﴿٢﴾ «همه موجودات را خلق کرد به

حکمت کامل خود حد و قدر هر چیز را معین نموده است» [فرقان، آیه ۲]

فلسفه ماتریالیست و فرضیه داروین که ادعا نمودند که تمام سیستم‌ها در طبیعت و جهان مثل یک ماشین خود بخود بوجود آمده است، علماً غلط ثابت شد. اکتشافات اخیر قرن بیست در عرصه علم نجوم و بیولوژی ثابت نمود که جهان و حیات هر دو آفریده شده است. اکتشافات اخیر نشان داد که یک توازن بسیار لطیف در جهان مادی وجود دارد که طبیعت بی اساس ماتریالیزم را رد می‌کند.

منجم و فزیک دان انگلیسی «پروفیسور جورج ایس» می‌گوید: توازن با لطافت حیرت آوری در قوانین، وقوع این جهان را ممکن می‌سازد؛ با دانستن درجه پیچیدگی آنچه انجام یافته، بسیار مشکل است که هستی جهان را یک معجزه نگوئیم.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾ «و از

الله است آنچه در آسمان و زمین است و همه کارها به الله راجع می‌شود» [آل عمران، آیه ۱۰۹]

قوای چهارگانه: تمام کاینات در جهان مرهون عملکردها و توازن چهار قوه است که توسط فزیک معاصر تثبیت شده است. قوه ثقل، قوه الکترومغناطیسی، قوه ضعیف هستوی، که ارزش‌های فوق العاده متفاوت از همدیگر دارند. واضحاً اگر یکی از این قوه‌ها اندازه فوق العاده دقیق خود را نمی‌داشت نه ستاره، نه سیاره، نه اتمی و نه حیاتی وجود میداشت. (۳۲: ص ۱۶)

وجود تاریکی در فضای خارج از جو:

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿١٠٤﴾ لَقَالُوا إِنَّمَا

سُكَّرَتْ أَبْصَرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ ﴿١٠٥﴾ «اگر فرضاً دری از آسمان به روی

آنان بگشائیم و آنها از آنجا شروع به بالارفتن کنند، بی گمان خواهند گفت حتماً ما را

چشم بندی کرده اند و بلکه جادو کرده‌اند و به همین دلیل اشیاء را اشتباه می‌بینیم»
[حجر، آیات ۱۴، ۱۵]

یکی از دانشمندان فضاشناس در دیدار از ایستگاه پرتاب سفینه های فضائی در یکی از کشورهای پیشرفته بیان می‌دارد: «پیش از دیدار من سفینه را به فضا پرتاب کرده، در تماس مداوم به آنان بوده‌اند، در یکی از تماس ها رئیس فضاپیما با مرکز تماس گرفته، اعلام داشت اکنون هیچ چیز را نمی بینیم. در حالیکه سفینه در روشنائی روز پرتاب شده بود. پس از اندک مدتی سفینه از لایه‌ی جوّ خارج شده به منطقه‌ی خلا رسیده بود (که کاملاً تاریک است). رئیس گروه دوباره تماس گرفته و تأکید نمود که هیچ چیز را نمی‌بینیم (گویا کور شده‌ایم). (۲۸: ص ۴۸)

دانشمند، مؤلف و مترجم گرامی عبدالعزیز سلیمی، باری در پروگرام اعجاز قرآن که از تلویزیون نور پخش می‌شد، در ارتباط به همین موضوع گفت که فضانورد روسی به فضا رفته بود و جریان سفر خویش را لحظه‌وار برای ایستگاه خویش مخابره می‌نمود وی گفته بود «کور شده‌ایم یا دیوانه» آنچه رئیس گروه فضانوردان بیان کرد و فضانورد روسی متذکر شد که «کور شده‌ایم یا دیوانه» آنها نقل قول از قرآن نکرده اند و از بیان قرآن هم آگاهی نداشتند، قرآن ۱۴۰۰ سال قبل موضوع را واضح ساخت و این اتفاق حدود بیست سال قبل بوقوع پیوست که انسان پوسته و جوّ زمین را شناخت و در آن نفوذ کرد و پی برد که فضای خارجی جوّ زمین کاملاً تاریک است. آیا این دلیل قاطع بر این نیست که قرآن کلام آفریدگار انسان، عالم و جهان شگفت‌آور است؟

روزی که مردم این آیه را شنیدند؛ پنداشتند که این بیان قرآنی صرفاً جنبه تشبیهی دارد، منظور از صعود مجازی است نه حقیقی، واقعیت اینست که این آیه یک پیشگوئی است که بعد از گذشت قرن‌ها اکنون تحقق یافته است، این عارضه با دور شدن بیشتر از سطح زمین شدت بیشتر یافته است تا جائیکه شخص دچار خونریزی بینی یا دهان شده و در مدت کوتاهی می‌میرد، عدم آگاهی از این پدیده‌ی علمی که قرآن به آن اشاره فرموده است، باعث قربانی شدن افراد زیادی قبل از پیدایش بالن هواپیما گردید، ولی در هواپیماهای مدرن دستگاه‌های مدرن کنترل فشار و اکسیجن جاسازی

شده است. وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾

«خداوند این گونه مثال‌های واضح را برای تذکر مردم می‌آورد» [ابراهیم، آیه ۲۵]
 حضرت عباس رضی الله عنه در تفسیر این آیه می‌فرماید: «هرگاه شما خواستید که بدانید در
 آسمانها و زمین چیست، پس علم حاصل کنید و شما از آن چیزی فهمیده نمی‌توانید
 مگر از طریق برهان از جانب خدا در دنیا»

تحقیقات فضائی^۱

پیشگویی و توجه قرآن بر تصرف و آماده کردن اسباب جهت رسیدن به کرات
 دیگر.

خالق عالم در مورد امکان مسافرت‌های فضائی بشر و مورد حمله قرار گرفتن به
 وسیله شعله‌های بی دودی از آتش مخصوص، ۱۴ قرن پیش در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره
 رحمن چنین فرموده است:

يَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنْ أَسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَتَفَدُّوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ فَأَنْفُدُوا لَا تَتَفَدُّونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ ﴿٣٤﴾ «ای گروه جن و انسان، اگر
 می‌توانید به اطراف آسمانها و زمین نفوذ کنید، نمی‌توانید نفوذ کنید مگر بوسیله
 مخصوص»

لغت «سلطان» صلاحیت واضح ترجمه شده و بمعنی نیرو، قانون، مسیر، خارج
 شدن، استدلال، حاکمیت و سلطنت نیز می‌باشد. خداوند متعال به ما دستور می‌دهد

^۱ - لیس للجن و لا للإنس ان تنفذوا من حبس أقطار الزمن
 لا نفوذ الأسلطان الهدی من تجاوزيف السموات العلی
 لا هدی الا بسلطان یقی من هراس الشئب روح المتیقی

که به کرات دیگر نفوذ کنیم و باز می‌فرماید نمی‌توانید نفوذ کنید مگر این که توانایی علمی داشته باشید و این توانایی را ما امروز به وسیله علم فزیک به دست می‌آوریم و بدین وسیله می‌توانیم به کرات سماوی نفوذ کنیم. و باز قرآن در جای دیگر می‌فرماید «بر شما دو شعله از آتش مخصوص و هم دودی مخصوص می‌فرستد، پس شما یاری نخواهید شد»

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَحُاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ «شعله‌هایی از

آتش و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می‌شود و نمی‌توانید از کسی یاری بطلبید» [رحمن، آیه ۳۵]

«شُواظٌ» شعله، «حُاسٌ» مس گداخته با دود، که دود و شعله مخصوص بوسیله

اولین قمر مصنوعی شوروی گزارش داده شد که در میان راه دو خطر است: یکی شعله‌های بی دود (اشعه کیهان و تیرهای شهاب و اشعه‌های کشنده دیگر) دوم گازهای خفه‌کننده «دودی مخصوص». (۲۶: ص ۶)

لذا دانشمندان فضائی، محفظه‌هایی ساخته اند تا اگر انسان بخواهد از فضا عبور کند در آن محفظه از خطرات نامبرده در امان باشد. در سال ۱۳۴۳ هـ ش این دود کشف شده بود و در سال ۱۳۴۳ که آقای وان آلن مسوول سازمان فضائی امریکا بود، این منطقه را کشف کرد و به اسم او نیز نامگذاری شده است. داکتر وان الن تفسیر همان آیه را بیان می‌کند و می‌گوید ما در سفرهای فضائی مشکلات را پشت سر گذاشتیم و با یک منطقه تشعشعی جدید مواجه شدیم که دارای (۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ولت جریان الکتریکی است که شاید انسان بتواند از آن منطقه تشعشعی بهره برداری کند و اگر موجودی بخواهد از آن منطقه عبور کند همانند گلوله بسوی آن پرتاب می‌شوند که در سال ۱۳۴۳ بوسیله ایشان کشف و بیان شده است.

نتیجه‌ای که از دو نشان فوق می‌گیریم که فعالیت های فضائی دانشمندان علم فزیک در چهارده قرن پیش توسط آیات پیشگوئی شده است که زمانی خواهد رسید که انسانها به اثر توانایی می‌توانند در آسمانها نفوذ کنند و به کرات دیگر منظومه شمسی بروند، ولی در میان راه به مشکلاتی برخورد می‌کنند که باید برای دفع آن

وسایل تهیه کنند و پایگاه برای خود در میان راه بسازند که تا از زمین ابتدا بالای آن پایگاه و سپس از آن به ستاره مورد نظر برسند. چه خوب است دانشمندان بزرگ دنیا در کوشش های علمی خود از رهنمائی های قرآن مجید بهره های فراوان ببرند. (۲۶: ص ۸)

دوباره توجه شود! خداوند در سوره ی رحمن^۱ می فرماید: که می توانید در قطره های آسمان و زمین نفوذ نمائید اما توسط وسایل و قدرت «وسایل و توانائی علمی داشته باشید» و باز قرآن می فرماید: که در وقت رفتن شما با دو نوع شعله یک بی دود و از آتش مخصوص و دیگر دودمانند [مس گداخته شده] مواجه می شوید و دفاع کرده نمی توانید تا وسایل آنرا آماده نکنید. کسانی که با وجود داشتن وسایل از پیش گوئی های قرآن استفاده نکردند و به آن توجه و باور نداشتند، در راه رفتن به فضا مشکلات و خسارات مالی و جانی را متحمل گردیده اند. تا بالآخره واقعیت ها روشن گردید و از روی تجارب علمی برای کاستن و رفع آن دست به اقدامات وقایوی در برابر خطرهای فضا زدند. از این جا است که کسی که قرآن را بررسی کند متوجه می گردد که قرآن بر مسلمانان واجب می گرداند که بیاندیشند و بیاموزند و هم می فهماند که دانش و اندیشه دو بخش از شخصیت مسلمان است. در صورتی که دانش و اندیشه برای غیرمسلمان هوس، سرگرمی و یا راه معاش است برای گذران زندگی و برای بعضی هم سبب شخصیت؛ اما اسلام دانش را برای ساختن آخرت، دنیا و طبیعت فرض گردانیده است؛ چنانچه منشاء تمدن غرب تمدن اسلام می باشد. که در بحث علم تشریح خواهد گردید.

مهندسی و متخصصین پزشکی فضا فیصدی زیادی از عوارض ناشی از خطرات موجود در فضا را حذف نموده یا کاهش دادند. فضاپیماها معمولاً از دو لایه پوششی برای مقابله با برخوردها بهره می برند، تا اگر ذره از لایه ی اول نفوذ کند، نمی تواند از لایه داخلی عبور نماید. فضانوردان به شیوه های مختلفی در برابر اشعه های موجود در فضا محافظت می شوند. فیلترهای مخصوص بر روی شیشه های فضاپیما به منظور محافظت در برابر اشعه ماوراء بنفش نصب می گردد و همچنین فضانوردان باید از گرمای شدید هنگام خارج شدن و بازگشت به آن محفوظ بمانند. (۲۴:ص ۲۵۰)

محافظت در برابر خطرهای فضا عنوانی است که از بحث ما خارج است، تنها اشاره شد تا معلوم گردد که در قرآن که «سلطان، شواظ و نحاس» ذکر گردیده بعد از یکهزار و چهارصد سال با چه زحمات علمی راز آن امروز کشف گردید است.

سفر مهتاب:

جستجو را محکم از تدبیر کن
علم اسماء اعتبار آدم است
انفس و آفاق را تسخیر کن
حکمت اشیاء حصار آدم است

وَالْقَمَرَ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿١٩﴾ «قسم به مهتاب زمانی

که تمام شود، مرحله به مرحله بالا خواهید رفت» [انشقاق، آیات ۱۸، ۱۹] کلمه (ترکین) از مراکبه بمعنی بالاشدن، گام برداشتن، تعقیب، سوار شدن و اشتراک... گرفته شده است. در روشنی این معنی، امکان دارد هدف این آیات واسطه‌ی نقلیه باشد. سفینه‌ی فضایی هم مرحله به مرحله از طبقات جَوّی زمین گذشته به ساحه جاذبه مهتاب می‌رسد (والله اعلم). (۳۲: ص ۱۲۱)

شکافته و گلگون شدن آسمان:

کنفرانس‌های جهانی که در شهرهای مختلف دنیا در باره اعجاز علمی قرآن برگزار شده بود، بیان می‌کند که تحقیقات علمی استواری که توسط دانشمندان غیرمسلمان (نه در جهت خدمت به قرآن و سنت اسلامی بلکه در راه پیشرفت دانش و رقابت سیاسی و اقتصادی انجام یافته) دهها سال طول کشید و میلیون‌ها دالر صرف شد، کاملاً مطابق و هماهنگ با رهنمودهای قرآن و سنت پیامبر ﷺ است. در ۳۰ اکتوبر ۱۹۹۰م یکی از قویترین ایستگاه‌های فضائی جهان از طریق یکی از تلسکوپ‌های خویش تصویری از فضا منتشر کرد که هر بیننده در اولین نگاه آن را بشکل گُل کاملاً قرمز با برگ‌های قرمز سیری بزرگ و برگ‌های کوچکتر سبزه رنگ برآق که در وسط آن کاسه برگ آبی رنگ قرار داشت می‌دید و در این قضیه هیچ شکی نداشت. اما آن

عکس در حقیقت تصویر انفجار بزرگ بنام چشم گریه بود، که با زمین (۱۳۰۰۰) هزار سال نوری فاصله داشت. البته در این پایگاه اطلاع رسانی هزاران تصویر رنگی دیگر که هر کدام عجایب فضا را نمایش می‌داد و توسط تلسکوپ‌های بزرگ بدست آمده بود، یافت می‌شد. اما رابطه‌ی این تصویر با بحث اعجاز قرآن را با ذکر آیه‌ای از سوره رحمن بیان می‌کنیم:

فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءَ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿۳۷﴾ «در آن هنگام که آسمان

شکافته و همچون آهن گداخته گلگون شود (حوادث هولناک رخ می‌دهد که به گفتار در نمی‌آید)» [رحمن، آیه ۳۷]

اگر به تفاسیر قرآن که قبل از انتشار این عکس تألیف شده مراجعه کنیم، مطلبی که آدمی را در باره تفسیر این آیه قانع کند یافت نمی‌شود؛ زیرا همانگونه که حضرت پیامبر ﷺ فرموده اند، در قرآن آیاتی وجود دارد که هنوز تفسیر نشده اند. حقیقت امروز اینست که در اثر انفجار آن ستاره و پراکنده شدن دود و گازهای آن، شکلی شبیه به یک گل درخشان پدید آمده بود. به هر حال، اگر این انفجار هر صورتی زیبای دیگری بخود می‌گرفت، باز تفسیر مناسبی برای این آیه بشمار می‌رفت، که باز هم اعجاز این گونه خود را نشان داد. استمرار اعجاز قرآن تا قیامت، هر روز ما را در انتظار ظهور پدیده‌های شگفت‌انگیز دیگری نیز می‌گذارد.

به همین دلیل پیامبر بزرگوار یا به اجتهاد خویش یا به الهام از سوی خداوند ﷻ از تفسیر بیشتر آیات آفاقی قرآن پرهیز کرده است. طوریکه بیان شد، در صورت شرح و تفسیر مختصر و کوتاه این آیات، آینده‌گان به انکار می‌پرداختند و در صورت تفصیل معنی آن، همراهان و معاصران شان قادر به درک و فهم کامل آن نبودند و در نتیجه به انکار نبوت ایشان منجر می‌گردید، لذا تفسیر آنها به پیشرفت و تکامل علم و زندگی موکول شده است.

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا ﴿۹۳﴾ «بگو حمد و سپاس خدا را

سزاست او آیات خود را به شما نشان خواهد داد و شما آنها را خواهید شناخت» [نمل، آیه ۹۳]

هر کاوشگر، محقق و دانشمند با تأمل و تحقیق در هستی و نگرش و تدبّر در آیات قرآن مربوط به جهان، با تمام وجود درمی‌یابد که قرآن سخن پروردگار است و محال است که بشر به طور فردی و یا با دستکاری همدیگر توانسته باشند آن را بوجود بیاورند «زمانی در روسیه کمونستی، مادیگرایان خواستند به اسلام طعنه زنند. در کنگره خاورشناسان سال ۱۹۵۴ ادعا کردند که این قرآن ممکن نیست کار فرد واحدی باشد، بلکه کار گروهی بسیار است و ممکن نیست که در جزیره العرب نوشته شده باشد، بلکه قسمت‌های از آن در خارج از جزیره العرب نوشته شده باشد». [افی ظلال القرآن ج ۷] (۲۸: ص ۶۳)

پیدایش کاینات:

از گُن حق ماسواء شد آشکار
تا شود پیکان تو سندان گذار
هرکه محسوسات را تسخیر کرد
عالم از ذره تعمیر کرد

تا اواسط قرن بیستم چنین پنداشته می‌شد که جهان لایتناهی همیشه موجود بوده و همیشه هست. نظر به این فرضیه (جهان مجموعه‌یی ثابت و غیرقابل تغییر است) که اساس فلسفه (مادیگرایی و ماتریالیسم) گذاشته شد که موجودیت خالق را انکار کرد. در حالی که ساینس و تکنالوژی قرن بیستم فرضیه کاینات ثابت را رد کرد، مطالعات و محاسبات توسط متفکران و فزیکدان های دنیا ثابت نموده که جهان آغازی داشته، در یک لحظه با انفجار قوی از هیچ بوجود آمده و جهان همیشه در حال تغییر، توسعه و حرکت است. این حقایق کشف شده را جامعه علمی دنیا پذیرفته اند؛ که این حادثه بنام انفجار عظیم BIG BANG یاد می‌شود. خلقت کاینات از هیچ و نیستی واقع شده است؛ طوری که دانشمندان به توافق رسیده اند که پانزده بلیون سال قبل از یک نقطه صادر شده است، که قبل از انفجار عظیم مذکور چیزی بنام ماده وجود نداشت، اداره فضا و هوانوردی امریکا NASA در سال ۱۹۹۲ بقایای انفجار عظیم را در فضا دریافت نمود. (۳۲: ص ۷)

قرآن در باره منشأ کاینات چنین می‌فرماید:

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ «او پدیدآورنده آسمان و زمین است» [انعام، آیه

۱۰۱] الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ «اوست که آسمانها و

زمین را در شش روز (شش دوره) بیافرید» [هود، آیه ۷]

این که ماده و مصالح ساختمان آسمانها چگونه پدید آمد و آفرینش آنها به چه ترتیب صورت گرفته، جز آفریدگار همتا کسی را به آن آگاه نیست.

مَا أَشْهَدُهُمْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ «ما بشر را شاهد

آفرینش آسمانها و زمین و خلقت خودش قرار ندادیم» [کهف، آیه ۵۱] آنچه از نظر قرآن و دانشمندان متحقق است، این مصالح عبارت بوده اند از ذرات دود و گاز که در فضا سرگردانند، اما چنان پراکنده بودند که به ندرت بیکدیگر بر می‌خوردند.

ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ «و پس به آفرینش آسمانها پرداختیم

که آسمان دود بود» [فصلت، آیه ۱۱]

«سر جیمز جینز» دانشمند و فلک شناس می‌گوید: «ماده‌ی کون از گازهای که در

فضا انتشار داده آغاز گشته که از تراکم این گازها سدیم (مه رقیق) پدید آمده است».

داکتر گاموف استاد دانشگاه واشنگتن می‌نویسد: جهان در ابتدای پیدایش، مملو

از گازهای بود که در هوا پراکنده بودند. تراکم و درجه حرارت این گازها به حدی بود

که تصور آن برای ما امکان پذیر نیست. (۱۳: ص ۲۰)

طبق نظریه انفجار بزرگ، جهان حدود ۱۵ بیلیون سال پیش بر اثر انفجار عظیم به

وجود آمد. جهان در آغاز بسیار کوچک، درخشان، داغ و متراکم بود، اما از آن زمان تا

کنون در حال انبساط بوده است «شعاع کنونی جهان حدود ۱۵ میلیارد سال نوری

است» طی این انبساط مقادیری از جرم آن متراکم شده و میلیاردها میلیارد ستاره را

بوجود آورده است. این ستاره‌ها در کهکشانها متمرکز شده اند که حدود ده میلیارد از

آنها در جهان شناخته شده است. جهان در آغاز به صورت نقطه ای واحد بدون اندازه و

جرم بود، دانشمندان بر این باور اند که کاینات در ۱۵ بیلیون سال پیش در پی انفجار بزرگ به وجود آمده است. تمام فضا، زمان، انرژی و موادی که امروز جهان ما را تشکیل می‌دهد در پس این انفجار بزرگ ایجاد شده است. (۲۴: ص ۱۵)

متوجه آیات متبرکه قرآن کریم شویم و بعد نظریات و یافته های علمی دانشمندان را مرور کنیم، آنگاه قدرت و علم لایتناهی الله متعال را خواهیم دانست.

خلقت از دود داغ:

امروز دانشمندان می‌توانند شکل ستاره ها را از ابرهای داغ گازی مشاهده کنند و نیز جهان از یک کتله گرم گازات تشکیل یافته است خلقت جهان در قرآنکریم این کشف علماء را تائید می‌کند.

ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ «آنگاه توجه نمود به آسمانها که دود بود» [فصلت، آیه ۱۱] دود را در عربی (دخان) می‌گویند که در این آیه به دود داغ اطلاق شده است چون دود یک کتله گاز پرحرارت و دارای ذرات کوچک مرتبط بهم می‌باشد. (۳۲: ص ۱۱)

توسعه کاینات:

ز انجم تا به انجم صد جهان بود خرد هر جا که پر زد آسمان بود
ولیکن چون بخود نگریستم من کران بیکران در من نپنهان بود

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ «و ما آسمان را با قدرت بنا

کردیم و همیشه آن را وسعت می‌دهیم» [ذاریات، آیه ۴۷] کلمه (السَّمَاءَ) دلالت به فضا و کاینات وسیعتر می‌کند (وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ) به این معنی که آنرا مدام توسعه می‌بخشیم. در حالی که تحقیقات و محاسبات جدید بواسطه تکنالوژی معاصر نشان می‌دهد که کاینات آغازی داشته و همیشه در حال توسعه است. در شروع قرن ۲۰

«الکساندر فریدمن» فزیکدان روسی و «جورج لمیتر» ستاره‌شناس بلجیمی محاسبه نمودند که کاینات در حرکت مداوم بوده و توسعه می‌یابد. این اطلاع توسط مشاهدات سال ۱۹۲۹م تایید گردید. «ادوین هابل» منجم امریکایی توسط تلسکوپ خود مشاهده نمود که ستاره‌ها و کهکشان‌ها مداماً از هم دور می‌شوند، که انکشاف بزرگ در علم نجوم بود. این حقیقت در قرآن وقتی تشریح شده که تلسکوپ و تکنالوژی پیشرفته امروزی اختراع نشده بود. (۳۲: ص ۸)

بی ارتباط نیست که نوشته و اعتراف دوکتور «ادوارد لوتوکسیل» جانورشناس و رئیس اداره زیست‌شناسی در دانشگاه سان فرانسیسکو را به وجود خداوند ﷻ را در این جا بیاوریم (در نتیجه مطالعات علمی سالهای اخیر دلائل جدیدی برای اثبات صانع بدست آمده که برای ایمان به خدا کافی است و من از اضافه شدن دلایل جدید به ادله‌ی قوی خوشوقتم) نخست این که دلائل مذکور از صفات خداوندی مفاهیم روشنتری می‌دهد، دیگر آنکه چشم عده‌ای از دانشمندان با وجدان ولی بدبین را باز کرده و آنها را مجبور میکند که بخدا ﷻ ایمان آورند، وی بعد از تشریحات مفصل می‌نویسد: «علم ثابت می‌کند که جهان ابتدایی داشته است؛ چون هیچ شیء حادث نمی‌تواند خود به خود حادث شود، بلکه برای حدوث او محرک نخستینی (خالق) لازم است. علم نه تنها حدوث عالم را ثابت می‌کند بلکه روشن می‌سازد که دنیا در یک لحظه معینی در نتیجه یک انفجار بزرگ بوجود آمده؛ این لحظه تقریباً ۵ بیلیون سال پیش بوده. خلقت بدون خالق متصور نیست، خداوند ﷻ به نسل کنونی بشر لطف بیشتر نموده و با کشفیات مهمی که در علوم طبیعی از قبیل حیوان شناسی، طبقات الارض، شیمی حیوانی، فیزیولوژی و غیره صورت گرفته و می‌گیرد، ما را غرق رحمت فرموده و تمام افراد بشر اعم از علماء و عوام باید شکرانه‌ی این موهبت عظیم را به جای آورند؛ زیرا در پشت این تحولات و تغییرات قوه‌ی عاقله‌ای وجود دارد که آنها را ایجاد و قوانین آنها را برقرار نموده است. طرح این تحولات در نتیجه مشیت (اراده) یک مُرید (اراده کننده) حکیم است که باید ایمان ما به آن راسخ‌تر گردد. در این مختصر نمی‌توان تمام دلایلی را که در طبیعت مشاهده می‌شود ذکر کرد؛ ولی من در مطالعات محدود خودم در جنین شناسی و تطور حشرات، شواهد و دلایل بیشماری را دیدم. هر

قدر طبیعت را بیشتر مطالعه کنیم بیشتر شاهد و دلیل بدست می‌آوریم. تکرار میکنم اگر کسی با فکر روشن علوم را مطالعه و تحصیل کند به لزوم آفریدگار قایل خواهد شد.

إِنَّمَا تَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ [فاطر، آیه ۲۸]

جداشدن زمین و آسمان:

قرآنکریم در مورد خلقت آسمان چنین می‌فرماید:

أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا^ص
وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۰﴾ «آیا کافران ندیدند که
آسمان و زمین به هم متصل بودند و ما آنها را از یکدیگر جدا کردیم و هر چیز زنده‌ای
را از آب آفریدیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟» [انبیاء، آیه ۳۰]

لغت (رتق) بمعنی بهم دوخته، مخلوط، (فَفَتَقْنَاهُمَا) پاره شدن از همدیگر یا تخریب چیزهای بهم دوخته شده، دقت کنیم معنی چنین است که زمین و آسمانها بهم دیگر بسته یا دوخته بودند، آنها را از همدیگر جدا کردیم. به عین ترتیب نظر علما و دانشمندان اینست که اول جهان یک نقطه بود؛ یعنی آسمان و زمین همه در یک حالت بهم آمیخته قرار داشت، بعد این نقطه بشدت انفجار نمود و اجزای آن از همدیگر جدا گردید. سبحان الله، (۳۲: ص ۱۱)

آنگاه بعد از انفجار عظیم، پاره‌های گاز و غباری که گرداگرد خورشید را هاله‌وار فرا گرفته بود از هم پاشید و هر پاره از آن بصورت گردابی درآمد، هر گرداب مسیر جداگانه داشت و در آن مسیر به دور خورشید می‌گردید، بعضی به نزدیک خورشید و بعضی از خورشید دور بودند. در گرداب‌های نزدیک خورشید گرما و در گرداب‌های دور دست سرما حکومت می‌کرد، در هر گرداب ذرات گاز، بخار و آب پدید می‌آمد و مانند شبنم آنها را به یکدیگر می‌چسبانید و گاهی نیز بشکل پاره‌های یخ‌زده آب و گل درمی‌آمدند. در هر گرداب میلیون‌ها از این پاره‌ها در گردش بودند. نیروی جاذبه آنها

را به یکدیگر پیوند می‌داد و توده‌های بزرگتر می‌ساخت و گوی عظیم و چرخانی پدید می‌آورد. این گوی عظیم با نیروی جاذبه‌ای که داشت پاره‌های پیرامون خود را به سوی خود می‌کشید و روز به روز بزرگتر می‌شد و سرانجام این گوی (زمین) گردید. بعد سایر سیارات نیز از گرداب‌ها پدید آمدند و هر سیاره در مسیر خود به گرد خورشید می‌گردید و خورشید هم این خرخره بزرگ درین کهکشان عظیم همچنان چرخید و چرخید تا این که کم کم گازها به مرکز آن کشیده شد و در آنجا بصورت گوی عظیم و فروزانی تراکم یافت و سرانجام این گوی فروزان (خورشید) گردید. (۱۳):
ص ۳۵

خورشید، ماه و زمین متحرک اند:

روز و شب را گردش بیهم ازوست سیر او کن زانکه هر عالم ازوست
مدارهای جهان در حال چرخش: بیشتر از صد میلیارد کهکشان قابل رؤیت در جهان موجود است. هر کهکشان کوچک در خود میلیاردها ستاره دارد و کهکشان‌های بزرگ بیشتر از صدمیلیارد ستاره دارند. اکثر این ستاره‌ها دارای سیاره و سیاره‌های آنها دارای اقمار می‌باشند. تمام این اجسام سماوی مدارها و مسیرهای دقیقاً محاسبه شده را طی می‌کنند. برای میلیونها سال در این راه بدون نقصان و عدم توازن در جوار یکدیگر در حرکت اند. برعلاوه تعداد زیادی ستاره‌های دنباله‌دار در مسیرهای معین خود در حرکت می‌باشند که کوچکترین انحراف از مسیر اصلی‌شان باعث خاتمه جهان شده می‌تواند. **وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿۱۱﴾** «قسم به آسمان گردنده» [طارق، آیه ۱۱]
در وقت نزول قرآن، تکنالوژی به حدی نبود تا اجسامی را که میلیون‌ها کیلومتر دورتر قرار داشتند، مشاهده کنند و نمی‌توانستند بفهمند که فضا دارای مدارها است، مثلی که در آیه ذیل آمده است:

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ﴿۷﴾ «قسم به آسمان که دارای چین و شکنی زیباست»

[ذاریات، آیه ۷]

و هم در قرآن آمده که آفتاب و مهتاب در مسیر معین در حرکت اند:

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

﴿۳۳﴾ «او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید، هر یک در مداری در حرکتند» [انبیاء، آیه ۳۳] و عدم سکون آفتاب و حرکت آن در مسیر مشخص در آیه ذیل شرح یافته:

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا «خورشید بسوی مدار قرارگاه خود در گردش است» [یس، آیه ۳۸]

مدار مهتاب:

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿۳۶﴾ لَا
الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ

يَسْبَحُونَ ﴿۳۷﴾ «و گردش ماه را در منازل معین مقرر کردیم تا مانند شاخه باریک خرما می‌کهنه [مارپیچ] برگردد و نه آفتاب را شاید که به مهتاب فرا رسد و شب بر روز سبقت می‌گیرد و هر یک در مدار معین شناورند». مهتاب مثل ستاره گان در یک مدار مستقیم حرکت نمی‌کند، بلکه هنگام گردش به دور زمین بعضاً جلو می‌آید و در عین زمان همراه با زمین به دور آفتاب نیز می‌گردد، حرکت آن یک شکل منظم مارپیچ را در فضا اختیار می‌کند. در این حرکت مهتاب را در فضا به شاخه‌ی کهنه‌ی خرما تشبیه نموده است که بدون شک برای منجمین آنزمان ناممکن بود که این حرکت مهتاب را بدانند. که اکنون بوسیله تکنالوژی معاصر کشف شده است. که در قرآن یک معجزه خارق العاده است. (۳۲: ص ۱۱)

قرآن تصریح می‌کند بر اینکه خورشید تا جایگاه معینی سیر می‌نماید. این موضوع با علم روز مطابقت دارد؛ زیرا دانشمندان فلکی قایلند که خورشید با تمام منظومه اش در حرکت اند و با سرعت ۱۹ کیلو متر فی ثانیه به سوی نقطه‌ای که در جهت کوکب

الجائی علی رکبته است پیش می‌رود. اکنون به آیه قرآنکریم که در ذیل است و به حرکت خورشید ماه و زمین اشاره دارد می‌پردازیم. ولی غیر از حرکت اولی [حرکت انتقالی] **وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ** هر کدام در مدار خود چرخان و شناورند و شاید عکس فلک فی کل نیز اشاره بحرکت وضعی زمین باشد. پس خورشید در مسیر خود حرکت دیگری دارد که بدور خود می‌گردد، همان طوری که زمین بدور خود می‌گردد و همچنین ماه نیز بدور خود چرخان است، که این حرکت را حرکت وضعی می‌نامند، قرآن به دوران زمین هم اشاره فرموده **[وَلَا أَلِيلُ سَابِقُ النَّهَارِ]** بلی دوران زمین بدور خود سبب پیدایش شب و روز بطور منظم می‌باشد، آنچه در قرآن در باره حرکت انتقالی زمین هست و مسلم می‌باشد، این تذکر قرآن در باره حرکت مخصوص خورشید بدور مرکزست که دانشمندان نجومی کشف کرده اند، اینها می‌رسانند که مطلب قرآن هرگز نمی‌تواند ساخته فکر و خیال و یا معلومات محمد (امی) در محیط بیسواد زمان پیغمبر ﷺ باشد. از این گونه مطالب در قرآن باید یقین کرد که جهان را خالق است دانا به تمام جهان که درک آن از توان و فهم بشر خارج است.

اینکه در آیه [۳۹ و ۴۰] سوره یاسین بیان شده «ماکه خالق عالم هستیم ماه را روی حساب دقیق مقرر کردیم تا در مکان‌های مختلف بیاید و دوباره راه خود را از سر بگیرد. مکانهای مختلف و حرکت‌های آن به خوشه خرماي خشک که پر پیچ‌وخم می‌گردد تشبیه است و ماه در این نحوه‌ی دورانی خود هیچ برخوردی ندارد، زیرا فضای گردش هر یک از دیگری جدا است»

دانشمندان علم نجوم، بعد از زحمات زیاد که رصدخانه‌های دقیق ساختند تا وضع حرکت ماه را ترصد نمایند دیدند که حرکت ماه سلجمی و پیچ در پیچ است؛ زیرا هم تحت جاذبه زمین است و هم تحت جاذبه خورشید و اجرام آسمانی دیگر. منجمین وقتی ماه را در فضای وسیعی در مقابل خود و در زمان معین از شبهای مختلف ترصد می‌نمایند، اگر بخواهید مکان قرار ماه و مسیر دخول و خروج آنرا از قرارگاه‌های مختلف در یک زمان معین از شبهای مختلف در صفحه رسم کنید، در صفحه رسم

شده خود عیناً چوب خوشه خرما را می بینید که محل های جدا شدن خرما از تنه آن باشد. (۲۶: ص ۳۹)

زمین کروی:

يُكْوِرُ اَلَيْلَ عَلٰى النَّهَارِ وَيُكْوِرُ اَلنَّهَارَ عَلٰى اَلَيْلٍ «شب را بر روز می پیچاند

و روز را بر شب می پیچاند» [زمر، آیه ۵]

لغاتی که برای تشریح جهان بکار رفته بسیار مهم است مثلاً تکویر برای پیچاندن نگی بکار برده می شود معلومات این آیه در مورد پیچیده شدن روز و شب بالای یکدیگر شکل زمین را بیان می کند این قضیه در حالی امکان پذیر است که زمین کروی باشد، قرآن کروی بودن زمین را در قرن هفتم واضح ساخته، در حالی که علم نجوم آن زمان زمین را هموار فکر می کرد بالاخره در عصر حاضر منجمین به این موضوع پی برده اند. (۳۲: ص ۲۷)

الف - شکل زمین: وَالْاَرْضُ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحَلَتْهَا ﴿٣٠﴾ (۱: نازعات، آیه ۳۰) " و

زمین را بعد از آن گسترش داد،" لغت [دحا] در عربی لشم کردن از ریشه [دحو] بمعنی گسترانیدن اشتقاق یافته و هم بمعنی پوشانیدن و زینت دادن نیز بکار رفته است بر علاوه دحو بمعنی انداختن توپ در یک سوراخ و انداختن سنگریزه و چهارمغز نیز بکار میرود در حقیقت زمین گرد و بیضوی است ازینرو لغت دحا معلومات مهم را در مورد شکل زمین بیان میکند.

ب - اقطار زمین: اَنْ تَنْفُذُوْا مِنْ اَقْطَارِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ﴿١﴾:

رحمن، آیه ۳۳). "ای گروه جن و انسان اگر میتوانید در اقطار زمین و آسمانها رخنه کنید." درین آیه واضح شده که زمین و آسمانها دارای قطرها اند، شرح این موضوع در زمین و آسمانها قطرهای بسیار اند، یک معجزه دیگر است، مطابق فرضیه نسبیت انشتین جهان همیشه در حال توسعه است فاصله کهکشانها از یکدیگر زیادتر شده

میرود پس اقطار فضا و آسمانها نیز ثابت نیست که کلمه مفرد قطر بآن استعمال گردد، پس کلمه قطرها در قرآن کریم حکمتی است.

ج - طبقات زمین: **اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ**

۱) (طلاق، آیه ۱۲) "خدا آنست که آفرید هفت آسمان را و زمین را مانند آن". علم جیولوژی نیز باور دارد که زمین متشکل از هفت طبقه است "۱- قشرسخت آبی، ۲- قشرسخت خشکی، ۳- قشرپوک، ۴- پوش بالائی، ۵- پوش داخلی، ۶- هسته خارجی و ۷- هسته داخلی. [تشریح مفصل علمی آن از توان این رساله‌ی خارج است].

د - استفراغ چارچهای زمین: **إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۖ وَأَخْرَجَتِ**

الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿۱﴾ (زلزال، آیات ۲، ۱) "هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید، و زمین بارهای سنگین خود را خارج سازد". لغت [اثقال] چارچها و بارهای سنگین، تحقیقات جدید نشان میدهد وقتی که زمین سرد شود مواد متکاثف و سنگین در طبقه مذاب غرق شده مواد سبکتر به سطح میآید ازین سبب قشر زمین کم وزن ترین مواد جامد مثل [سنگ سیاه و خارا را دارد] در حالیکه در هسته زمین آهن و نکل زیاد تر است، بدین ترتیب قشر تحت که از فلزات مذاب ساخته شده نظر به قشر فوقانی مواد سنگین تر و متکاثف تر دارد. واضح گردید که آن قسمت هائیکه ذخایر بیشتر فلزات دارند زیادتر در معرض زلزله قرار دارند، در اثنای زلزله مواد سنگین موجود در قشر تحتانی زمین فرصت می‌یابند که بالا بیایند. یعنی چنانچه در قرآنکریم آمده است که زمین شارژهای خود را بیرون می‌دهد. (۳۲: ص ۳۲)

فاصله بین اجسام سماوی

فاصله بین اجسام سماوی و توزیع مسافه‌های بزرگ بین آنها برای موجودات زمین بسیار ضروری و بی‌نهایت ارزشمند است، فاصله بین ستاره‌ها و کهکشان‌ها سی میلیون مایل است که اگر کمتر می‌بود مدارهای ستاره‌ها بهم می‌خورد و اگر زیادتر

می‌بود ثواب طوری انتشار میافت که سیاره‌های مثل زمین هیچ وقت ساخته نمی‌شد.

الف - قوه ثقل: اگر قوه ثقل کمی قوی‌تر میبود مقدار زیاد میتاین امونیا در جو زمین جمع میشد حیات را ناممکن میساخت.

ب - فاصله: فاصله زمین از آفتاب اگر کمی زیادتر میبود زمین بسیار سرد میشد دوران آب از بین رفته و همه یخبندان میشد و اگر کمی نزدیکتر میبود همه چیز میسوخت.

ج - ضخامت قشر زمین: اگر قشر زمین کمی ضخیم‌تر میبود مقدار زیادی اکسیجن را از هوا جذب مینمود، اگر کمی نازک‌تر میبود آتشفشانها حیات روی زمین را ناممکن میساخت.

د - سرعت تدور: اگر سرعت دور خوردن زمین بدور محور خود کمی کمتر میبود تفاوت حرارت روز و شب بسیار میشد، اگر کمی سرعت زیاد میبود سرعت بادهای زیاد میشد طوفان‌ها و گردبادها زندگی را ناممکن میساخت. (۳۲: ص ۱۹)

ه - ساحه مقناطیسی زمین: اگر مقناطیسی زمین کمی قوی‌تر میبود طوفانهای قوی الکترومقناطیسی بوجود می‌آمد، اگر ضعیف‌تر میبود زمین محافظت خود را برعلیه ذرات اتم ذره‌ایکه از آفتاب میاید از دست میداد، در هر صورت زندگی ناممکن میگردید.

و - تناسب اکسیجن و نایتروجن در جو زمین: اگر بیشتر میبود فعالیت‌های حیاتی بر خلاف آن سریعتر میشد، اگر این تناسب کمتر میبود هوا بسیار سرد میشد. ز - ضخامت طبقه اوزون: اگر زیادتر میبود درجه حرارت زمین پائینتر می‌افتید، اگر ضخامت آن کمتر میبود درجه حرارت زمین بلند رفته و هم از اشعه مضره ماوراء بنفش نمیتوانست جلوگیری کند.

ح - زلزله: اگر زلزله بیشتر میبود زمین همیشه در حالت اغتشاش میبود، اگر زلزله کمتر میبود مواد غذائی ابحار در آبهای بحر منتشر نمیگردید و این فقدان مواد

غذائی باعث از بین رفتن موجودات بحری و بالآخره حیوانات خشکه که از آنها تغذیه میکنند میگردید، سبحان الله هیچ چیزی از حکمت بالغه خالق بی نیاز خارج نیست.

ط - جسامت آفتاب: اگر کوچکتر میبود باعث یخ زده گی زمین میگردید و اگر بزرگتر میبود باعث گرمای شدید و بالآخره سوختن زمین میشد.

ی - کشش بین زمین و مهتاب: اگر قوه کشش زیاد تر میبود تاثیر جدی بالای حالت جوی سرعت تدور زمین مد و جذر ابحار وارد میگردید اگر کمی کمتر میبود تغییرات جدی در اقلیم رو نما میگردید.

ک - فاصله بین مهتاب و زمین: اگر کمتر میبود مهتاب جذب شده بر زمین تصادم میکرد و تمام مناطق غیر مرتفع زیر آب میگردید درجه حرارت بحرهای بلند رفته زنده جانها بحری در مقابل حرارت از بین میرفتند، اگر کمی فاصله زیادتر میبود مهتاب از زمین جدا میشد و در فضا سرگردان میشد. **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ**

وَالْأَرْضِ وَآخْتَلَفَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۱۰﴾ (آل عمران، آیه

۱۹۰-) "در خلقت آسمانها و زمین و تفاوت شب و روز دلائل روشنی است برای خردمندان". اینکه الله تعالی در آیات متعدد در قرآن مجید به سفارش و تأکید تذکر میدهد که علم بیاموزید و در خلقت های کونی خداوند ﷻ تفکر، تدبر و تعمق کنید تا به حقایق، رازهای نهفته و حکمتهای خداوند ﷻ در خلقت های وی پی ببریم و اشاره میدارد که مسائل حساس و پیچیده دقیق را خرد مندان درک میکنند و خردمندان اند که از خدا میترسند، درین کتاب میبینیم بسیاری از دانشمندانیکه بخدا ﷻ ایمان نداشته از برکت دانش و تجارب علمی بالآخره حقانیت الله ﷻ، قرآن و اسلام را درک نموده فهم، علم و دانش سبب هدایت شان به ایمان گردیده [که از آنجمله یکی فرانکلن] استادفیزیک زیستی دارنده نشان شاهی کانادا که بعد از تحقیقات زیاد بالآخره باین نتیجه رسید که این جهان با همه نظم که دارد نمیتواند بدون خالق، صانع، مدبر و توانا [که بشر از درک آن عاجز است باشد] که با مختصر نمودن شمهء از مقاله آنرا میاوریم:

آغاز جهان:

راه های شایستگی برای زندگی زمین آنقدر زیاد است که نمیتوان پیدایش حیات را بر آن نتیجه تصادف دانست نخست اینکه زمین کروی است به آزادی در فضا در حال تعادل است، برگرد محور خود حرکت دورانی دارد که از آن شب و روز پیدا میشود و حرکت انتقالی را سالانه بدور خورشید نیز انجام میدهد که سبب پیداشدن تعادل و ثابت ماندن محور زمین در فضا میشود چون تمایل محور قطبین نسبت به سطح حرکت انتقالی بعضی دایره البروج [حدود ۲۳ درجه] بآن حرکات ضم میشود، نتیجه آنست که فصول سال نظمی پیدا میکند و سطح قابل سکونت زمین مضاعف میشود، برین کره گردان حیات نباتی تنوع و توسعه پیدا میکند جوّی که از گازهای نگهبان زندگی بر سطح زمین تشکیل شده در حدود ۸۰۰ کیلومتر غلظت دارد که همچو زرهی زمین را از شر مجموعه مرگبار ۲۰ میلیون سنگهای آسمانی در روز که باعث سرعت حدود ۵۰ کیلومتر در ثانیه به آن برخورد میکند در امان نگه میدارد، جو زمین برعلاوه کارهای دیگر درجه حرارت در سطح زمین در حدود شایسته برای زندگی نگاه میدارد، ذخیره بسیار لازم آب و بخار آب را اقیانوسها به خشکه ها انتقال میدهد و... اگر زمین به کوچکی ماه میبود و قطر آن یک چهارم قطرکونی نیروی جاذبه [یک ششم جاذبه زمین] دیگر برای نگه داشتن آب ها و هوا بر روی آن کفایت نمی کرد، درجه حرارت بطورکشنده بالا میرفت، اگر بالعکس قطر آن دو برابر قطرکونی میبود سطح زمین چهار برابر سطح فعلی نیروی جاذبه دو برابر میشد ارتفاع جوّ بشکل خطرناکی تقلیل میافت، فشارهوا دو برابر میشد، همه این عوامل عکس العمل شدید بر روی زندگی میداشت، نواحی زمستان بسیار زیاد تر میشد جاهای قابل سکونت کاهش میافت، اگر زمین به بزرگی خورشید میبود نیروی جاذبه ۱۵۰ برابر میشد و ارتفاع جوّ به حدود ۱۰ کیلومتر تنزل میکرد بخار شدن آب غیر ممکن میشد، زندگی برای موجودات امکان پذیر نبود اگر فاصله زمین تا خورشید دو برابرکونی میبود حرارت از خورشید به آن میرسید تنزل میکرد سرعت حرکت نصف میشد طول مدت زمستان دو برابر میشد همه موجودات زنده یخ می بستند،

اگر فاصله خورشید نصف میشد گرما چهار برابر میشد سرعت مداری دو برابر طول مدت فصول نصف زمین به اندازه سوزان میشد که حیات غیر ممکن میگردد، زمین از لحاظ بزرگی، کوچکی، دوری، نزدیکی نسبت به خورشید و از حیث سرعتی که بر روی مدار خود دارد چنان به آئین است که میتواند مرکزحیات باشد، نوع بشر همانگونه که اکنون مشاهده میشود به زندگی جسمی، روحی و عقلی خود ادامه دهد، این مطلب را آشکار سازند که جهان مادی نیازمند آفریننده ای نیست، در حالیکه خورشید سوزان، ستاره گان، سیارات و زمین آگنده از زندگی گواه صادق است بر اینکه آغاز جهان در زمان اتفاق افتاده لحظه خاص از زمان آغاز پیدایش آن بوده بنا بر آن نمیتواند جزء آفریده باشد یک علت بزرگ نخستین و یا یک خالق دانا و توانای ابدی و بر همه و هر چیز آگاه ناچار باید باشد که جهان را ساخته باشد

وظیفه کوه ها:

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ (۱: انبیاء، آیه - ۳۰). "در زمین کوها

را استوارنموده ایم تا از اضطراب بازماند". درین آیه بیان گردیده کوها از لرزش زمین جلوگیری میکند، علماء دریافتند که هرکوه به اندازه ده تا پانزده برابر اصل کوه در زیر زمین قرار دارد یعنی کوه مثل میخ است که بزمین فرو رفته. **أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ**

مَهْدًا ﴿٦﴾ **وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا** ﴿٧﴾ (۱: نبأ، آیات ۶، ۷). "آیا زمین را مهد یا بستر

و کوها را میخ های آن نساختیم؟! **وَالْجِبَالَ أَرْسَنَهَا** ﴿٣٢﴾ (۱: نازعات، آیه - ۳۲)

"و کوه ها را عماد [ستون] آن". (أَرْسَنَهَا) یعنی ریشه دار، ثابت و میخ شدگی، کوه ها در قشر زمین امتداد یافته و خطوط زیر زمین را بهم پیوند میدهد به لطف خداوند **عَلَّامٌ** کوه ها مانند میخها عمل نموده تا حد زیاد از حرکات سطح زمین جلوگیری

میکند، در کنفرانس در پوهنتون ملک عبدالعزیز «سعودی» از پروفیسور «خریدکروز» یکتن از دانشمندان جیولوژی پرسیده شد آیا شما ریشه کوهها را کشف نموده اید؟ در جواب میگوید بلی! در حدود چهارده و نیم برابر ارتفاع آن است، بعضی کوهها تا ۷۰ کیلومتر عمق دارد که این اکتشافات جدید است، پرسیده شد وظیفه کوهها چیست؟ در جواب میگوید: وظیفه کوهها استحکام قشر زمین است، در طبقه پائینتر اگر کوهها نمی بود قاره های زمین با همدیگر تصادم میکرد، سوال کننده در اخیر میگوید آیا شنیده اید که ۱۴ قرن قبل قرآنکریم فرموده است. **وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا** " آیا کوهها

را عماد نگهبان نساختیم؟ ". **وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ** (۱): نحل، آیه ۱۵). " و نیز کوههای بزرگ را در زمین بنهاد، تا از حیرت و اضطراب برهید و نهرها را جاری ساخت" ... بعد از این شخصیکه سوال نموده بود میگوید: پس این مطلب را بنویس و به نوشته خود نیز ادای شهادت کن! وی مینویسد: حقایق علمی که در قرآن و سنت نبوی ﷺ دیده میشود، از حقایق است که درین اواخر کشف گردیده دلالت به این دارد که به محمد ﷺ این حقایق جز بوحی نرسیده است. (۳۲: ص ۱۲)

وزن ابرها:

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ

﴿۱۲﴾ "بقسم ترس امید «باران رحمت» بشما نشان میدهد و ابرهای سنگین را بر می انگیزد". وزن ابرها فوق العاده زیاد است مثلاً ابرهای تولید کننده رعد و برق حاوی سه هزار تن آب میباشد این حقیقت که کتله سه هزار تن معلق باقی بماند حیرت آور است که علم هم ثابت نموده است وقتی که قرآن نازل گردید، ناممکن بود که در مورد وزن ابرها مطالعه صورت گیرد، که حقانیت قرآن را ثابت میسازد که وحی الهی است. (۳۲: ص ۵۵)

در آسمان موجودات زنده میباشد:

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ

عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ (شورا، آیه ۲۹) "از جمله آیات قدرت خلقت زمین

و آسمانها است و هم آنچه در آنها از انواع جنبنده گان پراکنده است و او بر جمع آوری

آنچه پراکنده است هر وقت بخواهد قادر است." "تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ

وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ» (۱: اسراء، آیه ۴۴) "هر که در آسمان هفت گانه و زمین است

برای خداوند ﷻ تسبیح میگوید." و هم در آیه سوم سوره مریم ترجمه: "نیست هرآنکه

در آسمانها و زمین است مگر خدای رحمن را بنده میباشد." و هم در آیه ۵۵ سوره

اسراء میفرماید:

ترجمه: "پروردگار ﷻ به توبه کسانی که در آسمانها و زمین هستند داناتر است."

آیا در جهان وسیع ستارگان اثری از زندگی مانند که ما در سطح زمین میشناسیم

وجود دارد؟ این سوالی است که دانشمندان جدید فلکی را بخود مشغول نموده،

عاقبت به این نتیجه رسیده اند که بعید نیست موجودات زنده در کوکب دیگر همانطور

که در کوکب ما "زمین" میباشد وجود داشته باشد، در تحقیقات جدید ثابت نمودند

که بر سطح مریخ در جو آن حرارت، آب، و اکسیجن یافت میشود که این سه موضوع

شروط لازمه زندگی است از طرفی دانشمندان امریکایی و روسی در نظریه از وجود

موجودات زنده در مریخ معتقد اند و مؤید دیگر مطلبی است که از رادیو مسکو

منتشر شد، دانشمندان شوروی دلایل جدیدی کشف کرده اند که وجود زندگی را در

سطح مریخ تأیید میکند، رصد خانه [بولکوف] شوروی محلی از مریخ را بمیان گذاشت

و باین نتیجه رسید که احوال طبیعی سطح مریخ خیلی شباهت به جاهای دارد که

برای زندگی انسان مطلوب است. (۲۶: ص ۴۱)

اما هنگامیکه به قرآن نظر افکنیم می بینیم که بدون ابهام، بوجود موجودات زنده

دیگری غیر از آنچه در زمین است اشاره فرموده، نمیدانیم آیا دانشمندان با تمام وسائل

مختلفی که بدسترس دارند میتوانند به بعضی ستاره گان که احتمال وجود موجودات زنده در آسمانها داده میشود برسند؟، و در نتیجه این آیات بزرگ قرآن معجزه قرار گیرد، در تفسیر آیاتیکه اشاره دارد که در آسمانها هم مثل زمین مخلوقات جان دار یافت میشود روزی خواهد رسید که علم آنرا کشف کند و واضح گردد، در تفسیر آیه مبارکه [وَمَا بَثَّ فِيهِمَا] بعضی فکر نموده اند که [دواب] فقط در زمین است و این

مطلب را از [فِيهِمَا] یعنی مجموع آسمانها و زمین فهمیده اند، اما خداوند ﷻ وقتی که میفرماید که شش زمین دیگر هم است در بعضی از آنها حیات موجود است روزی علم بتواند ازین راز پرده بردارد همانطوریکه دانشمندان پیشبینی میکنند که در بعضی از سیارات مدنیتهای پیشرفته موجود است که مدنیتهای ما در برابر مدنیتهای ابتدائی خواهد بود، خداوند ﷻ در سوره نحل آیه-۴۹ میفرماید: ترجمه: " هرچه در آسمان و زمین است از جنبندگان و فرشتگان باکمال تذلل به عبادت خدامشغول اند". واضح میگردد که فرشتگان غیر دابه [جنبنده] اند. (۱۶:ص ۲۳۲)

تفاوت ساختمانی بین آفتاب، ماه و ستاره گان:

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ﴿۱۳﴾ (۱: نبأ، آیه ۱۳). "چراغی روشن بر افروختیم".

میدانیم که یگانه منبع روشنی در منظومه شمسی آفتاب است مهتاب منبع روشنی نبوده صرفاً روشنی آفتاب را انعکاس میدهد و کلمه [سراج] بمعنی چراغ کنایه از آفتاب است. وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿۱۶﴾ (۱:

نوح، آیه ۱۶). " مهتاب رانور و آفتاب را چراغ روشن ساخت". لغت [نور] برای مهتاب و [سراج] یا چراغ برای آفتاب، توصیف مهتاب با نور روشن، انعکاس کننده و بی حرکت گردیده و آفتاب بقسم شیء که میسوزد همیشه منبع روشنی و حرارت دار توصیف نموده است. اَلنَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿۳﴾ (۱: طارق، آیه ۳). " ستاره درخشانیکه در تاریکی

بتابد" در عصر حاضر میدانیم که آفتاب از خود نور میفرستد این موضوعات در قرآنکریم وقتی ذکر شده بود که انسانها وسایلی برای درک آن نداشتند.(۳۲: ص ۲۲)

نقاط مختلف طلوع و غروب:

فَلَا أَقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِرُونَ ﴿۴۰﴾ (۱: معارج، آیه ۴۰)

"سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما قادریم". کار برد صیغه جمع برای مشرق و مغرب نشان میدهد، که بیشتر از یکجا طلوع و غروب صورت میگیرد، زمین بدور خود با یک زاویه ۲۷،۳۰ درجه دور میخورد، از سبب مدور بودن شکل زمین شعاع آفتاب همیشه در یک زاویه ثابت بالای سطح زمین نمی تابد.

تنقیض زمین در نهایات:

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا (۱: رعد، آیه ۴۱). " آیا

ندیدی که ما عزم زمین کرده و از اطراف آن میکاهیم". آیه فوق الذکر میتواند اشاره به نقصان زمین [خشکه] در قطب ها باشد، در حال حاضر در اثر ذوب شدن تدریجی یخهای اقطاب زمین سطح آب ابحار بلند می‌رود. جمله [نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا] ممکن اشغال زمینهای ساحل در جنوب و شمال باشد، در قرن اخیر حرارت سطح زمین یک درجه فارنهایت بلند رفته، سرعت ذوب شدن یخهای قطبی زیاد شده است، نتایج بدست آمده از تحقیقات انستیتوت علوم فضائی گاوارد ناسا، در سالهای ۱۹۶۰، ۱۹۹۰ و ۱۹۵۰ مقایسه نموده اند که ضخامت یخهای قطبی ۴۰٪ کاهش یافته، همچنان تصاویر اخذ شده در اقمار مصنوعی نشان میدهد که یخهای دائمی اقطاب زمین بطور قابل ملاحظه در سالهای اخیر خورد شده و این اکتشافات آیه فوق را تفسیر میکند.

ستون های نامرئی [نادیدنی]:

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (۱: رعد، آیه ۲). " خداوند ﷻ

همان ذاتیست که آسمانها را چنانکه می بینید بدون ستون بر پا داشته". مفسران در تفسیر این آیه فرموده اند که خداوند ﷻ آسمانها را بدون ستون آفریده و یا آسمانها دارای ستونهای است که دیده نمی شوند، این تفسیر به واقعیت نزدیک است زیرا ضمیر (ها) در (ترونها) به (عمد) برمیگردد نه (آسمان). واژه (سماء) هر چیزیکه بالای سری ما قرار دارد گفته میشود (صاحب السمو) یعنی دارنده مقام عالی لذا سموات به ستاره گان، سیاره، کهکشان و اجرام سماوی اطلاق میگردد، سوال اینست که چه نیروی باعث این توازن در کرات و اجرام سماوی است که هیچ کدام ذره ای از مدار خویش تخطی نکنند؟ دانشمندان معاصر تفسیر نوین بر آیه ابراز داشته اند و میگویند: منظور از ستون های نامرئی، ستونهای جاذبه است که اگر وجود نمیداشت نظم جهان بهم میخورد همان واقعه ایکه در رستاخیز بوقوع خواهد پیوست. (۱۱: ص ۹۲)

اشتباه [بودن] نظریه تکامل داروین:

بنابر فرضیه داروین حیات در اثر اتفاقات پی در پی خود بخودی تکامل یافته، رشد و تکامل موجودات زنده از تکامل ساده به پیچیده میباشد، الله ﷻ در قرآن کریم خلقت آن موجودات را از هیچ در سوره های آل عمران آیه ۴۷، سوره مریم آیه ۳۵، سوره بقره آیه ۱۱۷، سوره نحل آیه ۴۰، سوره یاسین آیه ۸۲ و سوره غافر آیه ۶۷ بیان نموده است.

وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۱۷﴾ (۱: بقره، آیه ۱۱۷) "چون

اراده کند چیزی رامیگوید باش، پس میباشد". دیدگاه تصادف و اتفاق که نظریه داروین در تکامل مطرح نموده، از جانب علم رد شده و امروز در بین موجودات زنده نمونه وجود دارد که دارای ساختارهای پیچیده هستند، حتی موجودات یک حجروی

که با مفهوم اتفاق در تناقض است ساختارها و طراحی ها خارق العاده که در موجودات زنده مشاهده میکنیم بطور آشکار نشان میدهد که تمام حیات از سوی یک شعور برتر بوسیله الله ﷻ دانا و قادر توانا خلق شده است معلومات علمی (بخصوص یافته فوسیلی و اناتومی کاملاً برخلاف نظریات داروین و ماتریالیستها) است، انجام یافته نشان میدهد؛ که نظریه تکامل صحت ندارد، گفته شده که انواع مختلف زنده جانها از طریق تکامل گام بگام به یکدیگر تبدیل شده اند، مثل انسان از نسل میمون، پرنده گان از نسل خزندگان و موجودات ساکن در خشکه از تکامل ماهیها شکل یافته... و غیره موجودات زنده در شکل امروزی در اشکال کاملاً مجزاً از یکدیگر بطور آنی بر روی زمین ظاهر شدند الله ﷻ هر یک از موجودات زنده را «به امر- کن» بطور جداگانه به وجود می آورد. (۳۲: ص ۱۳)

فصل دوم (بیدایش حیات در زمین)

خلقت آنچه در بین آسمان هاست:

آیات زیادی در قرآن وجود دارد که خلقت زمین و آسمان ها و آنچه بین آنها است بیان میدارد. وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ (۱): حجر، آیه ۸۵). "آسمان ها و زمین و آنچه بین آنها جز برای حق خلق نکردیم". و در سوره طه آیه ۶ میفرماید؛ ترجمه: "در آسمان ها و زمین و بین آنها که در زیر خاک موجود است همه ملک اوست".

دانشمندان میگویند که در اول کثافت آن کتله دود داغ زیاد شده رفت بعداً این کتله پارچه پارچه شده اجسام سماوی ستاره ها و سیاره ها را تشکیل داده و به این ترتیب منظومه های شمسی و کهکشان ها بمیان آمدند. (۳۲:ص ۱۲).

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ

هُمِّيَكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۸﴾ (۱: بقره، آیه ۲۷). "چگونه خدای را کفر میورزید؟ بآنکه مرده گانی بودید که خدای تان زندگی بخشید و دیگر بار شمارا بمیراند، سپس زنده ساخت [و] آنگاه بسویش بازگردانده میشود". بدنبال مطالعه کوتاهی در آسمان ها و کهکشان ها و ثواب و سیارات کمی بتاریخ پیدایش زمین و پیدایش حیات در آن مکت میکنیم، زمین شکل می بندد گازها در میان فضا ناپدید شده و اینک در گرد زمین هوای وجود ندارد نه ابريست و نه بارانی نه دودی و نه دریای بلکه زمین همچون گوی بزرگی از صخره های خشک و عریان جلوه گراست، در هیچ جا از حیات نشانی نیست ولی در دل این سیاره گنجی نهفته و توده های بخار آب و دیگر گاز ها همراه با توده های گل، قرن ها پیش در آن مدفون شده و اینک آن گازها در میان صخره های زمین محبوس اند، صخره های زمین اتم ها ی مخصوص نیز در خود دارند که این اتم ها میشکنند و از شکستن آنها گرما پدید میآید و در ژرفنای زمین

سرخه ها چنان گرم میشوند که گداخته میگردند همراه با حباب های گاز بجوش در میا
بند و از آتشفشان ها فوران کرده بروی زمین روان میشوند، گازها نیز بیرون میریزند
در پیرامون زمین گسترده میشوند و پوشش از هوا بروی آن میکشند... بخار آب سرد
میشود ابرهای کلان پدید میآید و باران های نخستین فرو میبارد. ملیون ها سال
همچنان باران میبارد و در گودال های زمین فرو میرود، قرآن درین باره می فرماید:

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَهُ فِي الْأَرْضِ (۱: مؤمنون، آیه ۱۸). " و به

قدری آب از آسمان فروفرستادیم که آنرا در زمین مسکن دادیم این آبها همیشه به
عنوان نخستین گهواره جانداران شناخته شده."

مسئله حیات یکی از جالب ترین مسائل علوم طبیعی است، در اسرار پیدایش
حیات نکته ایست که دانشمندان از درک آن عاجز مانده اند، چگونگی پیدایش حیات
آنچنان مرموز است که از فهم متعارف خارج میباشد. پاره ای از دانشمندان
اظهار میدارند که چنین نظم دقیق در کیفیت آفرینش و ایجاد جنس نر و ماده [مؤنث]
در جانداران و گیاهان، غرایز و احساسات عجیب در حیوانات و تعادل شگفت انگیزی
که در حیات آنها برقرار است و هماهنگی بهت آوری که در سلسله موجودات مشاهده
میشود با حساب تصاعد و احتمالات محال است که از روی تصادف حادث شده باشند،
علم و دانش نیز عقیده خداپرستان را تأیید میکند و اعلام میدارد که سرچشمه حیات
ممکنات ذره بسیار کوچک است بنام پروتوپلازم که جسم نرم و شفاف و دارای قوه
حرکت است، از آفتاب کسب نیرو میکند این ذره بوسیله بکار بردن نور خورشید اسید
کاربونیک هوا را تجزیه کرده ذرات آنرا متلاشی میسازد، هایدروجن را از آب گرفته؛
هایدروکاربن میسازد به این طریق مواد غذای خود را که یکی از غامضترین ترکیبات
شیمیای عالم است بدست میآورد. آیا میتوان گفت که این موجود عجیب و حیرت
انگیز خود بخود یا برحسب تصادف قوای لاشعور طبیعت بوجود آمده؟! آیا میتوان باور
کرد که فقط بر حسب اتفاق یک سلول منشاء حیات حیوانات و سلول دیگر ریشه و
اصل نباتات گردیده است؟! بنابرین با کمال صراحت باید اعتراف کرد که حیات نشانه از
قدرت بی چون الهی است و اوست که در آغاز به موجودات مرده و بی جان حیات

بخشیده و هم اوست که قادر است در جهان دیگر به مردگان حیات بخشد و آنها را بصورت نخستین باز گرداند. (۱۳: ص ۴۳-۴۴)

خلقت [انسان] و خلیفه گردانیدن آن در زمین:

الله ﷻ در سوره بقره آیه ۳۰ و حجر آیه ۲۹ داستان خلقت انسان و حکمت آنرا بیان فرموده و در ضمن در آیه ۳۱ امتیازات و برتری او را بر سایر مخلوقات از جمله فرشتگان و حیوانات بعلم و دانائی بیان داشته تمام اسماء، چگونگی و کوائف موجودات را بوی آموختانده، در واقع کلید دانش و علم را بدستش سپرد، درین هنگام علم و دانش بشر بیکران و نامحدود ولی علم فرشتگان در برابر پاسخهای علمی پروردگار در ماندند و گفتند: **قَالُوا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا** (بقره، آیه ۳۲)

دومین امتیازیکه به آدم داده شد: نیروی بازگویی که انسان میتواند آنچه فرا گرفته بوسیله قلم به دیگران بیاموزد وقتی که فرشتگان بمقام علمی این جانشین پی بردند، به تواضع سر اطاعت فرود آوردند، اینکه بحث ما پیدایش حیات در زمین بطور مختصر از دیدگاه قرآن و علم است، مرور کوتاهی از خلقت انسان (که تفصیل آن در عنوان مراحل خلقت داده شده) و نباتات و حیوانات دیگر داده ایم.

آفرینش انسان از خاک:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ سُلٰلَةٍ مِّنْ طِيْنٍ ﴿۱۲﴾ (۱: مؤمنون، آیه ۱۲). "مانسان را از عصاره و فرآورده های خاک آفریده ایم." چه اینکه نطفه انسان، مواد- غذاهای گوناگون نیست که از نبات، گوشت، لبنیات و حیوانات سرچشمه میگیرد. حیوانات هم از نباتات تغذیه و زندگی میکنند و نباتات هم از خاک مایه میگیرند، بنابراین نطفه انسان که بعدها بصورت انسانی در میاید، مولود خاک میباشد، اکتشافات جدید نیز نشان میدهد عناصریکه زمین در بردارد از قبیل آهن، مس، فولاد، کلسیم، ید غیره و غیره؛ عصاره آنها در بدن انسان وجود دارد، انسان دایماً

بوسیله نباتات و حیوانات از عصاره های مواد خاکی تغذیه مینمایند. **وَهُوَ الَّذِي**

خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا ﴿۴۵﴾ "اوست که بشر را از آب بیافرید". در درجه دوم میتوان گفت انسان از آب آفریده شده است، زیرا از نظر زیست شناسان، انسان به اسفنجی میماند که او را آب فراگرفته است یکنفر ۷۰ کیلوی ۵۰ لیتر آب دارد و این نسبت ثابت است و غیرممکن است که این نسبت را تغییر داد و بدون اینکه دچار ناراحتی نشود اگر شخصی ۲۰ درصد آب بدنش را از دست دهد، دیگر سلامتی خود را باز نخواهد یافت. باخته های بدن انسان دارای مقدار زیادی پتاشیم بوده و عملاً فاقد نمک است، ولی آب خارج از باخته ها عملاً پوتاشیم ندارد، بلکه دارای مقدار زیادی نمک است و این ترکیب آب خارج از باخته ها جزء به آب دریا شباهت دارد که میلیونها سال قبل اولین اشکال حیات در آن شکل میگرفت و بعد ها وقتی که موجودات آبی بخشی روی آوردند [دریاداران] را نیز باخود آوردند و چون بدون آن زندگی برایشان در خشکی ممکن نبود این پدیده ها ی شگفت انگیز، گفته قرآن را تأیید میکند که میفرماید: "اوست خدائیکه انسان را از آب آفرید". (۱۳:۴۶، ۴۴)

آفرینش انسان وسایر زنده جانها از آب گل:

که (درسوره نور آیه ۴۵، سوره فرقان آیه ۵۴ و خلقت آفرینش انسان از گل که در سوره صافات آیه ۱۱ و مؤمنون آیه ۱۲) تذکر رفته و در علم امروزی هم ثابت گردیده اعجاز دیگر قرآن است.

آفرینش انسان وسایر زنده جانها از آب گل:

که (درسوره نور آیه ۴۵، سوره فرقان آیه ۵۴ و خلقت آفرینش انسان از گل که در سوره صافات آیه ۱۱ و مؤمنون آیه ۱۲) تذکر رفته و در علم امروزی هم ثابت گردیده اعجاز دیگر قرآن است.

پیدایش حیوانات:

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ خَلَقَ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٥﴾ (۱: نور آیه ۴۵). "و خداوند ﷻ هر جنبنده‌ای را از آب

آفرید؛ گروه‌هایی از آنها بر شکمها خود راه میروند، و گروه‌هایی بر دو پای خود، و گروه‌هایی بر چهار پا راه میروند؛ خداوند ﷻ هر چه را بخواهد می‌آفریند زیرا خدا بر همه چیز تواناست!"

همانطوریکه در آیه فوق ملاحظه میفرمائید، قرآن منشاء حیات و نخستین گهواره جنبنده گان را آب معرفی نموده است، علوم زیست شناسی نیز آب را اساس زندگی میداند. تحقیقات می‌رساند که آب کاربن قریب ۹۸٪ جسم زنده را تشکیل میدهد، بررسیهای زمین شناسی می‌رساند که قبل از پیدایش آب، حیات بر سطح زمین وجود نداشته و پس از آب و ایجاد دریاها و اوقیانوس ها تدریجاً محیط مساعدی برای زندگی موجودات زنده و تنوع آنها فراهم گردید، جنبندگان اولیه در دریا بوده بعد بخشی آمده اند، اکنون بکمک علم فسیل شناسی به تماشای جنبندگان و حیوانات ابتدائی میپردازیم بهمان ترتیبی که در قرآن آمده؛ ابتدا خزنده گانیکه برشکم راه میروند، بعد پرنده گان به دو بال راه میروند، بعد پستان داران که به چهارپا راه میروند برمیخوریم.

● **دوره اول:** قدیمترین فسیلهایکه از دوران اول بدست دیرین شناسان رسیده عبارت از تریلوبیتها، براکیوپودها و برخی از انواع مرجانها، گرایتولیت ها، فوزولین ها و ماهیان زره دار و در دوره بعد بعضی دیگر از ماهیان وگروه سوسماران و لاک پستان، تمساحان و خزنده گان زمینی پدید آمدند این حیوانات جز آن دسته ایکه برشکم راه میروند (فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ) چیزی دیگری نیست.

• **دوره دوم:** «دوره ژوراسیک» پرنده گان پیدا شدند که قدیمترین آنها «ارکسورنیت» که دارای پر و استخوان و جمجمه شبیه به پرنده گان به جُثه کبوتر بوده ولی نمیتوانست خوب پرواز کنند، پره‌های وی برای جلوگیری از حملات دشمن بوده است، بعد پرنده گان پدید آمده اند عبارت از «ایکتیورنیس» که به جثه کلاغی بوده و «هسپرونیس» که قیافه مرغان ماهی خوار را داشته این حیوانات جزء آن دسته اند که با دو پا راه میروند (وَمِنْهُمْ مَّنْ يَمِشِي عَلَى رِجْلَيْنِ) چیزی دیگری نیست.

• **نخستین آثار پستانداران در دوره ترماس [اواخر دوران دوم] پیدا شدن:**

این پستانداران اکثراً جثه ای کوچک داشته، گرچه بقایای مکمل این جنبندگان به حد کافی بدست فسیل شناسان نرسیده، احتمال میرود که از دسته کیسه داران بوده اند، از اوایل دوران سوم پستان داران و آنهایکه بر چهارپا راه میروند به یکباره کثرت و تنوع پیدا کرده اند تا به انواع بیشمار کنونی از قبیل اسپ، گاو، شتر، فیل، میمون و غیره اینها جزء آن دسته است که به چهارپا راه میروند (وَمِنْهُمْ مَّنْ يَمِشِي عَلَى أَرْبَعٍ) چیزی دیگری نیست. سبحان الله در ردیف

کلام الله، حکمت های نهفته پدیدارگشت. تَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٥﴾ (۱: نورآیه - ۴۵). اکنون نتیجه ای که قرآن از مشاهده

آفرینش حیوانات گوناگون ارایه میدهد اینست که خداوند ﷻ هرچه بخواهد می آفریند زیرا او بر همه چیز تواناست. (۱۳: ص ۳۹، ۴۱)

پیدایش نباتات:

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا مَخْرُجًا مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ ۗ أَنْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾

(۱: انعام آیه ۹۹) "وهم اوست خدایکه از آسمان ها باران فرو فرستاد، تا بدان هرگونه نبات و روئیدن را بروانیم، سبزه ها را از زمین بیرون آوردیم و در آن سبزه ها دانه های بروی هم انباشته و پیچیده شده اند، پدیدار ساختیم و از شکوفه های درخت نخل خوشه ها بهم پیوسته خرما و باغستانها ی انگور، زیتون، انار که برخی شبیه بهم و بعضی نامشابه اند بیافریدیم، هنگامیکه میوه های این درختان پدید میاید و به ثمر میرسند با چشم تعقل بآنها بنگرید که در آنها آیات و نشانه های از پروردگار برای اهل ایمان نهفته است."

اینک برای مشاهده پیدایش نباتات تاریخ زمین را از یک میلیارد سال قبل از میلاد در نظر مجسم میکنیم، هنوز سطح کره زمین گرم و مقدار بسیار از آبهایکه امروز اقیانوس ها را پر کرده اند بصورت طبقات ضخیم ابر در آسمان بال و پرگشودند و در نتیجه نور آفتاب نمیتواند اشعه خود را مستقیماً بسطح زمین بفرستد فقط جانداران در رطوبت تاریک زندگی میکند که از نوع موجودات ذره بینی مخصوص اند، بدون نور خورشید میتوانند زنده بمانند، با گذشت زمان سطح زمین رفته رفته سرد میشود و باران های پی در پی فرو میبارد و آب فراوانی در اقیانوس ها جمع میشوند و آهسته آهسته از ضخامت ابرهای فراوان که خورشید را پوشیده بود کاسته میشود و خورشید میتواند نور خود را به زمین بتابد موجودات زنده میکروسکوپی اولیه به تدریج [کلوروفیل] میسازد تا [ایندورید کاربونیک] هوا را تجزیه کرده این مواد لازم را برای نموی شان تهیه مینماید این امکان [تغذیه از هوا] افق جدید برای نموی موجودات

زنده باز میکند و منجر به پیدایش نباتات میگردد... ابتدا گیاهان بصورت جلبکها در آب اقیانوس ها پدیدار میگردند و بعد نخستین گیاهان خشک بنام گیاهان دونین سر از خاک برمیدارند، این گیاه ساقه زیر زمینی دارد و ساقه هوا نیز تولید میکند که نازک و راست است و در انتها دارای هاگدان بوده و از نظر شکل ظاهر به خزه ها شباهت دارد و بعد سرخسها، پنجه گرگها و دم اسبها؛ گیاهان دوران اول را تشکیل میدهد و دوره دوم سرخسها فراوان میشوند و گیاهان گلدار مانند بید، تبریزی، انجیر و مانگولیا و در آخر این دوره بلوط، گردو، افرا، زبان گنجشک و مانند اینها پایه عرصه حیات میگذارند، در طی دوران سوم گیاهان تنوع و تکثیر بسیاری می نمایند و بالاخره در دوران چهارم بوضع گیاهان بصورت کنونی در جهان جلوه گر میگردد. **فانظرالی آثاررحمت الله کیف یحی الارض بعد موتها ان ذالک لمحی الموتی وهو علی کل شیءٍ قدیر.** اکنون آثار رحمت پروردگار را بنگرید که چگونه زمین را پس از مرگ زنده میگرداند (بلی همان قدرتی که زمین مرده و بی جان ابتدائی را زنده و سبز گرداند) مرده گان را (نیز در روز قیامت) زنده خواهد ساخت زیرا بر همه چیز توانا است.

بروایتی از جامع الاخبار باب خلقت عالم: **قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ مُوسَى سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَعْرِفَهُ بَدَأَ الدُّنْيَا كَمْ خُلِقَتْ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى خَلَقْتُ الدُّنْيَا مِنْ ذِمَائِهِ أَلْفَ أَلْفِ عَشْرٍ مَرَّانٍ** پیغمبر ﷺ فرمود که موسی از پروردگار سوال کرد تا او را از پیدایش دنیا مطلع نماید و خداوند ﷻ به او وحی فرستاد $100 \times 1000 \times 10000 \times 100$ مساوی که حاصل ضرب این مقدار برابر با یک میلیارد سال است. (۱۳: ص ۳۶، ۳۸)

فصل سوم: (عاقبت جهان و انقباض عظیم)

عاقبت جهان:

طوریکه گفته شد جهان با یک انفجار بزرگ آغاز گردیده و از همان نقطه جهان همیشه توسعه میابد دانشمندان میگویند وقتی که کتله جهان به قدر کافی بزرگ شود بالآخره این اتساع به پایان میرسد قوه ثقل باعث اضمحلال آن میگردد و عقیده برین است که جهان در حال انقباض به یک حرارت شدید انجام یافته که بنام انقباض عظیم شناخته میشود، این آخر تمام اشکال حیات خواهد بود و فرضیه انقباض عظیم جهان توسعه یافته با سرعت رو به افزایش اضمحلال نموده تا اینکه کتله خود را از دست داده، به یک نقطه واحد باکثافت لایتناهی مبدل شود. نظریات اناتاکالوش، واندری لیند پروفیسور های رشته فزیک، پوهنتون ستانفورد.

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ

نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٤﴾ (۱: انبیاء، آیه ۱۰۴) "روزیکه آسمانها

را مانند طومار درهم پیچیم بحال اول که آفریدیم بازگردانیم این وعده است البته انجام خواهیم داد." وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ

مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ (۱: زمر، آیه ۶۷) "روز قیامت زمین در قبضه او و آسمانها در پیچیده

در دست راست اوست." مطابق به فرضیه انقباض عظیم جهان؛ به تدریج و آهستگی اضمحلال نموده و به عقب میرود بالآخره جهان دارای کثافت لایتناهی بوده بی نهایت داغ و کوچک میشود، این فرضیه کاملاً با توضیحات قرآنی مطابقت دارد. (۳۲: ص ۹)

ازینکه درین باره اکتشافات علمی پرده از اعجاز و رازهای دیگری قرآن برداشته، بسیار به نظرم جالب و هیجان انگیز آمد؛ ضرور دانستم روشنی مختصر و کوتاه پیرامون عناوین آتی داشته باشم:

سرنوشت کیهان:

۱- سرنوشت ستاره گان: وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿۱﴾: تکویر، آیه

﴿۲﴾ "آنروز که ستاره گان کدر [پیچیده] شوند." وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿۱﴾:

انفطار، آیه ۲) "وآن روز که اختران از هم پاشیده شوند." فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ

﴿۱﴾ (مرسلات، آیه ۸). "وآن روز که ستاره گان پراکنده شوند." تمام ستاره گان که

میدرخشند و دائماً هیدروژن را در هسته خود به هلیوم تبدیل نموده مصرف مینمایند، این ستاره ها وقتی به آخرین ذخیره هیدروژن خود رسید و منابع خود را بمصرف رسانیده منقبض میگرددند و کوچک و کوچکتر میشوند، هر اندازه که بیشتر به کوچکی میرود ناگزیر بر سرعت و چرخش ستاره افزوده میگردد و سرانجام این سرعت به انفجار ستاره میگراید. جو یا اتمسفر خارجی آن منفجر میشود، با شتاب مانند حباب های درخشان در فضا پراکنده میگردد، این انفجار سبب میشود که، ستاره ده هزار بار پر فروغ تر از پیش در آسمان پدیدار شود انفجار بعضی از اختران شدید ترین انفجار در کاینات است، زیرا انفجار آنها برابر با نیروی انفجاری ملیاردها بمب هیدروژنی در یک زمان است. این اختران نیروی خود را با پراگندن ذره های سطح خود به مصرف نمی رسانند، بلکه همه چیز را برای انفجار عظیم ذخیره میکنند آنوقت انفجار شان بیش از یک دقیقه طول نمی کشد. إِذَا السَّمَاءُ انفطرت ﴿۱﴾ وَإِذَا

الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿۱﴾ (انفطار، آیات ۱۲). "آنگاه که آسمان بشکافت و ستاره گان از

هم پاشیده شوند." (۱۳: ص ۱۷۲)

ستاره شناسان از مشاهدات متعدد و مطالعات دقیق که درباره سرنوشت ستاره گان بعمل آورده اند، نتیجه گرفته اند که جرم ستاره گان نه تنها به اثر تشعشع نورانی و گرما تقلیل میابد، بلکه در اثر ارسال ذرات اتمی و الکترونها نیز نقصان

میپذیرد، بنابر آن مسلماً روزی فرا خواهد رسید که اختران و ستاره گان به خاموشی گرایند.

"فلامارپون « ستاره شناس معروف میگوید: "نیروی جاذبه عمومی همه اجزاء این جهان را از اتم گرفته تا ستاره به یکدیگر مربوط ساخته سیر و حرکت آنها را بکمک نیروی گریز از مرکز تحت کنترل و نظم آورده در نتیجه یک نظم جهانی در سراسر عالم برقرار ساخته ولی خواه ناخواه این نظم بهم خواهد ریخت و مرگ ستاره گان نیز فراخواهد رسید، اختران همچون دانۀ غلطان گلوبند از هم پاشیده و پراکنده گشته، پا به فرار خواهند گذاشت". إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَذِبَةٌ ﴿٢﴾ (۱): واقعه، آیات ۲، ۱). "یادکنید وقتی که واقع شود، واقع شونده [قیامت] نیست در واقع شدن آن دروغی". (۱۳: ص ۱۸۱)

۲- سرنوشت خورشید: وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ

مُسَمًّى (۱: لقمان، آیه- ۲۹)" خداست آنکه خورشید و ماه را مسخرگرداند و هریک تا

مدت معینی [روزقیامت] جریان خواهندداشت". إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ (۱: تکویر، آیه ۱) "آنگاه که خورشید کدر [پیچیده] شود". خورشید کره ای است عظیم، گازی شکل و مرکب است از گازهای ملتهب که اشعه نورانی و گرما بسراسر جهان گسیل میدارد، خورشید یک عامل مهم حیاتیست زیرا که بما نور و گرما میدهد، گرمای آفتاب سبب تبخیر آب دریاها میشود و باران از آن پدید میاید، با تابش نامساوی خود به دریاها و خشکه ها باد را به وزش میاورد، خورشید غذای گیاهان را فراهم میسازد آنها هم بنوبه خود بما و حیوانات خوراک میدهند بنابراین حیات حیوانات و نباتات بدون پرتو حیات بخش خورشید ممکن نیست.

حرارت خورشید آنچنان زیاد است که سوزان ترین آتشها در مقابل آن سرد است حرارت سطح خورشید معادل با ۶۰۹۳ درجه سانتیگراد است و گرمای اندرون آن خیلی بیشتر در هر ثانیه بیش از ۱۲ میلیون و چهارصد هزار تن انرژی در فضاء پخش

میکند، بنابراین خورشید علاوه بر عظمت آن طبق این اصل علمی قسمتی از انرژی مصرف کرده خود را بازمیگیرد ولی اجباراً لحظه‌اً فرا خواهد رسید که خورشید کلیه ذخیره های خود را از دست داده باشد چنانچه بناء به فرضیه «فسنکف» که جرم خورشید در زمان گذشته فوق العاده زیاد بوده و رو به کاهش زیاد رفته و می رود طوری که خداوند ﷻ میفرماید: ترجمه: - (خداوند ﷻ خورشید و ماه را مسخرگرداند هر یک تا مدت معینی [روز قیامت] جریان خواهند داشت) بهمین نسبت خورشید در آینده کوچک و کوچکتر خواهد شد مانند سایر ستاره گان بخاموشی خواهد گرائید چنانچه هم اکنون دانشمندان توسط تلسکوپ های قوی لکه های تاریک بر روی خورشید مشاهده مینمایند که این لکه ها روی هم رفته از سطح زمین بزرگتر است و معتقد اند که این لکه ها جز قطعه سرد شده این کره چیزی دیگری نیست و همین لکه ها را دلیل بر ابدی نبودن این جرم نورانی میگیرند و قرآن قبلاً پایان عمر خورشید را تصریح نموده. (۱۳: ص ۱۷۸)

۳- سرنوشت ماه: یَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ﴿٧﴾

وَحَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ

أَيْنَ الْمَفْرُوقُ ﴿١٠﴾ (۱: قیامت، آیات ۶-۱۰) "انسان میپرسد که روز قیامت کی خواهد آمد، آنگاه که دیده بدرخشد و ماه خسوف کند و آفتاب و مهتاب بیکدیگر جمع شوند درین روز انسان از فرط اضطراب خواهد گفت فرارگاه کجاست". ماه دومین جرم پر نور آسمان است اما از خود نور ندارد و مانند خورشید آتشین و فروزان نیست بلکه از خورشید نور میگیرد در حقیقت نور ماه همان نور خورشید است که به یک واسطه میرسد، ماه نزدیک ترین همسایه زمین است در حدود چهارصد هزار کیلومتر از زمین فاصله دارد.

ماه از آغاز پیدایش شروع به دور شدن از زمین نمود طبق پیشبینی دانشمندان، پس از رسیدن به حد اکثر فاصله خود از زمین، ماه بسوی زمین مراجعت خواهد نمود و مجاور زمین خواهد گشت، بعلت نیروی جاذبه قوی متلاشی خواهد گشت. «لثونید

یوریوف» دانشمند شوروی و «جوج داروین» باتفاق جفریس نابودی حتمی ماه را پیشگوئی کرده اند. «سرجس» دانشمند بزرگ هیئات در کتاب خود مینویسد: "در آینه قمر رفته رفته به قدری به زمین نزدیک میشود که بی نهایت درین موقع که زمین در معرض خطر سقوط قرارگرفت تقدیر الهی که بر در هم ریختن ماه و ازهم پاشیدن آن تعلق گرفته بمرحله اجراء گذاشته میشود".

۴- سرنوشت کره زمین: وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ^۱. (۱: زمر، آیه ۶۷)"زمین را بکلی روز قیامت قبضه نموده و آسمانها را پیچیده در کنارش قرار میدهیم". همین کره که اکنون ما بروی آن زندگی میکنیم یکی از سیارات منظومه شمسی است که در فاصله ۱۵۰ میلیون کیلومتری بایک قمر بدور خورشید میگردد زیرا حیات موجودات خود را از خورشید میگیرد، خورشید چنان بر این کره حکومت دارد که هر تغییر در آن روی دهد، وضع این کره را نیز دگرگون میکند، خورشید سرانجام مانند سایر ستاره گان، درخشان تر میشود تا آنکه صد برابر اکنون. بنابراین آن موقع سطح سیاره ماه به حد حرارت پیدامیکند که آب در آن جوش میشود و تمام آب اقیانوس ها بخار میگردد، وجود زمین به قدر گرم میشود که موجودات زنده حیات خود را از دست خواهند داد. كُلُّ

مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾ (۱):

رحمن، آیات ۲۶، ۲۷)" هرچه است بر روی زمین فناشونده است باقی میماند روی پروردگارتو که صاحب بزرگی و عظمت است". (۱۳: ص ۱۸۵)

سیاره زمین ممکن تا ۵ میلیارد سال دیگر بدور خورشید بچرخد آنگاه خورشید در آخرین روزهای عمر خود مانند یک بادکنک کاملاً باد کرده بصورت یک ستاره عظیم و غول پیکر سرخ فام در می آید و دو سیاره منظومه خورد عطارد و زهره را می بلعد، زمین تا ۱۰۰۰ درجه سانتیگراد گرم میشود تمام زندگی و حیات ماقبل از بین رفته و تمام آب اقیانوس ها بخار شده و اینکه سیاره ماه در مبارزه با مرگ خورشید کاملاً

منهدم میشود؛ هنوز معلوم نیست ولی قطعاً هیچ موجود زنده ای شاهد مرگ خورشید نخواهد بود (۲۴: ص ۱۹۷).

آنگاه خورشید پس از این کوشش نهائی مانند لامپ که میخواهد بسوزد ابتدا قوی و پر نور و بعد بخاموشی و مرگ میگراید و در فضا سرنگون میگردد. بناء به پیشبینی قرآن با ماه جمع میشود (وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ) سایرستاره گان نیز یکی پس از دیگری منفجر میگرددند و در اثر نبودن نیروی جاذبه اوضاع کیهان دگرگون خواهد شد و ستاره گان و سیارات همچون تسبیح ریسمان گسیخته، هرکدام پا به فرار گذاشته، فضای لایتناهی را جولانگاهی خود قرار داده از بالا به پائین، از راست به چپ و از چپ به راست به یکدیگر تصادم نموده و در نتیجه بلوری چون زلزله عظیم و رستاخیز پدید خواهد آورد. چنانچه خداوند عظیم الشان در سوره حج آیات ۲۱ میفرماید: ترجمه:- (ای مردم از غضب پروردگار بپرهیزید که زلزله و انفجار رستاخیز اما بس عظیم هول انگیز است. در آن روز مادران شیرده طفل شیرخوار خود را فراموش کنند و زنان باردار وضع حمل کنند، مردم گوی مست اند. اما مست نیستند بلکه عذاب خداوند ﷻ سخت درد ناک است). سرنوشت کوه ها، اقیانوس ها، طوریکه در قرآن ذکر است علم و تکنالوژی امروز علماء و دانشمندان بزرگ هیئت و کیهان شناسان مهر تاکید بر آن مینهند. خداوند ﷻ در سوره طه آیه های ۱۰۵، ۱۰۷ میفرماید: "در باره کوهها از تومپیرسند بگو که پروردگار کوهها را چنان از بن بر کند که دیگر اثر از آن بر جانماند و پستیها و بلندی ها را چنان سطح سازد که هیچ دره و گودالی در آن مشاهده نخواهی کرد." که علم و دانشمندان عین پیشبینی را ارایه داده اند. إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا

﴿٤﴾ وَوُئِسَتِ الْجِبَالُ بَسًا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا ﴿٦﴾ (۱: واقعه آیات

﴿٤، ٥﴾. " چون جنبانیده شود زمین جنباندنی و ریزه ریزه کرده شود کوهها ریزه ریزه،

پس میشوند غباری پراکنده". وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾ (۱: طور، آیه ۶). " و دریای

مملو و برافروخته "وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ (۱: تکویر، آیه ۶) " و بهم پیوندند".

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٢﴾ (۱: انفطار، آیه ۳). " و اقیانوس های آتش تشکیل دهند".

درین باره که چگونه دریاها به جهنم سوزان تبدیل میگردند، سه علت

است:

۱- قمست مرکزی و هسته زمین آتشین و بحالت گداختگی است که در روز رستاخیز به اثر انقلابات که رخ میدهد کوهها که همچو میخی در زمین کوبیده شده برچیده میشوند فاصله اعماق دریا ها بآن محیط آتشین زمین نزدیک گشته آبهای دریاها و اقیانوس ها قلیای و بجوش در میانند.

۲- خورشید در اواخر عمر خود درخشنده تر شده، نور و حرارت آن صد برابر اندازه فعلی شده و آبها بجوش میآیند.

۳- پاره های ستاره گان هنوز سرد نشده در روز رستاخیز در اثر اصطحکاک از هم پاشیده و منفجر شده و به دریا و اقیانوس ها میریزند که در اثر گرمای شدید آن آبها بجوش و به بخار تبدیل و رهسپار فضا میگردند.

این نظریات علمی بود که اختصاراً آورده شد، خداوند متعال در سوره مؤمنون آیه نهم میفرماید: "باندازه آب از آسمان فرورستادیم و آنرا در زمین ساکن گردانیدیم و مسلماً ما بر بردن آن آب قادر و توانا خواهیم بود".

ژرژگاموف استاد علوم طبیعی دانشگاه واشنگتن مینویسد: خورشید تقریباً صد برابر اکنون درخشنده تر خواهد شد، در آن موقع سطح سیاره ماه، به حدی گرم و حرارت پیدا خواهد کرد که آب در آن به جوش در بیاید و تمام آب های اقیانوسها به بخار تبدیل خواهدگردید.

مارتین ریل اخترشناس رصد خانه کمبریج میگوید: "عالم ده یا پانزده میلیارد سال قبل با یک انفجار پدید آمده و نیمی از انرژی یا ماده خود را برای راندن ستاره گان به اعماق فضا مصرف کرده و نیمی دیگر آن دوباره کهکشانش را روی

هم انباشته کرده و برای انفجار نهائی آماده میکند و پس از آن چون دیگر نیروی در ماده وجود ندارد و در نتیجه عالم بیپایان خواهد رسید." (۱۳: ص ۱۸۵)

به سلسله معرفی دانشمندانیکه از برکت علم و دانش و تحقیق بر وجود الله

تبارک و تعالی اعتراف کرده اند در ذیل مختصر نوشته شده:

«دونالاربرت کار»، متخصص ژئوشیمی امریکایی: "برای من غیر مقدور است با اندیشه آزاد فکری و علمی در مورد وجود خداوند ﷻ وارد بحث شوم زیرا معتقدم این بحث از حوزه مباحث علمی خارج است و چند دلیل کاملاً علمی وجود ذات باری تعالی را متذکر میشوم؛ محاسبات دقیق نجومی که بعمل آمده عمر جهان را نیز تعیین میکنند که حدود پنج بلیون سال بوده است با توسعه این مباحث دلایل مفهوم ازلی و ابدی بودند، دنیا از بین می‌رود چنانکه در کتابهای مقدس آمده (ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفریده) ما میتوانیم تاریخ تغییرات کره زمین را تعیین کنیم، وجود نظم و ترتیب در طبیعت و اینکه قوانین طبیعی حتی الاجراء هستند اساس علوم جدید را تشکیل میدهند. نظم و ترتیب عالم که مورد نیاز دانشمندان است نه تنها از نظر خلقت وجود خدا را اثبات میکند بلکه برای ادامه این نظم و ترتیب و هدایت عالم وجود یک حکمت عالیه لازم می‌آید، این همان سخنان کتب مقدسه آسمانی است، جهان بی نظم و ترتیب موجودی لغو و باطل میباشد".

چنانچه «پول» میگوید: "از بدو آفرینش، جهان قدرت لایتناهی و الوهیت وی در تمام آفریده گانش مشهود است. بالاخره من برشته تخصص خود بر میگردم. مطالعه ژئوشیمی شخص را وامیدارد که جهانرا با نظر وسیع تری نگاه کند زمان را بابیلیونها سال از تاریخ پیدایش زمین و فضا را با وضعیکه تمام عالم کون را احاطه کرده جریان مراحل ادواریکه سرتا سر جهانرا شامل اند، ببینید آنگاه مشاهده این عظمت و جلال خواهی نخواهی او را بدرک حشمت و قدرت آفریدگار بزرگ راهنمای میکند با مشاهده این عظمت نه تنها مردم مؤمن بلکه اشخاص بی عقیده نیز غرق حیرت و اعجاب گردیده قبول خواهند کرد که آسمانها، گواه جلال و عظمت الهی و افلاک آفریده یَد [دست بلاکیف] قدرت اوست، روحم از دیدار این همه شکوه و عظمت به وجد ترتم آمده میگوید: ای بخشنده توانا! تو چقدر بزرگی. (۲۳: ص ۱۵۳)

فصل چهارم (مراحل خلقت انسان)

زآب و گل خدا خوش پیکری ساخت جهان از ارم زیبا تری ساخت

ولی ساقی بان آتش که دارد ز خاک من جهان دیگری ساخت

خواننده عزیز! خداوند متعال ﷻ در آیات ۱۲-۱۴ سوره مؤمنون میفرماید: "و ما آدمی را از گل خالص آفریدیم پس او را نطفه گردانیده در جای استوار (صلب، رحم) قرار دادیم آنگاه آن را علقه (خون بسته) و علقه را گوشت پاره و سپس بر استخوانها گوشت پوشانیدیم (و پیکر کامل کردیم) پس از آن (بادمیدن روح پاک مجرد) خلقی دیگری انشاء نمودیم؛ آفرین بر قدرت کامل بهترین آفرینندگان"، حال میخواهیم مراحل خلقت انسان را از نظر قرآن و علم امروزی تشریح نمائیم. خوب توجه نمائید شاید همه بشریت باین باور باشند که قرآن از زمان نزول که تقریباً (۱۴۵۰) سال قبل بوده دست نخورده باقیمانده است بر خلاف کتب آسمانی دیگر و هم آیاتی که درین جا بان استناد میشود از همان وقت است، هرکس که این کتاب را مطالعه میکند همانقدر معلومات دارد که در وقت نزول قرآن عظیم علم در جهان چه دست آورد های داشته، بخصوص اعراب جزیره العرب و این راهم میدانیم که پیامبر ﷺ اُمی بودند، کدام لیسه، مدرسه، پوهنتون و دانشکده را نخوانده اما امروز این آیات اگر از یافته های علم بشری در قرن بیستم درباره (اجنه) نیز مطلع باشد احساس خواهد کرد که خداوند متعال که درین آیات او را مورد خطاب قرار داده با زبان امروز میفهمد و به او سخن میگوید. برای ایمان آوردن به الله ﷻ توجه انسان در قرآنکریم به نمونه های مختلف خلقت از قبیل آسمانها، حیوانات، نباتات و غیره جلب گردیده و از انسان خواسته شده که درین مورد غور کند. **لَحْنٌ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ** (۱) (۱)

واقعه، آیه ۸۷) "ما شما را آفریدیم؛ پس چرا (آفرینش مجدد را) تصدیق نمی کنید؟". اعجاز قرآن در همه آیه های قرآن پیداست بعضی آیات چیزهای را ذکر نموده که در قرن هفتم میلادی انسان قادر بدرک آن نبوده مثلاً: ۱- انسان از تمام منی نه بلکه از یک قسمت آن ساخته شده است، ۲- نطفه مرد تعیین کننده جنسیت طفل است،

۳:- رشیم طفل مثل یک جوک (زالو) در رحم مادر میپیچد، ۴:- جنین در داخل رحم در سه تاریکی انکشاف میکند.

قطره منی: قطره منی در داخل رحم مادر در حرکت است تا به تخمه برسد، از جمله ۲۵۰ میلیون اسپرم موجود در منی صرف یک هزار آن خود را به تخمه زن رسانیده میتواند، بعد از پنج دقیقه رقابت بالاخره صرف یک اسپرم که جسامت برابر نصف دانه یک نمک را دارد میتواند داخل تخمه شود، که در سوره قیامت این موضوع ذکر

گردیده. **أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِّن مَّنِي يُمْنِي** ﴿۱۷﴾ "آیا نطفه از منی انزال شده نبود؟". میبینیم که الله **عَلَّمَ** واضح میسازد که انسان از تمام منی نه بلکه از یک قسمت بسیار کمی آن ساخته شده است که در قرن بیست دانسته شد.

مخلوط منی: مایع منی صرف حاوی اسپرم نبوده بلکه از مایعات مختلف میباشد تجزیه آن نشان میدهد که در آن اسپرم ویتامین سی، کلسترول، فلاوین، شکر، جوهرلیمو، فاسفیت، جست و غیره اجزاء میباشد، که این موضوع صدها سال قبل در

قرآن ذکر گردیده است. **إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن نُّطْفَةٍ** ﴿۲﴾ (انسان، آیه ۲) "ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم". در آیه دیگر خلقت انسان از جوهر مخلوط تاکید

میکند. **ثُمَّ جَعَلْ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ** ﴿۸﴾ "آنگاه نسل وی را از

خلاصه یا جوهر یک مایع بی قدر ساختیم". لغت (سُلَالَةٌ) یعنی قسمت اساسی و مهم یک شیء یعنی جوهر آن.

جنسیت طفل:

تا درین اواخر مردم فکر میکردند که جنس طفل توسط زن تعیین میگردد و بعضاً فکر میکردند پدر و مادر هر دو در تعیین جنسیت طفل نقش بازی میکنند، اما قرآن واضح ساخته بود که جنسیت از قطره منی مرد نشأت میکند. **وَأَنَّهُ رَخَقَ الزَّوْجَيْنِ**

الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٤٥﴾ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى ﴿٤٦﴾ (۱: نجم، آیات ۴۵، ۴۶) "و اوست

که دو زوج نر و ماده [مؤنث] را آفریداز نطفه، هنگامی که خارج می‌سازند (و در رحم قرار می‌دهیم)". پیشرفت علم جنیتیک و بیولوژی مالیکول صحت این معلومات را تصدیق نموده، در قرن ۲۰ دانسته که جنسیت طفل توسط حجات اسپرم مرد تعیین میگردد. (تفصیل علمی آن خارج از توان این بحث است). پس جنسیت طفل توسط اسپرم مرد تعیین میشود در حالیکه در اکثریت جوامع فکر میشد که تعیین جنسیت مربوط زن است و زنان بخاطر زادن دختر تحقیر میشدند. قرآن (۱۴۵۰) سال قبل این خرافات را رد نمود که حالا علم و تکنالوژی جدید به حقیقت آن پی برده اند.

علقه که به رحم می چسبند:

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ (۱: علق، آیه ۲) "انسان را از علق آفرید". کلمه

علق یک چیزیکه در یک جا بچسبد این لغت برای حیوانی جوک (زالو) که به جسم حیوانی دیگری خود را می چسپاند و خون وی را می مکد هم گفته شده، کاربرد این لغت بخصوص برای توضیح در رحم مادر صرف کلام الله ﷻ بوده میتواند، وقتی که اسپرم مرد با تخمه زن یکجاشد اساس تولید یک طفل مانده میشود، این حجره واحد بنام زایگوت یاد میشود، که متداوماً تکثر نموده به یک توته گوشت بنام ریشم مبدل میشود که توسط میکروسکوب قابل دید میباشد، این ریشم خود را به دیوار رحم مادر می چسپاند بآن ریشه دوانیده تا بخوبی محکم شود و از طریق همین ریشه مواد غذائی که برای نشو و نموی وی ضروری است از خون مادر میگیرد اینکه قرآن به چسپیده بودن ریشم در رحم مادر اشاره میکند دیگر شکی باید باقی نماند که قرآن کلام خداوند متعال ﷻ است. (۳۲: ص ۷۵)

پوشانیدن عضلات بالای استخوانها:

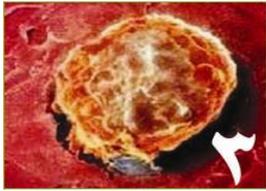
ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أُنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ﴿١٣﴾

﴿١٢﴾ (۱: مؤمنون، آیات ۱۲-۱۴) "آنگاه نطفه را علقه ساختیم و از علقه گوشت پاره بوجود آوردیم و از آن گوشت پاره استخوانها را و سپس بر استخوانها عضلات را پوشانیدیم و پس از آن خلقت دیگر ساختیم". معلومات مهم دیگر که قرآن تهیه نموده مراحل نمو در داخل رحم مادر میباشد، در حالیکه تحقیقات تکامل یافته میکروسکوپی نشان داد که این مراحل شرح یافته در قرآن کاملاً درست است که در اول از گوشت که معجونی از تمام انسان است و سپس غضروف بوجود آمده که بعداً به استخوان تبدیل میشود بعداً حجرات و عضلات تولید شده بالای استخوانها جا بجا شده آنها را میپوشاند خلاصه اینکه سلسله مراحل تکامل انسان طوریکه در قرآن واضح شده عیناً مطابقت با علم امبریولوژی معاصر میباشد. درین لحظات که همین موضوع را یادداشت مینمودم در دور و برم راجع به همین موضوع چند کتاب موجود بود که هرکدام موضوع مذکور را از نظر علم طب و کشفیات تازه مورد بررسی و تشریحات مفصل علمی قرار داده بودند و بهترین تفسیر برای آیات مبارکه قرآن، با مطابقت بسیار جالب مقدور نشدیم که مشت نمونه خروار، گفته ناگزیرم باشارات کوتاه اکتفاء کنم چراکه قرآن بحریست هرآیه آن اگر مورد تحقیق و بررسی علمی قرار گیرد، درصورتیکه توان، درک و فهم موجود باشد و در ضمن معلومات از علوم فنون عصری کمای کتابی که باحجم بزرگ بوجود خواهد آمد که خارج از توان این رساله‌ی است.

الآن کمی همراه با تصویر در این مراحل هفتگانه می اندیشیم:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً

و هر آینه آفریدیم آدمی را از خلاصه ای از گل * باز ساختیم آدمی را از نطفه در
 قرارگاه استوار* باز ساختیم آن نطفه را خون بسته



فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مَضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمَضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ
 خَلْقًا آخَرَ

باز ساختیم آن خون بسته را گوشت پاره پس ساختیم آن گوشت پاره را
 استخوانهای چند پس پوشانیدیم بر آن استخوانهای گوشت را باز آفریدیم او
 را آفرینشی دیگر. (۲۲:۴۱)



مراحل تاریکی در رحم مادر:

قرآن میگوید که طفل طی مراحل سه گانه تاریکی آفریده شده است. ^ع تَخْلُقُكُمْ

فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلْمَتٍ ثَلَاثٍ ﴿٦﴾ (۱: زمر، آیه

۶) "شما را مرحله بمرحله در رحم مادران تان آفرید در تاریکی های سه گانه".
 ظلمات و یا تاریکی های سه گانه در جریان تکامل ریشم عبارت اند از: ۱- تاریکی
 جوف بطن، ۲- تاریکی داخل رحم، ۳- تاریکی غشای طفل.

بیولوژی امروز آشکار ساخته که تکامل ریشم و طفل در داخل سه جوف تاریک طوریکه در آیه مبارکه آمده است صورت میپذیرد، بر علاوه علم ثابت نموده که هر کدام اینها از جدار های سه طبقه ای تشکیل گردیده است. (۳۲: ص ۷۹)

در حالیکه سلولهای جنین در حال رشد به طی مراحل سه گانه بیان گردیده مشغول میشوند، سلولها تغذیه کننده وظیفه تأمین غذا و هوا را بعهده میگیرند، تا بارداری تحقق یابد. ملحقات جنین از آن بوجود آید و از جمله این ملحقات پرده های سه گانه که از داخل و خارج همدیگر احاطه کرده اند عبارت اند از: ۱- پرده امینون (که جنین در آن شناور است، احاطه میکند)، ۲- پرده کوریون (که سلولهای سطحی آن بداخل غشای مخاطی رحم نفوذ میکند) و ۳- کیسه پرده زرد (که عبارت از غشای مخاطی جداره رحم که پس از لانه گزینی تخمک که بعداً جفت را تشکیل میدهد).

باین دلیل جفت نامیده شده که همراه جنین از رحم خارج میشود. (۲۱: ص ۹۳)

با استناد به یافته های جدید علمی درباره پرده های سه گانه خود را بار دیگر در برابر یک اعجاز قرآنی میبینیم که قرآن باین پرده های سه گانه یک تصویر واقعی از جوّ ظلمات و تاریکی اطراف جنین اشاره میکند.

محل تولید نطفه:

در آیات دیگر، در مورد محل تولید نطفه چنین می فرماید: **خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ**

﴿٦﴾ **تَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ** ﴿١﴾ (طارق، آیات ۶-۷) "از آب جهنده خلق شده که از بین تیرکمر و قبرغه ها خارج شده". زمانیکه طفل در داخل رحم مادر قرار دارد خصیه ها در پسر و تخمدانها در جنین دختر در محل که گرده ها قرار دارد میباشد، یعنی در محل تقاطع ستون فقرات یا تیرکمر و قبرغه ها بعداً بموقعیت اصلی شان پائین میآید، خصیه ها از بین تیرکمر و قبرغه ها در ماه سوم داخل رحم بطرف پائین حرکت نموده در حوصله قرار میگیرد، بعد از ماه هفتم پائین آمده به قسمت پائین جدار شکم رسیده بالاخره در ماه نهم در جای اصلی خود قرار میگیرد، این حکمت قرآن دلیل دیگری اثبات آن من حیث کلام الهی میباشد. چند ی پیش

بعضی از عرب ها در مورد علم جنین آیات قرآنی و احادیث نبوی ﷺ را جمع آوری کرده به داکتر کیت مور که در عصر حاضر نامبرده از کارشناسان علم جنین است و در پوهنتون تورنتو کانادا رئیس این بخش است تقدیم نمودند، بعد از ترجمه آیات و احادیث؛ او گفت بیشترین آیات و احادیث با تحقیقات جدید مطابقت دارد البته چند سخنیست که وی آنرا نه تأیید میکند و نه رد، زیرا علم جدید در مورد آن توضیح نکرده و خودم نیز درین مورد معلومات کافی ندارم.

از داکتر کیت درین مورد هشتاد سوال شده بود؛ او این را هم گفت که اگر سی سال قبل از وی این سوال ها میشد وی ۵۰٪ آنرا جواب داده نمیتوانست، زیرا درین سی سال علم ترقی زیاد نموده این سخن کیت مور در سال ۱۹۸۰ بود که داکتر مذکور این تحقیقات خود را تحت عنوان کتاب (The Developing of Human) چاپ کرد و درین سال جایزه بهترین کتابی طبی برایش داده شد، چاپ اسلامی این کتاب را داکتر عبدالمجید زندانی نشر کرد، تصدیق کیت مور در آنجا موجود است و نیز داکتر مذکور بعد از تشریحات علمی اظهار میدارد که بیان علم جنین مرحله اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم تفصیلات آن بسیار پیچیده و مشکل است و فهم آن دشوار است (قرآن بخاطر آسانی بطور تمثیلی بیان شده که مراحل قرآنی خیلی بصورت ساده این موضوع مغلق را بصورت تمثال بیان نموده، که هر انسان آنرا خوب فهمیده میتواند) از همین سبب داکتر کیت مور میگوید، من در قبول این سخن هیچ اعتراضی ندارم که محمد ﷺ پیامبر و فرستاده پروردگار بوده و این معلومات در کتابی بوده میتواند ممکن باشد که از طرف خداوند متعال ﷻ باشد.

اعتراف دانشمندان طب:

- پروفیسور "شروبردر" آلمانی میگوید: "آنچه را که من شنیده ام و سؤالات که متوجه شده ام و همه آن چیزهائی را که دانشمندان کشف نموده اند، همه و همه دلالت به آن دارد که همه دارای حقیقت واحد، علم واحد و آفریدگار واحد اند."
- پروفیسور "یوشی کوزری" مدیر رصد خانه توکیو میگوید: "که این قرآن و آنچه که در آن از حقایق علمی تذکر داده شده دلالت به آن دارد که متکلم آن

از بلندترین پایگاه وجود و خارج از کاینات است و ذات او همه چیز را در وجود میبندد و همه چیز در برابر او واضح است، اما دانشمندان بحث های خبر وی ﷺ در مورد کواکب و ستاره ها را مورد بحث قرار میدهند و ارتباط آنها را به این وجود (ذات موجود) نمیدانیم، من دوست دارم همین راه را تعقیب کنم."

• **استاد «یوریس یوکای»** رئیس قسم تشریح و جنین شناسی در پوهنتون شیانگهای شمال تایلند نسبت آشنائی باحقایق قرآنی در برابر دانشمندان در کنفرانس طبی منعقد عربستان مسلمان میشود، وی در یکی از کنفرانسهای طبی در فرانسه از اعجاز طبی در قرآن سخن گفته در برابر اظهارمیدارد؛ "من از شما سوال دارم آیا ممکن است این علمی را که محمد ﷺ در قرن هفتم میلادی ابلاغ نمود از طریق بشر باشد؟. اگر نزد شما تفسیری باشد، امید است بیان کنید، ولی کسی حاضر نمیشود در مورد جواب دهد. بعد میگوید بلی شما در موقف قرار دارید که من دارم، من برایشما میگویم این علم جز یک تفسیر ندارد و آن اینکه قرآن از جانب خداوند متعال است و محمد ﷺ فرستاده برحق اوست."

• **استاد وراثت "جوی سیمون"** ثابت گردانیده است که انسان وقتی در عالم نطفه قرار دارد همه چیز برای او مقدر میگردد، همانطوریکه خداوند ﷻ میفرماید:

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ﴿١٧﴾ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴿١٨﴾ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ ﴿١٩﴾ فَقَدَرَهُ ﴿٢٠﴾

(عبس، آیات ۱۷-۱۹). کشته باد انسان(بی ایمان) چرا تا آن حد کفر و عناد میورزد نمی نگرد که از چه چیز خلق شده است، از آب نطفه (بی قدری) خدا ﷻ بدین صورت زیبا خلقش فرمود.

• **استاد "جون سون"** ثابت گردانیده است که جنین چهار مرحله را در سطح خلقت طی میکند: نطفه، علقه، مضغه و خلق اعضاء. صورت نهائی خلقت وقتی میدانید قرآن کریم ازین مراحل در قرن هفتم میلادی خبر داده میگوید مطلب است حق، هیچگونه تفسیری برای این حقیقت نیست جز اینکه بگوئیم این حقیقت از عالم بالا یعنی خداوند متعال ﷻ است.

- **دوکتور "بیر سر" میگوید:** ضروریست قرآن از جانب خداوند متعال ﷺ وحی شده باشد و حقیقتاً و صدقاً محمد ﷺ رسول خداوند متعال ﷺ است.
- **دانشمند دیگر «کیت مور» میگوید:** قرآن بزرگتر از توان و طاقت بشری است و ضرور است بر محمد ﷺ از جانب خداوند متعال ﷺ وحی باشد. این همه معانی را دانشمند انگلیسی (ارتراسیون) که اسلام خود را تحت نام عبدالله اسیون اعلان میکند درین جملات جمع نموده: اسلام دین فطرت است که عقل، وجدان را مخاطب قرار میدهد و علاوه میکند اسلام دین حق است و از جانب پروردگار عالمیان است و محمد ﷺ حقیقتاً فرستاده خداوند متعال است.

قاهره در ماه سپتمبر ۱۹۹۰ میلادی شاهد اولین کنفرانس بین المللی اعجاز طبیی قرآن بود که در آن ۵۰۰ دانشمند از ۲۸ کشور و دولت حصه میگیرند و ۱۵۰ موضوع از نگاه اعجاز طبیی قرآن مورد بحث قرار میگیرد؛ مثل علوم جنین شناسی، مسئله تکوین جنین، رضاعت طبیعی، تحریم ازدواج با خواهر رضاعی، علم وراثت، طب وقایوی، علم وظایف اعضاء، طب روانی، طب شرعی و همچنان بعضی تعالیم رسول الله ﷺ و غیره. اعجاز قرآن تنها محصور در ساحه طبیی نبوده بلکه کافه علوم را در برمیگرفت همانطوریکه (داکتر الیمون بالمر) مشاور بانگ در ساحه ساختمانی وقتی از اعجاز علمی قرآن اطلاع میابد بدین اسلام مشرف میگردد. علمای غرب همه به این حقیقت رسیده اند که بسان داکتر بالمر بگویند قرآن کتابیست که از حال حاضر و آینده بحث میکند.

من عرف نفسه فقد عرف ربه:

که درخود فاش بیند رمز لولاک

مسلمانان همین عرفان وادراک

خدا اندر قیاس ما ننگند شناس آنرا که گوید ما عرفناک

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٢١﴾

۱: ذاریات، آیات ۲۰-۲۱) "بدانید که در زمین برای اهل یقین ادله قدرت الهی پدیدار است وهم درنفوس خود شما مردم آیا بچشم بصیرت نمینگرید". خداوند متعال ﷻ درین آیت بشر را برمی انگیزد تا درباره عظمت آفرینش خود بیاندهد و پی ببرد که نشانه های از قدرت خالق متعال درین آفرینش و خلقت وجود دارد، پس بشارت میدهد که آیات و نشانه ها را آشکار و روشن خواهد کرد تا برای انسانها ثابت شود که حق از آن اوست و در سوره فصلت آیه ۵۳ میفرماید: سَنُرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ

وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ﴿٥٣﴾ "ما قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بنده گان کاملاً هویدا و روشن میگردانیم که ظاهر و آشکار شو د. که "خدا و آیات، حکمت و قیامت و رسالتش همه حق است". اگر به چشم حقیقت بین نگریسته شود خارق العاده بودن و اعجاز قرآن در همه عرصه ها و آفاق روشن شود مثل جامع بودن، ادبیات، تفوق طب، ریاضیات و عظمت کائنات و غیره، در زمان نزول قرآن کریم تا عصر حاضر علماء و مفسرین بزرگوار قرآنکریم را تحلیل و تفسیرنموده با شرایط زمان و عصر خویش از فواید و اعجاز آن ذهن ملت مسلمان خویش را روشن نموده اند که به هر تفسیر نظر اندازی شود، اعجاز و برتری های قرآن واضح و روشن میگردد، یعنی در هر عصر و زمان سازگار و مفید بوده و باگذشت زمان و شرایط و پیشرفت علوم و فنون عوض عقب نشینی و کاستی، تعبیرات و دلایل روشنتر از لابلای آیات قرآن بدست می آید، ولی متأسفانه ما مسلمانان درکسب، درک، فهم و عمل آن کمتر توجه داریم قرآن در دو جمله کوتاه اما بسیار با معنی ما را خطاب قرار میدهد که شناخت نفس و نگریستن به چشم بصیرت با آن میبینیم چه راز در آن نهفته است.

درینجا تشریح بعضی از اعضای بدن و وظایف آن از روی یافته های علمی قرن ۲۱ آنهم بسیار کوتاه و مختصر میخوانید دقیقاً غور و تعمق نمائید که ماتریالیستها

عقیده داشتند (که ماده بی شعور بوجود آورنده مخلوقات و کاینات است و بواسطه عقیده پوچ و فاسد خود تقریباً یک قرن چه بلاها و مصائب را بخصوص بجوامع اسلامی نیاورده اند؟!،) و عده بی خردی را گمراه و برای مدت با تبلیغات میان تهی در جهان عرض وجود نموده تا اینکه وعده الله ﷻ بسر رسید. «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ

الْبَطِلُ إِنَّ الْبَطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿۸۱﴾ (۱: اسراء، آیه ۸۱) آیا تنها وجود انسان با

این همه شگفتی های حیرت آور که عقل بشر توان درک همه حقایق آنرا ندارد شاهد این ادعا نیست که صانع توانا و دانا است؟! که در ک علم آن ازصلاحیت و فهم ما خارج است. از اصل مطلب دور نشویم؛ و اینکه الله ﷻ امر میکند در خلقت خود بیاندیشیم لازم است سری به این دنیای پیچیده "خلقت انسان" بزنیم و با خشوع و خضوع کامل در برابر خالق توانا و بی مثال به اعماق او پی ببریم و زمانی در سایه این آیات قرآنی که حلیم ترین انسانها را به حیرت وا میدارد سیری نمائیم "البته بطور بسیارمختصر».

تعداد غدد مترشحه و پیچیده موجود در معده به سی و پنج میلیون میرسد اما سلول های جدار معده که شیره معده را ترشح میکنند، یک میلیارد سلول تخمین زده شده است.

در روده باریک و روده اثناء عشر [دوازده] در هر سانتی متر مربع حدود ۳۶۰۰ پرز (مژک) وجود دارد که کاری جذب مواد غذایی را انجام میدهد، در روده دراز نیز در هر سانتی متر مربع ۲۵۰۰ پرز وجود دارد، درحالیکه طول امعاء به هشت متر میرسد.

در غشای مخاطی دهان هر پنج دقیقه حدود ۵۰۰ میلیون یاخته عوض میشود و در زبان برای تمیز مزه های شیرین، تلخ و شور ۹۰۰۰ پرز چشائی وجود دارد، اگر تمام گلبولهای سرخ بدن یک انسان در کنار هم قرار گیرد طول معادل ۵ تا ۶ برابر محیط کره زمین خواهد داشت اما مساحت این گلبولها ۳۴۰۰ متر مربع تخمین زده شده، تعداد گلبولهای سرخ موجود در هر ملی متر مکعب خون به ۵ میلیون میرسد. هر گلبول سرخ روزانه بطور اوسط ۱۵۰۰ بار همراه دستگاه گردش خون در بدن جریان پیدا میکند؛ درین مدت مسافت معادل ۱۵۵۰ کیلومتر را طی میکند.

قلب: تلمبه زندگی است که هیچ وقت از کار نمی ایستد، در هر دقیقه ۶۰ الی ۸۰ بار خون را تلمبه میکند، هر روز نزدیک به ۱۰۰۰۰ بار، منقبض و منبسط میشود و درین مدت ۸۰۰۰ لیتر خون را تلمبه میکند که درطول مدت زندگی انسان نزدیک به ۵۶ میلیون گالن خون تلمبه میکند، آیا ماشینی را سراغ دارید که چنین کار عظیمی را بدون نیاز به تعمیر انجام دهد؟. زیر بشره (پوست) بین ۵-۱۵ میلیون غده عروقی وجود دارد که کار شان تنظیم درجه حرارت بدن است ، این غده ها بوسیله ای تبخیر و تعریق، حرارت اضافی بدن انسان را دفع میکند. بدن انسان هرثانیه ۱۲۵ میلیون سلول را از دست میدهد، یعنی در یک دقیقه ۷ میلیارد و پنچصد میلیون انسان همزمان بهمین میزان سلول نو به سلولهای مرده جایگزین میکند و خود سلول چنان ساختمان و هندسه و فیزیولوژی پیچیده ای دارد که آگاهی از آن، انسان را به شدت متعجب و او را وادار میسازد در برابر عظمت خداوند متعال دانا و توانا سر تعظیم فرود آورده و به سجده بیفتد. **وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا**

الْعَالِمُونَ ﴿۱:عنکبوت ۴۳﴾ "این چنین مثالهایی است که ما برای مردم می‌رسانیم و جز دانایان آن را درک نمی‌کنند)؟!". در انسان دو لوله هوا (نای) به دو شاخه اصلی تقسیم میشود، هر یک از آنها به یکی از ششها وصل میگردد، پس از اتصال نای ها به ششها هر یک از آنها به شاخه های باریک و باریکتر تقسیم و شاخه، شاخه میشوند، هریک ازین شاخه های لوله به یک کیسه هوای منتهی میگردند و تعداد کیسه های هوای ششها به ۷۵۰ کیسه میرسند. هرکیسه دارای شش نازک بوده به دیواری یک موی رگ کوچک متصل میشود. بدین ترتیب با تحویل گاز دی اکسید کربن به وسیله این کیسه ها بخون و دریافت اکسیجن از آن خون تصفیه میگردد، خلاصه هر انسان بطور اوسط روزانه ۲۵۰۰۰ بار عمل تنفس را انجام میدهد، درین مدت ۱۸۰ متر مکعب هواء وارد ریه ها میگردد، که ازین مقدار ۶.۵ متر مکعب اکسیجن وارد خون میگردد.

مغز: در مغز ۱۳ میلیارد سلول عصبی و ۱۰۰ میلیارد سلول چسپنده وجود دارد که به عنوان پوشش محکم برای حفظ سلولهای عصبی از تأثیرات عوامل خارجی عمل میکنند... مقداری خون که روزانه مغز به آن نیاز دارد کمتر از ۱۰۰۰ لیتر نمیشود.

چشم: در هر چشم نزدیک به ۱۴۰ میلیون گیرنده حساس نوری وجود دارد که بنام سلولهای مخروطی و میله ای معروف اند که با هم یکی از طبقات دهگانه از ۴/۵ حصه یک ملی متر تجاوز نمیکند، برای یک تصویر رنگی توسط چشم نزدیک به ۵۰۰

هزار بافت عصبی فعالیت مینمایند. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿۱﴾ (۱: تین، آیه ۴) " بدرستیکه انسان را به بهترین (نیکوترین) شکل آفریدیم "

گوش: از سه قسمت تشکیل شده است که مهمترین آن قسمت گوش داخلی یعنی قسمت حلزونی شکل آن است که مجرای حلزونی مملوء از اعصاب شنوائی مایع و تارهای موئی شکل میباشد که پیام ها و صداهاى رسیده را به مغز میرسانند، تعداد سلولهای عصبی دریافت کننده امواج صوتی در گوش به ۳۰۰۰۰ سلول عصبی میرسد، علاوه بر آن اندامهای دیگری نیز در گوش وجود دارد که نقش مؤثری در شنوائی ایفاء میکنند.

خون: در خون کامل ۲۵ میلیون گلبول سرخ برای حمل اکسیجن و ۲۵ میلیارد گلبول سفید برای مقابله با میکروبها و دفاع بدن وجود دارد، علاوه برین در خون ۱ میلیون پلاکت خونی وجود دارد که باعث بند آمدن و لخته شدن خون و سبب بند آمدن خونریزی میگردد، این پلاکت ها در مغز استخوان ساخته میشوند در هر ثانیه ۲۵ میلیون از آنها به همراه یک میلیون گلبول سرخ و ۱۲۰ هزار گلبول سفید وارد خون میشوند، این امر اهمیت استخوانها را در تولید مواد تشکیل دهنده خون نشان میدهد و در افراد مسن تولید این مواد کاهش میابد، اینجاست که انسان به یاد این آیه

کریمه می افتد: قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا ﴿۱﴾ (۱: کریمه، آیت ۴) " عرض کرد: "پروردگارا! استخوان من سست شد؛ و فروغ پیری، بر سرم بتافت".

یکبار جهش منی در مرد حاوی ۳۰۰ میلیون جاندار منوی (اسپرم)

است انسان فقط از یک اسپرم که موفق میشود که به تخمک زن القاح یابد، بوجود میآید.

کلیه: در کلیه (گرده) حدود یک میلیون واحد تصفیه کننده خون بنام نفرون وجود دارد، در هر ۲۴ ساعت یکهزار و هشتصد لیتر خون توسط کلیه ها تصفیه میشوند، در خلال این مدت حدود ۱.۵ لیتر جداگشته دفع میشود، که ما آنرا بول (شاش) مینامیم، طول لوله های نفرون ها جمعاً به ۵۰ کیلومتر میرسند. **صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ**

شَيْءٍ إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿۸۸﴾ (نمل، آیت ۸۸) "صنع خداست که هر

شی را به نیکوترین وجه خلق کرده است". (۲۱: ص ۳۸، ۴۸)

باری در ریاست صحت عامه ولایت غور، کورس طبی متشکل از اعضای پرسونل صحتی و داکتران که نویسنده این سطور نیز از جمله شاملین آن بودم، دایر گردیده بود؛ استاد پروگرام (داکتر فرید "وقفی") رئیس بخش صحت موسسه همکاری (CHA) اناتومی گرده را تدریس میکرد، سیستم گرده و فعالیت های آن که دارای چقدر نفرون، عصب و غیره میباشد؛ بعد از تشریحات حدود نیم ساعت با احساسات زیاد گفت؛ خداوند توانا و داناست که خالق همه چیز است ما انسان ها با وجودی تحصیلات در یک رشته قادر به درک یک عضو عادی بدن خود نیستیم و به لهجه کابلی گفت "داکتر باید از ملا کده بسیار مسلمان و عقیده مند باشد". داکتر صاحب موصوف، حقیقتی بود که گفت؛ قرآن در سوره فاطر میفرماید: "دانشمندان از خدا عز وجل بیشتر میترسند". درین کتاب خواهید خواند که از روی علم، دانش، فهم، تحقیق و درک چقدر شخصیت های بزرگ علمی غیر مسلمان از فیض و برکت علم خویش مشرف به دین برحق اسلام گردیدند، اگر بخواهیم دقایق و شگفتی های خلقت جسم انسان را بشناسیم قطعاً از تعجب دچار حیرت خواهیم شد، مشت نمونه خروار گفته بواسطه جلوگیری از طولانی شدن بحث از سایر سیستم های اعضای بدن صرف نظر میکنیم.

خداوند متعال در سوره جاثیه آیه ۴ میفرماید: **وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ**

ءَايَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ "در خلقت شما آدمیان و انواع بیشماری حیوانات که در روی زمین پراکنده اند همه آیات، براهین قدرت حق برای اهل یقین آشکار است". لازم است گفته داکتر دمرداش عبدالمجید، متخصص علوم تربیتی را بطور اختصار نقل نمائیم: "علماء حساب کرده اند که احتمال اجتماع ذراتیکه بتوانند جزء از مواد اولیه دخیل در گوشت را بوجود آورند، علاوه بر ماده مستعد ضروری میلیاردها سال وقت ضرورت دارد که جهان به این پهناوری امکان آن را ندارد، البته این برای پیدایش ترکیبی است با آنهمه ناچیزی، به این احتمال قیاس کنید، این همه موجودات زنده را از جانور، گیاه و اجسام مرکب بیشمار و حال پیدایش حیات و ملکوت و آسمانها با سیارات و زمین را عقلاً محال است که این همه بدون بصیرت و آگاهی و از راهی تصادف کور کورانه نشئات یافته باشد، ناچار همه اینها آفریدگار دانا و آگاه دارند که علم وی محیط بر تمام اشیاء است که همه را آفریده برسنن و قوانین معین هدایت فرموده، کسیکه ایمان بخدا عز وجل نداشته باشد؛ حیوانی است که شهوت و غفلت بروی فرمانروائی میکند". (۲۳: ص ۶)

پنج دانش مخصوص خداوند متعال:

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿۱﴾ (لقمان، آیت ۳۴) "آگاهی از زمان قیام قیامت! مخصوص خداست؛ و اوست که باران را نازل می کند و آنچه که در زهدان مادران است می داند، و هیچ کس نمی داند فردا چه خواهد کرد؛ و هیچ کس نمی داند که در کدام سرزمین خواهد مرد؛ خداوند عز وجل عالم و آگاه است!"

از مواد پنجگانه فوق یعنی وقت قیامت، فردا چه خواهد کرد، و در کدام زمین خواهد مرد بطور دقیق و یقین شاید موافقین و مخالفین اسلام توافق داشته باشند که کسی نمیداند و به پیشرفت علم و تکنالوجی هم دانسته نخواهد شد و در قسمت نزول باران و آنچه در رحم مادران است با پیشرفت علم و تکنالوجی و از روی بعضی علایم و تجارب احتمالات گفته میشود که بعضاً بوقوع میپیوندند. منتقدین اسلام را بهانه بدست میآید که به آن رنگ و روغن دهند. چنانچه شاهد بودم در سالهای ۱۳۵۸-۶۰ در دوران تحصیلم در کابل زمانی شکوه و قدرت و رشد کمونیست ها در افغانستان بود، با ادعاء به اصطلاح علم و دانش، روشن فکری سعی میکردند نقطه ضعف به اسلام و مسلمانان پیدا و با لجاجت به آن بتازند که از طریق همین خرافه های میان تهی و تطمیع کردن به پول و مقام عده از جوانان کم فهم، نادان و لابلال را به صف خویش کشانیده به امید اینکه از این طریق ریشه اصیل ۱۴۰۰ ساله اسلام عزیز را در افغانستان از بیخ و بن خشکانیده، باخیال و گمان اینکه با تئوری و فلسفه پوچ ساخته شده (مارکس، انگلس، لینن و داروین) ابدی و دایمی حکومت خواهند کرد و دایم خون مسلمانان را به گناه ایمان به الله ﷻ و قرآن و رسالت محمد ﷺ خواهند ریخت، با شعار شکست ناپذیری و عدم عقب نشینی مست شراب، کباب و قدرت بودند، با وجودی دوران اختناق و وحشت لازم میگردید گاهی خاموش نمانده باحکمت و موعظه حسنه با بعضی اگر تحمل شنیدن کلمه حق را برای چند لحظه میداشتند مباحثه و مناقشه کنیم؛ با وجود اندک آگاهی و علم که داشتیم الحمد الله در همه مباحثه و مجادله ها شکست خورده و ذلیل میگردیدند و غیر لجاجت راه دوم و سوم برای خویش نمی یافتند، بیاد دارم که یکی از اعتراض و ادعای شان پیشگوئی باران توسط هوا شناسان و علم نجوم بود که بزعم آنان نعوذ با الله من ذالک تناقض در کلام الله ﷻ است. عده ای گمان میبرند که هواشناسان هنگام بارش باران را بطور دقیق میدانند. در آن سو این مسئله با عث رنج مسلمانان کوتاه فکر منجر گشته زیرا آنها معتقدند قبول تشکیک و تردید در حدیث پیامبر ﷺ که کلید های غیبی مخصوص خداوند متعال پنج است که یکی از آن زمان بارش باران است.

۱:- درین باره در اولین اجلاس اعجاز قرآن در اسلام آباد مطرح شد، یکی از دانشمندان امریکائی با همکاری جمعی از علمای اسلامی هواشناس به طرح و بحث این موضوع همت گماشتند؛ سرانجام به این نتیجه رسیدند که وقت دقیق نزول باران تا کنون بصورت یک معمأ باقی مانده آنها اذعان داشتند که کارشناسان هواشناسی میتوانند بگویند که فردا درجه حرارت و برودت چقدر و فشار جوّ و سمت وزش باد به کجا و احتمال دهند که باران صورت گیرد ولی بصورت قاطع ابراز نظر کنند که فردا بارش وجود دارد یا نه دچار مشکل شده اند، لذا هر چه صورت میگیرد از روی شک و گمان است، برای مثال اگر بگوئیم فردا باران میآید روی این احتمال که ابر موجود است و مواد بار آور کننده ابر، مانند گرد و خاک دانه های دود و اندک نمک در جو وجود دارد زمینه را برای باران در فلان وقت آماده میکند ولی ناگاه یک تغییر ناگهانی که پیش بینی آن غیر ممکن است باعث میشود که اسلوب معادله به هم خورد، لذا محتمل است باران ببارد و یا نیارد، یکی از محققان هوا شناسی میگوید علت این که نمیدانیم موعد و مقر اصلی باران را معین کنیم که عوامل و اسباب بسیاری در هوا مؤثر میافتد، برای همین آدمی نتوانسته موعد اصلی و زمان نزول باران را بصورت دقیق بیان دارد. (۱۱: ص ۲۱۸)

بسیار اتفاق افتاده که رسانه های صوتی و تصویری پیشگوئی باران را اعلان و نتیجه برعکس گردیده، بطور مثال در برج میزان ۱۳۸۹ منجم مشهور افغانی (عبدالله قندهاری) طی مصاحبه در یکی از تلویزیون های کابل ضمن گله و شکایه که دولت و مردم افغانستان به یافته های علمی وی ارج ننموده و دولت تدابیری برای وقایه و پیشگیری از حادثات طبیعی که پیشگوئی میکنم نمیگیرد. بطور مثال از باران و سیلاب های بهاری سال جاری را که پیشگوئی و از طریق رسانه ها اعلان نمودم کشور ی پاکستان تدابیر لازم را گرفت و بعد از حادثات سیل هم از آن طرف مرز برایم تلیفون ها رسیده و از پیشگوئیهایم تشکر گردیده، درین مصاحبه در ادامه سخنانش با اطمینان خاطر گفت که امسال پیشبینی میکنم که از اوایل عقرب باران های نرم و مفید شروع تا اخیر عقرب همه روزه در فضای افغانستان ابر و بارندگی است و از اول قوس الی ۱۵ جدی سال جاری باران افزایش یافته چنان سالی پر باران توأم با هوای

بسیار گرم پیش روی داریم که سابقه آن را هیچکس ندیده، قیمت های مواد اولیه بخصوص مواد سوخت بلند نرفته بلکه کاهش خواهند یافت، ازینکه بسیار قاطع حرف میزد گرداننده پروگرام حرف را دوران تا بالآخره از آن تضمین گرفت، ولی حرفش جامه عمل نپوشید تا ۱۷ برج جدی هیچگونه بارندگی در سراسر کشور بوقوع نه پیوست و در اوایل جدی همین سال از طریق منابع داخلی و خارجی افغانستان متواتر از طریق رسانه ها پیشبینی خشکسالی در افغانستان گردید که نباریدن باران و پیشگوئیهای مذکور مایه نگرانی مردم گردیده و باعث بلند رفتن سریع قیمت مواد غذایی بخصوص گندم شد و بر عکس پیشگوئیهای موصوف الحمد لله در برج دلو باران های مفید در سراسر کشور باعث اطمینان خاطر همه مردم شد، بهر صورت اگر متوجه شویم از همچو پیشبینی ها زیاد شنیده و دیده ایم که نتیجه برعکس شده است.

۲-: **و آنچه در رحم مادران است:** آیه مبارکه تحریر شده ۳۴ سوره لقمان و آیه ۸

سوره رعد و احادیث گهر بار پیغمبر بزرگوار تفسیر و تشریح نموده است. **اللَّهُ يَعْلَمُ مَا**

حَمَلُ كُلِّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ ۗ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ

بِمِقْدَارٍ ﴿۸﴾ (۱: رعد، آیه ۸) "خدا میداند هرزنی (درشکم خود) چه حمل دارد" بار او

پسر یا دختر وضع جسمانی، روحانی، کیفیت و کمیت استعداد ها نیروهای بالقوه دراو چگونه است « و میداند رحمها از چه میکاهند و برچه میافزایند هر چیز نزد او باندازه است!"

با دقت درین آیه درخواستیم یافت مرحله تشخیص جنس جنین و دیگر صفات ارثی هنگامی است که جنین به مرحله خاصی برسد قرآن نیز به این نکته اشاره دارد که قبل از آن ممکن نیست، اما بمحض اینکه جنین به مرحله مورد نظر برسد تشخیص جنین برای همگان آسان است.

کلمات اعجازی آیه:

الف - تَغِيضُ: از ریشه غيض، نقصان، کاستی و فرو رفتن.

ب - تَرَدَادُ: بمعنی بالا آمدن بزرگ شدن رحم است، میبینیم که کلمه تزداد

روشن است اما منظور از تغيض که بدو معنی استعمال شده چیست؟ و معنی بکار رفته درین آیه کدام است.

دانشمندان جنین شناسی در پاسخ میگویند هنگامیکه اسپرم ازوئید از جانب مرد بمجرای تناسلی رحم زن افکنده میشود رحم با اثر انقباضات که دارد اسپرم را بخود میکشاند و از تعداد ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون اسپرم ازوئید که وارد مجرای تناسلی زن میشود فقط یکی از آنها برای باروری مورد نیاز است که درین راستا اسپرم ازوئید بطرف جلو حرکت میکند با ول زن ترکیب میشود، در طول مسیر حرکت و پیوند با ول زن تحلیل رفته رو به نقصان مینهد باین معنی رحم اسپرم مرد رامی مُکد و به تحلیل و نقصان اسپرم منجر میگردد، وقتی که این مراحل به پایان رسید غيض آن تخم بوجود میاید، اسپرم مرد با ول زن شروع به رشد و نمو میکند مرحله (ازدیاد) که مرحله رشد و نموی اسپرم مرد و ول زن است، که میتوان برنامه های روش طفل را تشخیص کرد.

در جمع بندی مختصر فوق میتوان بگوئیم که غيض مرحله است که تشخیص جنس جنین و صفات وراثتی ممکن نیست، در جائیکه اسپرم مرد در طول مسیر و حرکت و پیوند با ول زن رو به تحلیل و کاستی می نهد و رحم به بلع و فرو بردن آن همت میگمارد و مرحله (ازدیاد) عبارت از پیوند اسپرم مرد و ول زن مقطعیکه تشخیص جنین و کلیه صفات وراثتی ممکن خواهد بود چیزیکه قرآن از آن به صراحت و واضح سخن رانده است لذا مفاتح غیب خداوند متعال ﷻ هم چنان باقی است.

حدیث رسول الله ﷺ که از ابن عمر (رض) روایت است تفسیر خوبیست که موضوع را خوبتر روشن میکند. ان مفتاح الغیب هو الغیض لیس الإزدیاد. یعنی دانش غیبی مخصوص خداوند ﷻ مرحله غيض است نه ازدیاد با جمع بندی در میابیم که حدیث رسول الله ﷻ آیت ۳۴ سوره لقمان را تفسیر میکند، اضافه میشود که دانش غیبی

خداوند ﷺ مرحله غیض است و آیه ۸ سوره رعد واضح شد که مرحله غیض جنین قبل از کتابت و نگارش فرشتگان است همینکه مرحله ازدیاد برسد، فرشتگان به نوشتن اجل زرق، سعادت و شقاوت میرسند که درین مرحله امکان پذیر است، پزشکان میتوانند جنس و صفات ارثی او را در یابند، قبل از آن همان غیض است که در حیطه علم خداوند ﷺ است، در احادیث پیامبر ﷺ که تفسیر قرآنکریم است «هو الغیض» گفته شده که در زمان نزول قرآن مراحل متذکره را بغیر از خدا ﷻ و رسولش کسی نمیدانسته.

عبدالمجید زندانی که آثار گرانبهای در زمینه اعجاز قرآن دارد مانند کتاب التوحید و توحید الخالق و غیره و هم رئیس دانشگاه الایمان یمن است میگوید: که با پروفیسور مارشال جانسون که از پزشکان مشهور امریکا و مستشار شرکت های سازنده داروهای باروری ملاقات کردم به او گفتم آیا تلاش کرده اید تا مرحله (غیض) قبل از مراحل اسپرمازوئید مرد و ول زن به تشخیص جنس جنین و آینده وراثتی آن بپردازید؟ وی گفت: به مدت ده سال به تحقیق و تفحص برای تشخیص جنس جنین و آینده وراثتی آن اقدام نمودیم، اما نتیجه جز پشیمانی و ندامت عاید مان نشد، گفتم اگر پاسخ پرسش خود را در احادیث حضرت رسول الله ﷺ دنبال میکردید تا این اندازه سرگشته نشدید. (۱۱: ص ۲۲۰)

همچنان در تفسیر ابن کثیر در بیان معنی این آیه که مفاتح غیب و علم بانرا کسی نمیداند مگر اینکه خداوند ﷻ بان آموخته باشد اگر فرمان کند ملائیک خداوند متعال و هر کس از بنده گانیکه اراده نماید از آن آگاهی خواهند یافت. شکی نیست که جز ذات باریتعالی کسی بر اسرار غیب آگاهی ندارد، مگر ذات باریتعالی باو آموخته باشد (عالم الغیب فلا ینظر علی غیبه احداً الا من ارتضی من الرسول).^۱ تناقض بین اختصاص علم غیب بذات پروردگار و آموختن مقداری ازین علم مانند اطلاع از جنسیت جنین در رحم (زهدان) مادر و فهمیدن از روی تجارب و وسایل و

۱ - عالم به غیب است و کسی به علم غیب آگاه نمیگردد، مگر کسی از پیامبران آنها به رضایت خداوند ﷻ

احتمال "آن" به بندگان وجود ندارد، خداوند ﷻ خود را بعلم غیب و شهادت توصیف کرده در حالیکه مخلوق با استفاده از حواس و عقلش فقط باندکی از علم شهادت آگاهی پیدا می کند. خداوند ﷻ عالم بالغیب و شهود را بخود منحصر فرموده تا بگوید که علم او بر همه چیز احاطه دارد نه اینکه مخلوق را از آگاهی بر اندکی از علم شهود محروم میکند، اکنون میتوانیم میان علم خالق و علم مخلوق در ارتباط به آیه «وَيَعْلَمُ

مَا فِي الْأَرْحَامِ» مقارنه بعمل آوریم تا رفع شبهه شود.

۱- خداوند ﷻ از همان لحظه لقاح و حتی پیش از آن از جنسیت جنین آگاهی دارد، در حالیکه تلاش مخلوق برای پی بردن باین مسئله مدت معینی از انجام لقاح شروع میشود.

۲- علم الله ﷻ بآنچه در ارحام است همانند علم او بهر چیز دیگر است و نیازی بواسطه و سبب ندارد، در حالیکه مخلوق برای دانستن به ابزار و اسباب متوسل میشوند یعنی مراحل تجربوی بسیاری را پشت سر میگذرانند.

۳- علم خداوند ﷻ هیچگاه در معرض خطا و سهو قرار نمیگیرد، در صورتیکه علم مخلوق ممکن دچار سهو و خطای زیاد شده، اگر مخلوق ازین طریق به حقیقت رازی پی ببرد این مرحله جز با خواست الهی ممکن نیست. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ

يَعْلَمُ ﴿١﴾ (علق، آیه ۸).

۴- علم الله ﷻ بما فی الارحام علمی شامل و کامل است، ابعاد آن منحصر به جنسیت جنین نیست بلکه خالق متعال علاوه بر آگاهی از جنسیت، طول، شکل، حواس، مدت عمر، سعادت و شقاوت، روزی، اجل، لحظه تولد و سایر تفصیل او آگاهی دارد، اما علم مخلوق فقط در زمینه جزئی ازین اجزاء است که آنهم ممکن توأم با اشتباه باشد. (۲۱): ص (۵۳)

فصل پنجم: (تفوق طب در اسلام)

برتری طب وقایوی:

وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٨﴾ (۱: اسراء، آیه ۲۸)

وآنچه از قرآن فرستادیم شفاء و رحمت است برای مؤمنان.. **لكل داءٍ دواءٌ** (حدیث). برای هر درد دواى است **الْعِلْمَ عِلْمَانُ عِلْمُ الْأَبْدَانِ وَعِلْمُ الْأَدْيَانِ** (حدیث). علم دو قسم است علم بدن و علم دین، جهان بشریت هر چند بسوی پیشرفت جلو برود، به رموز طبیعت تسلط یابد، از قعر اقیانوسهای عظیم یا به کهکشانهای دور بالا بوسیله دانش به کاوش بپردازد، هزاران سیر نهفته و اسرار پوشیده را بدست آورد و یا غرور خودسای سرگردانی برجامعه چیره گردد؛ ناگزیر سرتسلیم و تعظیم بآئین مقدس و نجات بخش اسلام فرو آورد، بخاطریکه دین ساخته افکار محدود بشر نیست، بلکه از پیشگاه اقدس سجانه و تعالی شرف صدور یافته است، اگر طب امروز به کشف اجسام حیه ذره بینی بنام ویروس، باکتریا و عوامل اکثر بیماری ها را توسط وسایل پیشرفته و مدرن دست یافته و بآن افتخار میکند و یا هزاران کتب و رساله‌ی در ساحه حفظ الصحه شخصی، اجتماعی و محیطی نشر مینماید و برای کاشفین و مؤلفین جایزه نوبل و غیره کاندید میکنند، بد بختانه بشر مشکوک مادی پرست امروز غافل از آنست که ۱۴ قرن قبل بهترین عالم بشریت حضرت محمد ﷺ توسط کتاب مقدس (آسمانی) تمام دستورات نجات بخش الهی را بحیث مقررات علمی، اجتماعی، معنوی، مادی، طبی، اخلاقی، سیاسی و غیره نه تنها برای عالم اسلام بلکه برای بشریت به ارمغان آورده است.

قرآنکریم تمام مراحل نشو و نموی طفل را در رحم مادر تا حین ولادت و بعد از دوره زندگی را به بشریت ابلاغ کرده است. در قرآن کریم راجع بدو گناه زنا و لواطت میفرماید: **وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا** (اسراء، آیه ۲۷)، یعنی به زنا نزدیک نشوید هر آینه زنا فحشا بوده و بدو طریقه است **(اتاتون الذکران من**

العالمین وتذرون ما خلق لکم من ازواجکم). "آیا از جمله عالمیان شما به مردان پیش می‌شوید و آن زنان تانرا که خدا برای شما آفریده ترک می‌کنید این کار سببی است که شما تجاوز کار هستید".

در حدیث است که بزرگترین گناه پیش خداوند ﷺ بعد از شرک اینست که مرد نطفه اش را در فرجی بریزد که برایش حلال نیست، حضرت محمد ﷺ فرموده است: هر کس با زنی لواطه نماید قطعاً با آنچه بر محمد نازل شده کفر ورزیده است و هم در حدیث دیگری که رسول الله ﷺ میفرماید: هفت کس است که خداوند ﷻ آنها را لعنت میکند و در روز قیامت به ایشان نظر نمی‌کند و برای آنها میگوید به دوزخ داخل شوید که از آنجمله یکی لواطت کار است چه فاعل باشد چه مفعول، باید تذکر داد که منشاء عمده امراض مثل سیفلس، سوزاک، آتَشک یا شانکرونوم، گرانولوم آمیزشی، بیماری نیکولا فاور، التهاب مهبل، ایدز و غیره که امراض عمده و خطرناک و کشنده بوده؛ زنا و لواطت میباشد، با وجود زیانها و خطرات صحی عمل شنیع لواطه می بینیم که شایع شده مخصوصاً در جوامع اروپا و امریکا و متأسفانه در برخی از کشور های خلیج که تحت فرهنگ مبتدل غربی قرار گرفته و اصالت اسلامی خود را فراموش کرد ه اند، آمار نشان میدهد که ۴۰ هزار غلام بچه در انگلستان از طریق کسب لواطه در آمد میکنند، و شاید این ننگین ترین وصله بر پسمانی تمدن قرن ۲۰ باشد که کشور های اروپا ئی از قبیل بریتانیا با تصویب قوانین به لواطه وجه قانونی میبخشند، عوامل عمده مرض ایدز که امروز طاعون قرن ۲۰ نامیده شده (مرض وحشتناک به شنیدن آن لرزه به اندام بوجود میاورد) که یک آفت کشنده است که تداوی شافی ندارد. و تا کنون برای درمان آن کدام واکسین مؤثر تهیه نشده.

در ماه جون ۱۹۸۶ سازمان بنام کریستال مدیکال کمیسیون (C.M.C) جملات مرض ایدز را بحیث مرض مهلک، پیچیده و بغرنج مورد مطالعه قرار داد، علت عمده سرایت و انتشار ایدز مقاربت های جنسی غیر مشروع بخصوص لواطت میباشد، قضاوت شود که ۱۴۰۰ سال قبل قرآنکریم که عمل لواطه و زنا را تحریم نموده و عواقب وخیم و خطرناک آن در قرن بیست آشکارگردید، به آنهم این ضرر تنها بمرض

خطرناک متذکره نیست بلکه اضرار فراوان صحتی و اجتماعی و غیره را نیز با خود دارد که تشریح و توضیح آن بحث مفصل میخواهد.

نخستین واقعات مرض ایدز در امریکا، اروپا و افریقای مرکزی در بین زنان تشخیص گردید بعد از تحقیقات مزید در ممالک فوق الذکر موجودیت یک تعداد زیادی واقعات ایدز ثابت گردید، در امریکای شمالی و اروپا مرض ایدز بیشتر از عمل شنیع لواطت در بین مردها و مصروفین و معتادین مواد مخدر انتشار شد. (۴: ص ۱۰).

پروفیسور (ونسلو) طب وقایوی را علمی متعلق به منع امراض میکروبی، نفسی و عضوی دانسته اکثراً میکروبهای امراض از چند طریق داخل بدن میگردد: ۱- از طریق هوا و تنفس، ۲- از طریق دهان، ۳- از طریق جلد و غیره که برای جلوگیری و وقایع از آن باید تدابیر درست اتخاذ گردد که حفظ الصحه درست شخصی، خانواده، محیط، اجتماع و غیره به کاهش آن رول عمده دارد. در اسلام هیچ ناحیه از نواحی طب وقایوی وجود ندارد مگر اینکه در قرآن کریم و احادیث گرانبهای نبوی ﷺ بدان اشاره گردیده، در ارتباط به صحت افراد و یا حفظ الصحه شخص که مسلمانان به اعتقادات عبادات الله ﷻ آنها انجام میدهند، مثلاً وضوء که اعضای ظاهر جسم که به لباس پوشیده نیست و بیشتر محل تماس و آلوده شدن به میکروبها است، روزانه سه یا چهار بار شستشو میشود بواسطه نظافت جسد، امر غسل را داده و میبینیم که رسول الله ﷺ هفت نوع غسل را اساس گذاشته که هر یک از مسلمانان اقلأ در هر هفته یکبار به شستشوی بدن میپردازد. (برای وضوء و غسل جنابت سوره مائده آیه ۶، بر سایر نمازها نافله و طواف بیت الله و مسح قرآنکریم سوره واقعه آیه ۷۹، تشویق و ترغیب به پاکیزگی توبه آیه ۱۰۸، هم بقره آیه ۲۲۲ تشویق به پاکیزگی و توبه و غسل زنان بعد از حیض و بواسطه پاکی خداوند ﷻ از آسمان آب طاهر و مطهر فرستاد انفال ۸۱، فرقان ۴۸ راجع به پاکی لباس، مدثر ۴ و همچنان سوره حج آیه ۲۶) و راجع به نظافت احادیث مفصل و مکرر زیاد است، در مورد خود داری از آلوده شدن که بول و پیشاب، که مجموعه از مواد زهر آگین است که وجود انسان نسبت خروج آن راحت میگردد رسول الله ﷺ مسلمانان را به این امر متوجه گردانیده و در مورد دو نفر که به قبرهای خود در عذاب اند میفرماید: که اینها بخاطر ارتکاب گناه کبیره در عذاب

نیستند؛ بلکه یکنفر آنها شخص بوده که خود را از آلوده شدن به بول حفاظت نمیکرد.

راجع به حفظ الصحه محیط و خانواده به این معنی رسول الله ﷺ میفرماید شما فضای خانه های خود را پاک گردانیده از مشابهت با یهود خودداری نمائید. (مسند البزاز) و در مورد میفرماید: هرکدام شما از خواب میخیزید دست خود را در ظرفی غوطه ندهید تا که شستشو نکنید چرا که نمیدانید شب دست شما در کجا بوده و هم چنین سفارش رسول الله ﷺ است که ناخن های خود را قطع کنید که زیر ناخن جای تجمع شیطان^۱ ها است.

در روایت مسلم میفرماید: که ای مردم شما خود را از مجالب دو لعنت حفاظت نمائید گفتند یا رسول الله ﷺ مجالب دو لعنت چیست؟ فرمودند: آنکه در راه مردم و در جائیکه برای نشستن خود سایبان ساخته اند برفع ضرورت میپردازند، خواهید دانست که علم امروزی ثابت کرده که یک گرام مواد غایبه انسان دارای بیش از یک میلیون میکروب است اگر مردم اینجا و آنجا برای رفع ضرورت (حاجت) می نشینند محیط زیست را آلوده میسازند.

اهتمام به نظافت وسایل اکل و شرب و تنفس:

رسول الله ﷺ به این مفهوم میفرماید: ظرف را بپوشانید و سرپوش ظرفی را که آب مینوشید خوب محکم بسته نمائید زیرا که در یک سال شبی است که در آن شب وبا نازل میگردد ظرفیکه سرپوش نداشته باشد به آن وبا فرود می آید، طب امروز کشف نموده که عمدتاً طریق سرایت میکروب وبا آلوده شدن آب و مایعات است به آن میکروب، رسول الله ﷺ از پف کردن در آبیکه انسان از آن مینوشد منع فرموده که این حدیث مبارک بهترین سرمشق برای جلوگیری از امراض ساری و طریق تنفس میباشد.

^۱ - شیطان: هر موجودی موذی خورد که قابل رویت باشد و یا نباشد، پیغمبر هر موجودی موذی فاسد را به اسم شیطان یاد نموده خواه دد خواه درنده یا حشرات موذی و غیره (لولؤ و مرجان جلد سوم).

حفظ الصحه دهان ومسواک:

دهان راهی است که طعام از آن طریق به معده میرسد هرگاه آلوده و یا خلاهای دندان چرکین باشد سبب تجمع میکروبهها میگردد، ابوهریره از پیغمبر ﷺ روایت میکند که میفرماید: اگر برای امتم مشقت و ناراحتی ایجاد نمیکرد، دستور میدادم برای هر نماز مسواک بزیند (رواه بخاری، ومسلم). ریاض الصالحین حدیث ۱۱۹۶ " انس (رض) میگوید که رسول الله ﷺ گفت که با شما در مورد مسواک زیاد صحبت نمودم." بخاری ۱۱۹۹ "حذیفه (رض) میگوید هرگاه رسول الله ﷺ از خواب بیدار میشد دهانش را بامسواک می شست". (بخاری، لولوء مرجان) و پیغمبر ﷺ فرموده به این مفهوم که هیچگاه جبرئیل (ع) نزد من نیامده مگر آنکه من را به مسواک امر نموده است و خودش شبانه روز بیشتر از بیست مرتبه از مسواک استفاده مینموده است.

ما از راه رسانه ها و کتب، مجلات طبی ضرورت پاکی و حفظ الصحه دهان و دندان ها بواسطه جلوگیری از امراض امعاء و دندان ها و فواید و اثرات مفید مسواک را میشنویم که حتی از برس و کریمههاییکه آنها نیز برای صحت دهان و دندان مفید است اما تا هنوز جاگزین اثر ارزنده صحی مسواک نگردیده است.

پیشگیری از انتشار مرض:

با پیشرفت علم پرده ازین راز برداشته و پزشکان و متخصصین علوم دریافتند که عامل انتقال بیماری ها، میکروبهها، ویروسها، باکتریها و ژاردیها میباشد که از طرق مختلف داخل بدن میگرددند و همه به این نظر اندکه وقایه بهتر از تداوی و درصورت تبلیغات درست صحی و آگاهی مردم میتوان نتیجه قابل ملاحظه جلوگیری امراض را بدست آورد، پیغمبر ﷺ درین باره برای بشریت سخنان ارزشمند طبی دارند که بطور نمونه به شمه از آن توجه فرمائید رسول الله ﷺ میفرماید: مریض بر صحتمند داخل نگردد، هیچکس از شما در آب ایستاده ادرار نکند.

از ابی سلیمه (رض) روایت شده که از ابو هریره شنیده است که پیغمبر ﷺ فرمودند: بیمار مسری را با افراد سالم در یکجا و در ارتباط هم قرار ندهید، این حدیث در مورد حیوانات نیز صدق میکند. (درمورد طاعون "وبا" «کولرا») وقتی که از جای شنیدید شما در آنجا نروید و باری اگر در زمینی طاعون دیده شود و به آن مبتلا گردیدید، از محل خارج نگردید و از آن فرار نکنید. (شیخان)

شراب و مواد مخدر:

متأسفانه درین اواخر نسبت عوامل گوناگون (جنگهای دوامدار، بیسوادی، فقر، محرومی، بی امنیتی، بی عدالتی، نبودن حکومت سالم، کم توجهی والدین و اولیاء امور؛ معتادین به مواد مخدر، شراب و تریاک بخصوص تریاک و هیروئین) در کشور عزیز ما زیاد گردیده بر علاوه مشکلات کثیری دیگر کشور این پدیده شوم خطر جدی تباہ کن و ضررهای جسمی، روحی و اقتصادی بوجو د آورده و میآورد که هر عضو جامعه شاهد پرابلم مذکور و عواقب آنست، بناءً خواستم درین مورد تفصیل بیشتر دهم. **يَتَأَيُّهَا**

الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا ۝ **يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ**

بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ۝ (۱: مائده، آیات ۹۰-۹۱) "ای کسانی که ایمان

آورده‌اید؟!« شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است؛ از آنها دوری کنید تا رستگار شوید! شیطان قصد دارد که بوسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه انگیزد و شمارا از ذکر خداوند متعال باز دارد".

شاید کمتر متوجه شده باشید که درین آیه مبارکه روی چه مناسبتی؛ شراب، قمار و بت پرستی در یک ردیف تذکر داده شده؟، پوشیده نیست که مسلمانان با علاقه

خاصی به تلاوت قرآن کریم میپردازند ولی متأسفانه کمتر متوجه اسرار تعلیماتی میشویم که در آن ذکر است، با وجودی اینکه بار بار از طرف خداوند متعال مخاطب قرار گرفته ایم که در آیات قرآن تدبیر و تعمق بیشتر بخرج دهیم و کمتر توانسته ایم که در ساحات علوم ۷۵۰ آیه از آیات قرآنکریم را بخود اختصاص داده متوجه گردیم؛ ای کاش مسلمانان بجای هفت پوش (تکه قیمتی) به قرآن و ماندن آن به تاق های بلند خانه و الماری و بوسه کردن آن و یا تلاوت به شتاب و سرسری به گرفتن ختم ها و مراسم، به معانی و اسرار آن به رازهای نهفته در احکام، اوامر و نواهی آن توجه زیاد تر مبذول میداشتند، که هر آیه و کلمه آن در صورت دانستن حقایق آن عنوان کتاب هزار صفحه ای است که عالم، دانشمند و محقق در رشته خویش بعد از سالها تفحص و تحقیق به رشته تحریر میآورد.

در ارتباط به قمار و شراب صدای امریکا ۲۵ جون ۲۰۰۱ خبری داشت که دسته از دانشمندان درین اواخر راز کشف کرده اند که قمار مثل شراب انسان را معتاد میگرداند، درین خبر علاوه گردیده بود، حجراتیکه فعالیت های قماربازی را به عهده دارند نزدی قماربازان انکشاف نموده که بالآخره قماربازی به حیث مرض لاعلاجی یعنی اعتیاد به قمار تبارز میدهد اینجاست که پرده از اعجاز علمی قرآن برداشته میشود. (۱۶: ص ۲۵۹)

متوجه میگردیم که خمر، قمار و بت پرستی یکسان عمل شیطان است و پلیدگفته شده و خمر هم به عقیده اکثر علماء شامل سایر مواد مخدر مثل هیروئین و تریاک که عقل را زایل میکند، میباشد. در کتب احادیث است که مسلمانان صدراسلام بعد از تحریم خمر بواسطه فهماندن خویش و اجتناب از نهی که از شراب شده بود راجع به شربت های دیگر از رسول الله ﷺ سوالهای میکردند، در نتیجه رسول الله ﷺ به جواب شان میگوید: شربت که خمارکننده و یانشه آور نباشد منع نیست. الخمر ماخمر العقل "هرچیزیکه عقل را از بین ببرد شراب است". "کُلُّ مُسْکِرٍ خَمْرٌ وَکُلُّ خَمْرٍ حَرَامٌ" هر مواد نشه آور و زایل کننده عقل حرام است " (رواه احمد). ما اسکر کثیره و قلیله حرام. (رواه ابوداود). (و بخاری) بروایت عایشه (رض) عن النبی قال: کل شراب اسکر فهو حرام.

"هرمواد نشه آور حرام است". در حدیث است که پیامبر ﷺ ابو موسی و معاذ را به عنوان حاکم به یمن فرستاد، بعد از توصیه های لازم که با مردم رویه نیک را پیشه گیرید و با هم در اداره امور مشورت نمائید، ابوموسی از انواع مشروبات سوال نمود؛ فقط پیامبر ﷺ فرمودند: هرچیزی مست کننده (نشه آور) حرام است. **وَلَا تُلْقُوا**

بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ (۱: بقره، آیه ۱۹۵). لاضرر ولاضرار فی الاسلام "ضرر بخود و دیگران رسانیدن در اسلام جایز نیست". خمر واژه عربی است بر هرچیزی مسکر و زوال کننده عقل باشد اطلاق میشود. "ماسکر کثیره و قَلِيلُهُ حَرَامٌ". هر مواد نشه آور که مقدار زیاد آن مست کننده باشد، مقدار کمی آن نیز حرام است. "ما أَسْكَرَ الْفِرْقَ مِنْهُ وَ قَمِلَ الكُفَّ مِنْهُ حَرَامٌ". شرابیکه فرق آن مست کننده باشد، یک مشت آن نیز حرام است". (فرق: ظرف ۱۶ کیلوئی را گویند که در وزن و پیمانانه از آن استفاده میشود). خداوند ﷻ در سوره مائده آیات ۹۰ و ۹۱ قرآن کریم چنین میفرماید: (ای کسانیکه بخدا و دستورات او ایمان و باور دارید، یقین داشته باشید که شراب، قمار و بتهاییکه برای آنها قربانی میکنید، بهره جستن و بخت آزمائی پلید اند و از کارهای شیطانی است.

عمر (رض) خمر را بالای منبر رسول الله ﷺ برای مردم بیان نمود و هر چیزیکه باعث از بین بردن عقل باشد و انسان را سست نماید خمر است و خمر هم نظر به آیات و احادیث تا روز قیامت حرام گشته بنا بران مواد مخدر از قبیل حشیش، تریاک و هیروئین مسلم است که حرام اند، زیرا آنهائیکه به آنها معتاد اند از واقعیات زندگی دور میگردند و درعالم اوهام و خیال غرق میشوند، ضعف عقل و اندیشه در آنان بوجود میآید، حتی خود و خانواده، دین و دنیای شان را فراموش مینمایند و یک عضو فاسد و پست و بار دوش جامعه بار می آیند و حتی به زن و فرزند خود رحم نمیکنند، حاضرند ما یحتاج روزانه شان را بدهند و در بدل مقدار کمی از مواد ناپاک شیطانی را بدست آورند و یا به دزدی، بی ناموسی و هر رذالتی دیگر دست زنند، طوریکه ما میدانیم تحریم اشیاء از جانب شارع مقدس بخاطر زیان، ضرر و ناپاکی آنهاست، هیچ شکی

باقی نمی ماند که مواد مخدر ضررهای جسمی، روحی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی آن برای همه روشن است و این مواد جزء خمر است، هرکس که به نحوی به آن نزدیک شود و یا در خرید و فروش، زرع و یا در تهیه آن به کسی کمک کرده باشد، مورد لعنت خداوند متعال و پیامبر ﷺ قرار میگیرد.

تمام علماء اسلام که این مواد خطرناک در زمان آنها وجود داشته به حرام بودن آن فتوی داده اند، چنانچه در فتاوی ج ۴ صفحه ۲۶۲ خلاصه آن چنین آمده است: این ماده جامد حرام است، خواه مستی ببار آورد و یا خیر حتی از شراب هم بدتر است، این قاعده کلی و شرعی است که محرماتی که بخاطر آرزوی نفسانی و لذت زود گذر افراد مرتکب آنها میشوند مانند: زنا و شراب دارای حد میباشند، باید مرتکبین آنها به جزای حد مجازات شوند). لذا مسلماً آیات و احادیث که در مورد شراب ذکر گردیده شامل اشخاصی که مواد مخدر استعمال مینمایند نیز خواهد شد، و هم در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه: (استعمال مواد مخدر و استفاده از آن حرام و ناجایز گفته شده زیرا که اضرار کثیری دارد). روایات متعددی درین باره موجود است که بر حرمت مواد مخدر دلالت میکند که بعد از بحث طولانی و مفصل و ذکر روایات متعدد چنین نتیجه گیری میکند: (اجتمعت کلمة العلماء علی التحريم هذه المشروبات وغيرها من المخدرات الدیته مثل الحشیش والافیون وغیرهما ۵- ۳۵ فتعاطی هذه المخدرات علی ای وجه من وجوه التعاطی من اکل او شرب او شم او احتقان، حرام باجماع امت ۵-۳۸ تحريم التعاطی الحشیش والافیون والقات وغیرها من المخدرات المسکرة والمفتره ۵-۴۵). (۷: ص ۱-۵)

در دنیای امروز و جهان متمدن آنقدر شراب خوری و سایر مواد مخدر، قمار بازی مردم را بخود جلب کرده کمتر فساد است، که هم پایه به این مرض برسد، مردم همه از رهبران تا کهتران، وزیران تا رئیسان، سیاستمداران تا سرمایه داران، جنرالان تا سپاهیان؛ وجدان، حیثیت، آبرو، عزت و کرامت دین و وطن و همه هست و بود خود را در برابر کلداری، دالر باخته و ما را این نوع قماربازی تا اندازه معتاد گردانیده است، که چون معتادها به مواد مخدر همه چیز را فراموش کرده ایم و عاقبت آنکه همه چیز خود را درین قمار خواهیم باخت؛ درست کاری را از دست خواهیم داد، زیرا شیطان در

میان ما عداوت افکنده تا همدیگر خود را از بین ببریم در مقابل آن دالر و کدالر و چوکی بدست آوریم، آیا این خود قمار نیست؟.

مقاصد شریعت اسلام پنج است:

۱- حفظ دین، ۲- حفظ عقل، ۳- حفظ نفس، ۴- حفظ مال، ۵- حفظ شرف، آبرو و نسل اگر دقیق شویم شراب و قمار و اعتیاد بخش عمده نابودی پنج ماده فوق الذکر است، مثالهای زیادی وجود دارد که معتادین این مواد پنج مقصد متذکره را از بین برده اند. اما ای کاش بشریت نجات خویش را در اوامر و نواهی الله ﷻ جستجو میکرد که با پیروی از آن از بد بختی و عواقب ناگوار در جهان نجات میافت، بطور مثال ۱۴۰۰ سال قبل قرآن اعلان نمود که شراب حرام است و فلسفه و حکمت آنرا نیز بیان نمود که به صحت، عقل و اقتصاد همه مضر است ولی دشمنان اسلام که شراب مینوشیدند، میگفتند منع آن تعصبی بیش نیست، اما ۱۴ قرن بعد آنهاييکه منکر بودند و استهزاء میکردند به این نتیجه رسیدند که به کشور های خود شراب نوشی را تقلیل دهند و یا از بین ببرند؛ فعلاً در روسیه، فرانسه و امریکا درگمارش اشخاص فنی و مسلکی یکی از شرایط مهمش اینست که باید معتاد به الکل نباشند. (۱۲: ص ۵۷)

هنری فرانسوی در کتاب خود (خاطرات و سوانح در اسلام) مینویسد یکی از بُرنده ترین سلاحی که شرقی ها را میتوان توسط آن از پا درآورد و شمشیریکه میتوان مسلمانان را سربرید، شراب است، ما این سلاح را در الجزایر به کار بردیم نتیجه دلخواه بدست آوردیم، همانطوریکه همین سلاح را شوروی ها به پیروی از فرانسوی ها در افغانستان توسط خلقی ها و پرچمی ها استعمال کردند و نتیجه هم گرفتند.

(بنتام) قانون گذار انگلیسی میگوید: "از محاسن شریعت اسلام یکی هم تحریم شراب است، شراب نوشی در افریقا نسل آنرا به جنون کشانید همانطوریکه باعث از بین بردن عقل اروپائیان گردید".

طیب امریکای بنام (گیلوچ) از تداوی توسط شراب منع میکند میگوید: که مضر تر از آوردن شفای موقت است، ببینیم که داکتر طب اجازه نمیدهد که شراب برای

تداوی استعمال گردد، از همان فرموده پیامبر ﷺ ۱۴۰۰ سال قبل فرموده: انه لیس بدواءٍ لکنه داءٌ "بتحقیق که شراب طوری نیست که دواء باشد بلکه خود مرض است". از داکتر عبدالفتاح (طیار) سوال شد؛ شایع است که ویسکی (شراب) برای ضعف قلب مفید می باشد، این دانشمند متخصص چنین چیزی را بکلی رد نموده، تأکید نمود که برای قلب بسیار مضر است. از داکتر مصطفی الحفار متخصص بیماری های گوارشی دانشکده پزشکی فرانسه درباره اثرات شراب در دستگاه گوارش سؤال شد: گفت؛ "شراب و مقداری الکل که در آن است با توجه به انواع گوناگون آن به تدریج در کبد و دستگاه هاضمه و غدد گوارشی و سایر اعضای بدن اثر سوء میگذارد و آنها را از بین میبرد و یا از کار می اندازد".

درمان اعتیاد به الکل:

در طول تاریخ بشریت فقط یکبار با برخورد موفق اعتیاد به مشروبات الکلی شده است و آنهم در صدر اسلام که اثرات آن به جوامع امروزی رسیده است، تعداد الکلیسته های جوامع اسلامی بسیار کمتر از الکلیسته های جوامع غیر اسلامی و غربی است، این برخورد نه از طریق تجویز دارو بود نه از طریق پی ریزی موسسات رسیدگی به اعتیاد، نه وضع قوانین محکم نافذ که مردم را جبراً وادار به اطاعت نماید، به مجرد شنیدن امر خداوند متعال ﷻ مسلمانان صدر اسلام با وجودیکه رواج و نوشیدن شراب (مثل چای نوشیدن امروز بین جامعه ما بود) هرکس در هر موقعیت که بود پیاله ای جام وکوزه شراب را انداخت دیگر میل و آرزوی آنرا نکردند، مهمترین تجربه ای که در زمینه این معضله بزرگ اجتماعی به عمل آمد مبارزه بود که در ایالات متحده امریکا بر علیه مشروب خواری در سال ۱۹۱۹ کرد. کنگره امریکا قانون را از تصویب گذرانید که به موجب آن ساخت علنی و سری مشروبات الکلی خرید، فروش و نگهداری آن ممنوع گشت، دولت امکانات عظیمی را برای اجراء این قانون اختصاص داد و تبلیغات وسیعی را در زمینه آغاز نمود، حدود ۶۰ میلیون دالر مصرف امور تبلیغاتی کرد، تقریباً ده میلیون صفحه مقاله و کتاب در رابطه به مضرات و عواقب زشت آن نوشته شد، در مجموع ۲۵۰ میلیون لیره استرلینگ صرف اجراء این قانون گردید، نتیجه که بعد از

۱۴ سال عاید شان گردید، ازین قرار است: انتشار هزاران سالون مشروب خواری مخفی، چند برابر شدن کسانیکه شراب مینوشیدند، زندانی نیم میلیون نفر به دلیل مخالفت این قانون، اعدام دو صد نفر مجرم که جرم آنها دلیل مستی ناشی از شرابخوری بوده، گسترش بیماریهای ناشی از شرابخوری و مرگ ۷۵۰۰ نفر و بیماری ۱۱۰۰۰۰ نفر دیگر درین رابطه فقط در یکسال افزایش آمار جنایات منجر به قتل به میزان ۳۰۰٪. تمام این مسایل باعث گردید که کنگره درین قانون تجدید نظر نموده و آنرا در سال ۱۹۳۳ لغو نماید، سامبویل میل در کتاب (مطالعات درباره الکل) درین رابطه گفته: قانون بدلیل مواجه شدن با شکست به اساس نتایج بدست آمده از اجرای آن لغو گردید. (۲۱: ص ۱۵۹)

خواننده عزیز و گرامی! دقیق غور نمائید به همه حقایق در همه امور برتریهای اسلام عزیز را جستجو و درک نمائید، حکمت های امر و نواهی الله ﷻ و قوانین پایدار، تغیر ناپذیر، همیشه جاوید و باهمه شرایط زمان سازگار آنرا با قوانین ساخته شده بشری که در هر زمان و شرایط نخبگان، دانشمندان و حقوقدانان با تمام وسایل و توان بشری بواسطه رفع مشکل مورد نظر قانون میسازند ولی در حین اجرای نواقصات و کمی و کاستی های آن هویدا گردیده و یا بعضاً برای مدت کوتاهی به تجدید نظر و یا الغای آن ضرورت می افتد، با درک و فهم واقعی از قرآن میتوان به ایمان و عقیده کامل ازین قانون اساسی بزرگ که (قرآن) است از طرف الله ﷻ برای هدایت و رهنمائی و نجات بشریت در هر زمان و مکان توسط بهترین ملک [جبرئیل امین] برای بهترین عالم بشریت [محمد ﷺ] نازل گردیده و هیچگونه کمی و کاستی تا هنوز از آن دیده نشده و در آینده هم با پیشرفت علوم و کشفیات جدید علمی، رازها و اعجاز آن روشنتر میگردد و با پیروی و عمل کامل آن که نیکبختی و سعادت دارین تضمین شده است خطی مشی خویش قرار داده و نتیجه مطلوب بدست آوریم، و با تعلم، تفکر و تدبیر در آن نه تنها بخشها و قوانین فقهی، عقیدتی و تعبدی را دریافت نموده بلکه از روی دستورات و رهنمائی این قانون ساخته شده رب العلمین صد ها قوانین، دستورات در همه امور و علوم مختلف تهیه و پیروی نمود، که انشاء الله روزی خواهد رسید که به اعتصام به آن و پیشرفت علوم و تکنالوجی، حقایق و رازهای اعجازی و

علمی قرآن برملا و ضمیر بشریت ضعیف و ناتوان را از برکت علم و دانش خداوند متعال به فهم و درک حقایق کلام خویش آشنا گرداند.

نقش قرآن تا درین عالم نشست	نقشه‌های کاهن و پاپا شکست
فاش گویم آنچه در دل مضمراست	این کتابی نیست چیزی دیگر است
چون بجان در رفت جان دیگر شود	جان چود دیگر شد جهان دیگر شود
باز میگردیم به اصل مطلب...	

بر خورد اسلام به درمان شراب:

بر خورد قرآن به مسئله الکول فرید و بینظیر است، طوریکه توانست در مدت کوتاهی شرابخوری را در جامعه اسلامی ریشه کن سازد، که کاری بس عظیم است زیرا شرابخوری به حدی در میان اعراب جاهلیت گسترده و محبوب بود که در وصف مجالس آن شعرها گفته و نامهای بسیاری به آنان وضع گردیده بود؛ آنقدر به آن علاقه مند بودند که گویا آنرا میپرستیدند و برخی آنرا دارو برای دردها و درمان بیماری‌ها میدانستند، بر خورد اسلام، بر خورد ریشه ای و اساساً به معالجه نفوس بشری پرداخت، ابتدا این نفوس را از عقاید، ارزش‌ها و موازین جاهلیت تخلیه و سپس در قلوب آنها دین فطرت و عقیده توحید را کاشت بدین دلیل این نفوس آمادگی یافتند در برابر دستورات الهی سر تعظیم فرود آورند و به فرامین وی گردن نهند؛ سپس قرآن طی چند مرحله به معالجه شراب و شرابخوری پرداخت.

مرحله اول: در مرحله نخست در رابطه با خمر سوره نحل آیه ۶۷ میفرماید: وَمِنْ

ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ﴿٦٧﴾

وهمه از میوه درخت خرما، انگور که از آن نوشابه‌های شیرین و رزق حلال بدست آرید". اولین نکته ای که درین آیه جلب توجه میکند؛ قرار دادن لفظ «سَکَرًا» (شیرینی) در برابر رزق است، گویا شیرینی یک رزق نیکو نیست.

مرحله دوم: درین مرحله وجدان مسلمانان جویایی دانستن مطالب بیشتر و واضح تری در باره خمر بوده که در همین رابطه حضرت عمر (رض) در مقام دعاء چنین گفت: خدایا! چنین تقاضا داریم که از تو توضیح و تبیین بیشتری در باره خمر دریافت نمایم، که در پاسخ آیه شریفه ۲۱۹ بقره نازل گردید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ

الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ

مِنْ نَفْعِهِمَا ﴿۲۱۹﴾ " در باره شراب و قمار از تو سؤال میکنند! بگو: «در آنها!» گناه و زیان بزرگی، است؟!» و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی گناه آنها) از نفعشان بیشتراند!"

وقتی که خداوند متعال ﷻ ضرر و زیان آنها را از نفع آن که اندک منافع شخصی و مادی است بیان نمود بسیاری از مسلمانان شراب را ترک کردند؛ زیرا این آیه تلویحاً ترک را اولی دانست.

مرحله سوم: با توجه به آمادگی بیشتر نفوس تعمداً قرآن اقدام به شکستن سد اعتیاد به خمر نمود: يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ

حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ ﴿۴۳﴾ " ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به

نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گوئید". اوقات نمازهای پنجگانه این اجازه را نمیدهد که شخص خمر را بصورت منظم و هر زمانیکه خواست بنوشد.

مرحله چهارم: این مرحله سرنوشت ساز است، پروردگار ﷻ دستور اجتناب آنرا میدهد که آیت ۹۰ سوره مائده که در عنوان متن با ترجمه ذکر است؛ مراجعه شود، در پاسخ مسلمانان به این آیه پاسخیکه به روایات صحیح ذکر است که مسلمانان به شنیدن فرمان، اگر به دهن داشت بزمین ریخت، هر که جام داشت ریخت و شکست و کوزه ذخیره شراب درکوچه ها انداخته شد، بدین ترتیب جامعه و ملت به فرامین شریعت گردن نهادند. (۲۱: ص ۱۶۰).

اسلام دینی معنویت است همه اوامر پروردگار و دستورات پیامبر ﷺ را مسلمانان صدر اسلام به جان و دل می پذیرفتند، دل و جان با قلب پاک و خلوص نیت بظاهر، باطن، خفیه و آشکار قبول و اجراء میکردند؛ که نمونه آن حجاب بود که به شنیدن حکم حجاب بدون فشار، جبر و به رضای میل همه زنها بدون گذشت زمان عملی نمودند، بسیار شده روایات و احادیث صحیح وجود دارد؛ اگر مسلمانی (زن و یا مرد) مرتکب خطاء و یا گناه میشدند، با وجودیکه غیر از الله ﷻ کدام شهود و خبری هم کسی نداشت، بحضور رسول الله ﷺ حاضر گردیده از ارتکاب گناه شان اعتراف نموده، خواهان حد و جزاء میگرددند.

محمد غزالی [معاصر] مینویسد: هرگاه به اروپا بنگریم می بینیم که شراب روی هر سفره وجود دارد، با اینکه آنها از ضررهای شراب آگاه اند و میل زیاد به حرمت و ممنوعیت آن دارند؛ بازهم آنرا مینوشند. بگمان من مسیحیان خوش ندارند و نمی خواهند هیچ حکمی را از اسلام اقتباس کنند اگر نه حکم به حرمت شراب را میدادند چون بسیاری کسانی آگاه از کشورها از نوشیدن مشروب پرهیز اند یا اینکه دست کم هنگام رانندگی و سایر کارهای حساس فکری از نوشیدن خود داری میکنند چون اضرار آنرا دانسته بیشتر حوادث ناگوار رانندگی از ناحیه افراد مست بوجود می آید و علت بیشتر جرمها و مسایل اخلاقی و ناهنجاری و ضعف تولید کارخانه ها اغلب ناشی از افراد مست بوجود می آید، آنها میخواهند و یا سخت در صدد آن اند که شراب را تحریم کنند اما نفرت و گریز شان از اسلام سبب شده که چشم پوشی کنند، فکر میکنند در صورتی تحریم و ممنوعیت امتیازیست به دین اسلام، روی عقیده ای که دارند تن دادن به آن مشکل تمام میشود.

مقاربت در زمان حیض:

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ ۗ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي

الْمَحِيضِ ۗ  (۱: بقره آیه- ۲۲۲). "و از تو، در باره آمیزش با زنان درحال

حیض سؤال می‌کنند!» بگو: «آن زیان در پی دارد!» از اینجا در حالت قاعدگی ماهیانه، از آمیزش به آنان، کناره‌گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننماید، تا پاک شوند!''

۱:- در شرایط طبیعی مهبل زن بوسیله ترشحات نرم از آسیب محفوظ میماند که این ترشحات خاصیت اسید لاکتیک داشته، مهبل را از آلوده شدن به میکروب‌ها مصئون میدارد، در زمان حیض و وجود خون در آن چون تغییر در خاصیت ترشحات مذکور بوجود می‌آید، مهبل محیط مناسبی برای تجمع میکروبها می‌گردد، نزدیکی با زنان در زمان قاعدگی میزان آلودگی را افزایش داده و از طرفی باعث بوجود آمدن خراشها در مهبل که در آن شرایط استعداد التهاب یافتن را دارد و هم درین مرحله رحم در حال پوست اندازی بوده لخت می‌باشد مانند یک زخم سرباز که همین مسئله باعث نفوذ میکروب‌ها به دهانه رحم و مهبل دچار التهاب می‌گردد و هم آمیزش درین شرایط موجب احتقان خون شده و خونریزی را افزایش میدهد. (۲۱: ص ۵۲)

۲:- حالت روانی و عصبی زن در وقت حیض غیر طبیعی بوده، جماع باعث می‌گردد که این حالت مزمن گردد و هم ممکن است مرد با اثر آمیزش درین ایام دچار بیماریهای نظیر التهاب مجرای بولی، تناسلی از جمله بیضه که خطر عقیم شدن را در پی دارد، طوریکه تذکر رفت درین ایام دستگاه تناسلی زن آماده پذیرش میکروب‌های بیشتر می‌گردد.

۳:- بوی زننده، که از حیض شمیمیده میشود باعث تأثیرات سوء روانی و هم کثافات ناخوشایند بوی مذکور برای مرد نفرتی از همسر رخ میدهد. درآیه کریمه در میعاد حیض (اذی) وصف گردیده که دو معنی از آن گرفته میشود: اول اذیت و آزار و ضرر رسانیدن، دوم چرک و کثافات ناخوشایند، قرآن کریم اولین کتابیست که حکمت کناره‌گیری از مقاربت زنان در زمان حیض را بیان نموده و علم جدید در مقام توضیح این حکمت می‌گردد. (۱۶: ص ۲۲۶).

بعد از عملیه جنسی خداوند متعال ﷻ غسل را فرمان میدهد که حکمت و فایده آن به هیچکس پوشیده نمانده، چون بعد از عملیه جنسی اشد ضرورت برای اغتسال دارند، بخاطریکه بعد از عملیه جنسی که باعث می‌گردد که زن و مرد از عرق و افرازات بوجود آمده که سبب امراض جلدی می‌گردد پاک شود و همچنان غسل بعد از مقاربت

باعث فعالیت های دوران خون و تنبیه اعصاب گردیده این چنین است که قرآن فقط با چهار کلمه (فان کنتم جنباً فاطهروا) اصول طب وقایوی و درمانی را باهم جمع میکند.

تحریم خبایث

۴-۱: گوشت خوک در اسلام چرا حرام گردید؟!

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنِزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ

اللَّهِ  "خداوند ع (گوشت) مردار، خون و گوشتهای خوک و آن که غیر نام

خدا ع به هنگام ذبح بر آن گفته!" شود، حرام کرده است."

خوگ حیوان پلید است شهوت ران، حریص و پرخو ر؛ از نجاست حتی فضولات خود و از سایر خوراکی ها تغذیه میکند، قرآن گوشت این حیوان را حرام قرار داده و حکمت های زیادی از آن بدست آمده، زیان های که از استفاده گوشت خوگ کشف گردیده تا کنون، بسیار اند و کسی خبر ندارد در آینده چه زیان های دیگری کشف خواهد گردید، هنوز زیان های آن کشف نگردیده بود که مسلمانان از خوردن گوشت خوگ و لمس آن خود داری میکردند، بیماری های که توسط خوگ به انسان منتقل میشود مختصراً نام برده میشود:

اسهال خونی: در امعای خوگ انگل های بنام بالانتیدیوم وجود دارد این انگلها در مناطقیکه خوگ پرورش داده میشود بصورت گسترده وجود دارد که موجب اسهال خونی میگردد. یرقانی عفونی (بیماری وایل) این بیماری عمدتاً از طریق آب آلوده به ادرار خوگ بوجود میآید و همچنین از کرم کدوی خوگ میتوان یاد آوری نمود که بیماری بسیار خطرناک است.

بیماری شبه باد سرخ: که خوگ به آن مبتلا گردیده کسانیکه به او در تماس هستند بخصوص قصابان و دباغها مصاب به آن میگردند.

تریشینوز: کرم است که از طریق خوردن گوشت خام و نیمه پخته خوک وارد بدن انسان میگردد، باعث خراش و زخمی شدن امعاء و ایجاد مسمومیت میکند و مهمترین اثر آن تخم گذاری این کرم در عضلات که باعث امراض در تمام اعضای بدن حتی منجر به فلج و مرگ انسان میگردد، این بیماری بر علاوه دیگر کشورها در امریکا و کانادا شیوع زیاد تر دارد، ولی خوشبختانه در کشورهای اسلامی بدلیل حرام بودن گوشت خوک بسیار نادر است، بیماری های دیگری که عوامل آن گوشت خوک است عبارتند از تصلب شراین، درد های مفصلی و مسمومیت غذایی و غیره. (۲۱: ص ۱۴۵)

همچنان گوشت خوک (خنزیر) را که ۱۴ قرن قبل اسلام تحریم کرد یکعده منتقدین در طول این مدت میگفتند که پیامبر ﷺ پیروان خود را از خوردن گوشت محروم میکند، پیش آنها این امر کاری بی مفهوم بود و حال که به نتیجه و اضرار آن پی بردند، فعلاً اکثراً در صدد خلاصی، نجات و اجتناب از آن اند، وقتی که به یخچال گذاشته میشود میکروب ها در آن رشد و نمو میکنند و با درجه حرارت ۲۵۰ درجه نمی میرند به همین ترتیب در اکثر چیزهای که الله ﷻ حرام گردانیده حکمت های نهفته است که امروز ظاهر گردیده و درآینده با پیشرفت هرچه بیشتر روشن تر و واضح تر خواهد گردید. (۱۲: ص ۱۱)

قرآن کریم گوشت خوک را (رجس) توصیف نموده که در لغت به معنی: پلید و گناه میباشد که در آیات ۱۷۳ بقره و آیت ۱۴۵ انعام ذکر به امر حرام و کاری زشت و قبیح تعبیر گردیده، شایان ذکر است که کلمه (خنزیر) در زبان انگلیسی و سایر زبانها واژه به عنوان تحقیر، فحاشی و خواری تعبیر شده. داکتر شروف بیرون در مقاله خود با عنوان (اسلام و حفظ سلامتی) میگوید: "از هنگامیکه با زندگی اسلامی الفت گرفتیم از قواعد و اصول حفظ سلامت بدن که پیامبر ﷺ برای مؤمنان واضح کرده بود تعجب نمودم. که وی ﷺ چرا سگ و خوک را نجس دانسته، در پاسخ باید گفت گوشت خوک بیماری تراشینوز که بیماری انگلی و خطرناک است که اغلب سبب مرگ می انجامد و همچنین سگ ها دارای کرم های حلقوی اند که به انسان منتقل میشود و زمینه بیماری را مساعد میسازند. (۱۱: ص ۲۴۴)

۲-۴: حکمت شرعی ذبح:

با وجودیکه خون در وقت حیات وسیله دفاع بدن بوده، پس از مرگ با توجه به ترکیبات آن به محل مناسبی برای رشد میکروب ها تبدیل میگردد، ذبح شرعی با بریده شدن ورید ها و شریانهای بزرگ گردن باعث خروج تمام خون بدن حیوان میگردد که با پا زدن حیوان درین امر کمک میکند. (والز) در کتاب خود میگوید: "گوشتهای که کاملاً خون آن تصفیه نشده باشند قابل مصرف نیستند، علت این امر مایع زلال در رگ هاست که امکان انتشار سریع مرض را دارد".

۳-۴: تحریم حیوان خودمرده:

در آیت ۱۴۵ سوره انعام خوردن حیوان خود مرده حرام گردیده در حالیکه اعراب قبل از اسلام انواع حیوان خود مرده را میخوردند، حالا علم نیز پرده از حکمت آن برداشته، انسان متوجه شد که لاشه حیوان خود مرده محل مناسب برای رشد انواع میکروب هاست که بطور طبیعی در روده حیوان جای دارد و پس از مرگ به سرعت از طریق مجاری ترشحاتی خون و لنفها در بدن رسوخ میکند همچنین میکروب های موجود در هوا و محیط و خون شروع به تکثیر نموده گازهای تولید میکنند، جسد بعد از چند ساعت باد میکند که همین محبوس بودن خون در جسد تعفن را تسریع میبخشد و تولید مثل میکروب ها زیاد میگردد، ولی حیوان ذبح شده این مواد مضره را از طریق خون خارج میکند بخصوص اگر حیوان خود مرده به اثر بیماری مرده باشد، گوشت آن مسبب امراض سل، سیاه زخم و سالمونیا میگردد. (۲۱: ص ۱۴۱)

۴-۴: تحریم خون روان:

اسلام که خوردن خون روان را حرام گردانیده روی این علت هاست که برای صحت بسیار مضر و خطرناک است، به مجرد جاری شدن بسرعت آلوده میشود و بهترین مکان برای رشد انواع میکروب هاست. در آزمایشگاه های طبی از خون برای

کشت انواع باکتری، به منظور مطالعه استفاده مینمایند؛ ترکیبات که در خون وجود دارد، غذا برای انسان شده نمیتواند (بسیار مضر و خطر ناک است).

حکمت منع ازدواج با محرمات:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ
وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ

مِّنَ الرَّضَاعَةِ... (۱: سوره نساء آیه ۲۳) "حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه‌ها، و خاله‌ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما".

سید صادق در مولفه خود (فقه السنه، جلد دوم ص ۸۵) بعد از یک سلسه ارایه حکمت و دلایل شرعی محرمات در مورد ازدواج اقارب با یکدیگر که باعث و سبب تضعیف نسل میگردد و بالاخره ضعف و ناتوانی که ازین ناحیه برای آیندگان رخ میدهد، اشاره نموده: تجربه نشان داده که ازدواج با اقارب نزدیک، باعث ضعف و ناتوانی نسل گردیده، بلکه اطفال آنها مریض، معلول و کند ذهن و حتی معتوه بار آمده اند. از نظر امام محمد غزالی (رح) خصلت های خوشی زندگی بدان حاصل میشود و از مراعات آن در ازدواج چاره ای نیست تا دوام عقد و مقاصد زن و شوهر تأمین گردد. یکی هم ازدواجی است که بین خویشاوندان نزدیک نباشد، چرا که شهوت بین خویشاوندان ضعیف است و دلیل می آورد که رسول الله ﷺ فرموده ای مردم خویشاوندان نزدیک تانرا به زنی نگیرید که فرزندان تان ضعیف می آید. سید صادق این حدیث را ضعیف دانسته ولی میگوید که ابراهیم الحربی در غریب الحدیث روایت میکند که حضرت عمر (رض) برای سالب گفت که با بیگانه ازدواج کنید که اولاد تان ضعیف و نحیف بار نیاید. امام غزالی میگوید که شهوت به اساس قوت احساس به نظر و لمس تحریک میشود ، اما این گونه احساس در بیگانه نیرومند تر است. (۱۶: ص ۳۳۰).

به هرصورت آنچه در علم ثابت گردیده که امراض وراثتی از پدر و مادر به اولاد و روی همرفته به پسران و دختران کاکا انتقال مییابد، اگر با اقارب نزدیک ازدواج صورت گیرد، امراض وراثتی بصورت فعال در وجود طفل تبارز میکند، ثابت گردیده ازدواج با بیگانگان از نگاه محبت و عشق زناشویی و هم نسل بهتر و سالم تر گفته شده است. داکتر ابراهیم راوی از راز ازدواج میگوید: طب جدید ممکن ساخت تا پرده از راز تحریم ازدواج رضاعی برداشته شود، ثابت شد اطفالیکه از پستان مادر تغذیه میکنند، عوامل ارثی و احساس ها و عملکردهای درونی که به هنگام رضاعت به آنان منتقل میشود و سلولها و اعضای جدید که در جسم کودک رشد و نمو میکنند از مادر به کودک منتقل میشوند و شیر مادر در به وجود آوردن رگ، استخوان و گوشت طفل تأثیر دارد، ازدواج خواهر و برادر رضاعی تضعیف نسل فرزندان را نیز مثل محرمات دیگر به دنبال دارد به همین اساس قرآن از آن نهی فرمود. (۱۱: ص ۲۷۱)

حکمت و فواید طبی روزه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ

مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۷۳﴾ (۱: بقره، آیه ۱۸۳) "ای افرادی که ایمان آورده‌اید!« روزه بر شما مقرر شده‌است!» همان‌طور که بر کسانی که قبل از شما بودند مقرر شده بود؛ تا باشد که پرهیزگار شوید".

قبل ازینکه روزه را از بُعد پزشکی بررسی کنیم لازم است به یک نکته مهم اشاره کنیم که روزه در قرآن کریم یک عبادت مهم است، که باید به فرمان الهی درین رابطه گردن نهاد، نباید از دیدگاه یافته های علمی بآن نگریست، زیرا میدان علم و دانش به هراندازه هم پیشرفت کرده باشد باز هم محدود است، گنجایش حکمت الهی را ندارد و هم این امر باعث آن نمیشود که در باره دست آورد های علمی که گوشه از حکمت‌های الهی را روشن میسازد سخن نگوئیم.

اینکه مسلمانان سال یکماه [رمضان] را روزه میگیرند این عمل تأثیر عمیق بر روح و جسم آنها بجا میگذارد، روزه یک تدبیر وقایوی و یک روش درمانی برای

بسیاری از حالات مرضی است و شاید دستگاه گوارش بیشتر از سایر اعضای بدن از آن بهره مند گردد، دستگاه گوارش متشکل از دهان، غده بزاقی، معده، غدد مترشحه آن، کبد، لوز المعده، ترشحات هضمی و صفراوی آنها و غیره تشکیل میدهد، که مشترکاً فعالیت دارند، تا هضم غذا صورت گیرد و آماده جذب گردد، توسط خون به کبد حمل و تصفیه بطور دقیق به حسب نیاز بدن توزیع میگردد، مواد غذایی بوسیله شریانها به تمام اندام ها و سلولها حمل میگردد، تا هریک از اندامها مواد غذایی مورد ضرورت خود را از آن بگیرند و ضمناً مواد اضافی، زواید موجود در سلولها نیز همزمان تحویل خون میگردد، تا آنها را از طریق کلیه ها (گرده ها) ریه ها (شش ها) روده های بزرگ دفع نماید.

در کلیه مراحل قلب، دستگاه گردش خون، مغز و اعصاب نیز مشارکت دارند، تا عمل هضم و جذب به نحو مطلوب انجام پذیرد، هر چند اکثر افراد در انجام فعالیت های روزانه خود چه بدنی و چه روحی، فکری کوتاهی میکنند؛ لذا دستگاه گوارش را میتوان پرکار ترین دستگاه بدن نامید، همانطوریکه استراحت برای تمام اعضاء و سیستم بدن لازم و ضروری است برای دستگاه هاضمه نیز حیاتی است، با پیروی از یک برنامه ثابت غذایی در طول یکماه فواید و دستاورد غیر قابل انکار را بدست میآوریم:

۱- خلاصی بدن از چربی های متراکمی که در صورت افزایش تبدیل به بیماری چاقی میشود و دفع سمومات متراکم در بدن.

۲- فرصت دادن به سلولها و غدد بدن برای تجدید قواء و انجام دادن وظایف خود به نحو مطلوب.

۳- استراحت نسبی کلیه [گرده] ها و دستگاه ادرار.

۴- کاهش رسوبات چربی در شریانها و پیشگیری از تصلب الشراین.

خلاصه اینکه تأثیر مثبت روزه به بسیاری از بیماریها باثبات رسیده که عبارت از التهاب معده، چاقی، تصلب الشراین، بالا رفتن فشارخون، خناق سینه، التهاب مزمن کلیه، آسم و اختلال روانی و عاطفی؛ همانطوریکه شارع مقدس تکلیف فرمود و رسول الله ﷺ سنت نهاده بهترین روش درمانی با گرسنگی باشد.

روش که اروپائیان درین اواخر به اهمیت آن پی برده اند، پزشکی اتریشی پارسیلوس میگوید "ممکن فایده گرسنگی برتر از کاربرد دواها باشد".

پزشکی دیگر بنام داکتر هلبا بیماران خود را چند روز از خوردن غذا منع میکرد و بعد برای شان غذای سبک تجویز میکرد، علت کارآئی روزه در معالجه بدلیل روی آوردن بدن به مصرف غذائی ذخیره شده در خود دانست.

ملاحظه میکنیم که درمان با روزه در از بین بردن بافتهای مریض از کار افتاده تکیه دارد که بعد از روزه دوباره ترمیم خواهد شد، بهمین دلیل اکثر داکتران از جمله داکتر (باشوتین) معتقد هستند که روزه میتواند جوانی را به انسان بازگرداند، از طرفی تأثیرات نیکوئی بر روح انسان نیز داشته باشد، چنانچه در حدیث رسول الله ﷺ میفرماید: (روزه پوشش و سپر است، اگر کسی از شما روزه دار بود، ناسزا نگوید و نادانی نکند، اگر کسی او را به جنگ دعوت نمود و یا ناسزا گفت؛ بگوید که من روزه دار هستم). روزه دار احساس میکند روح متعالی و فکر بلند دارد، اما گاهی میشود که روزه برای عده از مردم که قادر به تحمل آن نیستند مضر و یا تأثیر منفی بر مریضی آنها داشته باشد که درین موارد الله ﷻ رخصت افطار عنایت فرموده چنانچه میفرماید:

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ (۱: بقره، آیه ۱۸۴) "هرکس از شما مریض و یا مسافر باشد به شماره آن روزها در غیر ماه مبارک رمضان روزه بگیرد". همین که ادعا میکنیم که اسلام دین کامل است و قوانین آن جامع حقیقت مسلم است، در هر امر و نهی آن تمام جوانب مد نظر گرفته شد، مثل قوانین وضعی بشری کمی و کاستی در آن دیده نشده و نخواهد شد و هم برای کسانی که عذر داشته و برای شان غذاء نیز مشکل باشد کفاره لازم میگردد که در کفاره هم حکمت هاست. برای اینکه از روزه بهره زیاد تر بگیریم باید جنبه عبادی، روحی و معنوی آنرا همه جانبه مد نظر بگیریم و بطور صحیح بجا آوریم مثل تأخیر در افطار و تعجیل در سحری و عده اسراف و افراط در خوردن غذاهای متنوع با روحیه تقویت ایمان، صبر و استقامت؛ انشاء الله منافع کثیری آخرتی و دنیوی بدست خواهیم آورد.

این ماه برکات فراوانی برای اسلام و مسلمانان به همراه داشته درین ماه غزوه بدر به نفع مسلمانان و فتح مکه معظمه صورت گرفت، وقایع قادسیه و یرموک در ماه رمضان اتفاق افتاد، پیروزی مسلمانان بر تاتارها (درعین جالوت) چهره تاریخ درین ماه دگرگون گردیده و نهایتاً درین ماه لشکر اسلام به فرماندهی صلاح الدین ایوبی در جنگ حطین کامیاب و به پیروزی رسید و.... (۲۱: ص ۲۱۱-۲۱۶)

حکمت و برکت سحر خیزی:

وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَأَنْ مَشْهُودًا ﴿۷۸﴾ (۱: اسراء، آیه ۷۸)"

نماز صبح را نیز بجای آر که همانا خواندن نماز صبح به حقیقت مشهود نظر فرشتگان شب و فرشتگان روز است". و هم آیات (سوره فرقان آیه ۶۲ و مزمل آیه ۶) راجع به سحر خیزی و نماز صبح سفارش دارد و هم رسول الله ﷺ میفرماید: "آفرین بر امت من برای سحرخیزی آنان". در جایی دیگر دو رکعت نماز صبح بیش از تمام دنیا و هرچه در روی آن است ارزش دارد و در جای دیگری فرموده اند: پس از نماز خفتن اجتماع نکنید مگر برای طلب علم که سفارشات راجع به سحر خیزی زیاد است، مولانا صاحب فرمود:

صبح صادق مرحم کافور دارد در بغل گر علاج زخم عصیان میکنی بیدارباش

بر علاوه حکمت روحی، معنوی، عبادی، خیر ثواب آخرتی، فواید صحتی و جسمی

آنها نیز بطور مختصر مرور میکنیم:

۱- صبح قبل از طلوع آفتاب هوا بالاترین میزان گاز اوزون (O_۳) را در خود دارد، بمرور تا بر آمدن خورشید کم شده از بین میروند، این گاز تأثیر بسیار نیکوئی بر دستگاه عصبی دارد، فعالیت های فکری و عضلاتی را تقویت نموده بطور باعث درین زمان انسان در بالاترین درجه نشاط فکری و بدنی خود باشد، نسیمی که درین موقع انسان تنفس میکند چنان لذت بخش و نشاط آور است که نظیر آن در سایر اوقات شبانه روز نمیتوان یافت.

۲- رنگ خورشید در هنگام طلوع متمایل به قرمز است طوریکه

معروف است انسان را تحریک کرده به فعالیت باز میدارد نسبت اشعه مادون بنفش در نور خورشید هنگام طلوع آن بیش از زمانی است که کاملاً طلوع کند، که اشعه همان عامل است که پوست بدن را با ساختن ویتامین دی وادار میسازد.

۳- سحر خیزی باعث عدم اعتیاد به خواب طولانی میشود، اکنون روشن شده انسانیکه ساعات زیادی مداوم میخوابد در معرض ابتلا به بیماری های قلبی بویژه تصلب الشرائین و مقدمه فراهم شدن خناق است، اگر بیش از حد باشد باعث رسوب مواد چربی در دیوار های شریان ها و از جمله شریان های قلبی میگردد. شاید پیش گیری از ابتلاء به امراض عروقی تنها یکی از دست آورد های مؤمنان باشد، که اعماق شب از خواب برخوردار است به قصد قربت به درگاه الهی به دعاء، نیایش و عبادت میپردازند.

۴- از نظر علمی اثبات گردیده که میزان (کورتیزول) خون صبح به پائین ترین میزان خود یعنی ۷،۲۲ میکروگرم در هر صد ملی متر مکعب میرسد، کورتیزول ماده ای است که باعث افزایش فعالیت های بدن شده که نسبت قند موجود در خون را بالا میبرد تا انرژی لازم را برای بدن فراهم نماید، اگر فواید مرتب بر وضوء و نماز را به فواید سحر خیزی نیز اضافه نمائیم ملاحظه خواهیم کرد که مسلمان ملتزم به تعالیم قرآن انسانی است از هر نظر بی مانند.

اکنون اگر فرض کنیم که تمام انسانهای یک جامعه خود را ملزم به این روش زندگی نمایند چه خواهد شد؟ پاسخ روشن است، درین صورت جامعه بی نظیر و ممتاز خواهیم داشت که نبض زندگی در آن از صبح زود به حرکت در خواهد آمد (طوریکه در صفحات قبل از فواید روزه بحث داشتیم، اگر فواید نمازهای پنجگانه و نوافل را مورد بحث قرار دهیم هر کدام به نوبه خود دارای فواید و حکمتهاست). (۲۱: ص ۱۱۷)

میباش به عمر خود سحر خیز واز خواب سحرگه ها بهره یز
دریاب سحر کنار جو را پاکیزه بشوی دست رو را

(ایرج میرزا)

احساس درد در پوست:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِبَايَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ
بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

﴿۵۶﴾ "کسانی که به آیات ما کافر شدند، بزودی برایشان پوستهای دیگر غیر از آن تا بچشند عذاب را هر آئینه خداهست غالب و استوار".

این آیه با احساس درد در پوست کاملاً مرتبط است، قبلاً طبیبان نظر داشتند که درد توسط دماغ احساس میشود، حالا میدانیم که احساس درد تنها توسط مغز صورت نمیگیرد، بلکه در جلد ما هم چیزی بنامی Pain Receptors است که تکلیف درد را احساس میکند، در آیات فوق الذکر کافران که الله ﷻ را قبول ندارند بواسطه تجدید عذاب، پوست شان سوخته شده دو باره عوض میشود.

در پوهنتون چانگ مای تایلند رئیس شعبه اناتومی، پروفیسور تاگاداشان صرف بوسیله همین آیت مسلمان شد، در عربستان سعودی در کنفرانس هشتم طبی منعقد شهر ریاض اعلان کرد که اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله .

الله ﷻ در سوره سجده آیه ۵۳ میفرماید: "خواهیم نمود ایشانرا نشانه های خود در اطراف عالم و در نفسهای ایشان نیز تا آنکه واضح شود برایشان که این سخن او حق است آیا بس نیست که پروردگار تو بهر چیز آگاهست". برای داکتر تاگاداشان صرف مشاهده یک علامه برای قبولی حق کافی و بسنده شد یعنی ایمان آورد که قرآن کلام خداوند ﷻ است و هم هستند کسانی که با دیدن هزاران آیت هم ایمان نمیآورند. صم

بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرَجِعُونَ ﴿۱۸﴾ (بقره، آیه ۱۸) "آنها! کران، گنگها و کورانند؛ لذا (از راه خطا) باز نمی گردند!"

تأپیش آمدن تشریح کالبد شکافی به عرصه علوم بشری معاصر قاریان و تلاوت کنندگان قرآن میپرسیدند به چه دلیل احساس درد و عذاب به پوستها پیوند خورده است، دکتر خالص چلبی در کتاب خویش (طبع محراب ایمان) میگوید پخش و انتشار عصب ها ی زیر پوست بدن (کورپستهای) یا به جسمکهای ویژه منتهی میگردند که هریک از آنها مختص با انتقال حس معینی باعضای مختلف بدن هستند دسته احساس گرما و دسته احساس سرما کرده، احساس لمس و فشار، گروه دیگر احساس درد و آزار و قسمی احساس عضلاتی (و احساس عمیق) را به بدن انتقال میدهد، بدین ترتیب به انواع و اقسام احساسات متفاوت و متباین در بدن خویش آشنا میگردیم تعداد این جسمکها به ارقام هنگفتی بالغ میشوند. ۱- حدود سه تا پنج ملیون شاخه ازین تعداد مربوط باحساس درد و آزار میباشد، ۲- حدود دو صد هزار از آن ویژه احساس گرما است، ۳- حدود پنجصد هزار از آن مخصوص احساس لمس و فشار هستند. حتی ممکن است گفته شود که پوست آدمی چیزی جز سطح صافی نیست که با مجموعه سرسام آوری از الیاف و رشته های عصبی پوشیده شده است این پوست طرح و نقشه حیرت آوری است که عصبها گسترده و قرار گرفته در آن درگونه و اقسام متفاوتی آرایش یافته اند حتی دیده شده که سخت ترین و شدید ترین دردها مثلاً سوختگی در قسمت سطحی و بالای پوست پخش و منتشر میشود در ناحیه های عمیق بدن احساس نمیشود، همین حقیقت را قرآن ۱۴۰۰ سال قبل بیان نمود. (۲۷):

ص ۳۷۸)

مفاد صحی حرکت، شستن و نوشیدن:

وَأَذْكُرُّ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ

﴿٤١﴾ أَرْكُضْ بِرَجْلِكَ هَذَا مَغْتَسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾ "یادکن بنده ما ایوب را وقتی بدرگاه پروردگار عرض کرد که شیطان مرا سخت برنج عذاب افکنده است پای برسر زمین زن، اینست غسل شوینده آب سرد و نوشیدنی". در قرآن متوجه میگردیم که در زمان بیماری ایوب (ع) توصیه میشود که پای کوبی نماید که اشاره به ورزش

حرکت پای است که فواید ورزش را درین عصر همه مردم میدانند، بخصوص حرکت پاها، شستن و نظافت بدن نیز برق ذخیروی را آزاد نموده، پاکی و جلوگیری از امراض جلدی، فشار روانی، تب و ناراحتی را از بین میبرد نوشیدن آب برای تمام اعضای بدن مفید است، فعالیت‌های بسیاری اعضای بدن مثل غدوات عرق ساز معده، روده ها، گرده ها و جلد مستقیماً مربوط به مقدار آب نوشیدنی روزانه میباشد، به اکثر امراض مفید بوده و باعث جلوگیری از کمبودات مایعات بدن میگردد. عملی نمودن این سه توصیه در حفظ سلامت صحت جسمی و روحی ما اهمیت فوق العاده دارد. چنانچه الله ﷻ میفرماید: **وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ** (۱: اسراء)

آیه ۲۸). و آنچه از قرآن فرستادیم شفاء و رحمت است برای مؤمنان. «**أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ**

هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ» این آیه بسیار کوتاه است ولی علی الرغم کوتاهی

عبارت بسیار پر معنی و حکمت‌های فروان در آن نهفته است، از جمله:

۱- حکمت تلاش برای یافتن درمان و بکارگیری وسایل و ابزارهای موجود «چنانچه احادیث رسول الله ﷺ هست که تشویق، ترغیب و توصیه میکند به تداوی کردن امراض»، شکی نیست که خداوند ﷻ قادر بوده که حضرت ایوب را بدون اینکه پای خود را بزمین بکوبد و مایع جاری شود درمان کند، ولی حکمت باری تعالی اینطور اراده کرده است در هر حال معجزه محقق است چه درمان بوسیله آن مایع سرد باشد و چه بدون آن.

۲- حکمت بلیغ دیگری درین آیه وجود دارد ازایه یک روش اساسی برای درمان بیماری‌های پوستی در راه تلفیق دادن درمان موضعی با درمان عمومی وقتی میفرماید: «**مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ**» بدرمان موضعی اشاره دارد و وقتی میفرماید

«**وَشَرَابٌ**» بدرمان از طریق عام نظر دارد.

۳- مؤثر بودن درجه حرارت بسیاری از بیماریهای پوستی در دمای پائین و درمان موضعی باسرما علاج میشود.

۴- اطمینان و یقین حضرت ایوب (ع) به اینکه در هر حال خدا عز و جل با اوست و قادر است او را از طریق معجزه درمان کند، به ایوب (ع) آرامش روحی داده است. اکنون نیز از طریق تحقیقات علمی ثابت گردیده که آرامش روحی و عصبی تاثیر بسزای در درمان بیماری های پوستی دارد. (۲۱: ص ۳۶)

حیات میکروسکوب:

وَتَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۸﴾ "و می آفریند چیزهای را که نمیدانید." سُبْحٰنَ

الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا

يَعْلَمُونَ ﴿۸﴾ (۱: نحل، آیه ۳۶)" منزه است آنکه همه را جفت آفرید چه نبات و چه انسان و چه چیز های را که نمیدانید."

این آیات به زنده جانهای اشاره میکند که مردم در زمان نزول قرآن نمی شناختند و بعد از اختراع میکروسکوب آنها قادر به دیدن موجودات بسیار کوچک گردیده اند که موجودات مذکور عبارت از باکتری، ویروس، الجی، فنجی، پرازیت، ژار دیا، ایکتیزیا و غیره میباشند، موجودیت اینها نه تنها باعث ضرر و امراض گردیده بلکه برای حفظ تعادل و توازن حیات در زمین بسیار ارزشمند است. والله اعلم (۳۲: ص ۱۰۴)

حکمت مقدم ذکر سمع در قرآن:

در همه آیات قرآنی ذکر حواس بشر همیشه شنوائی و بعد بینائی و ادراک ذکر گردیده است. مانند: (آیه ۲ سوره انسان آیه ۷۸ مؤمنون آیه ۳۶ اسراء و آیه ۷۸ نحل). و کلمات سمع و بصر در کنار هم جمعاً ۱۹ بار در قرآن وارد گردیده که در هفده بار کلمه سمع قبل از بصر قرار گرفته است.

داکتر کیت مور میگوید: که در داخل رحم به روز بیست و دوم ساختمان گوشها شروع شده و بعد چشمها ساخته میشود بعدتر مراکز دماغی که قادر به فهم و ادراک حواس میباشد تشکیل میگردد، طفل در ماه چهارم از داخل بطن مادر تمام صداها را شنیده میتواند.

اکنون ثابت شده که در جنس جنین حس شنوایی قبل از بینائی فعال میگردد دانشمندان با ارسال فریکانسهایی صوتی بطرف یک زن بار دار مشاهده کرده اند که جنین با انجام حرکاتی باین صورت پاسخ میدهد در صورتیکه جنین تا قبل از تولد قادر بدیدن نیست، از جمله حقایق که باعث میشود حس شنوایی را مهمتر از حس بینائی بدانیم آنست که فراگیری نطق در درجه اول از طریق شنوایی انجام میپذیرد، اگر نوزادی کر بدنیا بیاید، ایجاد ارتباط با فرد و هماهنگی با محیط خارجی برایش دشوار است که همین عارضه میتواند باعث قصور عقلی، ادراکی، ذهنی و شعوری وی میگردد، در مقابل افراد زیادی نابینا متولد گردیده اند ولی توانسته اند مدارج عالی علمی را طی کنند حتی نو آوریهای علمی داشته باشند، ولی کمتر میشناسیم که ناشنوا متولد شده و در عین حال به مقامات علمی رسیده باشد. **وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ**

بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ

وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ (نحل، آیه ۷۸). "خدا شما را از شکم

مادران بیرون آورد در حالیکه هیچ نمیدانستید و به شما گوش و چشم و قلب عطا کرد تا شکر این نعمتها را بجا آرید". چشم مسئول وظیفه بینائی است ولی گوش مسئول وظیفه شنوایی است و در حفظ تعادل شاید حکمتهای دیگری نیز وجود داشته باشد که خداوند متعال خود بهتر میداند، قدرت و فهم بشر ناتوانتر از آنست که همه حقایق و حکمتهای آیات قرآن را درک کند. (۲۱: ص ۵۷)

طریق تشکیل شیر:

در آیه ۶۶ سوره نحل تذکر گردیده و سفارش قرآن (در آیه ۱۴ سوره لقمان و آیه ۲۳۳ سوره بقره) که مدت دو سال طفل شیرداده شود و فواید شیر مادر، کیفیت، ترکیب و حقایق کشف شده علمی در مورد که شیر مادر غذای غنی از همه مواد مورد ضرورت طفل و همه تازه و عیار شده مطابق سن کودک و مقاومت و مقابله آن با میکروبها و خلاصه اینکه شیر مادر یک مخلوط معجزه آسا برای کودک بخصوص تاسن دو سالگی و همچنین ساخته شدن و تشکیل شیر در حیوانات و کیفیت مهم غذای آن با پیشرفتهای علم امروزی که صورت گرفته مطابقت داشته. خواننده گان محترم جهت آگاهی بیشتر میتوانند از کتب و مجلات مربوط آن معلومات کافی بدست آرند. (۳۲): ص (۸۵)

فصل ششم (معجزات علمی قرآن در طبیعت)

معجزه آهن: ^ص وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ (۱:سوره

حدید، آیه ۲۵) "و همچنان آهن را نازل کردیم که در آن هم قوت شدید و هم منافع

زیادی برای مردم است." معنی [أَنْزَلْنَا] بمعنی فرو فرستادیم ترجمه شده است

ممکن به آهن به اسم استفاده بکار رفته باشد، هدف یک شی مفید برای مردم داده و

اگر عیناً آنرا بمعنی فرو فرستادن مثلثه برای باران بکار رفته است بگیریم، درین

صورت یک معجزه بزرگ علمی را توضیح میدهد.

دریافتهای معاصر علم نجوم میگوید آهنی که در زمین موجود است از ستاره

های بزرگی فضای خارجی آمده است، نه تنها زمین بلکه آهن تمام منظومه شمسی از

فضا خارجی آمده است. همچنان در آیه مبارکه و علم نجوم قرن بیست واضح ساخته

که بر علاوه آهن فلزات دیگر نیز از سایر ستاره ها تولید شده به زمین میریزند اما

درین آیه به اهمیت آهن تاکید گردیده اگر ارزش و اهمیت آنرا طوریکه علماء و

دانشمندان تصریح نمودند بیاوریم بحث مفصل میگردد، خلاصه تمام وسایل و

پیشرفتهای تکنالوژی از سفینه ها، طیاره ها گرفته تا کشتی و وسایل ترانسپورتی،

تعمیراتی، نظامی و غیره همه را آهن شامل است.

اهمیت تاکید به آهن در سوره حدید قرآن دو نکته مهم ریاضی نیز دارد سوره

حدید سوره ۵۷ قرآن است و از نظر ابعاد نیز حدید مساوی به ۵۷ است، حدید از نظر

علم ابعاد مساوی است به ۲۶ نمبر اتمی آهن نیز ۲۶ است (۳۲: ص ۴۲).

یک عالم آلمانی [داکتر فرندریاس] ذرات اکساید آهن را موفقانه برای تداوی

سرطان بکار برده و نیز بدن انسان و خون آن و تمام حیوانات و نباتات که حاوی آهن

اند پس کمبود آهن باعث ضعیفی، مریضی و مرگ آنها میگردد.

تشکیل اسپینل از نگاه قرآن:

آهن + هوا [نفخ] + مس = اسپینل.

دین و علم چیزی اند واحد باین مفهوم که دین طریقه است که انسان را به علم میرساند و دین بسوی علم راهنمایی میکند، طوری نیست که بین دین و علم خط فاصل کشید، دروازه علم را ببندیم و از تحصیل علوم چشم پوشی کنیم و یا فزیک، ریاضی، بیولوژی، را از جمله علوم ندانیم، تردید نیست که قرآنکریم کتاب فزیک، کیمیا، نیست ولی آشنائی با موجودات چیزی است علمی و از فرض کفائی، وقتی که قرآنکریم را تلاوت میکنیم طوریکه انسان را خداوند ﷻ به پیروی از احکام خداوند ﷻ امر مینماید، بر علاوه صدها آیاتی است که دفتر کاینات را باهمه ریزه کاری ها در آن در برابر انسان میگذاید و میفرماید: ترجمه:- " در آسمانها و زمین بچشم عقل خرد نظرکنید که در آنها چه چیزهای است تا آیات [نشانه های] حق وضع پروردگار خود را ببینید". مراد این نظرهای سرسری و زودگذر ما نیست که فقط بطرف آسمانها، کهکشانها، نفسهای خود، نباتات، حیوانات، میکروب ها، باکتريا و غیره و غیره - ببینیم و در آن فکر و تدبیری صورت نگیرد، وقتی به کنه حقیقت اینها پی میبریم که با سلاح علم مجهز و مسلح باشیم، آن وقت است که از روزنه علمی میتوانیم بطرف کهکشانها و اجسام حیه و غیره عمیق پژوهش و به حقیقتها پی برده سعادت دارین را نصیب خود گردانیم، که مامورگردیده ایم و طوریکه در برابر خالق خویش بدعاء، نیایش و عبادت میپردازیم و برای تهیه زاد آخرت تلاش ورزیم و هم مامورگردیده ایم که:

قل سیروفی الارض فانظروکیف بداءالخلق "سیرکنید وبه بینید که خداوند ﷻ

چگونه نخست خلق را ایجاد کرد". إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ

عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٢﴾ (اسراء آیه ۳۶) " یعنی محققاً گوش و چشم و دل همه از آن

مسئول اند". آیا وظیفه مسلمان نبود تا چشم بکشاید در اطراف جهان سیاحت کند که راز کیفیت جهان چگونه بوجود آمده و این جهان با همه نظم که دارد بیهوده آفریده نشده آیا دانستن این رازها و کشف همه حقایق از چه طریق ممکن است؟! آیا این

آیات ما را بکسب علوم طبیعی متوجه نمیگرداند؟! قرآن انسان را ترغیب میکند تا با عقل، چشم، گوش و دل را بکار اندازد، از آنچه که می بینید بصورت همه جانبه مطالعه نمائید و دست آورد های علمی خود را بطور صحیح بکار اندازد تا نتیجه مطلوب بدست آورد، بهمین ترتیب استفاده از طریق سمعی، بصری در ساحه علم فزیک سبب گردیده تا بمهای زره وی را در اختیار انسان قرار دهد و هم چنین همین چشم، گوش و دل است که انسان منکر را از طریق علوم و معارف به سرحد ایمان بخدا ﷻ میرساند.

در آیه ۲۵ سوره حدید "خداوند ﷻ میفرماید: ترجمه " و آهن را که در آن هم سختی، کارزار و نیز منافع بسیاری برای مردم است آفریدیم ". **ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ**

(۲: سوره ه کف آیه ۹۶) "وگفت قطعات آهن بیاورید". عنصر آهن در ساختن

سلاح و فابریکات بکار رفته و در کتب کیمیا و طبیعیات از آن بحث میشود قویترین نیروی رابطه ذروی را تمثیل میکند، نیروئی که از دیگر فلزات به این قدرت دیده نشده است. چنانچه در (سوره انبیاء آیه - ۳۰) که در بحثهای گذشته آورده شده. (که آسمان و زمین بسته بود ما آنرا جدا ساختیم) در همین وقت است که زمین بسان کره آتشین در حالت پلازما و ذوبان قرار دارد و نکل، آهن بمرکز زمین قرار میگیرد، آهن است که بحیث تهداب ثقل زمین را بدوش کشیده که این مبحث در کتب کیمیا، جیولوژی به وضاحت ذکر میگردد. اشخاصیکه در ساحه علوم دقیق گردیده عقیده مینمایند که اعجاز قرآن اعجاز جامع بوده از خلال هر سوره و آیت این معجزات میدرخشد در مورد آن میبینیم که علماء چنین فرمولی را بدست آورده اند.

آهن + هوا(نفس) + مس = ترکیب پلوری اسپینل که اسپینل از جمله احجار کریمه لشم و بسیار سخت که اینگونه سنگ در سلسله کوه های اورال دیده میشود، خداوند ﷻ در آیه های ۹۶، ۹۷ سوره کف میفرماید: **قَالَ أَنْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا**

قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ۹۶ **فَمَا اسْطَعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا**

لَهُ نَقَبًا ﴿٩٧﴾ (۱: کهف آیات ۹۶، ۹۷) "گفت بدمید تا اینکه آن آهن گذاخته شود گفت "مس ذوب شده « را برای من بیاورید تا بر او قطره قطره بریزیم". که همین آیه مبارکه معادلات کیمیا وی علم و خواص ماده را بدست ما میدهد که علماء و دانشمندان بعد از چندین صد سال باین نتیجه میرسند که حقیقتاً آهن + هوا + مس همان سنگ لشم سختی را شکل میدهد که فهم درک بشری از درک آن در آن وقت عاجز بوده است.(۱۶: ص ۸۴)

مرجان از نعمت های خداوند ﷻ است:

تَخْرُجُ مِنْهَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿١٢﴾ فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

﴿١٢﴾ (۱: رحمن آیات ۲۲-۲۳). "از آن «دودریا شور» مروارید و مرجان پدید آورد کدام یک از نعمتهای پروردگار خود را میتوانید تکذیب کنید". قبلاً از مرجان استفاده نمیشد، اما امروز از برخی مرجانها در ترمیم استخوانهای آسیب دیده و ناقص شده استفاده میکنند، مرجان با استخوان پیوند زده میشود. با وجودیکه بدن فسفات و کلسیم دارد و مرجان کاربونیات کلسیم استخوان مرجان را رد نمی کند و می پذیرد در ابتدا خون دور قطعه مرجان را محاصره و آنرا ذوب مینماید، بعد استخوان رفته رفته خود را ترمیم میکند دقیقاً شکل اصلی خود را میگیرد، میتوان گفت که مرجان برعلاوه استفاده آن در موارد دیگر یک نعمت عمده و مهم خداوند ﷻ است.(۱۶: ص ۱۲)

تشکیل بطرول:

الَّذِي خَلَقَ فَسْوَىٰ ﴿٤﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ﴿٥﴾ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ ﴿٦﴾

﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ ﴿٥﴾ (۱:اعلیٰ، آیات ۵-۲) "آنکه خلق کرد و درست کرد آنکه اندازه کرد و راهنمای کرد، آنکه برآورد گیاه سبز را و آنگاه خشکانید و سیا ه

گردانید". طوریکه میدانیم پترول از بقایای گیاهان و نباتات و حیوانات در بحرساخته میشود میلیونها سال بعد از آنکه در بحر پوسیدند بیک ماده روغنی چرب تبدیل میشوند، این مواد در زیرطبقات گل و سنگ بالآخره به پترول و گاز تبدیل میشوند و حرکات قشر زمین بعضاً باعث تسخیر در بحر شده، حجره های حاوی پترول هزاران متر عمیق دفن میگردد بعضاً پترول از سوراخهای صخره ها تراوش نموده از اعماق چند کیلومتری خود را به سطح زمین میرساند، که درین جا تجزیه گردیده و قیر آن باقی میماند. سه نکته متذکره در آیات (۴،۲) معادل با مراحل تشکیل قابل توجه [أَحْوَى] بمعنی سبزه سیاهی دار یا سیاه سبزه گونه میباشد، این لغت میتواند مواد فاضله باقیمانده از پوسیدن نباتات را توضیح کند که در زیر زمین سیاه شده میرود و این کلمه توسط [غُثَاء] توصیف میشود که بمعنی بقایای گیاه قطع شده نباتات آمده، به آب خیزی گیاهان قطع شده دور انداخته شده پس میبینیم که کلمه [غُثَاء] و [أَحْوَى] چقدر خردمندانه بکار رفته است. «والله اعلم» (۳۲: ص ۴۳)

احتراق بدون آتش:

لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ (۲: نور آیه ۳۵) "نه شرقی و نه غربی روغن بر افروزنده است. که نور میبخشد در حالیکه بآتش تماس نداشته". درین آیه اشاره به چیزی دارد که نور می پراگند در حالیکه نه در شرق است و نه در غرب یعنی ابعاد فزیکتی ندارد، توسط آتش هم فروزان نگردیده، اگر فرض شود که این منبع انرژی است پس بگمان اغلب که منظور از برق باشد، بر خلاف چراغهای تیلی، گازی و چراغ برقی چیزی نسوختانده و روشن آن بدون آتش میباشد، اعتراف باید کرد که بزرگترین اکتشاف در تاریخ بشریت است و همه جهان را روشن

ساخته پس احتمال زیادی وجود دارد که آیه شریفه قرآن اشاره به کشف برق باشد
 "والله اعلم" « (۳۲: ص ۵۲)

دریاها چون آتش افروخته میشود:

وَإِذَا اللَّيْلُ فَجَّرَتْ ﴿٢﴾ (۱: انفطار آیه ۳) "وقتی که دریاها مثل آتش افروخته

شود." وَإِذَا اللَّيْلُ فَجَّرَتْ ﴿٢﴾ (۲: تکویر، آیه ۴) " دریاها چون آتش شعله
 ورشوند." این آیات مبارکه خبر میدهند که روزی بحرها به آتش سوزان تبدیل
 میشود، علماء امروز میگویند که در اعماق بحرهای هایدروجن آزاد موجود بوده دارای
 ذرات ثقیل اند و از امکان دور نیست که نسبت فشار برقی و یا روی علت دیگری چون
 [صاعقه] و یا شراره که از شقوق زمین بلند گردد یکی ازین ذرات منفجر گردند از
 آنجا که این ذرات دارای خاصیت سریع اشتعال است آنها بسیار شدید سبب میشود
 که آبها ی موجود را همه به آتش تبدیل نماید، زیرا آب خود مرکب از اکسیجن و
 نایتروجن بوده بخوبی میتواند آتش بگیرد. (۱۶: ص ۲۰۹) ^۱.

بحرها با هم مخلوط نمیشوند:

یکی از خصوصیات بحرهای که جدیداً دانسته شده است در ارتباط باین آیه مبارکه

میباشد: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿٢٠﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ ﴿٢١﴾ (۲):

^۱ - سونامی و زلزله ایکه در جنوب شرق آسیا اندونیزی و بعضی کشورهای همجوار رخ داده (اولین جزیره بود
 که توسط مسلمانان فتح گردید) در نتیجه آن سونامی و زلزله که حدود ۴۰۰ - ۵۰۰ هزار نفر تلفات داشته (شاید فیلم آنرا
 اکثراً دیده باشند) از زیر اعماق اقیانوس آب به سرعت ۷۰۰ کیلومتر در ساعت و به ارتفاع ۳۰ - ۴۰ متر آب به هوا بلند
 میشود، آتش از داخل آب روشن گردیده، آب دریا بجوش آمده جسد های مقتولین سوخته باثر سوختگی پوست بدن شان
 شاریده است جز بیان این آیات وَإِذَا اللَّيْلُ فَجَّرَتْ و وَإِذَا اللَّيْلُ فَجَّرَتْ چیزی دیگری نیست.

رحمن آیات ۱۹، ۲۰" دو بحر را باهم نزدیک و مقابل کرده اما بین شان حدی است که تجاوز نمی کنند". وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿۵۳﴾ (۲: فرقان آیه ۵۳).
 "اوست که دو دریا را باهم آمیخت یکی گوارا و شیرین و دیگری شور و تلخ در بین آنها حایل قرار داد".

بحر شناسان درین نزدیکی ها دانسته اند که آبهای بحرها با آنکه نزدیک همدیگر می آیند و کاملاً به تماس همدیگر اند، مخلوط نمی شوند، تفاوت کثافت آنها و تفاوت کشش سطحی آنها طوری عمل میکند که گویا بین شان یک دیوار باریک وجود داشته باشد بطور مثال بحیره مدیترانه و بحراطلس؛ همیشه معروض به مد و جزر ها و امواج بسیار قوی بوده و آب مدیترانه در آنها ی اطلس داخل میشود اما هیچوقت درجه حرارت و درجه کثافت مقدار نمکهای شان تغییر نمی کند زیرا مانع ای وجود دارد که آنها را همیشه از همدیگر جدا نگه میدارد، این معجزه ایست که علم فزیک چیزی در مورد کشش سطحی نمیدانست در حالیکه قرآن ۱۴۰۰ سال قبل بیان کرد. (۳۲:ص ۶۴)
 دو دریای متفاوت و جاری در مجاورت یکدیگر را که خداوند عز و جل در آیات ۵۳ سوره فرقان، در آیه ۶۱ سوره نمل و در آیات ۱۹، ۲۲ سوره رحمن ذکر نموده و اینکه این سه دسته از آیات شریفه قرآنکریم و حکمت و ترتیب نزول این آیات و آفرینش پدیده ها و جلوه های درین آب شیرین، گوارا و شور و سرمایه و منافع سرشار حیاتی بیشماری برای انسانها و موانع پرده میان آنها و نظریات علمی دانشمندان مولف گرانمایه «کتاب مشعل های فروزان در شناخت یزدان» استادبزرگوار عبدالرحمن "حسن" تحقیقات علمی و تفصیلی بجائی نموده، امید است خواننده گان گرامی در صورت دسترس به کتاب مذکور مطالعه آنرا فراموش ننمایند.

در گزارش مشترکی از سوی هیئات علمی [دانشگاه قاهره مصر] و [ادنبره انگلیسی] اظهار گردید که: خاصیتها و عناصر ترکیبی آب دریاها ی خلیج عقبه با خواص و ترکیبات آب دریای سرخ متفاوت است، این هیئات بکمک سنجش و اندازه گیری ژرفنای دریاها توانست پرده گمنام و ناشناخته موجود در محل به هم پیوستن

دو دریا موسوم به (مجمع البحرين) را کشف نمایند که ارتفاع آن از هزار متر تجاوز میکند.

احتمال دارد مجمع البحرين همان مکان باشد که در داستان حضرت موسی (ع) با جوانی همراهش خضر روان بوده و در مسیرشان باین نقطه از مکان بهم پیوستن دریاها رسیدند.

به این ترتیب هیئات توانستند که درین سفر دریا ئی و سوار کشتی، به یک سلسله مباحث و مسایل در اولین مسافرت خود در اقیانوس دریای سرخ دست یابند، مهمترین دست آورد آن هیئات کشف و اثبات و جو مانع و پرده ای گمنام و پوشیده از دیدگان واقع در میان دو دریا بود همچنین توانست از راه تحلیل و تجزیه و آزمایشهای گوناگون اثبات نماید که ویژه گی های آب اقیانوس هند با آب دریای سرخ کاملاً متفاوت میباشد.

دانشمند فرانسوی "جان کوستو" یکتن از مشهورترین دانشمندان فرانسه در علم بحار میگوید: "وقتی که پدیده ها را درس میدادم که دانشمندان درین اواخر کشف کرده اند، یکی از پرده و صحابی که بین کتله های مختلف بحری جدائی میاورد و هر کتله خصایص خود را بدون اینکه بعضی با بعضی دیگر مخلوط گردد، نگه میدارد. در حالیکه بین دانشمندان معروف طوری بود که خاصیت انتشار بیشتری موادی در بردارد که دارای ترکیب بیشتر باشد و انتشار چنین مواد در وسط موادی نشر میگردد که دارای ترکیب کمتر است باین ترتیب که همه آنها از نگاه ترکیب کثافت درجه نمکی بودن با هم متساوی و متجانس اند ولی این مطلب علماء برآورده نمیشود و تحقیقات ثابت میگرداند که بین بحر و بحردیگر و نهر بنهری دیگر... پرده و حاجزی است وقتی که به او گفته میشود کشف شما مطلب اولی نیست، زیرا قرآنکریم ازین حاجز [پرده] چهارده صد سال قبل پرده برمیدارد" اوست که دو دریای آب شور و گوارا... بهم در آمیخت و میان آن دو دریا برزخ و فاصله است، به حدود یکدیگر تجاوز نمی کنند". پروفیسور بادرک این حقیقت میگوید من شهادت میدهم که قرآن از جانب خداوند ﷻ میباشد و بعد مسلمان میشود. (۲۷: ص ۳۸۵)

دوران آب و تشکیل باران:

موضوع تشکیل ابرها حرکت آنان و توقف آنها و بعد تبدیل شدن به بخارات آب ذکر تمام این مراحل در قرآنکریم در آیات ذیل پیدا میکنیم که مطابقت با یافته های علمی قرن ۲۰ دارد. سوره نور، آیه ۴۳، روم آیات ۴۸ و ۲۴، سوره زمر آیه ۲۱، سوره مؤمنون آیه ۱۸، سوره حجر آیه ۲۲، سوره اعراف آیه ۵۷، سوره رعد آیه ۱۷، سوره فرقان آیات ۴۸-۴۹، سوره فاطر آیه ۹، سوره جاثیه آیه ۵، سوره "ق" آیه ۹، سوره واقعه آیات ۶۸، ۷۰ و سوره ملک آیه ۳۰. اینکه باران چگونه ساخته میشود و یک معمّای بزرگی را به قرنهای تشکیل داده بود، بعد از اینکه رادار اقلیم ساخته شد انسانها به تشکیل باران پی برده اند که در سه مرحله صورت میگیرد اول ماده خام [آب] تبخیر شده بهوا میرود، دوم ابرها تشکیل میشود و سوم قطرات باران بوجود میاید [قطرات باران ساخته میشود].^۱

در قرآن این مراحل دقیقاً تشریح گردیده: **اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ**

سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ تَخْرُجُ

مِنْ خِلَالِهِ ۗ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مِنْ يَسَاءٍ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿۴۸﴾

(۲: روم، آیه ۴۸) "الله ﷻ کسی است که بادهای را میفرستد تا ابرها را برانگیزد و هر طوریکه بخواهد در آسمانها منبسط و منتقل گرداند و باز متفرق گرداند و باران را به بینی که قطره قطره از آن بیرون ریزد"

وهم چنین در سوره نور آیه ۴۳ چنین فرموده، ترجمه: "مگر نمیدانی که خداوند ابرها را آهسته به سوی هم میراند سپس آنها را گرد میآورد، بعد آنها را متراکم و انباشته میسازد آنگاه میبینی باران از لابلای آن بیرون میریزد و نیز خداوند آسمان از

^۱. قرآن و بایبل: داکتر عبدالکریم ذاکرناثیک

ابرها ی کوه مانند آن تگرگ های بزرگ را فرو میبارد و هرکس را بخواهد بآن زبان میرساند و هرکس را بخواهد از زبان بدور میدارد، درخشش برق [حاصل اصطحکاک] ابرها [آن اندازه نیرومند است] نزدیک است چشمها را خیره و ازمیان بر میدارد".
تشریح علمی باران بسیار مفصل است که عین بیان قرآن را تأیید میکند:

الف - أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا: «یزجی ویا ازجا» در لغت عربی آرام

راندن و سوق دادن است، یعنی خداوند ﷻ بوسیله باد ابرها را به آرامی بسوی هم میراند. اما این راندن و سوق دادن تا کجا ادامه دارد؟! دانشمندان میگویند "سوق دادن ابرها تا نقطه اجتماع و بهم پیوستن آنها ادامه دارد".

ب - ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُمْ: بعد از راندن ابرها و رسیدن آنها به نقطه اجتماع به

مرحله دوم ابرها بهم پیوند میخورند و یک ابر واحد را تشکیل میدهند، محققان علوم هواشناسی درین باره میگویند "جماع و پیوند ابرها ی پراکنده ممکن نیست جز اینکه ابتدا به سوی هم رانده شوند" این پدیده منطبق با مرحله اول شکل گیری ابر در قرآن است.

ج - ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا: بر اثر وزش باد ابرها بر روی هم فشرده و انباشته خواهند

شد و بصورت ابرها ی متراکم در خواهند آمد از طرف بالا گسترش مییابند بصورت توده های بزرگی کوه مانند عظیم دیده میشوند بعد ازینکه مراحل سه گانه سپری شد مرحله دیگری در صحنه فضاء شکل میگیرد آن نزول باران و تگرگ و رعد برق است. (۱۱:ص ۱۶۲)

خواننده گرانقدر! قرآن کلام خداوند ﷻ دانا است و معجزه جاوید، پاینده در همه اعصار و قرنهای بحریست که غواصان آن نمیتوانند عجائب و رازها ی آنرا به پایان رسانند اعجاز علمی قرآن نقاب از چهره حقایق برداشته که با پیشرفت هر چه بیشتر علم تکنالوژی رازها و رمزها ی آن آشکار میگردد، هر آیه از قرآنکریم عنوان کتاب علمی است؛ اما افسوس که ما مسلمانان به هدایات و راهنمایی ها و رازها و اسرار آن کمتر توجه نموده ایم. با وجودیکه تعلیم آن وجیبه دینی ماست از هزار نفر ۹۹۹ نفر ما

از آن بی خبر مانده ایم. (اگر خواسته باشید اعجاز بهتر علمی تشکیل باران و اعجاز کلمات آیات مربوط آن را از دیدگاه علوم هواشناسی بهتر دریابید، به کتاب های اعجاز قرآن اثر هارون یحیی "ترکی" و اعجاز علمی قرآن "کمال روحانی" را فراموش نکنید).

بادهای بار آور کننده:

وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ (۲: الحجر

آیه-۲۲)" ما بادهای بار آور کننده را فرستادیم و باثر آن از آسمان باران فرو فرستادیم تا همه را سیراب کند".

در جواهرالقرآن امام محمد غزالی رحمه الله علیه ترجمه این آیه مبارکه را در مورد بجا نموده (ما بادهای بار آورنده را به دامادی گلها و درختها آفریدیم). در آیه فوق در مورد بادهای بار آورنده و تشکیل دهنده باران ذکر بعمل آمده است این آیه میسراند که مرحله اول باران باد است که کشفیات علم هواشناسی بار آورنده بارانها را توسط باد توضیح نموده است، مسئله مهم دیگر که درین آیه اشاره شده است بار آورنده گی باد و نقش آن در گرد افشانی و تلقیح گلها میباشد، بسیاری گلها گرد [پولن] خود را توسط باد پراکنده و بقای نوع خود را ادامه میدهند که تا این اواخر این مکانیزم بار آورنده معلوم نبود، وقتی که معلوم شد که نبات نیز دارای جنس مذکر و مؤنث است این عمل القاح توسط باد نیز کشف گردید.

دانشمند زیست شناسی اعتراف بخدا میکند:

داکتر "سیل بولیس هامان" دکتور فلسفه و زیست شناسی مینویسد: در قلمرو علم بهر سو که مینگریم نشانه های معشیت و اداره، قانون و نظم یک وجود عالی رامشاهده میکنیم. آیا این تصادف است که گل با تهیه شیره شیرین حشرات را بدور خود جمع میکند، تا وسیله تلقیح آن باشند؟!، آیا این اتفاقی است که دانه های زیرگرده

وارد تخمدان گل میشود و آنرا تلقیح میکند؟! در نتیجه بذر لازم برای تولید نباتات و گل سال بعدی را بوجود آورد.

اگر بطرف آسمانها نگاه کنیم از مشاهده نظم و ترتیب و گسترش ستاره ها، شبها، سالها، فصلها و قرنهای متوالی، اجرام سماوی روی خطوط معین است. ستاره گان نمیتوانند به امر تصادف از مدار خود خارج و در میان فضاء سرگردان بمانند، از مشاهده قطره آب زیر میکروسکوپ آنجا آمیبی را خواهیم دید که به آرامی حرکت میکند و در داخل آن موجی فوق العاده کوچکی پیدا میشود اگر بیشتر توجه شود مشاهده میشود که بعد از یک سلسله تحولات بدو حصه تقسیم میشود دو آمیب کوچک جوان بوجود میآید، میبینیم که تمام فعالیتهای حیاتی را برای بقای خود انجام میدهد و یا دور ترین ستاره را به تلسکوپ میبینیم ما را بحیرت می اندازد چون بدون حکمت عالی وجود نظم و ترتیب امکان پذیر نیست و هر قانون طبیعی که کشف میشود با صدای بلند میگوید که خداوند عز وجله واضع من است و بشرکاشف من، بلی! من بخداوند عز وجله ایمان دارم خدائیکه وجود من و جهان را آفریده و من چه در باطن و چه در پیرامون خود همه جا او را در تجلی میبینم (۲۳: ص ۲۸۵)

بی ارتباط نیست سرگذشت که خودم باین ارتباط بآن مواجه گردیده بودم، بازگو نمایم: چندسال قبل نسبت کارو شناختی که با مسئولین شرکت تجارتي "نور" که شرکت مشهور وارد کننده ادویه جات زراعتی حیوانی است، رفته تصادفاً در دفتر شرکت، چند نفر جهت خریداری ادویه از ولایت میدان وردک آمده بودند و در ضمن در یکی از ولسوالی های هرات که آفات و مرض ناشناخته زراعتی شیوع نموده بود، دهاقین متضرر بدولت شکایت نموده کارشناسان زراعت هرات بعد از مشاهده ساحه متضرر به شرکت مذکور آمده به هدف این که چند نوع ادویه را گرفته بطور نمونه بکار ببرند، ازینکه مسئولین شرکت، مهمانان وردکی، کارشناسان زراعتی هرات در بخش زراعت معلومات داشتند و من هم باغدار غیر فنی بودم با بعضی مشکلات و امراض که روبرو شده بودم از آنها پرسشهای نمودم که به پیشانی باز به پرسشهای پاسخ و راهنمایهای مناسب ارایه نمودند.

یک سوال که به ذهنم عمده بود، باور کنید چند سال در پی فهم و دانستن آن بودم و از مردم باغدار و کهنه کار منطقه جويا شده بودم، هر کدام نظریات و راهنمایی نموده بودند، عملی کردم اما نتیجه نداده بود، که یک درخت بادام بسیار شاداب قوی و جوان در بین حویلی خانه خویش داشتم ثمر [بار] نمیداد، درباره از کارشناس زراعت هرات پرسان نمودم بدون اینکه تفصیل دهم در جواب گفت "بادامت، تنها است « یعنی درختهای بادام دیگر به نزدیک آن نیست که تلقیح گردد، برایش گفتم که شاخهای فوقانی آن سالی چند دانه بارمیگیرد. گفت در فاصله های دور بادامهای هست یا از طریق باد یا حشرات گرد [غبار] به شاخه های بلند این درخت میرسد، که همین قسم بود. بعد طریقه گرد افشانی و القاح را توسط باد تشریح نمود. باید تذکر داد که در همان جلسه اضافه از ده نفر که همه تحصیل کرده در رشته زراعت بودند، کسی واقف نبود، که این موضوع را قرآنکریم ۱۴۰۰ سال قبل با جمله کوتاه و واضح بیان نموده است «که ما باد را بدامادی گلها و درختان آفریدیم».

آفرینش ازواج:

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ

وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۶﴾ (۲: یاسین آیه ۳۶). "منزه است خدائیکه همه را جفت آفریده

است از آنچه در زمین میروید و از خودشان و از آنچه نمیدانند."

زوج [جفت] بمعنی زن و مرد مستعمل بوده در حالیکه در سایر چیزها مردم نمی دانستند این کلمه معنی وسیعتر دارد. فزیکدان انگلیسی «پال ربریک» با کشف اینکه ماده بقسم جفت آفریده شده در سال ۱۹۳۳ جایزه نوبل را گرفت، او پدیده زوجیت دوگانگی یعنی ماده و ضد ماده که دارای خصوصیات مخالفند را آشکار ساخت مثلا ضد ماده برای الکترون مثبت و برای پروتون منفی. مثال دیگر جفت های نباتات اند، که نبات شناسان ۱۰۰ سال قبل تفاوت جنس را در نباتات دریافته اند، در حالیکه الله ﷻ ۱۴۰۰ سال قبل موضوع را بیان کرد. وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ

كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿١٠﴾ (۱: لقمان آیه ۱۰). " و نازل نمودیم از آسمان آب را و از آن

تمام زوج های پر منفعت را رویانیدیم." (۳۲: ص ۴۸)

اما قرآن تنها قانون زوجیت را در انسان ها و نباتات و حیوانات اکتفا نکرده و بلکه فرموده: **ومن کل شیء خلقنا زوجین** در سراسر عالم میباشد، زوجیت را بر همه چیز اطلاق نموده است. نیروی الکتریسیته که قرنها بعد از نزول قرآن کشف گردید، محتوای دو بخش سالبه و موجبه میباشد که از اتحاد آن دو امواج "کهربای « برقی بوجود میآید، که منشاء بهره برداری بشر است. درین بحث کلام را بسوی اتم کوچکترین ذره که در عنصر یافت میشود میکشانیم.

آنچه دانشمندان درباره اتم کشف کرده اند که اتم دارای قلب کوچکی است که هسته اتم نامیده میشود، اجسام بسیار ریزی بنام "الکترونها « آنرا احاطه کرده که این الکترون ها حاصل نیروی الکتریسیته منفی و اما هسته اتم مملو از نیروی الکتریسیته مثبت است، هسته اتم از اجزای کوچکی ترکیب شده که نام یکی آنرا پروتون دادند و در مقابل آن واحد ساختمانی که در سال ۱۹۳۲ دانشمند طبیعی انگلیسی "سرجمس تشادویک« کشف کرده نیوترون نامید. نتیجه اینکه عالم ماده همه و همه مرکب از همین ذرات اتم است، قانون زوجیت که در اتم اولین واحد ساختمانی ماده جریان دارد همانطور یکه در قرآن اشاره شده: **(ومن کل شیء خلقنا زوجین)** " و هر چیز را جفت آفریدیم". گواه دیگری بر پیدایش جهان را در هر اتمی از اتمهای هستی خواهیم یافت، اتمهای جهان همه از اجزای بسیار ریزی ساخته شده اند که دارای بار الکتریکی مثبت «پروتون» و یا دارای بار الکتریکی منفی هستند. (۲۶: ص ۲۵)

شناخت از روی انگشت:

بَلَىٰ قَدَرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِيَ بَنَانَهُ ﴿٢﴾ (۲: قیامت آیه ۴) " بلی! و قادریم که

سر انگشتان وی را منظم درست کنیم." در قرآن کریم آمده است که الله ﷻ انسانها را بعد از مرگ زنده میکند و تاکید گردیده که انگشتان وی را دوباره تنظیم میکند، این

تاکید بر سر انگشتان بسیار مهم است زیرا شکل انگشت هر شخص منحصر بفرد میباشد، حتی دوگانگی هائیکه دارای (DNA) مشابه هستند نشان انگشت شان با هم فرق دارند، نشان انگشت قبل از تولد تکمیل میگردد، در تمام عمر بدون تغییر باقی میماند از این سبب منحنیث مهمترین مدرک تعیین هویت افراد بکار میرود، در آن هیچ اشتباه رخ نمیدهد اهمیت نشان انگشت در آخر قرن نژده کشف گردید، در حالیکه الله ﷻ قبلاً در قرآن ما را متوجه آن ساخته است. (ص:۳۲، ۸۹)

اگر متوجه قرآن شویم به معانی و مفاهیم آن آگاهی حاصل نمائیم چیزی نخواهد بود درین جهان پهناور و وسیع که قرآن از آن بجا و بمورد علمی ذکری بمیان نیاورده باشد. چون صفت بحر ناتمام را خداوند ﷻ بقرآن داده اگر بالفرض چیزی را دریابیم و یا ببینیم که آنرا در قرآن نیافته باشیم، بدانیم که عیب و تقصیر در فهم درک قاصر خود ماست که تا هنوز به آن نرسیده ایم، مکث کنیم موضوع سر انگشت حرف عادی و کوچک نیست به مثال و موضوع آیت و بشرح نزول آن متوجه گردیم و اینکه علم بعد از یکهزار و چهار صد سال حکمت و راز باریک، پیچیده و خارق العاده خطوط سرانگشتان "ساحه یک سانتی متر" طوریکه علم امروز کشف کرده که بالفرض نفوس جهان ۵۸۰۰ میلیارد انسان باشد ضرب ۱۱ کنیم ۶۳۸۰۰ میلیارد گردد احتمال ضعیف میرود که دو نفر خطوط انگشتان شان با هم برابر باشد.^۱

دلها با ذکر الله ﷻ آرام میشوند:

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿۲۸﴾ (۲:رعد آیه - ۲۸) "آگاه شوید که تنها بذكرالله ﷻ دلها آرام میگردد. ویا آرام بخش دلها است." در تحقیقات "دیوید لارسن" در مرکز تحقیقات امریکا مقایسه بین اشخاصیکه متدین و ملحد اند، نتایج حیرت انگیز را نشان میدهد، مثلاً اشخاص متدین ۶۰٪ کمتر مصاب امراض قلبی، اعمال خودکشی،

^۱ گفته ۶۳ ویا ۶۵ میلیارد انسان همزمان، عبدالعزیز سلیمی تلویزیون نور بحث اعجاز قرآن سال ۱۳۸۹

فشارخون و امراض روانی بوده و اشخاص متدین بمراتب کمتر از ملحدین باین گونه امراض مواجه اند، یک مجله بین المللی طب عقلی گزارش میدهد که مردم بی عقیده، زیاد تر مریض شده و طول عمر کوتاه تر دارند. روان شناسان نیز بارقام مشابه دست یافته اند، یعنی عقیده روان انسان را تقویه نموده صحت شخص را بهتر میسازد و ثابت شده که هیچ عقیده باندازه ایمان به الله ﷻ آرامش روانی ایجاد نموده نمیتواند، زیرا آنها الله ﷻ را پرستش نموده روحاً جسماً صحتمند تر اند، آنها به هدف آفرینش فکر نموده عمل میکنند تحقیقات در بیست پنج سال اخیر نشان میدهد که اعتقاد دینی منطقی ترین و لازمه ترین صحت دماغی و شادمانی است. (۳۲: ص ۶۷)

اگر شخصی متدین در حال مصیبت، غم، غصه، تشویش و نگرانی با ظاهر و باطن پاک در خلوت بخصوص از طرف شب با تلاوت قرآنکریم و راز نیاز با خلوص با خدای خویش بپردازد و خود را بانشرایط راز و نیایش آماده سازد، بمرحله خواهد رسید که احساس کند که ارتباط مستقیم بر قرار گردیده (هرچند فشار روحی هم زیاد باشد) فکرش متوجه چیزی دیگری نخواهد شد. اشکها جاری گردیده و احساسات و اشتیاق بالا خواهد رفت، آنقدر شوق، سرور، آرامش روحی، خاطر آرام و قلب مطمئن بوجود خواهد آمد که هیچ نوع داروی نسخه متخصص اعصاب و یا موفقیت‌های زندگی و یا سایر سرگرمیهای متنوع جایگزین آن شده نمی تواند، برعلاوه اینکه عبادت و راز و نیاز فضیلت و ثوابی آخرتی زیاد دارد، برای تسکین فشار روحی و عصبی فوق العاده مفید است، امید است همه ما بر علاوه عبادات دیگر که هر کدام بنوبه خود فوائد دنیوی و اخروی کثیر بدنبال دارد « در تقسیم اوقات ۲۴ ساعته خویش بگنجانیم و تمرین آنرا فراموش نکنیم و نتیجه مثبت و مفید دارین را بدست آوریم، انشاءالله. به سلسله دانشمندان که از برکت دانش و علم بوجود الله ﷻ اعتراف نموده گفتار دو نفر آنرا در عنوان ذیل میاوریم:

مادی گری به تنهای کافی نیست:

«پرووینگ ویلیام نبلوچ» عالم و داکتر فلسفه، متخصص در چند رشته گیاه شناسی بعد از تفسیر و تحلیل مفصل میگوید: عقاید مذهبی با کشفیات علمی راسختر

میشوند، اکثر از پیشبینی های کتب آسمانی را علوم ثابت کرده و به ظن قوی اکثر های دیگر را نیز ثابت خواهد کرد، علم نجوم ثابت میکند، عقیده ازلی و ابدی بودن جهان با مبانی علمی امروزی وفق ندارد، تحول و تغیر یکی از مشخصه های معلوم که شاید هیچگاه معلوم نخواهد شد، جهان را با عظمت و نظم فوق العاده بوجود آورده است.

نویسنده و طبیعی دان بزرگ امریکای "اولیوروندل هولمز" درین مورد میگوید هر قدر معلومات بشری زیادتر میشود شکاف بین مذهب و علم تنگتر میگردد و فهم درست علوم امکان ایمان بخدا را بیشتر میکند، علم نمیتواند بگوید که یک تکه خیلی کوچک که حتی با میکروسکوپ هم دیده نمیشود از کجا آمده همچنان نمیتواند معین کند روی چه قانون و تصادف ذرات و اتمها باهم جمع میشوند، تا یک جسم زنده بوجود آید، این فرضیه که تمام حیوانات عالیه از تبدلات و تغییرات حیوانات پائینتر و یا ازدواج دو نوع متفاوت آنها بوجود آمده اند منطقی نیست و با عقل وفق نمیخورد، البته علم احتیاج بایمان و اطمینان دارد ولی مثل اینست که حقایق هر قدر بآنها نزدیکتر میشویم دور تر میروند، درک ما از جهان بوسیله حواس ناقص و ابراز غیر دقیق ماست، تعبیر ما از جهان نسبی و شکل غلطی از آن در ذهن ما مصور است، من هم چنین فلسفه مادی را دور نمی اندازم چون علماء وقتی که قوانین مادی را بکار میبرند، موفق میشوند اشکالات و پدیده ها را روشنتر کنند ولی در عین حال بخداوند ﷻ ایمان کامل دارم چون معتقدم که اولین الکترون و پروتون و اولین اتم یا اولین اسیدامونیه و پروتو پلازم و یا اولین مغز بشری ممکن نیست تصادفاً بوجود آمده باشد، [دست بلاکیف] قدرتی مافوق الطبیعه است که بوجود آورنده است که آن غیر از الله ﷻ وجود دیگری بوده نمی تواند. (۲۳: ص ۹۸)

فصل هفتم: (اعجاز و شگفتی های خلقت در حشرات و پرندگان)

زنبور عسل و معجزات عسل: وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۚ تَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾ (نحل آیه ۶۹).

پروردگار بزنبور عسل ماده عسل وحی کرد که در کوه ها و درختان بلند منزل سازید از همه میوه ها بخورید و در راه الله ﷻ روان باشید از درون آنها نوشیدنی دارای رنگهای مختلف بیرون آرید که در آن شفا انسانها است". و در آن نیز نشانها نیست برای کسانیکه تفکر میکنند". ازینکه الله ﷻ کلمه را به زنبور ماده خطاب کرده زیرا فعل (أَنِ اتَّخِذِي) به صیغه مؤنث بکار رفته "حکمتیست که در زمان نزول قرآن از فهم و درک بشر خارج بوده « زنبور های مذکر بجز القاح ملکه به هیچ کاری سهم ندارند تمام وظایف مثل ساختن خانه کندو، پاک کاری، تهیه غذا، تهیه عسل، همه بدوش زنبور ماده نازا تعلق دارد، فقط یکی از آنها توانمندی (زائیدن) را دارد که بنام ملکه یاد میشود، کارگران تهیه عسل همه زنبور های ماده اند.

معجزه عسل: پیامبر ﷺ فرموده: علیکم بالشفائین العسل والقرآن. "شمارا به بهره گیری از دوشفا دهند یعنی عسل و قرآن متوجه میکنم". شکی نیست که آیات قرآنی در سوره نحل و سوره ﷻ و احادیث شریفه که در رابطه عسل وارد شده از ساختن و روشنترین متون کهن درین رابطه است که با قاطعیت درباره عسل و ویژگیهای درمانی آن سخن گفته و هم معجزه عسل در علم و ساینس امروزی یک شعبه جدید علمی باز نموده که از خواص شفاء بخش و ترکیبات آن گشندگی مکروبها و غیره و غیره اگر بحث شود کتاب جداگانه میخواهد.

برعلاوه قرآنکریم در آیات ۲۳-۲۵ سوره مریم از خرما و کیفیت آن، در سوره تین از انجیر و زیتون و سوره مائده آیه ۹۶ و همچنان در سوره کهف آیات ۶۰-۶۳ از اهمیت خوردن ماهی غذای آن و آن میوه های متذکره که اثر صحت بخش برای وقایه التهاب مفاصل تکامل استخوان ها جلوگیری از پیری زودرس، تکامل اطفال، تنقیص فشار خون و فواید برای اعضای داخلی بدن، طب امروز فواید زیتون، خرما، انجیر و ماهی را برملا ساخته و هم چنین قرآنکریم در آیه های ۲۰ و ۲۲ سوره واقعه فرموده که غذا را بامیوه آغاز کنید و پیامبر ﷺ فرموده اگر کسی از شما خواست افطار کند با خرما افطار کند زیرا درین کار برکت است، خوردن میوه قبل از غذا دارای فواید بهداشتی زیاد است، میوه دارای مواد قندی ساده و سهل الهضم است که به سرعت جذب بدن میشود و منبع بسیار خوبی انرژی برای تمام سلولها بدن میباشد، با پیروی از دستورات، احکام و سفارشات قرآن و سنت پیامبر بزرگوار سعادت دارین را در قبال دارد. (۳۲:ص ۹۰)

دنیای مورچه گان:

مورچه ها موجودی اجتماعی و پیشرفته است در هر جا و هر زمانی یافت میشود، که انواع آن بیش از ۹۰۰۰ می‌رسند، دانشمندان که شیوه زندگی مورچه گان را بررسی کرده اند جامعه اجتماعی کار و فعالیت آنها، همکاری با یکدیگر، تقسیم وظایف، تماس همیشگی، تربیت و پاسداری، حفظ امنیت، ذخیره و تهیه غذا، نگهداری و حفظ اسرار و طریقه آن، نقش در کشاورزی و پرورش حشرات که از شهد آنها استفاده میکنند، مانند عمل و طریقه شناسائی را، حس شامه قوی و غیره و غیره؛ درحیرت افزیده اند.

خداوند ﷻ میفرماید. حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمَلَةٌ يَتَأَيَّهَا

النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسْكِنَكُمْ لَا تَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَنُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا

يَشْعُرُونَ ﴿۲﴾ (نمل، آیه ۱۸) "تا آنجا که (لشکر سلیمان) به وادی مورچه گان

رسیدند، موری گفت ای موران همه به خانه های خود روید مبدا سلیمان و سپاهیان ندانسته شما را پایمال کند"

خداوند ﷺ در خلال این آیه سخن گفتن مورچه گان را ثابت کرده اما آیا دانشمندان، زبان مورچه گان را کشف کرده اند؟ بلی دانشمندان میگویند که در شکم و سر مورچه ها غده های شیمیایی وجود دارد که فرستادن پیام شیمیایی را به عهده دارند، که زبان مورچه ها است به وسیله آن همدیگر را مخاطب قرار میدهند، در میان مورچه ها روش های مختلف برای برقراری ارتباط وجود دارد از جمله زبان صوتی، زبان شنیداری، زبان دیدنی و استفاده از حرکات، استفاده از اصوات زبان شایع در میان مورچه ها زبان شیمیایی است که مورچه ها با حس بویایی خود که بر روی شاخک های حسی وی قرار دارد و اشارات شیمیایی را درک میکنند، خداوند ﷺ در خلال این آیات برای مورچه نوع شناخت و روحیه اجتماعی را در میان آنها بیان کرده است. بین که مورچه چگونه حکمت و تقدیر را بدست آورده؟. پاکست خدای که این مورچه ها را به حکمت و تقدیر خود به سخن در آورده است.

اما نکته جالب، قابل دقت و توجه این است که زنبور عسل در آیه ۶۸ سوره نمل

حرف (أَتَّخِذِي) به [یای] مونث مخاطب است و هم در آیه ۴۱ سوره عنکبوت

(أَتَّخِذَتْ بَيْتًا) یعنی عنکبوت های مونث هستند که خانه بنا میکنند، تاء تأنیث

آورده شده در حالیکه خطاب به مورچه ها را مذکر آورده است، چرا که خداوند ﷺ خطاب به مورچه را با تأکید و خطاب بالای زنبور عسل و عنکبوت را با تأنیث آورده است، زیرا در میان مورچه ها مذکر و مؤنث دارد، در زبان عربی وقتی که مؤنث و مذکر با هم باشند و بخواهی آنها را مخاطب قرار دهی باید از ضمیر مذکر استفاده کنی، اما وقتی مخاطب مؤنث باشد فقط از ضمیر مؤنث استفاده میگردد، درین آیه خطاب به زنبور عسل و عنکبوت مؤنث آمده زیرا فقط زنبورهای کارگر ماده هستند که عسل میسازند و هم ملکه آن ماده است که زمام امور را بدست دارد و هم در خانه عنکبوت طوریکه تحت عنوان جدا تشریح میگردد. ماده [مؤنث] است که تمام قدرت و صلاحیت بدست اوست، اما در جامعه مورچه گان ماده و نر به همکاری و توافق و نظم

خاصی زندگی دارند، اما این قضایا در زمان پیامبر ﷺ شناخته شده بود؟. این رازها بعد از ۱۴۰۰ سال توسط علم کشف گردیده و کیفیت و چگونگی زندگی حیوانات، پرندگان و حشرات و غیره را که اشارات و رمزهای که در قرآن آمده حقانیت و اعجاز آن یکی پی دیگری برملاء میگردد، نشانه های زیادی هستند که الله ﷻ آنها را در هستی و زمین گسترانیده است و انسان باید در آنها دقت کند، تا ایمانش به خداوند ﷻ توسط آنها که عقل مادیگران (ماتریالیست ها) و کافران عاجز است محقق شود. (۶: ص ۳۰۲)

مطالعات معاصر زندگی مورچه گان نشان میدهد که این حیوانات کوچک زندگی اجتماعی بسیار منظم داشته و یک شبکه مغلق ارتباطی دارند، طوری مثال جغرافیة ملی [National Geography] گزارش میدهد: یک مورچه در سر بزرگ خود اعضای حواسی مختلف دارد، که انگیزه های کیمیاوی، بصری را اخذ نموده بتمام جامعه که متشکل از میلیونها مورچه میباشد خبر میدهند دماغ مورچه دارای نیم میلیون حجرات عصبی بوده، چشم ها مرکب بوده آنتن و یا شاخ های مورچه منحیث بینی، سر انگشتان و حس لامسه کار میکنند، برجستگی های زیر دهن ذایقه را میفهمند، مورچه ها نیز بتماس عکس العمل نشان میدهند، اگر مابدانیم که تافه، مورچه گان طریقه های مختلف برای تامین ارتباط دارند ، اینها اعضای حواسی را همیشه بکار میبرند؛ مثل یافتن غذاء، شکار، ساختن خانه، جنگ دسته جمعی توسط ۵۰۰ هزار حجره عصبی که در عضویت ۴-۳ میلی متری آنها جا بجاشده است، طرق ارتباطات حیرت انگیزی را دارا میباشدند.

عکس العمل یا واکنش در ارتباط آنها به شعبه های مختلف تقسیم شده است؛ آلام، یا خبرداری به کار گماشتن، مراقبت، داد و ستد، لعاب دهن و مقعد، کاری دسته جمعی، شناسائی، تعیین موقف و غیره مورچه گان که به اساس رد و بدل شده زندگی باهمی دارند، برای تبادلہ معلومات بعضاً چنان ارتباطات دقیق را بکار میبرند، که انسانها توسط سخن گفتن نمیتوانند مثلاً برای جمع شدن، شریک کردن، پاک کردن، دفاع و غیره.

زن سالاری در خانه عنکبوت:

مَثَلُ الَّذِينَ أَخَذُوا مِنَ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ
 أَخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا
 يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ " مثل آنانیکه (خدا را فراموش کردند) و غیر خدا را به دوستی

گرفتند و در سستی و بی بنیادی بسان خانه ای است که عنکبوت بنیان کند، اگر بدانید سست ترین خانه، خانه عنکبوت است". درین آیه مبارکه صفت تأنیث برای عنکبوت داده میشود و میگوید (أَخَذَتْ بَيْتًا) یعنی عنکبوت مونث [ماده] این خانه را ساخته، طوریکه درین اواخر کشف گردیده که این خانه را عنکبوت ماده [مؤنث] اعمار میکند و میسازد نه عنکبوت مذکر، این حقیقت علم بیولوژی است که در وقت نزول قرآن به کسی معلوم نبود.

حقیقت دوم درین آیه وصف خانه عنکبوت است که سست ترین، پرجنجال ترین و نا امن ترین خانه ها گفته شده نه آنکه قرآن کریم تار عنکبوت و بافت خانه را سست گفته باشد بلکه دلیل آن این است که کشف نموده است که تار عنکبوت بمقیاس هر تار مثل خود سه برابر قویتر است و به تناسب وجود عنکبوت برای او قلعه مستحکم است و پرامنیت و متین است.

در اخیر آیه (لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ) آمده در آن سرّی موجود است، سرّیکه علم بیولوژی کشف کرده است که خانه یا لانه عنکبوت بی مفهوم ترین خانه است که در آن هیچ نوع امنیت، آرامش و اطمینان وجود ندارد، زیرا عنکبوت ماده بعد از القاح شوهر خود را زنده میخورد. گوشت پدر را به دهان اولاد میگذارد و هم اولاد عنکبوت وقتی که از تخم میبرایند همدیگر خود را میخورند. عنکبوت‌های نر بعد از القاح خانه خود را گذاشته از ترس همسر خود فرار میکنند دیگر قدمی به خانه خود نمیگذارند.

در حقیقت عنکبوت ماده خانه نمیسازد بلکه دام و تُلکی آماده میکند که در آن کمین میگیرند تا کشتارگاهی برای شوهر و دیگر حشرات باشد وقتی که شما کلمه (وهن) را در قاموس می بینید این لغت به معنی انتهای زحمت و مشقت و دشمنی ها آمده و بسان همان پناه گاهی است که بغیر از پناه خداوند ﷻ پناه گاهی گرفته میشود. (۱۶:ص ۲۲۰)

لذا چنین شخصی با همان مصیبتی گرفتار میشود که حشرات عنکبوت در خانه خود که اسرار خانه عنکبوت بعد از ۱۴۰۰ سال دانشمندان میفهمند. سبحان الله اگر بتوانیم شمه ای از علم الله سبحانه تعالی را و حکمت و جامعیت قرآن که حجم کم، معانی، مفاهیم و تعالیم بسیار عالی و اعجازی آنرا بجامعه بشریت تبلیغ و تفهیم نمائیم، انشاءالله گرایش بی نظیر را درین عصر علم و تکنالوژی بسوی دین مبارک و بی همتا اسلام خواهیم دید که (يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا). انشاء الله

گروه بزرگ ملخها:

تَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ ﴿٧﴾ (۱:قمر، آیه ۷) "از قبرها به

مثل شیوع ملخ ها بیرون میشوند". درین آیه میفرماید که در قیامت مردم چنان سر از قبرها بر میآورند که گویا ملخ ها سربرآورده منتشر گردیده اند، معلوماتی زیادی در مورد ملخ ها با استفاده از کمره های بسیار کوچک در قرن بیست حاصل شد.

یک خیل ملخ ها دارای تعداد بیشماری ملخها میباشد، ملخها در یک خیل که چندین کیلومتر طول و عرض میداشته باشد، به قسم یک پارچه ابر معلوم میشوند طوری مثال یک خیل تا ۸۰ میلیون ملخ فی کیلومتر مربع میباشد، یعنی مجموعاً ۵۰-۹۵ میلیارد ملخ در یک خیل.

نکته مهم دیگر اینکه ملخها در زیر ریگها تخم گذاری مینمایند، لاروهای شان در آنجا تکامل مینماید، ملخ مؤنث ۱۰-۱۵ سانتی زمین را کنده در حدود ۹۵ - ۱۵۸ عدد تخم در آن میگذارد، ملخ های ماده صرف سه بار در طول عمر خود تخمگذاری کرده میتوانند، نظر به درجه حرارت زمین لاروا در مدت ۱۰-۶۵ روز پخته شده و بعد

همه یکجا از زمین بیرون می آیند، هر متر مربع ۱۰۰۰ ملخ میداشته باشد، چون یک خیل ملخ ها ساحه بسیار وسیع را در برمیگیرد. لذا ساحه تخمگذاری بسیار وسیع میباشد، پس تعدادی بیشماری ملخ ها دفعتاً از زمین سر زده در هوا پراکنده میشوند و این عیناً همان حادثه ای است که همه انسانها سر از قبر بدر میکنند. این مطالعات ملخ ها امروز با استفاده از وسایل پیشرفته فیلمبرداری و کنترل از فاصله های دور صورت گرفته است، حتی به قمرهای مصنوعی (NASA) برای مطالعه تولد ملخ ها در صحرای افریقا ضرورت بوده است، سپاس قمر مصنوعی را که امکان مطالعه ۱۸ میلیون کیلومتر مربع زمین و فضا آن را میسر ساخته است این مثال در قرآن کریم وقتی زده شده که تکنالوجی مدرن موجود نبوده و کسی در مورد ملخ ها معلوماتی علمی نداشته این یک دلیل عمده دیگری براین است که قرآن وحی الله ﷻ میباشد. (۹ ص ۱۰۸)

تقلید از حیات، الهام از زنده جانها برای طراحی:

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً^ط " و شما را در حیوانات اهلی عبرت است". (مؤمنون:

۲۱) و همچنین در آیه ۶۶ النمل نیز تذکر رفته است.

دانشمندان قبل از اینکه چیزی را بسازند به نمونه های موجودات درجهان نگریسته و خواص سهولت های آنها را مطالعه میکنند و با تقلید از آنها شیء مورد نظر خود را میسازند، از بعضی چیزهای که الله ﷻ آفریده است الهام گرفته و تکنالوژی خود را در خدمت بشر قرار میدهند. این برخورد باعث ایجاد یک رشته جدید علمی بنام اندازه های حیاتی (Biometrics) گردیده است، جستجو و تقلید از موجودات حیه وسیعاً در تکنالوژی معاصر به کار گرفته میشود. لغت (عبرت) در آیت فوق بمعنی آموختن، پند، مشوره، اهمیت و نمونه میباشد. بیومتریک عبارت از تمام چیز ها، سامان آلات و میکانیسم های است که با تقلید از طبیعت تولید میشوند، دانشمندان ضرورت شدیدی بیومتریک بخصوص در رشته های آدم مصنوعی (Robot) ذکاوت مصنوعی، طب و تکنالوژی جنگی دارند، جنین بنیوس در مونتانا اولین بار در مورد

نظریه بیومتریکی صحبت نموده و بعداً دانشمندان دیگر آنرا وسعت بخشیده اند، تقلید از حیات طبیعی در جهان به قسم یک اندازه، یک نمونه و یک راهنما بنام بیومتری شناخته میشود. دانشمندان با مطالعه طرح ها و نمونه های با کیفیت و غیر قابل مقایسه طبیعی این رشته را به سرعت وسعت داده اند. و به ترتیب اشیاء بسیار خوب با مصارف کمترین مواد خام و انرژی که دوام دار، بی خطر به محیط زیست، مقبول و مقاوم اند تولید گردیده اند. یک روزنامه تقلید از حیات (Bio-mimetic) را منحنیث یک حرکت علمی چنین توصیف میکند: با تقلید از طبیعت ما تکنالوژی پایدار تری را نظر به آنچه داریم میسازیم جنین بینوس مثال های ذیل را منحنیث بهترین نمونه های طبیعت تحسین مینمایند:

- مرغ مگس خوار، خلیج مکسیکو را با مصرف سه گرم محروقات طی مینماید.
- بمبیرک بهتر از عالیترین هلیکوپترها ما عملیات هوایی را انجام میدهد.
- سیستم حرارت و تهویه هوایی موریانه نظر به بهترین وسایل تنظیم حرارت و هوای ساخته شده توسط انسانها کار میکند و مصرف انرژی ناچیز دارد.
- ترانسسمیتر شاپرک ها چرمی (خفاش) بهتر از قوی ترین رادارهای ما کار میکند.
- جلبک مواد کیمیای مختلف را با هم یکجا نموده تابان میسازد.
- ماهی های بحر شمال و بقیه ها را در زمستان یخزده و در تابستان دوباره فعال میشوند، عضویت خود را در مقابل یخ محافظت مینمایند.
- زنبور عسل، سنگ پشت، پرند ها بدون نقشه راهیابی مینمایند.
- نهنگ های بزرگ و پنگوین ها بدون بالون و ماسک و اکسیجن زیر آب می روند.

از جمله میکانیزم های حیرت انگیز طبیعی ما صرف چند مثال آنرا بر شمردیم، اینها مثال های هستند که برای طرح ریزی تکنالوژی الهام آور بوده و باعث ازدیاد دانش و تکامل تکنالوژی ما شده میتوانند، همه حیوانات مشخصات دارند که انسان را به تعجب می اندازد. بعضی شکل دارند که به آسانی در آب شنا می نمایند، بعضی

دیگر حواس دارند که برای ما باور نکردنی میباشد. این همه خواص را دانشمندان در این اواخر دانسته اند.

یک گروه دانشمندان رشته های مختلف مثل کامپیوتر، انجینری، برق، الکترونیک، ریاضی، فزیک، کیمیا و بیولوژی باید با هم یکجا کارنموده تا یکی از مثالهای زنده را تقلید کرده بتوانند، دانشمندان از آنچه در مورد حیوانات روز بروز کشف میکنند همه در حیرت مانده اند و میخواهند از این همه الهام گرفته تکنالوژی را مطابق آن در خدمت بشر مفید تر سازد. با توجه به این حقیقت که تخنیک های بکار گرفته در حیوانات بسیار مکمل تر و پیشرفته تر از آنچه انسانها ساخته اند میباشد، علماء میخواهند تکنالوژی را تغییر بدهند. وانشاءالله بزودی شاهد پیشرفت های چشمگیری خواهیم بود با تقلید از طبیعت مصرف انرژی، کارگر و مواد خام فوق العاده تقلیل خواهد یافت.

جنین بینوس میگوید: عمل کردن به شیوه طبیعت ما را قادر میسازد تا تغییرات مفیدی در طرز زراعت، ساختن اشیاء، شفاء امراض، صرفه در مصرف انرژی، ذخیره معلومات و تجارت رونما گردد. در قرن نهم برای هنرهای زیبا و تزئین از طبیعت تقلید صورت میگرفت و استفاده از سایر خصوصیات طبیعی و مفاد حاصله از آن برای بشریت در قرن بیستم هویدا شد، دانشمندان امروز از زنده جانها میآموزند طوریکه چهارده صد سال قبل قرآنکریم ارشاد نموده بود. (۳۲:ص ۱۰۶)

توانائی وامکانات پرنده گان مافوق هواپیما و انسان است:

پرنده گان که خداوند ﷻ آنها را آفریده است یکی از نشانه های او هستند که آنها را اینگونه توصیف میکند: **أُولَٰئِكَ يَرَوْنَ إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ** ﴿۱۸﴾ " آیا پرندگان را نمی نگرند که گاهی بالهای خود را بالای سر شان گسترده و گاهی جمع میکنند. چه کسی جز خدای مهربان آنها را در فضاء نگه میدارد، زیرا او به احوال همه موجودات کاملاً آگاه است."

پرنده گان نسبت به سایر مخلوقات زیبایی بیشتری دارند، موجوداتی دلنشین و اعجاب انگیز دانشمندان تا کنون بیش از ۹۰۰۰ نوع پرنده را شمارش کرده اند. خداوند متعال برای پرندگان وزن سبک کیسه های هوایی که از شش ها به تمام بدن وجود دارد، که از وزن شان میکاهد و هم به اثر شدت پرواز سرد کلوریشن است که عضلات گرم شده را خنک میکند، خداوند ﷻ استخوانهای آنها را میان خالی و پرهای شان را سبک قرار داده تا بتوانند، پرواز کنند. قدرت بینائی شان هشت برابر انسان است که شکار خود را از فاصله دو کیلومتری میبینند، برخی دیگر تخم خود را از بالای درختان زیر نظر دارند در حال پرواز در ارتفاع بسیار بالا طعمه خویش را زیر آب در نظر گرفته به درون آب شیرجه زده آنرا صید میکند، سرعت بعضی از پرنده گان بیش از ۱۳۰ کیلومتر در ساعت و بعضی ۶۰۰۰ کیلومتر را بدون توقف پرواز میکنند و یا ۸۶ ساعت بدون توقف بال میزنند، درین مدت از غذاء و آب استفاده نمیکنند، کدام هواپیما است که بدون نیاز بسوخت و توقف چنین مسافتی را به پیماید؟. بجاست دوباره به آیه فوق تأمل کنیم. تولید قدرت زیاد و اسکلیت محکم و سبک دو شرطی اساسی یک هواپیما است.

دانشمندان و جانور شناسان میگویند که این دو شرط بصورت منحصر بفرد در پرندگان وجود دارد، پرندگان این قدرت محرّ که را از عضلات قوی سینه و قلب بزرگ با طپش بسیار بالا بدست می آورند، دستگاه تنفسی شان توانا ترین سیستم تنفسی در میان مهره داران است که توان مقابله با حرارت تولیدی عضلات را دارد، سازندگان وسایل نقلیه همیشه با مشکل خنک کردن دستگاه ها مواجه هستند اگر در دستگاه ها خنک کننده کوتاهی بعمل آید، ممکن آتش گیرد، پرندگان که بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر بدون توقف پرواز کرده، انرژی بسیار زیادی درین راه صرف میکنند؛ به این حال عرق نمیکنند، جای تأمل است که قدرت ضربان و طپش و پمپاژ خون و عضلات قلبش تا چه حد قوی هستند. دستگاه تنفسی پرندگان در همه بدن آنها شعبه های دارند، هوایکه پرنده استنشاق میکند در همه عضلاتش رخنه نموده حتی به پاها تا آنرا خنک کند. افرادی که به فراز هیمالیا بین چین و هند با هواپیما پرواز کرده اند دسته از غازه های وحشی در ارتفاع ۹ کیلومتری بالای سطح زمین جاییکه انسان بدلیل سرمای

شدید و کمبود اکسیجن نمیتواند زندگی کند، در حال پرواز و مهاجرت شاهد هستند، پرستوی دریائی نوع پرنده ایست از سرما میگریزد، از شمال آسیا و امریکا به مناطق گرم جنوب مهاجرت میکنند، برای این کار ۱۹۰۰۰ کیلومتر در کوچ زمستانی و تابستانی پرواز میکند، اما توشه با خود ندارد و پره‌های آن اگر در آب نفوذ کند تر نمیشود.

نوع دیگر از پرندگان از اوقیانوس منجمد شمالی به اوقیانوس منجمد جنوبی مهاجرت میکند که ۲۳۰۰۰ کیلومتر فاصله را طی میکند شاید سوالی بوجود آید که چگونه دانشمندان دانسته و به رازهای آن پی برده اند؟! اما باید گفت که آنان پرندگان را از لانه های شان میگیرند در پای آنها حلقه فلزی رمز داری قرار میدهند، به این ترتیب مهاجرت و مسافت که طی کرده اند در میابند. نوع دیگری از پرندگان مسافت ۴۰۰۰ کیلومتر را در ۸۶ ساعت بدون اینکه چیزی بخورند طی میکنند. به آیت ۱۹ سوره الملک توجه کنید و همچنان درسوره نور میفرماید: **أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ**

مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَفَّتٍ ^ص **۱۹** "ای پیامبر! آیا میدانی که هرکس در آسمانها وزمین است و همه پرندگان در حالیکه بال گسترده اند همه به تسبیح و ستایش پروردگار مشغولند". وهم درسوره نحل میفرماید: **أَلَمْ يَرَوْا إِلَى**

الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ

لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ **۷۶** "آیا در مرغان هوا نمی نگرند که در فضاء آسمان فرمانبردار اند و به جز خدا کسی نگهبان آنها نیست، درین امر برای مومنان نشانی از قدرت حق پدیدار است".

مهاجرت پرندگان:

دانشمندان میگویند که ده ها میلیارد پرنده به ویژه از نیم کره شمالی به نیم کره جنوبی و از آنجا به جنوب امریکا و افریقا مهاجرت میکنند. اما سرزمین هاییکه از آن مهاجرت میکنند امریکای شمالی، اروپا و آسیا است. این پرندگان از خط استواء عبور کرده به جنوب افریقا میروند، دانشمندان که چگونه به این حقایق علمی رسیده اند سخن میگویند: برای این کار بیش از ۴ میلیون پرنده استفاده شده که در پاهای شان حلقه های فلزی که نشان و هویت و حرکات آنهاست قرار داد و در مجموعه دیگر که شامل ۳ میلیارد و ۱۳ میلیون پرنده تحت آزمایش قرار گرفت این پرندگان آنگاه که کوچک بودند حلقه های فلزی در پای شان قرار داده شد که حرکت شان از شمال به جنوب پیگیری شده توسط مراکز تحقیقی که بین شمال و جنوب کره زمین پراکنده بود انجام گرفت.

نوعی از پرندگان وجود دارند که ۱۴۰۰۰ کیلومتر و نوعی دیگر ۱۶۰۰۰ کیلومتر را میپیمایند، اما طولانی ترین مسافت که مجموع از پرندگان طی کرده اند ۲۲۰۰۰ کیلومتر یعنی از منطقه منجمد شمالی به جنوب افریقا بود در حالیکه سرعت این پرندگان بین ۴۰-۱۰۰ کیلومتر در ساعت بوده، بعضی از آنها بیش از ۲۷۰۰ کیلومتر را بدون توقف در مدت ۲۰ ساعت می پیمایند و بعضی به ارتفاع ۹۰۰، ۱۸۰۰ و ۴۲۰۰ متری و نوعی دیگر به ارتفاع ۶۰۰۰ متری اوج میگیرند. این در حالیست که هواپیما های جدید ۱۲ کیلومتر اوج میگیرند. دانشمندان گفته اند پرندگان قدرت عجیبی برای پیمودن مسافتهای طولانی دارند، از همه شگفت تر اینکه پرندگانیکه برای پیمودن مسافه طولانی بیش از ۲۰۰۰۰ کیلومتر آماده میتواند قبل از مهاجرت چربیهای در بدن خود ذخیره میکند که از آنها برای سوخت و انرژی در مسیرهای سخت و طاقت فرسا استفاده کنند. این حکمتی است که خداوند ﷻ خواسته، اینکه چگونه با اینقدر مسافتهای طولانی راهیابی میکنند و از مسیر خویش منحرف نمیشوند، دانشمندان نظریاتی مختلف ارایه کرده اند، که تا هنوز به حقیقت این حکمت دست نیافته اند و راز همچنان پیچیده مانده است. این معنی کلام خداوند ﷻ که میفرماید (کسی جز خدای مهربان آنها را در فضا نگه نمیدارد زیرا او به احوال همه موجودات کاملاً آگاه

است) چنانچه در پاهای پرندگان کوچک که تازه تولدشده اند حلقه های قرارداده شده در مسیر رها گردیده بدون اینکه بزرگترها آنها را آموزش دهند در مسیر صحیح قرار گرفته، چه کسی این قدرت را در پرندۀ کوچک نهاده، تا هدفش را بیابد. خداوند ﷻ در سوره طه میفرماید: **قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى**

﴿٥٠﴾ "گفت خدای ما همان کسی است که همه موجودات را نعمت وجود بخشیده و سپس هدایتش کرده است."

یک هواپیما ی عادی در مسافت چند کیلومتری برای تغییر مسیر در زاویه کوچک به خط های هواپیما ئی خلبان کمک خلبان، راهدارها، نقشه ها و تماسهای متداوم با زمین نیاز دارد، تا در مسیر خود باقی بماند؛ خطوط سفرهای پرندگان نیز مستقیم نیست اما به این وجود از مسیر منحرف نمیشوند؛ زیرا خداوند ﷻ این خطوط را به آنها الهام کرده که در آن مسیر بروند.

بعضی از دانشمندان گفته اگر این پرندۀ گان یک درجه از مسیر خود منحرف شوند بجای میرسند که دور از هدف اوست، این انحراف کمتر از ۱۰۰۰ کیلومتر نخواهد بود، بهمین دلیل دانشمندان زمین شناسی از توانائی پرندۀ گان در پرواز در حیرت اند.

در یک آزمایش پرندۀ را در هواپیما ی گذاشته از زادگاهش ۵۰۰۰ کیلومتر دور شد؛ با وجودیکه در قفس قرار داشت که از دیدن اطراف ناتوان بود، پس از گذشت ۱۰ روز به زاد گاهش برگشت. به همین دلیل خداوند ﷻ در سوره نحل میفرماید: **الْمَرَّ**

يَرَوْنَ إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي

ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٧٦﴾ " آیا به پرندگان نمی نگرند که در فضاء آسمان فرمانبرداراند به جز خداوند ﷻ کسی نگهبان آنها نیست، درین امر برای

مومنان نشانی از قدرت و حق هویدا است". معنی این آیت این است که از طریق نشانه های هستی میتوانی ایمان بیاوری، مابه این آیات چگونه برخورد میکنیم، آیا درین آیات انگیزه ای برای تفکر در آسمانها و زمین نیست؟! آیا محرّکی برای اندیشیدن درباره پدیده پرندگان آسمانی نیست؟! آیا این آیات(نشانه های) که خداوند ﷻ آنها را انتخاب کرده دلیلی بر عظمت او نیست؟! (۲۸: ص ۲۷۶-۲۸۶)

فصل هشتم (اعجاز پیشگوئی در قرآن)

نقش قرآن تادریں عالم نشست	نقش های کاهن و پاپا شکست
فاش گویم آن چه دردل مضمراست	این کتابی نیست چیزی دیگر است
چون بجان در رفت جان دیگر شود	جان چودیگر شد جهان دیگر شود

مغلوب شدن رومیان و پس کامیابی شان:

در قرآن مجید قسمت بزرگی از ذخیره علوم غیبی موجود است که به کنه آن فیلسوف و عالم بزرگ دسترسی ندارد، چه برسد به قوم امی که بآن دسترسی پیدا کند و اعجاز بزرگ دیگری قرآن پیشگوئی های حوادث آینده که عیناً واقع شده اند و در هر کلمه راجع به آن اعجازیست که دانای علیم میداند. **الْمَ ﴿۱﴾ غَلَبَتِ الرُّومُ ﴿۲﴾ فِي**

أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيَغْلِبُونَ ﴿۳﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ﴿۴﴾

لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۵﴾ (۱: روم، آیات

۱-۴). "الم (۱) روم مغلوب شد در پائین ترین زمین و آنها بعد ازین مغلوبیت در چند سالی خواهد شد و کلیه امور عالم از قبل و بعد از این همه به امر خدا است و آنروز مؤمنان شاد میشوند."

این آیه در سال ۶۲۰ میلادی یعنی بعد از هفت سال شکست عیسویان روم شرقی (قسطنطنیه، استانبول امروزی) بدست فارسیان، نازل شد، فارسیان بر شام، سلسیا، تارتوس، ارمنیه و بیت المقدس دست یافتند، اکثر والی ها بر ضد هیراکلیوس شوریدند و نزدیک بود عراق، سوریه، مصر، ارمنیه و سلسیا همه در فکر از بین رفتن امپراطوری روم بودند. پیشگوئی قرآن در مدت بضع (۳-۹ سال) روم دوباره غالب خواهد شد، مشرکین عرب به هیچ وجه قبول نمیکردند که این پیشگوئی حقیقت پیدا کند. در سال ۶۲۲ میلادی هیراکلیوس موفقیت های بر علیه فارس بدست آورد، ارمنه را تصرف کرد و در سال ۶۲۷ م هر دو لشکر در شرق دریای دجله نزدیک بغداد با هم جنگیدند،

پارسیان شکست خوردند، چند ماه بعد پارسیان با رومیان صلح نمودند و جبراً به کشوری شان برگشتند. پیروزی روم در سال ۶۳۰ با شکست خسرو پادشاه فارس و تسخیر دوباره بیت المقدس و بدست آوردن صلیب تکمیل گردید.

طوریکه قرآن پیشبینی کرده بود نکته دیگر اعجاز درین باره یک مثال جغرافیائی است که با علوم و وسایل آنروز قابل درک نبود؛ رومیان در پائین ترین قسمت زمین شکست خوردند (ادنی الارض) که در اکثر تفاسیر نزدیک ترجمه شده است، درحالیکه معنی اصلی اش پائین ترین میباشد و حقیقت این است که جنگ در بحر میت در سال ۶۱۳ و ۶۱۴ م واقع شده بود، این منطقه ۳۳۹ متر پائین تر از سطح بحر قرار دارد و پائین ترین نقطه در روی زمین است. شهر بیت المقدس هم نزدیک بحر میت است، جنگ در محل تقاطع سوریه، فلسطین و اردن واقع شده، پائینی این زمین با و سایل پیشرفته امروزی معلوم شده است. (۳۲: ص ۱۱۷)

قطعاً این پیشگوئی برای کسانیکه از وضع این جنگ [ایران و روم] خبرداشتند باورکردنی نبود، سربازان ایرانی پیشروی کردند به دیوارهای پایتخت رومیان [قسطنطنیه] رسیدند و هیچ اثری از پیروزی دوباره رومیان دیده نمیشد. ابی بن خلف که یکی از سرشناسان قریش بود با ابوبکر (رض) شرط گذاشته بود که اگر تا نه سال پیشگوئی مذکور بوقوع پیوست صد شتر میدهم در غیر آن صد شتر برایم بدهید (باید تذکر داد که در پیروزی ایران کفارمکه ازین که از نظر عقیده با هم همفکر بودند یعنی هر دو مشرک بودند، خوشحال میگرددند و در پیروزی رومیان مسلمانان، چرا که رومیان اهل کتاب بودند).

«داوود گابون» تاریخ نگار مشهور، در نقد این پیشگوئی مینویسد در آن زمان هیچ پیشگوئی به اندازه این پیشگوئی دور از عقل نبود، برای اینکه در ۱۲ سال ابتدائی هرقل رومی ها خاتمه پادشاهی او را اعلام میکردند و قیصر روم درست هفت سال پس از شکست اول کاملاً برخلاف توقع از قسطنطنیه بیرون آمد با حملات پی پی در پی در مناطق مختلف ایرانیان را شکست فاحش دادند و بعد از آن لشکر روم در هر جا پیروز میدان بود، اینطرف تعدادی زیادی از مسلمانان درین عرصه به مدینه منوره هجرت کرده بودند و جنگ شان با کفار مکه شروع شده بود. در زمانیکه غزوه بدر بوقوع

پیوست ۳۱۳ مسلمان خالی دست یکهزار بهادر مسلح را به عقب زدند، اطلاع رسید که رومی ها ایرانی ها را شکست دادند آن وقت واضح شد همراه باخبر فتح رومیان

وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ أَنْزَلَ بِهِ مَدَدَ اللَّهِ شَادِ خَوَاهِنْد

شد". فرموده این بود اشاره به خوشحالی دو برابر مسلمانان یکی بخاطر پیروزی خود شان و دیگری به خاطر فتح رومیان. (۱۵: ص ۲۱۷)

فتح مکه:

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ

تَعْلَمُوا فَبَجَلٍ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ فَتَحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ همانا خداوند خواب

پیامبرش را به حق راست آورد که اگر خدای خواهد هرآئینه به مسجد الحرام درخواهید آمد بخاطری آسوده و سر تراشیده و موی (ناخن) کوتاه کرده بی آنکه بیم داشته باشید؛ پس خدا آنچه را نمیدانستید، دانست و جز این (برای شما) پیروزی نزدیک قرارداد.

نکته مهم این است که وقتی محمد ﷺ مژده این خواب و ظفر را به مسلمانان داد حالات طوری بود که هیچکس باور نمیکرد، مشرکین با قوت مصمم بودند که هیچگاه مسلمانان را داخل مکه نگذارند، حتی مسلمانانیکه مذبذب بودند در مورد این پیشگوئی شک کردند بآنهم محمد ﷺ وقعی به آنها نگذاشت وحی الهی را به همه تبلیغ کرد، الله ﷻ گفتار خود را عملاً تأیید کرد، پیروزی بزودی صورت گرفت. درین آیه به یک پیروزی دیگر اشاره نموده این فتح خیبر است که در تصرف یهودیان بود قبل از فتح مکه. (۳۲: ص ۱۱۹)

خبر بازگشت محمد ﷺ به مکه:

وقتی رسول الله ﷺ از ظلم و ستم کفار به تنگ آمده به اراده هجرت از مکه خارج بعد از سپری کردن سه شب در غار ثور در راه مدینه به جحفه رسیدند؛ راهیکه به مکه مکرمه منتهی میشد، یاد وطن بطور طبیعی بخاطر شان گذشت افسوس خورد در آن هنگام به نقل از (بخاری) این آیه برایشان نازل شد: **إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ** "آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت (زادگاهت) بازمی گرداند!"

منظور از معاد درین آیه شهر مکه است که در آخر پیامبر ﷺ پیروزمندانه به آن بازگشت. با توجه به حالت بیرون شدن از مکه به بی سر و سامانی آنحضرت ﷺ در آن هنگام به اعتبار ظاهر هیچ توقعی برای وقوع پیوستن این پیشگویی نبود، اما بعد از چند سال ایشان به عنوان فاتح وارد مکه شدند؛ پیشگویی تحقق یافت. (۱۵:ص ۲۱۹)

تحقیقات فضائی: سفر مهتاب را هم قرآن پیشگویی نموده که تحقق پذیرفته که در فصل مربوط مطالعه فرمائید.

خلافت خلفای راشدین:

قرآن کریم خلافت خلفای راشدین را در زمان اعلام نمود که حیات اصحاب کرام علیهم الرضوان مورد خطر واقع شده بود، هیچ مسلمانی برای خودش احساس امنیت نمیکرد ولی برخلاف اسباب ظاهری و مقتضیات زمان پیشگویی مزبور درست ثابت شد، دین ایشان یعنی اسلام از قدرت سیاسی برخوردار شده و مستحکم گردید و اسلام توسط خلفای راشدین به اطراف و نواحی عالم منتشرشد و مسلمانان از هیچ حکومتی در جهان احساس خوف و خطر نمیکردند.

قرآن کریم در حال استضعاف مسلمین امور ثلاثه را به این الفاظ اعلام میدارد:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ "وعدده داده است
 الله تعالی ﷻ آنانرا که ایمان آوردند از شما و کرده اند عملهای نیکو که البته خلیفه
 سازد ایشان را در زمین چنانچه خلیفه ساخته بود آنانرا که پیش از ایشان بوده اند تا
 قوت دهد برایشان دین ایشان را؛ آنکه پسندیده است برای ایشان، البته بدل دهد ایشان
 را بعد از ترس ایشان ایمنی. پرستش میکنند و شریک نمیسازند بمن چیزی را و هر که
 بعد ازین کافر گردد پس آنان فاسقان اند." (۳: ص ۸۲)

الحمد لله که وعده الهی به ذریعه خلفای اربعه تکمیل یافت و مصداق این پیشگوئی
 عظیم الشان را دنیا به چشم خود دید، بعد از خلفای اربعه عده از پادشاهان اسلام از
 همین قبیل پیدا شده بودند، ازین آیت استخلاف، فضیلت و منقب نهایت بزرگ خلفای
 اربعه (رض) بر می آید. باید تذکر داد که این آیه مبارکه بعد از هجرت در مدینه منوره
 نازل گردیده وقتی که مسلمانان فتوحات قابل ملاحظه نداشتند و بعد از آن فتح مکه
 نصیب گردیده و مسلمانان قوی شدند.

هلاک باد هر دو دست ابولهب و خود او:

سوره لهب از نگاه مکان و ترتیب نزول او در مکه نازل گردیده و سوره یازدهم قرآن
 است. در زمان اوایل بعثت که در آن زمان مسلمانان ضعیف بوده و نهایت تحت فشار و
 شکنجه کفار قرار داشتند. تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ

وَمَا كَسَبَ ﴿٢﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَأَمْرَاتُهُ حَمَالَةَ الْحَطَبِ

﴿٤﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ﴿٥﴾ "بریده باد هر دو دست ابولهب (و مرگ بر او
 باد!) (۱) هرگز مال و ثروتش و آن چیزیرا که به دست آورد به حالش سودی نبخشید!

(۲) و بزودی وارد آتش شعله ور و پرلهییب می‌سازیم؛ (۳) و (نیز) همسر در حالی که هیزم‌کش (دوزخ) است؛ (۴) و در گردنش طنابی است از لیف خرما!" (۵)

این سوره دشمنی ابولهب کاکای پیامبر ﷺ و همسرش ام جمیل که خواهر ابو سفیان است با پیامبر ﷺ را بیان میدارد که نهایت پیامبر ﷺ را آزار و اذیت کرده و افتخار میکردند که مال، دارائی و اولاد از همه مصائب و عذابها آنها را نجات میدهد. ازینکه قرآن عذاب آخرت و هلاکت و بربادی را برایشان در وقتی که فوق العاده قوی و ثروتمند بودند و گفته خداوند ﷻ بعد از مدتی تحقق یافت که در روایات است که هفت روز بعد از غزوه بدر در جسم ابی لهب جراحتی پیداشد شبیه به جراحت زهر آگین؛ خانواده اش از خوفیکه بیماری او بر آنها سرایت نکند وی را از منزلش دور افگندند بحالت ذلت و خواری دور از خانه و خانواده اش مرد، سه روز او را کسی دفن نکرد؛ نعش وی خراب و تعفن نمود، کارگران حبشی گودالی کردند با چوب دراز جسد وی را به گودال انداختند، مال و ثروت و اولاد که به آنها افتخار میکرد او را نجات نداد و زنش هم در حالیکه محموله از خار را می‌آورد از بالای صخره ای درحالیکه ریسمان درگردنش پیچیده افتاد خفه شد و به حالت ذلت باری مرد؛ پیشگوئی قرآن بسیار بجا درباره شان تحقق یافت.

وسایط عصری حمل و نقل:

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ۚ وَخَلَقُوا مَا لَا تَعْلَمُونَ

﴿۱: نحل آیه ۸﴾. "اسب، قاطر و خر را برای تجمل و سواری شما و چیزهای دیگر را هم خلق کرده که شما نمیدانید." علاوه بر حیواناتی مذکور وسایط حمل و نقل که مردم آن وقت نمیدانستند (موتر، سیکل، طیاره، ریل و...) و غیره بوده. آیه فوق اشاره به وسایط مدرن ترانسپورتی بوده میتواند. وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿۱۱﴾

"و نیز مانند آن چیزی دیگری سواری را آفریدیم." که این آیات اشاره واضح به وسایل مدرن سواری امروزی دارد (والله اعلم).

قوم بنی اسرائیل دو بار متکبر می شوند:

اللَّهُ ﷻ در سوره اسراء آیه ۴-۶ میفرماید: وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤﴾ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ ﴿٥﴾ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٦﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ

بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿٧﴾" در کتاب به اسرائیل خبر دادیم که شما دوبار در زمین برمیخیزید و تکبر و سرکشی مینمائید چون زمان اولی برسد بندگان سخت و جنگجو و نیرومند بر شما می انگیزیم تا درون خانه های شما را نیز جستجو کنند؛ وعده ما حتماً شدنی است باز شما را به آنها برمیگردانیم و به مال و اولاد بسیار کمک میکنیم و تعدادتانرا بسیار زیاد میسازیم."

درین آیات میفرماید که بنی اسرائیل دو بار باعث فساد میگردد که در هر دو وقت بسیار سرکش و متکبر میشوند. الله ﷻ قوای نیرومند بر علیه شان میفرستد؛ باری اول وقتی که یهودیان یحیی (ع) را کشتند و کوشش نمودند که عیسی (ع) را نیز بکشند، بسیار متکبر گردیده بودند، در سال ۷۰ میلادی آنها را از بیت المقدس خارج نمودند، بعد از آن یهودیان در همه دنیا پراکنده و سرگردان شدند، در زمان نزول این آیه یهودیان در ممالک مختلف به ذلت زندگی نموده و از خود کشوری نداشتند، الله ﷻ به اسرائیل گفت یکبار دیگر قواء و تکبر از دست رفته خود را باز خواهند یافت. بعد از چندین صد سال در ۱۹۴۸ میلادی یهودیان به فلسطین برگشته دولت اسرائیل را تشکیل دادند، امروز اسرائیل ثروت و قوای نظامی و سیاسی داشته با تکبر و غرور صیهونیستی خویش مسلمانان و عیسویان شرق میانه را در شکنجه و اضطراب نگهداشتند، این علامه فساد دوم اولاد اسرائیل است زمانیکه هیچکس تصویری چنین روزی را هم نمیکرد الله ﷻ اراده چنین روزی را کرده بود عملی هم کرد و چنین هم شد. (ص:۳۲، ۱۲۰)

کشف و توضیح حادثه یازدهم سپتامبر و خراب شدن مرکز تجارتی

جهان در جرف‌ها از سوره توبه جزء یازدهم قرآن کریم:

برخورد طیاره برمنزل ۱۰۹ برج‌های ۱۱۰ طبقه‌ئی مرکز تجارتی جهانی واقع خیابان (جرفهار) نیویورک ایالات متحده امریکا در ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ میلادی و فرو ریختن و در هم پاشیدن آن برج‌ها:

۱- اینکه در آغاز این سوره بمثابه دیگری سوره قرآن بسم الله... ذکر نشده و حکمت عدم ذکر آنرا مفسرین کرام ناشی از قهر و غضب خداوند بر منافقین که بارتباط احکام آیات این سوره است تذکر داده اند و اینست که انهدام و ریزش همچو برج و باروهای مستحکمی را خداوند عز و جل چطور ملاحظه و به انظار عامه قرار میدهد.

۲- اینکه سوره توبه در جزء یازدهم قرآن مجید بوده و این حادثه نیز در یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد.

۳- این سوره «سوره توبه» «نهمین» سوره قرآن کریم بوده و ماه سپتامبر نیز ماه «نهمین» ماه‌های سال میلادی است.

۴- این سوره دارای (۲۰۰۱ کلمه است) و این حادثه نیز در سال (۲۰۰۱) بوقوع پیوست.

۵- اینکه این حادثه در خیابان «جرفهار» «نیویورک» رخ داد در حالیکه لفظ «جرفهار» در آیه در این سوره تذکر یافته که عین حادثه را بیان میکند.

۶- تعداد آیات سوره توبه برابر طبقات ساختمان (۱۱۰) طبقه یی مذکور یعنی (۱۱۰) آیه میباشد.

۷- برخورد طیاره در منزل یا طبقه (۱۰۹) ساختمان (۱۱۰) طبقه ای واقع منطقه جرف‌ها بوده که خود ترکیب لفظ «جرف‌ها» در آیه (۱۰۹) این سوره تذکر رفته است و بالاخره در آیه (۱۱۰) این سوره که نمایشگر برج‌های (۱۱۰) طبقه ای آن ساختمان میباشد از فرو ریختن و نابود شدن آن برج‌ها و پاره شدن و جریحه دار شدن قلب‌های صاحبان آنها اشاره میکند که خیلی‌ها جذاب و دلپذیر است که با تلاوت دقیق و تطبیق کوائف حادثه بآن آیات کریمه عشق خالق علیم و حکیم را

در قلب خویش شعله ورتز نمائید. أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ
 وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنهَارَ بِهِ فِي نَارِ
 جَهَنَّمَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي
 بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١١٠﴾ "

آیا کسیکه بنیاد خود را بر خدا پرستی و خوشنودی خداوند نهاده است بهتراست
 با کسیکه بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرب به سقوط پی ریزی کرده و با آن در آتش
 دوزخ فرو می افتد و خداوند عز وجل بیداد گرانرا هدایت نمی کند. همواره آن ساختمان را
 که بنا کرده اند، در دل‌های شان شک و تردید و نفاق بار می‌آورد تا اینکه دل‌های شان پاره
 پاره شود."

شماره روز	شماره ماه	سال	منطقه	طبقات ساختمان	طبقه چند
روز یازدهم	ماه نهم (سپتمبر)	۲۰۰۱ میلادی	جر ف هار	۱۱۰ طبقه ای	منزل ۱۰۹
جزء یازدهم	سوره توبه	کلمات سوره ۲۰۰۱ کلمه	خو د لفظ جرفهار	تعداد آیات سوره ۱۱۰ آیه	آیه مربوط موضوع آیه ۱۰۹

فصل نهم (اعجاز تاریخی قرآن)

هامان وزیر فرعون:

قرآن در مورد موسی (ع) توضیحات مفصل دارد در ضمن شرح مخاصمات بین فرعون و بنی اسرائیل معلومات معتبری در مورد مصر نیز ارائه داشته؛ اهمیت این معلومات تاریخی درین اواخر روشن گردیده و همه گفته های قرآن با کشفیات جدید علمی و تاریخی و باستانشناسی مطابقت دارد، یک مثال حکمت قرآن ذکر هامان است؛ اسم او یکی از نزدیکان فرعون شش بار در قرآن ذکر گردیده، جای تعجب است که در هیچ جای قصه موسی در تورات ذکری ازها مان نیامده، هامان در عصری آخری عهد عتیق (انجیل) منحیث یکی از کمک کننده یک پادشاه بابل که در (۱۱۰۰) سال بعد از موسی باعث اذیت بنی اسرائیل گردیده بود ذکر گردیده، اما قرآن از هامان در عصر موسی (ع) یاد نموده است.

اختلاف و انتقاد مردم غیر مسلم از سبب این اختلاف قول بین قرآن و تورات و عهد عتیق باخواندن خط هیروغلیف ۲۰۰ سال پیش از بین رفت تا قرن ۱۸ خط مصری مشتمل حروف نه بلکه متشکل از تصویرها بود و قابل خواندن نبود، تصویرهای خط هیروغلیف که ثبت کننده وقایع مهم تاریخی است در سنگ ها حک گردیده است، انتشار عیسویت در قرنهای دو و سه باعث فراموش شدن عقاید قدیمی و خط هیروغلیف در مصر شد، آخرین نمونه خط هیروغلیف در سال ۳۹۳ میلادی نوشته شده است، در نتیجه دانستن تاریخ و معلومات تا قرن ۸ برای باستان شناسان ناممکن بود، با کشف یک تخته بنام (روستاستان) در سال ۱۷۹۹ میلادی معمای هیروغلیف مصری قدیم حل شد، این تخته مربوط سال ۱۹۶ قبل از میلاد میباشد اهمیت این تخته بر این است که به سه رسم الخط یعنی هیروغلیف، دیموتیک و یونانی نوشته شده است، به کمک حروف یونانی حروف قدیمی مصر شناخته شد، ترجمه هیروغلیف توسط (ژان فرانسو) مردی فرانسوی تکمیل شد، معلوماتی زیادی در مورد تاریخ، مدنیت و زندگی اجتماعی مصریان بدست آمد. باخواندن خط هیروغلیف مؤرخین اسم هامان را در کتیبه های

مصری قدیم یافتند. این کتیبه در موزیم هوف وینان قرار دارد که ارتباط بین فرعون و هامان را بیان میکند که هامان منحیث رئیس کارگران سنگ تراشی ذکر شده است که در زمان موسی زندگی نموده و مقرب دربار فرعون بوده. وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَتَأْتِيَهَا الْمَلَأُ

مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطِّينِ فَأَجْعَلَ

لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِي مُوسَى وَإِنِّي لأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٧٨﴾

(۱: قصص آیه ۷۸) فرعون گفت: ای سران قومی من هیچ کس را غیر از خود خدانمیدانم ای هامان آتش را بر گل برافروز و برای من برج بلند بساز تا از خدای موسی آگاهی یابم و من او را دروغگو میپندارم.

درین آیه فرعون از هامان بنای یک برج بلند میخواهد که کاملاً با دریافتهای باستان شناسی مطابقت دارد، با این اکتشافات نظریات مخالفین قرآن رد گردید، با دریافت اسم هامان در کتیبه های قدیمی یک ثبوت دیگر برای حقانیت قرآن دریافت شد. (۳۲: ص ۱۳۱).

اعتراض دیگری که در مقاله "قرآن" برتانیکا شده است این است که قرآن کریم نام وزیر فرعون را هامان ذکر کرده است در حالیکه وزیر فرعون با این نام در عهدنامه قدیم انجیل یافته نمیشود، مقاله نگار اظهار خیال کرده است که هامان در اصل وزیر شاه اسویرس بود، ذکر آن در انجیل آمده است، چون حضرت رسول الله ﷺ واقعات را زبانی یاد گرفته بودند به اشتباه نام او را به وزیر فرعون منسوب کرده است، حقیقتاً این هم حرف بی سر و تهی است و مبنی بر قضیه ای کودکانه است که در دنیا دو انسان با یک نام نمیتواند وجود داشته باشند، قصه وزیر اسویرس که مقاله نگار برتانیکا آن را ذکر کرده است فقط در یک کتاب مشتبّه (APOCRYPHAL BOOK) انجیل، آستر مذکور است. فرقه پروتستان این کتاب را معتبر نمیدانند، این کتاب در انجیل های پروتستانی رایج وجود ندارد و فرقه کاتولیک آن را مستند میدانند، هامان یا آمانی که در این کتاب مشکوک تذکر شده است وزیر شاه اسویرس نه بلکه رئیس دربار بود و قصه اش درین کتاب با واقعه هامان دستور داده بود که کاخ برای او بسازد، تا از بالای

آن خدای موسی را نگاه کند، نیز این هم از قرآن کریم معلوم میشود که هامان وزیر همیشگی فرعون بود و سر انجام با او غرق شد برعکس این، قصه ای با این نوعیت در کتاب آستر بهامان (یا آمان) منسوب نشده است. هامان کتاب آستر بعد از واقعه بخت نصر است و قصه ای آن همین قدر است که بناء بر اتفاق فقط برای مدت کم، تقرب پادشاه اسویرس را بدست میآورد، در همان دوران حکم قتل عام یهودیان را صادر میکند که در نتیجه آن، آستر ملکه یهودی پادشاه با او دشمن میشود و سرانجام پادشاه او را به دار میآویزد و مرد یهودی را بجای او تعیین میکند، شخص که کتاب آستر را سرسری هم مطالعه کرده باشد میتواند نتیجه گیری کند که این قصه آستر با واقعه قرآنی هامان هیچ ارتباطی ندارد، اگر واقعاً در تذکره هامان با هامان آستر التباس شده باشد درجائی باید این دو قصه متفق میشدند؛ واقعیت این است که کمترین مطابقت درین دو وجود ندارد، واقعه که قرآن کریم از هامان بیان کرده است در آستر با هیچ یک از کتاب های انجیل وجود ندارد، قصه ای که در آستر منقول است نه تنها در قرآن کریم بلکه در هزاران حدیث هم یافته نمیشود که از آن بتوان حدس زد که علم ایشان علیهم السلام آمده بود؛ عجیب است که فلسفه التباس دو شخص همنام فقط در امری قرآن و اسلام همیشه به یاد مستشرقین مسیحی و یهودی عصر حاضر میآید و هیچگاه خیالات ازین قبیل در باره صدها انسان همنام در انجیل آزار شان نمیدهد. (۱۵: ص ۲۱۷)

کلمه فرعون در قرآن:

در عهد عتیق "انجیل" در زمان پیغمبران چون ابراهیم، یوسف، پادشاهان مصر بنام فرعون نامیده شده در واقعیت کلمه فرعون بعد از دوران این دو پیامبر مورد استعمال قرار گرفته و قرآنکریم در زمان یوسف کلمه ملک را بکار برده و **وَقَالَ الْمَلِكُ**

أَتْتُونِي (۱: یوسف، آیه ۵۰). "ملک گفت او را نزد من بیاورید". پادشاه مصر در زمان موسی به کلمه فرعون یاد شده، در انجیل کلمه فرعون برای تمام پادشاهان مصر بکار رفته لقب فرعون برای پادشاهان بعدی مصر بکارمیرفت این لقب در قرن ۱۴ قبل از

میلاد در زمان سلطنت اینهوتب چهارم مورد استفاده قرار گرفت درحالیکه یوسف حد اقل ۲۰۰ سال قبل ازین پادشاهان زندگی میکرد.

دایرة المعارف بریتانیا مینویسد فرعون یک لقب احترام آمیز برای سلطنت جدید بود، بین سلسله شاهان هجدهم (۱۵۳۹-۱۲۹۲ قبل از میلاد) و سلسله شاهان بیست دوم (۹۴۰-۷۳۰ ق م) بکار رفته و جایگزین کلمه پادشاه گردید و دایرة المعارف علمی امریکا نیز کاربرد کلمه فرعون را درین دوره تأیید میکند، طوریکه میبینیم کلمه فرعون دریک دوره معین تاریخی در مصر مروج بود و اینکه قرآن القاب پادشاهان مصر را در دوره های مختلف تاریخی تشریح و تشخیص نمود یک دلیل دیگر براین است که کلام الله ﷻ است. كَذٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْبَاءٍ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ ءَاتَيْنٰكَ مِنْ

لَدُنَّا ذِكْرًا ﴿۹۹﴾ "این گونه بخشی از اخبار پیشین، را برای تو بازگو می کنیم، و ما از نزد خود، ذکر (و قرآنی) به تو دادیم!". (۳۲: ص ۱۳۶)

طوفان نوح (ع):

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلٰى قَوْمِهٖ فَلَبِثَ فِيْهِمْ اَلْفَ سَنَةٍ اِلَّا خَمْسِيْنَ عَامًا فَاَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿۱۴﴾ " و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ که پنجاه کم هزارسال در بین شان بود طوفان آنها را فراگرفت چون ظالم و ستمگر بوده اند".

نوح (ع) برای هدایت قوم خود فرستاده شد اما قوم وی از او دوری نموده بشرک خود ثابت قدم ماندند، نوح (ع) آنها را از عذاب الهی ترسانید اما به آنها از وی بیزاری جستند الله ﷻ به نوح گفت که منکران الله را ﷻ غرق خواهد نمود و مؤمنان نجات میابند. وَأَغْرَقْنَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِءَايٰتِنَا ﴿۱۴﴾ "و کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق نمودیم". چون زمان مجازات رسید آبهای زمین با باران های شدید

یکجا شد باعث سیلاب گردید، چنانچه آیه های ۲۷ مؤمنون ۲۵، ۴۴ و ۸۹ هود و آیه های ۱۱ و ۱۲ سوره قمر که خداوند امر ساختن کشتی را میدهد و از هر نوع حیوان یک جوهره را و اهل خود و ایمان داران را بگیرد (به استثناء کسانی که قبلاً در مورد شان گفته شده است و به شفاعت ستمکاران با من سخن مگو که آنها همه غرق میشوند) در نتیجه از آسمان باران شدید شد و کشتی برکوه جودی قرار گرفت به استثناء کسانی که در کشتی با نوح (ع) بودند همه غرق شدند حتی پسر نوح (ع) که از وی پیروی نمیکرد.

طوری که میبینیم قرآن میگوید که صرف قوم نوح از بین رفته است نه تمام مردم روی زمین اطلاع و معلومات غلطی که در تورات و انجیل دست خورده موجود است دلیل بر حقانیت قرآن است.

خاک برداری و مطالعات باستان شناسی در جایی که احتمالاً سکونت قوم نوح در آن میباشد نیز نشان داده که یک طوفان قوی باعث غرق شدن قسمت وسیعی از خاک عراق گردیده و طوفان جهان شمول نبوده وقتی که آنها کم شد کشتی بر خشکی جودی نشست کلمه جودی بمعنی کوهی بنام جودی بوده در حالیکه به عربی جودی به معنی سطح مرتفع و یا تپه میباشد، پس آب ساحات پائین زمین را فرا گرفته که تا یک ارتفاع معین بلند شده بود، همه کوه ها را فرا نگرفته بود، در عصر حاضر تاریخ دانان و باستان شناسان مدارک کافی در مورد طوفان نوح (ع) دریافتند، تخمین زده میشود که آبخیزی و طوفان حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد تمام مدنیت محل متاثره را از بین برده. خاک برداری ها و مطالعات زیادی در وادی های بین دجله و فرات صورت گرفته.

حفریات آثار طوفان را در چهار شهر عراق رد یابی میکنند شهر شورپاک، شهر ارج و شهر کیش حفریات نشان میدهد که این شهرها حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد توسط طوفان از بین رفته، خلاصه از نتیجه حفریات و باستان شناسان که تفصیل زیاد داده شده در شهر های متذکره ثبوت طوفان را عملاً ثابت و واضح ساخته که هیچ شک و شبهه را باقی نمیگذارد. (۳۲: ص ۱۳۹)

شهر ارم:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾ الَّتِي لَمْ تَخْلُقْ

مِثْلَهَا فِي الْبَلَدِ ﴿٨﴾ "آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟! (۶) که در

«ارم» دارای ستونهای بودند، (۷) که مانندش در شهرها آفریده نشده بود!"

روزنامه های مشهور جهان در سال ۱۹۹۰ م اخبار نمودند که شهر افسانوی و گمشده عرب پیدا شد (نیکولای کِلپ) که یک تولید کننده فیلمهای مستند و یک باستانشناس معروف بود در جریان تحقیقات تاریخ عرب یک کتاب جالب بنام اربافلکس که توسط توماس نویسنده انگلیسی در سال ۱۹۳۲ نوشته، توماس در مورد تاریخ عرب که امروز شامل یمن و قسمت از عمان است تحقیقات نموده بود و در مورد پیدا کردن شهر ارم با طریقه های مختلف تحقیق نموده. قبل ازینکه تکمیل نماید وفات نمود، کتاب مذکور و همچنان نوشته های قلمی و نقشه های قدیمی در کتابخانه هوتنگون کالیفرنیا را مورد مطالعه قرارداد، نقشه ای را یافت که محل مورد مطالعه آن در آن دیده میشد که پتولمی جغرافیه دان یونانی مصری در سال ۲۰۰ میلادی کشیده بود و به همکاری عکسهای که از قمر مصنوعی گرفته بالآخره محل این شهر افسانوی که عربها در مورد آن قصه ها داشتند دریافت شد، بعد از حفريات بقایای شهر باستان مشهود گردید، از آغاز مطالعات دانسته شده بود که بقایای همان شهر عاد است دانشمندان ستون های ارم که در قرآن ذکر گردیده بود دریافتند که به شکل برجهای بلند در سرزمین مردم عاد دیده میشوند که همان شهر ارم که در عمان موقعیت دارد دیده میشود که معلومات داده شده قرآن در مطابقت کامل با معلومات تاریخی قرار دارد.

شهرهای سدوم و گموره:

وَلَوْ طَآءُ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٧٤﴾ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٧٥﴾ " و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت:

«آیا عمل بسیار زشت) را انجام می‌دهید؛ که هیچ گونه از جهانیان، پیشاپیش از شما انجام نداده است؟» آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید! نه زنانان، شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید!».

و در آیه ۸۵ اعراف و آیه ۳۵ عنکبوت از مجازات شان توسط باران و گذاشتن نشانه های از آنها که مایه عبرت عاقلان باشد اشاره شده است، حضرت لوط همزمان با ابراهیم (ع) میزیست. مطابق با شرح قرآن قوم لوط همجنس باز بودند وقتی که لوط هدایت الله ﷺ را به آنها ابلاغ نمود از این گناه بزرگ دست بردار نگردیدند، انکار کردند و در نتیجه به عقوبت وحشت ناک توسط الله ﷻ از بین رفتند، در عهد عتیق شهر لوط بنام سدوم ذکر گردیده، حفریات باستان شناسی نشان میدهد که این شهر نزدیک بحر میت در سرحد بین اسرائیل و اردن امروزی قرار دارد.

تحقیقات دانشمندان امروز و علایم ذخایر سلفر موجود و سنگهای مذاب و سیاه ذخیره شده دارای سنگ چونه که هنوز هم در دامنه های بالای اردن نزدیک با شن دیده میشود که واضح ترین نشانه های وقوع زلزله و آتشفشان درین محل است. تمام نظریات دانشمندان با اسامی شان باتفصیل ذکر گردیده است. فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا

سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

لِّمَنْ تَوَسَّيْنَا ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهَا لِبَسِيسٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾ "شهر آنها را زیر و رو کردیم و بالای

شان سنگ های از گل سخت چسپانده بارانیدیم. درین نشانه های برای صاحبان عبرت و بصیرت است. و این ها در امتداد راهی موجود است". (۳۲: ص ۱۴۶)

اگر نظریات دانشمندان مطالعه گردد عین مطلب که در قرآن ذکر گردیده علم امروز هم در قرن بیست تائید نموده است (مراجعه به اعجاز علمی قرآن هارون یحیی).

مردم سبا و سیل عرم:

قرنها قبل جامعه سبا یکی از مدنیت های بزرگ جنوب عربستان بود، منابع تاریخی میگوید که سبا فرهنگی مشابه فینیقی ها داشتند و اکثراً در فعالیت های تجاری مصروف بودند، مردم با فرهنگ و با مدنیت بودند، در کتیبه های مردم سبا، کلمات احیائی مجدد وقف و ساختمان زیاد بکار رفته. بند معرب که یکی از یادگارهای مهم و تاریخی آنهاست نمونه خوبی تکنالوجی آنهاست دولت سبا لشکری قوی داشته و از نگاه نظامی، سبا یک مملکت نیرومند بوده که در قرآن نیز تذکر رفته است. چنانچه در سوره نمل آیه ۳۳ میفرماید: **قَالُوا لَنْ نُؤْتِيَ قُوَّةً وَأَوْلُوا بِآسِ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ**

إِلَيْكَ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿۳۳﴾ "گفتند: «ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم»؛ ولی تصمیم نهایی با توست؛ ببین چه دستور می دادند". با ساختمان بند معرب زمین های زیادی آبیاری و کشت مینمودند، داشتن زمین های حاصل خیز و راه تجارتنی باعث زندگی مجلل آنها گردیده بود، اما بجای سپاسگذاری قرآن میگوید: که آنها از پروردگار روگردانیده همدارها را دروغ پنداشتند ناسپاسی آنها سبب شکستن بند و به سبب سیلاب عرم، مجازات شدند و مرکز سلطنت سبا معرب بود؛ این شهر نزدیک دریای ارضانه بود، جائیکه دریا به جبل بلق میرسید که محل خوبی برای ساختن بند بود.

پلیسی نویسنده یونانی محل را از نزدیک مشاهده و سرسبزی و شکوه آنرا تحسین نموده ارتفاع این بند شانزده متر، عرض آن شصت متر و طول آن ششصد و بیست متر که توسط آن نهصد و شصت هکتار زمین آبیاری میشده، در کتیبه های سبا این محل بنام دو جلگه و معرب یاد گردیده هولوی و آسترین دو مرد فرانسوی باسناد

تاریخی که این بند از زمانه های قدیم وجود داشته، این بند در سال ۵۴۲ میلادی شکسته و سیلاب عرم تخریبات زیادی بوجود آورده است، بالأخره مردم دچار تنگدستی و حکومت سبا هم منهدم گردید، یافته های باستان شناسی و تاریخی هر دو توضیحات

قرآن را تأیید میکنند. لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ ۖ جَنَّاتٍ عَن يَمِينٍ

وَشِمَالٍ ۖ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۗ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ ﴿١٥﴾

فَاعْرَضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي

اُكُلٍ خَمْطٍ وَاَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾ ذَٰلِكَ جَزَايَنَّهُمْ بِمَا كَفَرُوا ۗ

وَهَلْ يُجْزَىٰ اِلَّا الْكَافُورَ ﴿١٧﴾ "برای مردم «سبا» در وطن شان نشانه های بود،

باغهای در چپ و راست. بخورید از رزق پروردگار تان و او را شکر گذاری کنید بخاطریکه وطن تان شهرپر نعمت و نیکو و پروردگار تان آمرزنده است. با این همه روی گردانیدن

پس ماسیل از بند برایشان فرستادیم، باغهای شانرا با دو باغ دارای درختان تلخ میوه گز و تعداد کمی سدد بدل کردیم، این جزای کفران آنها بود و بجز ناسپاسیان کسی را

مجازات نمیکنیم". (۳۲): ص (۱۴۹)

فصل دهم (معجزات ریاضی در قرآن)

آن شمارنده شمرده آن عدد زان شمارش یافته هستی مدد

(مثنوی)

"عدد" واژه ای که بیشترین سهم را در علوم و دانش بشری به عهده دارد و در آن کلمه اسرار بیشماری نهفته است و علم ریاضی که از منطق انکار ناپذیری برخوردار است، بر مبنای همین کلمه بوجود آمده و تکامل یافته است. امروز عدد و شمارش از مرز گنجایش مغز بشر فراتر رفته است، چنانکه در محاسبات فضائی به ناچار از توان استفاده میکند و کمپیوترها هم از همان شیوه بوجود آمده و انسان را در اعماق راز اعداد فرو برده است، سر آغاز اعداد "یک" است و همین عدد نخستین اسرار بیشماری را در خود نهفته است و با تکامل انسان و نزول ادیان الهی و پرورش عرفان از تمام آفرینش به عدد یک و به عبارت دیگر وحدت و توحید تعبیر میکند و عجیب است که در خط فارسی و عربی نخستین حرف با نخستین عدد در نوشتن هم شکل است و همین باعث آمده است که عدد یک و حروف "الف" نشان توحید حضرت باری تعالی برگزیده شود، بدین ترتیب نکات بسیار ظریفی در ادبیات عرفان اسلامی پیداشود.

دل گفت مرا علم لدنی هوس است تعلیم کن اگر تو را دسترس است
گفتم که الف گفت اگر هیچ مگوی درخانه اگر کس است یک حرف بس است
و حافظ:

نیست در لوح دلم جز الف قامت یار چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم
و حال که سخن از عرفان اسلامی در میان آمد و به رمز اعداد اشارت رفت بهتر است بگوئیم که در بنیاد اصلی اسلام یعنی قرآن کریم نیز بعد ریاضی فراوان است و ذیلاً اشاره خواهیم کرد:

که خداوند متعال در قرآن کریم آفرینش را بر مبنای اصول ریاضی بیان فرموده است.

کلمه "عدد" در قرآن ۶ بار با مشخصات: (سوره یونس آیه ۵، سوره اسراء آیه ۱۲، سوره مؤمنون آیه ۱۱۲، سوره کهف آیه ۱۱، سوره جن آیه ۲۴ و سوره جن آیه ۲۸)

بکار رفته است و هرکدام از آنها به یکی از مسایل نظم و ترتیب ریاضی در جهان آفرینش اشاره میکند، در سوره جن آیه ۲۸ میخوانیم: وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

۱۸ . یعنی شمرده است همه چیز را بشمار یعنی اینکه آنچه آفریده شده بدون

محاسبه نبوده و همه آنها روی حساب دقیق و منطبق ریاضی بوده است، در آیه ۱۲

سوره اسراء آمده است: وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ ۖ فَمَحْوَنَآ آيَةَ اللَّيْلِ

وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ

اللَّيْلِ وَالْحِسَابِ ۗ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلَنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿۱۲﴾ " یعنی شب و روز را

دو نشان قراردادیم، پس برانداختیم نشانه شب را و نشان روز را روشن گردانیدیم تا از پروردگار خود فضلی بجوئید تا بدانید شمار سال و حسابش را، و هر چیزی را تفصیلی مفصل قرار دادیم". ملاحظه میفرمائید که آمدن روز و شب از سوی خداوند متعال بدان منظور بوده است که انسان بتواند تقویم روز و ماه و سال را داشته باشد و حساب سالهای عمر خود را ثبت و ضبط نماید.

یکی از داستان های شگفت آور قرآن کریم داستان اصحاب کهف است، خداوند ﷺ درین حکایت هم به منطبق ریاضی اشاره میفرماید که وقتی آنها به غار پناهنده شدند و به خواب فرو رفتند به توجه به نص صریح آیه ۲۵ از سوره کهف مدت خواب آنها ۳۰۹ سال بوده است، آیاتی دیگری که این حکایت را در بردارند، موقعیت جغرافیای غار را طوری توجیه میکنند که از دیدگاه علمی خواب ۳۰۹ ساله را امکان پذیر میکند، اما شگفتی علمی در آنست که قبلاً در آیه ۱۱ سوره همان سوره

میفرماید: فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿۱۱﴾ " یعنی: پس

زدیم در غار بر گوشهایشان سالیانی بیشمار". مفهوم این است که حالت و خواب و از کار افتادن قوه شنوایی هم با محاسبه ریاضی بوده است که خداوند ﷺ هیچ کاری بدون حساب انجام نمیدهد، در آیه پنجم از سوره یونس هم باز از حساب سال و

منازل گردش ماه و خورشید، سخن بمیان آمده است، اگر یک انسان عادی از تلسکوپهای رصد خانه بزرگ به فضا نگاه کند و حرکت سیارات را در نظر بگیرد، بدون استثناء دیوانه خواهد شد، زیرا خواهد دید میلیونها سیاره با سرعت سرسام آور در حرکت اند و به علت بعد مسافت آنها را در یک مکانی کوچکتر خواهد دید که هر لحظه بهم نزدیک و در مدارهای پیچیده دقیقاً از کنار هم رد میشوند و از هر لحظه به دلهره بزرگی گرفتار خواهد شد که هم اکنون آنها باهم تصادف کرده و فاجعه در شرف

تکوین است ولی او نمیداند که: **الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ يُحْسَبَانِ** (رحمن، آیه ۵)

یعنی:

گردش خورشید و ماه دارد حساب و بحسابان را بخوان اندر کتاب آیا دلیلی بزرگتر ازین آیه که نظام آفرینش بر اصول ریاضی منطبق است؟ و بدون اطاعت خلقت از آن اصول غیر قابل تعدی، امکان ادامه حیات نیست؟ کیست که این جهان را دایه شد تا نظام این جهان بر پایه شد (مثنوی) پس ریاضی و اصول آن در آفرینش مدخلیت تام دارد و اینکه ریاضیدانان بزرگ جهان آفرینش را در فلسفه ریاضی مولود یک محاسبه بینظیر میدانند، سخنی به گزاف نگفتند. (۶: ص ۸۹۲)

حساب ابجد در قرآن:

هر حرف عربی دارای یک ارزش حسابی میباشد یعنی که هر حرف یک عدد را نشان میدهد این علم حساب را جمل و یا ابجد میگویند که به حساب ابجد هر حرف از یک تا هزار محاسبه میشود که همه مردم کم و بیش ازین واقف اند، مردم ازین علم در ساحات مختلف استفاده میکنند که یک مثال آن علم جفر، علم پیشگوئی که احتمال واقعات آینده را بیان میکند و ابجد حالت واقع شده را بیان میکند که این علم صدها سال قبل از نزول قرآن در بین مردم رواج داشت، مردم عرب واقعات تاریخی را به حروف ابجد مینوشتند اگر بعضی از آیات قرآن را از نظر ابجد مطالعه کنیم ارقامی را مییابیم که کاملاً به ارتباط موضوع آیت است در مورد پا گذاشتن انسان به کره مهتاب

در سال ۱۹۶۹ در قرآن چنین آمده: **أَقْرَبَتْ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ** ﴿۱۱﴾ "قیامت! نزدیک شد و ماه از هم شکافته شد". کلمه انشقاق به معنی شگافتن، شق کردن، بلند شدن، چیزی کردن زمین و شخم زدن میباشد. **ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا** ﴿۱۲﴾ **فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا** ﴿۱۳﴾ "پس زمین را شق کردیم و از آن حبوبت را رویانیدیم". موضوع شق القمر میتواند اشاره به پائین شدن به کره مهتاب و تحقیقات بالای خاک کره مهتاب در سال ۱۹۶۹ باشد (والله اعلم) موضوع دلچسپ اینست که از نظر ابعاد نیز عدد ۱۹۶۹ دریافت میشود، در سال ۱۹۶۹ فضانوردان امریکائی برای تحقیقات در کره ماه با وسایل مختلف زمین آنرا کنده، یک نمونه خاک آنرا آورده اند، این را باید واضح نمود که شق قمر یکی از معجزات پیامبر ﷺ بود. "که به اشاره انگشت ماه دو نیم شد" (بخاری). منظور ازین آیه مبارکه معجزه رسول الله ﷺ نیز بوده میتواند اما قرآن میتواند کتابیست به همه زمانه ها تعلق دارد و به تحقیقات بالای کره ماه نیز دلالت دارد.

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰

مجموع این اعداد ۱۳۹۰ میشود. سال ۱۳۹۰ قمری مطابق بود با سال ۱۹۶۹ میلادی. (۳۲: ص ۱۵۷)

تکرار کلمات در قرآن تصادفی نیست:

- هفت آسمان هفت بار در قرآن ذکر گردیده و آفرینش آسمانها نیز هفت بار ذکر گردیده

- کلمه روز یوم ۳۶۵ مرتبه بشکل مفرد و کلمه روز ها ایام به شکل جمع ۳۰ مرتبه ذکر گردیده است کلمه ماه دوازده مرتبه ذکر شده است.
- کلمات زرع و درخت هر کدام بطور مساویانه ۲۶ مرتبه ذکر گردیده است
- کلمه مکافات دادن ۱۱۷ مرتبه و کلمه آموزش دو چند آن یعنی ۲۳۴ مرتبه ذکر گردیده است.
- کلمات بگو و گفتن هر کدام به طور مساویانه ۳۳۲ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات دنیا و آخرت مساویانه یعنی هر کدام ۱۱۵ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات شیطان و ملائیکه مساویانه یعنی هر کدام ۸۸ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات ایمان و کفر مساویانه یعنی هر کدام ۲۵ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات دوزخ و جنت مساویانه یعنی هر کدام ۷۷ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات زکات و برکات مساویانه یعنی هر کدام ۳۲ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات مردمان نیک (ابرار) و بد (فجار) مساویانه یعنی هر کدام ۳ مرتبه.
- کلمات تابستان داغ و زمستان سرد هر کدام مساویانه ۵ بار ذکر شده اند.
- کلمات خمر و نشه مساویانه یعنی هر کدام ۶ بار ذکر شده اند.
- کلمات فهم و روشنی مساویانه یعنی هر کدام ۴۹ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات زبان و وعظ مساویانه یعنی هر کدام ۲۵ بار ذکر شده اند.
- کلمات سود و فساد مساویانه یعنی هر کدام ۵۰ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات اجر و فعل مساویانه یعنی هر کدام ۱۰۷ بار ذکر شده اند.
- کلمات محبت و اطاعت مساویانه یعنی هر کدام ۸۳ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات مسیر و ابد مساویانه یعنی هر کدام ۲۸ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات مصیبت و شکر مساویانه یعنی هر کدام ۷۵ بار ذکر شده اند.
- کلمات شمس و نور مساویانه یعنی هر کدام ۳۳ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات رهنمائی و رحمت مساویانه یعنی هر کدام ۷۹ مرتبه ذکر شده اند.
- کلمات مشکلات و آرامش مساویانه یعنی از هر کدام ۱۳ بار ذکر شده اند.

- کلمات مرد و زن مساویانه یعنی هر کدام ۲۳ مرتبه ذکر شده اند که مجموعاً ۴۶ مراتب میشود.
- تخمه های مرد و زن هم هر کدام صرف ۲۴ کروموزوم میباید که وقتی با هم یکجا شوند ۲۳ جوهره یا ۴۶ عدد کروموزوم را تشکیل میدهند، تعداد کروموزوم های انسان مجموعاً ۴۶ عدد میباید شد.
- کلمات خیانت و خبیث مساویانه یعنی هر کدام ۱۶ بار ذکر شده اند.
- کلمه بشر یا انسان ۶۵ مرتبه ذکر شده و مجموع مراحل انکشاف انسان نیز ۶۵ مرتبه ذکر شده است تراب یا خاک ۱۷ مرتبه، نطفه ۱۲ مرتبه، علق ۶ مرتبه، مضغه ۳ مرتبه، عظام یا استخوان ۱۵ مرتبه و لحم یا گوشت ۱۲ مرتبه که مجموعاً ۶۵ میشود.
- کلمه صلوات ۵ بار ذکر شده و در شبانه روز پنج بار نماز فرضا است.
- کلمه شراب ۶ بار و کلمه مستی نیز ۶ بار تکرار شده.
- کلمه فقر ۱۳ بار و کلمه ثروت نیز ۱۳ بار ذکر شده.
- کلمه ابلیس ۱۱ بار و کلمه استعاذ به الله نیز ۱۱ بار تکرار شده.
- کلمه سجده ۳۴ بار تکرار شده است و ما در نمازهای یومیه ۳۴ بار سجده میکنیم.

تناسب خشکه و آب:

کلمه بر یا خشکه ۱۳ مرتبه و کلمه بحر ۳۲ مرتبه که مجموع شان ۴۵ میگردد در قرآن ذکر شده است، اگر فیصدی آنها را حساب کنیم ۸، ۲۸٪ خشکه و ۱،۷۱٪ بحر ذکر شده است نکته حیرت اینست که به همین تناسب بر و بحر در روی زمین وجود دارد. (۳۲: ص ۱۵۳)

محاسبه سال قمری:

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ

لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ﴿١٠﴾ "اوست که آفتاب را درخشنده و مهتاب را

نورانی ساخت و منازل مقرر کرد که بواسطه آن عدد سالها را بدانید."

الله ﷻ واضح نمود که مهتاب وسیله است برای محاسبه سالها که محاسبه وقت از روی موقعیت های مهتاب در مسیر آن صورت میگیرد چون زاویه بین مهتاب و زمین و آفتاب همیشه در تغییر است، مهتاب را در مواقع مختلف به اشکال مختلف میبینیم بخاطریکه روشنی آفتاب را انعکاس میدهد مقدار نوری که از مهتاب بما میرسد هرشب تغییر میکند، از روی آن محاسبات ماه و سال خود را کرده میتوانیم. بین سال قمری و شمسی که مدت حرکت زمین بدور آفتاب میباشد که تقریباً ۱۱ روز تفاوت است، توجه به این تفاوت در یک آیه قرآن معطوف گردیده است، در آیه کهف میفرماید:

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا ﴿١٥﴾ " آنها را در غار کوه

سپید و نه سال هم افزون درنگ کردند."

یک ماه قمری طور اوسط ۲۹.۵۵۰۳۹ روز میباشد و یک سال قمری ۶۰۳۹۴۸.

۳۵۴ روز میباشد، سال شمسی ۲۴۱۱.۳۶۵ روز میباشد. $۳۰۰ \times ۲۴۱۱.۳۶۵ = ۷۲۳۳۵۰$
 $۶۰۳۹۴۸ \times ۳۰۹ = ۱۰۹۵۷۲$

پس ۳۰۰ سال شمسی است مساوی با ۳۰۹ سال قمری طوریکه میبینیم قرآن توقف اصحاب کهف را در هر نوع سال شمسی و قمری واضح ساخته و تفاوت ۹ در محاسبه نمود والله اعلم بدون شک قرآن چنین معلومات دقیق علمی ما فوق علوم معاصر میباشد وحی اعجازی است. (۲۸: ص ۹۴)

سرعت نور:

خداوند ﷻ میفرماید: **يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ**

إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿۱۰۰﴾ "خداوند ﷻ (همه جهان

هستی را) از آسمانها گرفته تا زمین زیر پوشش تدبیر خود قرارداده است و (جز او مدبری درین جهان وجود ندارد) سپس تدبیر امور در روزیکه اندازه آن ۱۰۰۰ سال از سالهای است که شما می‌شمارید، بسوی او بازمی‌گردد."

مخاطب این آیه در لفظ (تَعُدُّونَ) کسانی است که مبداء شمارش آنها سال قمری

است که ماه در هر سی روز یک دور کامل به دور زمین می‌چرخد، حال اگر فاصله میان مرکز ماه تا مرکز زمین یعنی نصف قطر مدار چرخشی ماه بدور زمین را بدست آوریم، میتوانیم مسافت طی شده ماه در هر گردش کامل بدور زمین را تعیین کنیم اگر طول محیط دایره چرخشی ماه را در دوازده ماه ضرب کنیم مسافت طی شده آن را در طول سال و اگر در هزار ضرب کنیم مسافت هزار ساله آنرا که بدور زمین طی کرده است بدست می‌آوریم.

مسافت هزارساله‌ی که در آیه ۵ سوره سجده بیان شده است در حقیقت مسافت که ماه آنرا در هزار سال می‌پیماید. نور در یک روز طی میکند، زیرا اگر مسیر طی شده ماه در هزار سال به تعداد ثانیه های کامل یک روز تقسیم کنیم (تعداد ثانیه مساوی ۲۴×۶۰×۱۰) عدد برابر مسافت طی شده توسط نور در یک روز تقسیم کنیم عدد زیر حاصل میشود. ۲۹۷۹۹۲/۵ کیلومتر که عدد دقیق که مربوط به سرعت نور در ثانیه است که توسط کنفرانس جهانی پاریس اعلام شده است. کشف دقیق سرعت نور یکی از دست آوردهای مهم قرن بیست بشمار میرود و این عدد بالاترین میزان سرعت نور در هستی است، اگر غیر نور شیء دیگری به این سرعت حرکت کند ذره ذره شده حجم نامحدود پیدامیکند، آنچه در باره سرعت نور و برابر بودن مقدار مسافت طی شده آن در طول یکروز با مقدار مسافت طی شده توسط ماه در هزار بیان کردیم نظریه

نسبتی است که غرب به آن میبالد. (۲۸: ص ۷۱).

معلومات مختصر درباره قرآن:

شماره	اقسام آیات	تعداد
۱	آیات امید بخش	۱۰۰۰
۲	آیات ترساننده	۱۰۰۰
۳	آیات نهی کننده	۱۰۰۰
۴	آیات امری	۱۰۰۰
۵	آیات مثال	۱۰۰۰
۶	آیات قصه ها	۱۰۰۰
۷	آیات تحلیل	۲۵۰
۸	آیات تحریم	۲۵۰
۹	آیات تسبیح	۱۰۰
۱۰	آیات مختلف	۶۶

شماره	معلومات	تعداد
۱	تعداد کلمات	۸۶۴۳۰
۲	تعداد حروف	۳۲۳۷۶۰
۳	تعداد پاره ها	۳۰
۴	تعداد منازل	۷
۵	تعداد سوره ها	۱۱۴
۶	تعداد رکوع ها	۵۴۰
۷	تعداد آیات سجده	۱۴
۸	تعداد آیه ها	۶۶۶۶
۹	تعداد زبرها	۵۳۲۲۳
۱۰	تعداد زیرها	۳۹۵۸۲
۱۱	تعداد پیش ها	۸۸۰۴۰
۱۲	تعداد مدها	۱۷۷۱
۱۳	تعداد شدها	۱۲۴۷
۱۴	تعداد نقطه ها	۱۰۵۶۸۴

تمام مدت وحی ۲۲ سال و ۵ ماه و تمام کاتبان وحی ۴۰ صحابه کرام.

اولین وحی سوره علق ۱-۵. آخرین وحی وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ

سوره بقره، آیه ۲۸۱ يا أَيُّومَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي

وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا^ج (مائده، ۳) میباشد. (۳۰: ص ۲۱)

فصل یازدهم (کمال اعجاز ادبی و تشریحی قرآن)

اعجاز بلاغی و ادبی قرآن:

گروه بیشماری از بزرگان ادبیات و بلاغت زبان عربی اقدام به بیان اعجاز ادبی و بلاغی قرآن کریم نموده سعی خویش را در پیگیری و جستجوی این جوّ اعجازی مبدول داشته و سر انجام موفق به کشف و استخراج نمونه های فراوانی درین زمینه شده اند که در اثبات معجزه بودن کفایت میکند.

دانشمندان و بزرگان ادبیات عرب با بهره گیری از جنبه های بلاغی و ادبی قرآن کریم علوم بلاغت، معانی، بیان، بدیع را وضع نمودند، با وجودی این کشف و استخراج سایر عناصر و جوانب اعجاز بلاغی و ادبی در زمینه های مختلف بلاغت و ادب در تمام سوره ها و آیات قرآن همچنان باز است و به بلندای حیات بشری میباید. (۲۷: ص ۳۶۹)

یکی از بارز ترین بُعد اعجاز ادبی قرآن است که به اعتبار زیبایی و سلاست الفاظ آن و هم به اعتبار بلندی و عمق معانی آن نسبت به کلام بشر بالاتر و نسبت به حرف های بزرگترین ادیبان بلند تر است به نحویکه چهارده قرن میگذرد هیچ ادیب و سخنوری نتوانسته است کلام بیاورد که با قرآن برابر و یکسان باشد وقتی که به تاریخ مراجعت کنیم این امر را خواهیم یافت که برخی از بزرگان شرک و کفر با وجودیکه نوابغ ادب محسوب میشدند نه تنها نتوانستند با تحدی قرآن مبارزه کنند بلکه عظمت قرآن آنقدر آنها را مسحور ساخت، ناگزیر اعتراف کردند و از مقام بلند قرآن سخن گفتند.

اعتراف مشرکین به اعجاز ادبی قرآن:

تاریخ صدر اسلام شاهد نمونه های زیادی از اعتراف ادیبان مشهور عرب به اعجاز بیانی قرآن و غیر بشری بودن آن است، از آنجمله ولید بن مغیره که از متنفذان و صاحبان رسوخ مشرکین عرب بود، بعد از آنکه چند آیه از سوره غافر را شنید تحت

تاثیر قرار گرفت از نزد پیامبر ﷺ خارج شده و به نزد قوم خود رفته و چنین گفت: "قسم بخدا کلام از محمد شنیدم که نه سخن انسان است و نه سخن جن هر آئینه کلام او بسیار زیبا و شیرین است شاخه های آن ثمر بخش و ریشه های آن گسترده و استوار و محققاً سخن برتر است و هیچ کلام به آن برابری نتواند". همچنان عتبه بن ربیعہ نیز پس از شنیدن چند آیه اول از سورت فصلت از زبان حضرت محمد ﷺ به جانب بزرگان قریش بازگشت نموده گفت: "سخنی از محمد شنیدم سوگند بخدا قبل ازین هرگز نشنیده بودم قسم بخدا سخن او نه شعر است و نه جادوگری و نه کهانت". (۲۹: ص ۴۷)

درین عالم دو نوع مصنوعات به چشم ما میخورد:

اول:- مصنوعات الهی مانند خورشید، ماه، کهکشانها، انسان، حیوان و غیره

دوم:- مصنوعات بشری مانند ماشین آلات و سایر وسایل.

وقتی که به فرق و امتیازیکه بین این دو وجود دارد نگاه کنیم بدهتاً به این نتیجه میرسیم که مصنوعات الهی خارج از نیروی و قوت انسانی است آنچه در حیطة قدرت انسانی است مصنوعات خدائی نه در کارخانه بشر تهیه میگردد و نه در بازاری بفروش میرسد، عیناً همین حال در کتب مؤلفه است، بسیاری از کتب درین دنیا تألیفات انسانها است و نسبت به قرآن کریم ادعا اینست که این کتاب نتیجه علم و قدرت خالق کاینات است اگر کل این کتاب و یا کمترین بخش آن به وسیله قدرت انسانی ساخته میشد؛ پس این کتاب تألیف بشری میشد و معجزه نمیبود و اگر مجموعه قدرت کلیه بشر یک سوره کوچک ازین کتاب مانند سوره کوثر را نتواند بسازد؛ پس در معجزه بودن آن و این که کلام الهی است هیچگونه شک و شبهه باقی نمیماند قرآن کریم بر همین مبناء و معیار نسبت به اعجاز و کلام الهی بودن خود تمام فصحاء و بلغاء عرب را بطور تحدی و مبارزه دعوت میکند. (۳: ص ۳۸)

مبارزه طلبی قرآن کریم از اعراب:

مبنی اینکه کتاب همانند قرآن و یا سوره مشابه و نظیر آن را بیاورند؛ گرچه اعراب عصر نزول قرآن اهل فصاحت و بلاغت فوق بودند هیچگونه برخورد مخالف و یا معارض

با قرآن را از خود بروز نداده و ازین بالاتر حتی نتوانستند ادعاء نمایند که معلقات شبیه مشهورشان "یعنی هفت قصیده مشهور دوران جاهلیت مربوط شاعران مشهور آنزمان" یا خطبه های خطیبان، حکیمان و فصیحان شان یا کلام مسجع کاهنان شان کمتر مشابهت دارد و نیز ادعا نتوانستند که حتی پیشرفته ترین کلام عرب در آینده هم یارای رسیدن و هم طرازی با سطوح و مجاری کلام قرآنی را خواهد داشت.

ادیبان، بلیغان و سخنوران عرب و غیر عرب که به این زبان تکلم و سررشته و تخصص داشته و در عین حال با اسلام و قرآن اظهار خصومت و دشمنی نموده اند از زمان صدر اسلام تا عصر کنونی در برابر تحدی قرآن ناتوان مانده اند، گرچه تلاشهای شباروزی بی پروایانه شان جهت پائین آوردن شأن و منزلت اعجاز قرآن و ایجاد شک در آن از خود بروز داده اند ولی ناکام مانده اند. (۲۷:ص ۳۶۷)

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ

وَأَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۱۲﴾ "یعنی اگر شما

درین باره که قرآن کلام الهی است شک دارید پس بیاورید سوره مانند قرآن و درین کار مددگار و مشاورین خود را بخواهید تا با شما همکاری کنند اگر در دعوی تان راستگو هستید". و در آیه دیگری با لحن شدید تر فرموده است. ترجمه "یعنی اگر تمام انسانها و جنیات جمع شوند و متحد شوند که نظیر قرآن را بسازند هرگز نتوانند چنین کاری را بکنند و لو اینکه باهم متفق شوند و از همدیگر حمایت نمایند". درین آیه قومی مورد خطاب قرار گرفته که بر قابلیت فصاحت و بلاغت خود افتخار داشتند و دشمن قرآن بودند، معدوم نمودن قرآن برایشان از هر چیز مهم تر بود و این اعلامیه از طرف حضرت رسول الله ﷺ اعلان گردید که در تمام زندگی نه تحصیل علم نمود و نه طبع و ذوق شعرگوئی داشته و نه تمرین شعرگوئی و یافصاحت و بلاغت و نه در طول زندگی چهل سال در مجالس ماهرین زبان شرکت کرده، بلکه ایشان امی محض و ناخوان مطلق بودند، این اعلام و ادعا عزت عربی و جوش مخالفانه مخالفین اسلام و قرآن را یقیناً مشتعل نموده اگر میتوانستند با نهایت سهولت با ترتیب یک سطر عبارت عربی، شبیه و نظیر قرآن هم خود قرآن و هم صاحب آنرا از اعتبار ساقط میساخت،

لیکن آنان بنا بر ذوق ادبی و فطرت سلیم خود آوردن نظیر قرآن را ناممکن دانستند. ازین جهت راه سهل و آسان فتح و پیروزی را ترک کرده راه صعب العبور دیگری یعنی قربانی جنگ کشتار، مرگ که به هزینه جانی و مالی فراوان منجر گردید و این راه هم پیروزی نصیب شان نکرد خود دلیل این امر است که نزد شان جواب ندای قرآن نبود. بعضی از انسانها در عربی کلام بی نظیر مرتبه ساخته اند مانند تفسیر بی نقطه فیضی که عبارات را از حروفی ساخته که همه آن بی نقطه است یعنی حروف بی نقطه استفاده نموده علاوه برین فیضی این ابتکار خود را نقص قرآن ندانسته و چنین ادعای نکرده بلکه تا آخر عمر بر اعجاز قرآن قایل بوده چنانچه گفته: **کلام الله لاحد لمحا مده ولا عد لمکارمه و ما ساحل له**. یعنی قرآن کلام خدا است که تعریف و ستایش آن نهایت ندارد و فضایلش در شمار نمیآید و آن چنان دریائی است که ساحل و کناره ندارد، اینکه گفته شده است که تفسیر فیضی "سواطع الا لهام" اعجازی است، ادعای سست و بی مورد است.

قافیه سازی و جمله بندی مسیلمه کذاب که در آن بوی هدایت انسانی وجود ندارد و آنرا نه خود مسیلمه کذاب مثل معجزه قرآن تصور کرده و نه کسی دیگر بلکه آن را هیچ کس از ماهرین زبان قابل دانسته، جهت ضیافت طبع ناظرین آنرا نقل میکنیم. **والمبذرات ذرعاً والحاصدات حصداً والذاریات قمحاً والطاحنات طحناً والعاجنات عجناً والخبازات خبزاً والثاردات ثوداً اهالت وسمناً**. یعنی سوگند به زنانیکه در زمین تخم پاشی میکنند و درو کننده اند و جدا کننده گندم از کاه و آسیاب کننده دانه گندم و خمیرکننده آرد گندم و پزنده نان، شریذ کننده آن در شورها و بردارنده لقمه های چرب شده با روغن و کره. (نفس مضمون کلام لغو و بی فایده است). و یا: **الفیل مالفیل وماادراک مالفیل له ذنبٌ وبیل وخرطومٌ طویل**. جاحظ این قافیه بندی را نیز نقل کرده است.

"یاضفدع بنت ضفدعین نقی ماتنقین نصفک فی الماء ونصفک فی الطین لا الماء تکدرین ولاالشارب تمنعین" این هر دو قافیه بندی به ترتیب مربوط به فیل و غورباغه است.

ابن راوندی زندیق یهودی نسل، متوفی ۳۳۹ این شخص از یهود و نصاری مبلغ کلان را دریافت میداشت و در رد اسلام و قرآن کتاب مینوشت اسامی کتابهای که درین مورد نوشته است ازین قرار است: العاج والفرید، والزمردة وقضیب الذهب پس از نوشتن کتاب از یهود و نصاری وجوه دیگری هم مطالبه میکرد، وقتی که ایشان نمیدادند دوباره رد کتاب خویش را مینوشت ابوالعلا المعری در کتاب تاج او مینویسد لایصلح التاج ان یكون نعلًا یعنی کتاب تاج اوصلاحیت کفش بودن را ندارد. این قول معری است که مثل خود ابن راوندی ملحد بود.

ابن راوندی سر پل بغداد با ابوعلی الجبائی معتزلی ملاقات نمود و گفت: قرآن مرا گوش میکنی؟ جبائی در جواب گفت که از علوم شرمناک تو با خبرم سپس گفت ای ابن راوندی ترا منصف قرار میدهم انصاف کن از حقیقت چشم نیوش این کلام تو مثل قرآن فصاحت، بلاغت وهیبت دارد؟. او گفت نه.

قافیه بندی " متبنی " در زمان ادعای نبوت این طور نوشته است **اقسم بخالق الیل والریح الهابة بالیل ان الکافر لطویل الویل ان اکفر لمکفوف الذیل**. سپس توجه کرده مسلمان شد و مسلمانی با اخلاص درآمد متبنی، مسیلمه، ابن راوندی و غیره از نظر ادبیات مقام بلندتری داشتند وقتی که آنها در میدان گام برداشتند، کلام ایشان طوری پدید آمد که خود معتقدان آنها به استهزاء و مسخره ایشان برخواستند، جالب این است که در جواب قرآن هرکس چیزی نوشته و یا گفته خود مسلمانان با نهایت بی تعصبی آنرا نقل نموده اند و هم آنچه در مقابل گفته شده در زمانی بوده که حکومت اسلامی در کمال عروج بوده و این تمام ماجرا که اندکی نمونه ای از آن آورده شد با کمال آزادی خیال هر کسی میتوانست اظهار نظر کند و حکومت وقت و مسلمانان باز خواست و عکس العمل نشان نمیدادند، غالباً تصور میکردند که اعجاز قرآن به منزله ای آفتاب است، ازین جمله بندی و قافیه سازی مخالفین چه ضرری به آن لاحق میگردد. (۳: ص ۱۰۵)

مقابله مشرکین با قرآن از راه های مختلف:

زمانیکه مشرکان عرب نتوانستند با قرآن مقابله و مبارزه کنند و باتحدی آن جواب بدهند، کوشش و سعی نمودند تا از راه های دیگر مانع گوش دادن مردم به قرآن شوند تا ازین طریق بتوانند از افزایش پیروان حضرت محمد ﷺ جلوگیری نمایند این توطئه را قرآن کریم افشاء نموده میفرماید: وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا هَذَا

الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ ﴿۱۸﴾ " کافران گفتند: «گوش به این قرآن

فراندهید؛ و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید!».

و یکی از راه های مقابله مشرکان آن بود که قرآن را سحر و پیامبر را ساحر میخواندند. سران قریش با رهنمائی ولید بن مغیره باین نتیجه رسیدند که پیامبر ﷺ را به سحر متهم کنند و این حادثه از نظر برخی از مفسرین شأن نزول سوره مدثر إِنَّهُ

فَكَرَّ وَقَدَّرَ ﴿۱۸﴾ فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿۱۹﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿۲۰﴾ ثُمَّ نَظَرَ

﴿۲۱﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿۲۲﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿۲۳﴾ فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ

يُؤْتَرُ ﴿۲۴﴾ إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿۲۵﴾ " او (برای مبارزه با قرآن) اندیشه کرد

و مطلب را آماده ساخت؛ (۱۸) مرگ بر او باد! چگونه (برای مبارزه با حق) مطلب را آماده کرد! (۱۹) باز هم مرگ بر او، چگونه مطلب (و نقشه شیطان صفتان) خود را آماده نمود! (۲۰) سپیده نگاه‌های افکند، (۲۱) بعد چهره درهم کشید و عجولانه دست به کار شد؛ (۲۲) سپیده پشت (به حق) کرد و تکبر ورزید، (۲۳) و سرانجامش گفت: «این (قرآن) چیزی جز افسون و سخاوتمندانه هم‌از سحرگهان، پیشگیری نیست!

(۲۴) این فقط سخن، انسان است (نه گفتار خدا)!» (۲۵). " (۲۹: ص ۱۴۷)

عدم اختلاف در قرآن:

وقتی که به تاریخ بینیم خواهیم دانست که برای مدت ۲۳ سال برای پیغمبری ﷺ از جانب خداوند ﷻ توسط جبرئیل "امین" نازل گردیده گاه در مکه، گاه در مدینه، گاه در سفر و گاه در حالت کار زار با دشمن، گاه در سختی و گاه در آرامش بهر حال با اندک تأمل راجع به آیات قرآنی نشان میدهد که هیچگونه اختلافی نه از ناحیه روش و نه از جهت مضمون در میان آیات این کتاب وجود دارد، با وجودیکه مجموعه بسیار وسیعی از تعلیمات، آموزه ها و احکام در عرصه های اعتقادی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی درین کتاب مطرح شده است روش و بیان آیات قرآن در آیت قرآن طوری است که نمیتوان آیات سوره های مکی را با روش اولی با آیات و سوره های مدنی متناقض دانست و همچنان در تمام قرآن دو آیت یافت نمیشود که مفهوم آنها با یکدیگر نا سازگار باشد این حقیقت بُعد دیگر اعجاز قرآن را واضح میسازد، زیرا بشر نمیتواند که مجموعه ای را که حاوی عمیق ترین و وسیع ترین معارف است در طول ۲۳ سال و در شرایط کاملاً متفاوت فراهم آورد، در حالیکه آغاز و انجام آن از هر ناحیه کمال برابر باشد و هیچوقت تحولی در روش آن پدید نیامد. (۲۹: ص ۱۵۶)

اکنون که این سطور را مینویسم تقریباً اکثریت این کتاب تحریر شده با وجود امکانات فراوان کاغذ، قلم و کتب مختلف باور کنید از جلو و دنبال نوشته های خود آگاهی نداشته ممکن صدها خطا و اشتباه در موارد مختلف در آن موجود باشد و در ضمن قابل تذکر است که این نوشتار حاصل زحمات صدها عالم و دانشمند و متفکر در رشته های مختلف است که تدوین گردیده، اما رسول الله ﷺ اُمی و درس نخوانده بوده و هم مشاورین، متخصصین و دانشمندان نبوده که با وی همکاری نمایند، در زمان و مدت نزول قرآن به شرایط شدید، سخت و دشوار با دشمنان کثیر و قوی و سرسخت اسلام همیشه درگیر جهاد و مبارزه و یا بعضاً مصروف مجالسه، مذاکره، مفاهمه و مصالحه بوده خلاصه مصروفیتهای داشته که لحظه برای تعلم و یا تألیف موقع نداشته و هم آن همه حقایق، اعجاز، حکمت، علوم و فنون که در قرآن جمع گردیده امر عادی نیست، خالق آن غیر از خالق علیم و توانای حکیم و قادر عظیم دیگری بوده نمیتواند حتی پیغمبر ﷺ، اما در قرآن بر علاوه سایر معجزات که به هزاران معجزات میرسد

فقط در بخش معجزات ریاضی عنوان "تکرار کلمات در قرآن را « ملاحظه فرمائید و کمی دقیق شوید، کا فی خواهید دانست که مافوق فکر و توانای بشر است.

حفظ و صیانت قرآن از تحریف:

قرآن از حفظ صیانت خود از تحریف خبر داده است چنانچه خداوند ﷻ میفرماید:

إِنَّا لَحُنَّ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾ " ما قرآن را نازل کردیم ؛ و ما آنرا

نگاه میداریم". و این خبر قرآن بعداً بوقوع پیوست که آیات قرآن در مدت قرن ها میگذرد و مخالفان بآنکه برای نابودی قرآن میکوشند ولی تا حال نتوانستن حتی در یک کلمه یا حرف آن تغییر بیاورند.

قرآنکریم شأن و حالش بکلی مخالف و مغایر تمام کتابهای آسمانیست، الله ﷻ خود حفظ و سلامت آنرا از تحریف یا تبدیل، یا زیادت یا نقصان تضمین کرده است،

چنانچه در آیه فوق میفرماید: وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿۱۱﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ

بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۖ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿۱۲﴾ " این کتاب بحقیقت

صاحب عزت است و هرگز از پیش و پس آن (از هیچ جهتی) باطل بآن راه نمی یابد و آن فرستاده شده از جانب خدای مقتدر حکیم و ستوده". ذوات سخن، مستشرقین و دانشمندان محقق غرب همه برین متفق اند که قرآنکریم مطور و صدور محفوظ است و از آن یک کلمه حذف نشده از جمله آنان "سیروولیم مور است « که در کتابش (حیات محمد ﷺ) در حالیکه ولیم در عداوت در برابر اسلام و پیامبر ﷺ معروف است، وی میگوید: هنوز از وفات حضرت محمد ﷺ ربع یک قرن نگذشته بود که منازعات شدید رخ داد گروه ها بمیان آمد و عثمان قربانی این فتنه ها گردید و اختلافات دوام کرد ولی قرآن یگانه کتابی است که امروز پیش روی ما قرار داده همان صحیفه است که خلیفه مظلوم به جمع آوری و کتابت آن امر کرده بود و شاید یگانه کتابی در دنیا باشد که نص آن بیش از یکهزار دو صد سال از تحریف محفوظ مانده و از جمله آنان

«وهیری» در تفسیرش بر قرآن که گفته قرآن مطلقاً دور ترین صحیفه های قدیمی است که از خلط و الحاق دور بوده صحیح تر و اصیل از همه میباشد.

«بن پول» میگوید بزرگترین چیزیکه قرآن بآن ممتاز است که هیچ شکی در اصالت آن راه نیافته هر حرف آنرا که امروز قرائت میکنیم میتوانیم یقین کنیم که آن در طی ۱۳ قرن هیچ تغیر را نپذیرفته است. (۲۰: ص ۲۵۴)

خداوند ﷺ محبت و عشق قرآنکریم را بر قلوب مسلمانان جا داده که از زمان نزول تا الآن عده زیادی از مسلمین با وجودیکه اکثرأ اعراب زبان نیستند، باین حجم بزرگ و ثقیل متحمل حفظ و قرائت آن گردیده بدون امتیازات مادی خالصاً لله تعالی که در تمام جوامع اسلامی تعداد کثیری از حافظان قرآن در تمام ادوار وجود داشته و دارند.

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٧﴾ (۲: قلم آیه ۸۲). " و آن جز پند برای عالمیان

نیست ". وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٥٨﴾ " پس آسان کردیم قرآن را برای پندگرفتن آیا کدام پند گیرنده هست؟ "

کمال ادبی زبان قرآن:

شیوه بی نظیر و فرد عالی آن بر علاوه در کلمه قرآن معجزاتی دارد که تعداد زیادی حقایق علمی که ۱۴۰۰ سال قبل بر محمد ﷺ وحی شده که در قرن ۲۰-۲۱ به کمک علم و تکنالوژی کشف گردیده که در زمان نزول قرآن برای مردم قابل درک نبود در زمانیکه مردم عرب غرق در اوهام و خیالات خرافی و افسانه های تحریف شده پیشینیان خویش باور داشتند زمانیکه عقیده داشتند زمین هموار است کوه زمین را مثل سقف بالای خود نگه میدارد الله ﷻ میگوید: " الله آنست که آسمان را بدون ستون بر افراشت ثابت و واضح است که کلام الهی است. "

بخش های اساسی بُعد ادبی قرآن

قرآنکریم دارای اعجاز ادبی و بیانی بسیار عالی میباشد که در سه بخش میتوان بیان کرد: ۱- اعجاز قرآن در فصاحت، ۲- اعجاز قرآن در بلاغت و ۳- اعجاز قرآن در هماهنگی الفاظ و انسجام معانی.

۱- اعجاز قرآن در فصاحت: کلمه فصیح عبارت از واژه روان و مستعملی که از حسن و زیبایی مناسبی برخوردار باشد و کلام فصیح عبارت از کلام که کلمات آن علاوه بر فصاحت تناسب کامل با یکدیگر داشته باشد و از هر گونه مغلقی، تعقید مصئون باشد انسانی که دارای ذوق سلیم باشد آیات قرآنی را در اوج فصاحت و خالی از هر نوع ناسازگاری میان حروف و کلمات و منزه از هرگونه تعقید و پیچیدگی میآید، جای تعجب است که قرآن کریم احياناً برخی از کلمات را که هر کدام به تنهایی دارای نوع سنگینی میباشد به نحوی با یکدیگر ترکیب میکند، که نتیجه نهائی آن کلام خوش آهنگ و دلنشین میباشد چنانچه خداوند عز و جل در آیه ۸۵ سوره یوسف میفرماید: **قَالُوا تَأَلَّهِ تَفْتَوُا تَذَكَّرُ يَوْسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ**

تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿۸۵﴾ "گفتند: «به خدا تو آن، یاد یوسف می کردی»

تا در آستانه مرگ قرار گیری، یا هلاک گردی!» (۸۵). درین آیه واژه های

«**حَرَضًا تَفْتَوُا**» هر یک جداگانه تا حدی ثقیل اند ولی قرآن کریم این کلمات را

چنان ترکیب نموده که در نتیجه عبارتی با آهنگ روح افزا و دلنشین پدید آمده

است در بعضی از آیات نیز بعضی از حروف ثقیل در کنار هم قرار داده شده اند ولی

ترکیب نهائی کلمات آیه به نحوی است که باعث سنگینی نگردیده بلکه زیبایی آیه را

دو چند ساخته است بطور مثال: ﴿ **وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا**

قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ^ط قَالَ

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢٧﴾ " و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آنها!

بخوان: هنگامی که برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند؛ اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد؛ برادری که مرتکب مردود شده بود، به برادر دیگر گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: من چه گناه دارم؟ زیرا خدا، تنها از پرهیزگاران قبول مینماید. (۲۷). " درین آیه حرف "ق" که از حروف سنگین و ثقیل است ده بار تکرار گردیده تالیف مناسب این حرف با حروف خفیفی مثل "ب"، "ل" بروز هرگونه ثقل و سنگینی را از بین برده است. (۲۹: ص ۱۴۹)

۲- اعجاز قرآن در بلاغت: کلام بلیغ عبارت از کلامی است که علاوه بر

فصاحت با مقتضای حال مناسبتی کامل داشته باشد و متضمن مفاهیم و معانی بلند و عمیق باشد، یعنی خصوصیات مخاطب و زمینه که کلام در آن القاء میشود ایجاب مینماید، که متکلم امور خاصی را رعایت نموده، مطابق به آن کلام خویش را کوتاه و یا بلند در قالب اخبار و انشاء بطور مؤکد و یا غیر مؤکد ذکر کند، دیگر اینکه دارای معانی بلند باشد برای آنکه کلام هر قدر مطابق با مقتضای حال باشد ولی معانی شایسته و عمیق نداشته باشد بلکه متضمن معانی مبتذل باشد باز هم آن کلام سخن بلیغ نبوده و نمیتواند مبنای اعجاز باشد، بطور مثال در سوره انعام میفرماید: ﴿وَلَا

تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَقِ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾ و

فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی میدهیم (۱۵۱). و در سوره اسراء آیه ۳۱ مفهوم واحدی را به دو تعبیری مختلف بیان کرده میفرماید:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾ و فرزندانتان را

از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی میدهیم". خطاب درین دو آیه برای کسانی است که از ترس فقر و گرسنگی فرزندان خویش را از بین میبرند و در هر دو آیه بعد از نهی ازین عمل بیان میشود که خداوند روزی دهنده آنان و فرزندان شان

است، خداوند ﷻ در آیه اول از روزی دادن پدران و سپس فرزندان سخن گفته و در آیه دوم بر خلاف اول ابتدا از روزی دادن به فرزندان سپس پدران سخن گفته، خداوند ﷻ در اینجا تفنن نکرده است بلکه به یک نکته دقیقی اشاره نموده است که مخاطب اول کسانی اند که با الفعل به تنگدستی دچار اند، بمقتضای حال آنان ابتدا از روزی دادن به آنان سخن گفته بعد روزی دادن فرزندان آنان ولی مخاطب آیه دوم کسانی هستند که بالفعل فقیر و تنگدست نیستند اما ازین بیم دارند که در اثر تحمل هزینه به فرزندان در آینده به فقر و تنگدستی دچار شوند بنابراین مقتضای حال این گروه ایجاب میکند که ابتدا از روزی فرزندان شان سخن گفته شود تا بدانند که خداوند ﷻ روزی رسان شان و فرزندان شان است، لذا خداوند ﷻ در اول عبارت «مَنْ إِمْلَقِ» و در آیه دوم عبارت «خَشِيَةَ إِمْلَقِ» را ذکر کرد و همچنان قرآن کریم دارای معانی عمیق و مفاهیم بلند است که اگر به گوشه از آیات قرآن کریم نظر اندازیم زیبایی ظاهری آنرا با معانی عمیق و ژرف که همراه گشته است، میابیم. تعلیمات بسیار بلند، عمیق، عالی قرآن در زمینه شناخت خدا ﷻ و اوصاف، جمال و جلال او و حقایق خیلی ها بلند و عمیق آن دستورات اخلاقی و تربیتی و... قسمتی از آموزه های قرآنی است که تا حال بدست بشر رسیده و عمق این تعلیمات و گزاره ها به حدی است که با گذشت زمان و تکامل، رشد فکری بشر حقایق و تعلیمات جدیدی را در دسترس انسان قرار میدهد، قرآن کریم از یکسو در قسمتی از مباحث اعتقادی براهین و دلایل متقن و مستحکم ارایه کرده است این براهین در عین اینکه در غایت ائقان و استحکام است، با بیان رسا و شیوا ارایه شده است و از سوی دیگر قرآن حقایق بلند را در قالب مثل بیان کرده است و به این طریقه حقایق مذکور به مؤثرترین شیوه در قلب مخاطبان خود مستقر ساخته است بطور مثال قرآن کریم تمثیل حق و باطل را و نسبت آن دو را با یکدیگر و با مردم، در سوره رعد آیه ۱۷ میفرماید: أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ

مِثْلُهُ^ع كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ^ع فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً^ص
وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ^ع كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

❶ از آسمان آبی فرود آورد آنگاه رودهای به اندازه گنجایش خویش روان شد، آنگاه سیلی کف بلند بر روی خود آورد و از آنچه برای جستن زیوری یا کالای درآتش میگزاردند و نیز کفی مانند آن (کف آب برمی آورد) این چنین خداﷻ به حق و باطل را مثل میزند اما کف (آب) به کنار رفته و نیست میشود و آنچه مردم را سود میرساند (آلات و فلزات) در زمین میماند اینگونه خداﷻ مثال ها میزند". درین آیه رابطه حق و باطل و جایگاه آن دو در نظام تکوین و تشریح در قالب مثل بسیار زیبا بیان شده است حق مانند آب زلالی باران است که بعد از نازل شدن در بحرهای جاری میشود و باطل مانند کف است که بروی آب جاری و یا فلزات که به هدف استخراج ظروف و اثاثیه قیمتی حرارت داده میشود ظاهر میگردد و حق مانند آب زلال پایدار و ثابت است ولی باطل به مثابه کف که عمر بسیار کوتاه دارد و بعد از آرام شدن آب و سرد شدن مواد مذاب اثری از آن باقی نمی ماند و امری زوال پذیر است. (۲۹: ص ۱۵۰)

۳- اعجاز در هماهنگی الفاظ و انسجام معانی: یکی از بخش های اساسی اعجاز ادبی و بیانی قرآن انسجام میان اجزائی آن است به نحویکه مانند آن در هیچ کلام دیگر پیدانمیشود، اگر به آیات قرآن دیده شود این امر درک خواهد شد که حتماً میان کلمات موجود در یکی از آیات به بهترین وجه ممکن مراعات گردیده است، این انسجام هم دارای بُعد لفظی است و هم از بُعد معنوی برخوردار است. الفاظ در قرآن به نحوی در پهلوی یکدیگر قرار گرفته است که خواندن آنها نغمه دلنشین ایجاد میکند و معانی هم نیز چنان با یکدیگر هماهنگ اند که در کنار هم روح واحدی را در کالبد الفاظ میدمند و تصویری دل انگیزی را در برابر چشم ترسیم میکنند قرآن به اعتبار این خصوصیت است که خود را چنین تعریف نموده که در

سوره زمر آیه ۲۳ میفرماید: اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيًا

تَقَشَعِرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ

ذِكْرِ اللَّهِ ﴿٢٣﴾ " خدا ﷻ نیکوترین سخن (قرآن) را فرو فرستاد کتابی مانند

یکدیگر دودو [مشمتمل برمکررات] که [از خواندن و شنیدن] آن پوست کسانیکه از پروردگار خویش میترسند بلرزد و منقبض شود، و سپس پوستها و دلها ی شان به یاد خدا ﷻ [و رحمت او] آرام و نرم گردد اینست رهنمونی خدا ﷻ". باید گفت که هماهنگی و انسجام مورد بحث به هماهنگی درونی الفاظ و انسجام درونی معانی منحصر نمیشود بلکه هماهنگی عجیبی نیز میان الفاظ و معانی وجود دارد، بطور مثال آیاتیکه عذاب خداوندی را بیان میکند لحن درشت دارد، در مقابل آیاتیکه بیان کننده رحمت الهی اند از آهنگ نرم برخوردار است، بطور نمونه سوره الحاقه آیتهای

۱-۱۰: الْحَاقَّةُ ﴿١﴾ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾ كَذَّبَتْ

ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾ وَأَمَّا

عَادٌ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ

وَتَمْنِيَةً أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازٌ مُخْلِ خَاوِيَةٍ

﴿٧﴾ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ

وَالْمُؤْتَفِكْتُ بِالْخَاطِئَةِ ﴿٩﴾ فَعَصُوا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَاخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً

﴿١٠﴾ " (روز رستاخیز) روزی است که مسلماً واقع می شود ؛ (۱) چه روز واقع شدنی!

(۲) و چه چیز ترا آگاه ساخت از آن روز واقع شدنی چیست؟! (۳) قوم «ثمود» و

«عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند)! (۴) اما قوم

«ثمود» پس هلاک کرده شدند به آفت از حدگذرنده! (۵) و اما قوم «عاد» با تندبادی طغیان، و سرزمین و پرصدا به هلاکتشان رسیدند، (۶) (خداوند ﷻ) این تند باد بنیان کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها! مسلط ساخت؟» پس میبینی آن قوم را در آن مرده افتادگان گویا ایشان تنه های درختان خرماي کاواک اند! (۷) آیا کسی از آنها! را میبینی که باقی مانده باشد؟ (۸) و فرعون و کسانی که پیشاپیش از او بودند و هم اهل شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) مرتکب گناهان بزرگ شدند، (۹) و با فرستاده پروردگارش مخالفت کردند؛ و خداوند ﷻ (نیز) آنها! را به عذاب شدیدی گرفتار ساخت؛ (۱۰) "که درین آیات کلمات «الْحَاقَّةُ أَحْذَةُ رَابِيَةً» با الحان شدیدی بیان شده است و در مقابل در سوره والضحی آیه ۱-۱۱ که بیان رحمت پروردگار است کلمات از نرمی لازم برخوردار بوده، این ملایمت و نرمی را در آیات ذیل ملاحظه فرمائید: وَالضُّحَى ﴿١﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ﴿٣﴾ وَاللَّآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى ﴿٤﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ﴿٥﴾ أَلَمْ تَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ﴿٨﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾ " قسم به روز در آن هنگام که آفتاب برآید (و همواره) جا را فراگیرد، (۱) و سوگندها به شب در آن هنگام که آرام گیرد، (۲) که خداوند ﷻ هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است! (۳) و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است! (۴) و بزودی پروردگارت آن، به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی! (۵) آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! (۶) و تو را گمراه شده یافت و هدایت کرد، (۷) و تو را فقیر یافت و توانگر نمود، (۸) حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن، (۹) و سائل را از خود مران، (۱۰) و نعمتها پروردگارت را بازگو کن! (۱۱) " (۲۹: ص ۱۵۳)

ماهیت عالی قافیه در قرآن:

قرآن بخاطری غیر قابل تقلید است، با آنکه عربی میباشد هیچ یک از شیوه های مروج بیان عربی در آن بکار برده نشده است، قافیه در قرآن طوری بکار رفته که بنام نثر قافیه دار نامیده شده است و طرز بکار بردن آن منحیث یکی از معجزات آن توسط زبان شناسان قلمداد شده است پروفیسور عادل عباس یک دانشمند مشهور ساینس در انگلستان مطالعاتی زیاد بالای حروف و قافیه های قرآن انجام داده، او حقایق شگفت آوری در مورد قافیه های قرآن در کتاب خود که بنام معجزات سائنس ذکر کرده است، طوریکه میدانیم ۲۵ سوره قرآن با حروف مقطعات و یا حروف آغازی شده است این چهارده حرف عبارتند از: الف، ص، ط، ح، ی، س، ق، ل، م، ک، ع، ن، ر، ه. ازین جمله اگر در مورد حرف "ن" مطالعه کنیم در سوره قلم ۸۸.۸٪ آیات و در سوره شعراء ۸۴.۶٪ آیات و در سوره نمل ۹۰.۳۲٪ آیات و در سوره قصص ۹۲.۵٪ آیات، با "ن" قافیه بندی شده اند، مجموعاً در قرآن ۵۰.۵۸٪ آیات با حرف "ن" قافیه بندی شده است بیشتر از نصف، در هیچ زبان دنیا و هیچ کتاب این امکان وجود نداشته که بیشتر از نصف همچو کتاب با این همه بیان طویل صرف توسط یک حرف قافیه بندی شده باشد، اگر مجموع قرآن را مطالعه کنیم میبینیم که ۸۰٪ آن صرف توسط سه آواز: الف، م، ن. که متشکل از حروف: الف، م، ن، ی است تشکیل شده است اگر "ن" کشیده شود ۳۰٪ آیات به حروف: الف، و، ی. قافیه بندی شده است.

جدول ذیل تناسب قافیه بندی توسط حروف چهارگانه فوق الذکر

حرف	الف	ی	م	ن	
آواز	الف	الف	م	ن	
تعداد آیات	۹۴۹	۲۴۶	۶۶۶	۳۱۳۲	۴۹۸۴
تناسب فیصدی	٪ ۱۰.۲۲	٪ ۳.۹۴	٪ ۱۰.۶۸	٪ ۵۳.۵۰	٪ ۹۲.۷۹

(۳۲: ص ۱۶۴)

ساختن نثر طویل قافیه دار در حدود دو سه هزار سطر که صرف باچند آواز محدود قافیه شده باشد نشاندهنده کیفیت عالی آن بوده سرآمد شاهکارهای ادبی دنیا شناخته میشود قرآن در حقیقت بحر از معانی و معلومات در موارد مختلف که متشکل بر دینیات، اخلاقیات، عبرت از گذشتگان، پیامهای پیامبران الله ﷺ، ساینس، تاریخ، ادبیات و غیره بوده بآنکه همه فوق العاده بوده اند در بیان شیوا و نفیس و قافیه دار گرد آمده پس جای تعجب نیست که زبان شناسان لسان عربی قرآن را غیر قابل تقلید خوانده اند.

فاش گویم آنچه در دل مضمّن است این کتاب نیست چیزی دیگر است

اعترافات دانشمندان بیگانه:

درین زمان نه تنها اهل اسلام بلکه مخالفین اسلام یعنی اهل غرب و اروپا هم قانون قرآن را یک قانون بی مثال تسلیم کرده اند ولی پس از گذشت چهارده قرن بر قانون قرآن و معقولیت و جامعیت آن مورد اعتراف آنان قرار گرفته است.

۱- داکتر سمویل مینویسد: که مطالب قرآن چنان عالم گیر و همگانی است با هر زمان موافق و مناسب است که تمام صداها طوعاً و کرهاً آن را قبول میکند و صداها در محله ها، ریگستان ها، شهرها و مملکت ها می پیچد.

۲- مسترولف مینویسد: که جمهوریت وسیع، رشد و هدایت، انصاف و عدالت، نظم و لشکری، مالیات و حمایت غریبان و آئین عالی ترقی در قرآن است.

۳- داکتر موریس فرانسوی مینویسد: عنایات قدرت که به انسان کتابهای اعطاء فرموده است که از همه آن کتابها قرآن افضل است.

۴- سردامند برگ مینویسد: که قوانین قرآن شامل حال شخص تاجدار تا فرد ادنی است و این کتاب اینقدر معقول است که نظیر ندارد.

۵- اوندل مینویسد: قرآن آن اصول را تقدیم داشته که اکتشافات جدید به آن ترقی و پیشرفت خودش نتوانست آن را شکست دهد.

ازین بیانات خود تان مقایسه کنید که آیا کتاب به این اوصاف ممکن است نتیجه فکر انسانی باشد؟. بلکه این کتاب از سرچشمه علم نامحدود خالق هستی پدید آمده

است که او عالم به حوایج و نیاز تمام ملل و ازمنه میباشد و همه این مطالب را درین کتاب جای داده است. (۳:ص ۵۶)

آن کتاب زنده قرآن حکیم	حکمت اولایزال است وقدم
حرف اورا ریب نی تبدیل نی	معنی اش شرمنده تأویل نی
نسخه تکوین اسرار و حیات	بی ثبات از قوتش گیرد ثبات
صدجهان تازه درآیات او	عصرهایپیچیده درآفات او
نوع انسان راپیام آخرین	حامل او رحمت للعلمین

اعجاز تشریحی و قانونی قرآن:

بدون شک انسان یک موجود اجتماعی، مدنی است و زندگی در اجتماع برای انسان ایجاب ایجاد یک رشته داد و ستدها و اقتضای بمیان آمدن یک سلسله روابط در میان افراد را مینماید، بخاطر انسان خود را دوست میدارد و همه چیز را برای خود میخواهد، یک سلسله منازعات و حق تلفی ها بوجود میآید اینجاست که در جامعه به یک سلسله قوانین و مقررات ضرورت احساس میشود که در روشنائی آن آزادی های مطلق و بدون قید انسانها کنترل شده، قسط و عدالت تأمین شود، طوریکه موجودیت جامعه برای انسان ضرور است نیز موجودیت قانون امر لازمی است، قوانین و مقرراتی که در جامعه وجود دارد بدو شکل میباشد:

اول: قوانین و مقرراتی که مصدر آن بشر میباشد.

دوم: قوانین و اصولیکه مصدر آن خالق بشر میباشد.

مطالعات، بررسی ها، تحقیقات نظری از جانب افراد با وجدان و با انصاف، تجارب علمی دانشمندان میان قوانین مکاتب و نظامهای متفاوت موجود در جهان همگی اثبات نموده اند که احکام و قوانین برگرفته از قرآن کریم بهترین و استوارترین قوانین در تأمین سعادت و سلامت بشری و امنیت و ضمانت حقوق آنان میباشد، نمونه آشکار این احکام و قوانین را در زمینه های حلال و حرام، معاملات، اصول و ضوابط زیربنائی حقوق فرد و اجتماع پایه ها و قواعد، عدل و دادگری، شیوه ها، مکاتب و راهکارهای

اخلاق فردی میابیم که در تمام اوضاع و احوال بشری قابل تطبیق و اجراء است، هر چند تحقیقات بیشتر صورت گیرد بیشتر به اثبات این حقیقت افزوده میشود.

افراد مجرب و کار آزموده، قانوندان با انواع تشکیلات، سازمانها و فنون تکنالوجی قوانین، برای تضمین سعادت، خیر، صلاح و امنیت جوامع بشری برنامه ریزی و آزموده اند و سپس ملاحظه کرده اند که مصلحت عامه مردم و تضمین سعادت و امنیت شان اقتضاء تعدیل و اصلاحات در قانونگذاری های مذکور را مینماید قانونگذاران، حقوقدانان خبره نظامهای بشری همچنان مشغول تعدیل و اصلاح قوانین وضعی گذشته اند که ناتوانی آنها از تحقق نتیجه مطلوب در تأمین سعادت و مصالح عامه مردم به اثبات رسیده است، بنابراین اعجاز تشریحی در قرآن کریم یکی از جلوه های معجزه بودن قرآن در دلالت بر وجود پروردگار که خالق حکیم و ستوده تمام هستی است. ناتوانی بشر از وضع قوانین استوار ناشی از ناتوانی ایشان در احاطه و اطلاع بر واقعیت های درونی و ساختارهای فیزیکی انسانها نیازمندیها و پاسخگوئیهای متناسب بآنها میباشد. چنین عجز و ناتوانی موجود میان عموم بشریت قویترین دلیل برین حقیقت است که تشریح و قانونگذاری پاینده تر و برتری که در قرآن وجود دارد ساخته و پرداخته بشر نبوده بلکه از جانب پروردگار جهانیان نازل گردیده است. (۲۷: ص ۳۶۹)

بناءً الله ﷻ که ایجاد کننده و صانع بشریت است طبائع، کویف حال و آینده آنرا با تمام شرایط آن دانسته شرایع و قوانین خویش را وضع نموده که با همه اعصار و جوامع و غرایز فطری بشر سازگار است، چرا که بوجود آورنده صانع هر چیز بحال و آینده مصنوع خویش آگاهی دارد بطور مثال مخترع و سازنده یک وسیله و یا ماشین که در فابریکه اش ساخته میشود تمام کیفیت، توان کاری، دوام و مصرف انرژی و طریقه استفاده آنرا میداند، بناءً دیده میشود که سازنده هر وسیله برای رهنمائی و استفاده درست مشتریان در آینده برای هر وسیله جداگانه کتابچه رهنما ترتیب اگر مشتریان و مصرف کنندگان از رهنمائی آن درست پیروی و استفاده نمایند وسیله مذکور کار وظیفه خویش را تا وقت گرانتی شده درست انجام خواهد داد، اگر استفاده کننده گان بدون دانستن به طریقه خویش خارج از توان وسیله استفاده نادرست بعمل آورند نتیجه برعکس خواهد گردید، بناءً الله ﷻ که سازنده و بوجود آورنده بشر و سایر

کاینات است برای مصنوعات خویش دانسته قوانین طرح و ایجاد نموده که با پیروی از آن سعادت دارین تضمین و همین موضوع است که هر چند علم و معارف پیشرفت بیشتر نموده روز بروز حقایق واضح تر و روشن تر میگردد، که قوانین و شرایع خداوند ﷻ امتیازی برتری خاصی خود را دارد، بشر بسیار قوانین ساخته که بظاهر به نظرش جلوه خوب داشته اما عواقب ناشایسته و ضررهای ناشی از آنها را درک نکرده، بطورمثال برای جواز ربا و زنا با رضایت طرفین و لواطه را قانونی بسازد چنانچه چنین قانون در بعضی از قسمت های اروپا و غرب موجود است، البته در چنین قانون تمایلات شخصی مد نظر بوده اما ضررهای اخلاقی و اجتماعی چنین قانونی کاملاً روشن است که اصلاً در قانون مد نظر گرفته نشده است، در ربا زیان نتایج عمیق آن یعنی حرص مال، فقدان همدردی و مواسات و در زنا و لواطه ضرر و زیان در عضو و خلل در صحت جسمی و ضعف عملی مدنظر گرفته نشده علاوه برآن عذاب آخرت که بدترین نتایج اعمال زشت فوق است که مورد توجه قرار داده نشده که ضمن این مثال، مثال های متعدد و فراوانی موجود است در هر امر و نهی خالق بوجود آورنده همه حکمت ها وجود دارد که قابل تدبیر، تفکر، تعقل و تعلم است که بدانیم حکم و قانون الله ﷻ است، که بوجود آورنده سعادت برای بشریت است. **إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ** " یعنی تدوین قانون مخصوص ذات ایزد متعال است " و آن قانون خداوندی عبارت از وحی الهی واحکام ربانی با قرآن مجید است. بنابراین ضرورت لزوم قرآن برای نوع بشر ثابت شد و حکم فرمائی قانون انسانی در واقع حکم فرمای قانون جاهلیت است به گفته دانشمندی سپردن انسان به قانون بشر جنایت به بشر است چنانچه الله ﷻ در سوره مائده آیه ۴۹ میفرماید: **وَأَنَّ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَحْذَرَهُمْ أُنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ** ﴿۵۱﴾ و در می گفت: آنها! (اهل کتاب)، طبق آن دلیل که خداوند ﷻ نازل کرده داوری کن! و از هوسبازی

آنان، پیروی مکن! و از آنها! برحذر باش، مبدا تو را از بعض احکامی که خدا ﷻ بر تو نازل کرده منحرف سازند؛ و اگر آنها! (از حکم و داوری تو)، روی گردانند، بدان که خداوند ﷻ می ترساند آنان، را بخاطر پاره‌ای از گناهانشان مجازات کند؛ و بسیاری از مردم فاسقند. (۴۹)." (۳: ۲۳)

و اقبال رحمة الله درینمورد چه زیبا فرموده است:

غیر حق چون ناهی آمر شود زور او بر ناتوان قاهر شود
زیر گردون قاهری از آمری است آمری از ما سوی الله کافری است

خواننده گرانقدر در این سطور دقیق غور نمائید به همه حقایق در همه امور بر تری های اسلام عزیز را جستجو و درک نموده حکمت های اوامر و نواهی الله ﷻ و قوانین تغیر نا پذیر و همیشه جاوید که دربر گیرنده سعادت دارین بشریت است با قوانین ساخته شده بشری که در هر زمان و شرایط نخبگان، دانشمندان، حقوق دانان، با تمام وسایل و توان بشری بواسطه رفع مشکل مورد نظر قانون میسازند ولی در حین اجراء نواقصات و کمی کاستی های آن هویدا گردیده و یا بعضاً برای مدت کوتاه به تجدید نظر و یا الغای آن ضرورت می افتد.

چنانچه ما و شما در قوانین نافذ کشور خویش کمی ها و کاستی های فراوان را مشاهده میکنیم بطور مثال در ساختن قانون اساسی کشور توجه اعظمی به آن صورت گرفت، تقریباً نظریات همه افراد جامعه "کشور" در آن سهیم گردید و هم از قوانین اساسی سایر کشورها و نظرات دانشمندان و حقوقدانان شان استفاده گردید. اعضای کمیسیون قانون اساسی هم از نخبگان، دانشمندان کشور تشکیل گردید، بعد از زحمات زیاد و مصارف فراوان دو سال بالآخره توسط لویه جرگه قانون اساسی تصویب و توسط رئیس جمهور توشیح گردید، اما در وقت تطبیق در مراحل اول به مشکلات و کمی و کاستی های مواجه گردید، اگر خوبی های در آن وجود دارد مأخذ آن از قانون اسلام است و از جمله دیگر قوانین بطور نمونه قانون و ظایف و دستورالعمل اعضای پارلمان که در انتخابات رئیس و اعضای پارلمان نسبت به کمبودی و گنگیهای که داشت باعث مشکلات و جنجالهای فراوان گردید وقوع همچو مشکلات در قوانین سایر کشورهای جهان نیز موجود است. پس میتوان با ایمان و عقیده کامل و درست ازین

قانون اساسی بزرگ و بی مثال یعنی «قرآن و سنت صحیح» که برای نجات و رهنمائی بشریت از جانب الله متعال توسط بهترین ملک برای بهترین عالم بشریت حضرت محمد ﷺ نازل گردید و هیچگونه کمی و کاستی تا هنوز از آن دیده نشده و نخواهد شد که با پیروی درست و کامل از آن سعادت و نیکبختی دارین تضمین شده است، خط مشی خویش قرار داده و نتیجه مطلوب بدست آوریم با تدبیر، تعقل، تفکر و تعلم در آن نه تنها شاخه های قوانین عقیدتی، تعبدی و فقهی دریافت نمود بلکه از روی دستورات علمی و رهنمائی کامل این «قانون اساسی بزرگ» صدها قوانین عمده و فرعی در همه امور، علوم و عرصه ها تهیه و پیروی نموده و سعادت و نیکبختی دارین را نصیب گردیم که انشاء الله روزی خواهد رسید که با پیشرفت بیشتر علوم و تکنالوجی حقایق و رازهای بیشتر علمی و قانونی قرآن برملا و ضمیر بشریت ناتوان را از برکت علم و دانش خداوند ﷻ روشنتر و به فهم و درک حقایق قرآن آشنا گرداند، انشاء الله.

علوم و معارف جدید بشر در راستای اعجاز علمی قرآن چه میگوید؟

پزشک فرانسوی داکتر موریس بوکای در کتاب خویش زیر عنوان تحقیق و بررسی در پرتو علوم و معارف جدید نوشته و در آن اثبات نموده که قرآن کریم برقم فراوانی و گستردگی موضوعاتش پیرامون پدیده های طبیعی مقوله در آن یافت نمیشود که از دیدگاه و نظر علمی در عصر جدید قابل نفی و انتقاد باشد برخلاف کتابهای دیگر عهد قدیم انجیل ها که برغم کمی موضوعات شان پیرامون پدیده های طبعی در بسیاری موارد با حقیقتهای اثبات شده علمی در ضدیت و تعارض میباشند، این حقیقت واضح بر وجود تحریف و دگرگونی برکتبهای مذکور دلالت نموده بیانگر ساختگی بودن نصوص و متون آنها توسط انسانها است که وحی خداوند ﷻ و پیام نازل شده از جانب وی نمی باشد.

دلیل نیرومند بر حقانیت که کلام قرآن تنها کتاب آسمانی و نص دینی میباشد که در سراسر جامعه بشری وجود حقیقی دارد چرا که سالم و دست نخورده و محفوظ از هرگونه تحریف و تغییر یا کاستی و زیادتی باقیمانده است که از جانب خدا ﷻ وحی

شده هیچگونه تغییر و دگرگونی در آن رخ نداده با حقیقت اثبات شده علمی که تا عصر جدید و نهضت های علمی معاصر خبری از آنها نبوده هیچکس در زمان نزول قرآن از وجود شان علم و آگاهی نداشته به نوبه خود یکی از معجزات بی نظیر قرآن است و بدنبال آن برحقیقت وجود پروردگار و رسالت حقیقی و صادقانه حضرت محمد دلالت مینماید، در مقدمه کتاب خویش "مورس بوکای" میگوید: ابتدا بدون هیچ شناخت ذهنی و یا پیشه فکری به بحث و بررسی در مورد قرآن پرداخته موضوعیت تام و کلی را در مورد تحقیق و تفحص قرار دادم هدفم ازین کار یافتن نقاط مشترک نصوص قرآنی با یافته ها و دست آوردهای علم جدید و هم خوانی و تناسب داشته باشد قبل از تحقیقات از طریق ترجمه های متعدد قرآنی درین مسئله میدانستم که قرآن به بسیاری از پدیده های اشاره نموده و از وجود شان خبر داده اما شناخت من درین باره اندک بود، سرانجام به لطف تحقیقات و بررسی هائیکه در متون و نصوص عربی بعمل آوردم نتوانستم فهرست مرتب آماده نمایم پس از آن دانستم و دریافتم که هیچ مقوله در قرآن یافت نمیشود که از نقطه نظر علوم در عصر جدید قابل نقص و یا انتقاد باشد، در مورد موضوعیت قرآن نیز شروع به تحقیق و تفحص نموده ضمن جستجو و بررسی انجیل ها و کتابهای عهد قدیم میان آنها به مقایسه پرداختم و در مورد کتابهای قدیم به این نتیجه رسیدم که لزوم ندارد غیر از کتاب اول یعنی "سفر تکوین" به بررسی دیگر کتابها به پردازم زیرا مقوله های بسیار ی در آنها یافتم که با بیشتر دست آوردهای علوم جدید بشری در عصر کنونی همخوانی و تناسب نداشتند، در روابط به انجیل ها کافی است صفحه اول شان را باز نمائیم به محض اولین نگاه به مشکل بسیار بزرگ و اساسی روبرو میشویم که در آن شجره و نسبهای حضرت مسیح میباشد، قضیه ازین قرار است که متن انجیل لوقا "با انجیل متی" بگونه روشن و آشکار تناقض و مخالفت دارد، هر کدام چیزی را بازگو میکند که هیچگونه تطابق و همخوانی با علوم و معارف جدید بشری در خصوص قدامت و پیشینهء تاریخی زندگی انسان در روی کره زمین ندارد بیگمان وجود چنین امور متناقض و مخالف با واقعیت های باور نکردنی به امور دیگر از قبیل که با علم و دانش بشری هیچگونه سخنیتی ندارد در تضعیف و سستی ایمان به خدا خیلی موثر است. روشن است که مسئولیت آن به

عهدہ انسانها است هیچکس نمیتواند اثبات کند کدام بخش از نصوص و متون موجود در انجیل ها اصل و حقیقی است و کدام ساخته هوا و هوس و خیالات پوچ انسانی است، کسی نمیتواند که چه اندازه ازین نصوص دستخوش تحریف، دگرگونی از جانب نویسندگان چنین متن های دروغین میباشد، و تو چقدر با عظمتی! " . (۲۷: ص ۳۸۷)

فصل دوازدهم (اسلام دین علم تفکر و حجت)

اسلام دین علم است:

چنین گفت پیغمبر راستگوی زگهواره تا گور دانش بجوی
 واقعاً اسلام یگانه دینی مبارکیست که نسبت به سایر ادیان، مذاهب و گروه ها به
 ارزش و اهمیت علم توجه و تأکید بیشتر نموده، پیروان خویش را جداً امر به تعلیم و
 آموختن علم نموده است، در قرآن و سنت رسول الله ﷺ شواهد و نمونه های زیادی
 دالّ بر فضیلت علم و علم آموزی وجود دارد، چنانچه در سوره مجادله آیه ۱۱
 میفرماید: **يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ** ﴿۱۱﴾
 "خداوند ﷻ کسانی را که ایمان آورده اند؛ و کسانی را که علم به آنان، داده شده به
 درجات عظیمی مفتخر گردانیده است". ابن عباس در تفسیر این آیه گفته علمای
 (عاملین) نسبت به سایر مؤمنان (عامی) هفتصد درجه فرق دارند". همچنین در سوره
 زمر آیه ۹ میفرماید: **قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ** ﴿۹﴾
 بگو: «آیا برابر اند کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند»". در سوره فاطر آیه ۲۸
 میفرماید: **إِنَّمَا تَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ** ﴿۲۸﴾ "از بندگان خدا تنها
 دانشوران از او میترسد".

همچنین در سوره عنکبوت آیه ۴۳ میفرماید: **وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا**
لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعُلَمَاءُ ﴿۴۳﴾ "اینچنین مثالهایی است که ما برای
 مردم می رسانیم و جز عاقلان [دانا یان] آن را درک نمی کنند؟!". و در سوره اقرأ آیه
 های ۲، ۱ و ۳ میفرماید: **أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ**

عَلَقٌ ﴿٢﴾ اَقْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ

مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ "بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد! بخوان که پروردگارت (همواره، بزرگواری است؛ آنکه بوسیله قلم و کتاب و انسان را) آموزش داد، و به انسان چیزی را که نمی‌دانست، یاد داد!"

هم در سوره روم آیه ۲۲ میفرماید: وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَاخْتَلَفُ الْأَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ الْإِنْفِ فِي ذَلِكَ لَا يَتْلُو الْعِلْمِينَ ﴿٢٢﴾ "و از آیات

او آفرینش آسمان، و زمین و تفاوت زبانها و رنگهای شماست؛ در این نشانه‌هایی است برای عالمان!" و احادیث گرانبهای زیادی از رسول الله وارد است که راجع به فضیلت و آموختن علم سفارش نموده اند. اسلام مسئله علم را در یک عمیق اندیشی قابل پژوهش و یک فلسفه دقیق همه جانبه بررسی میکند و بشر را در میان دو حقیقت طبیعی و ماوراء طبیعی قرار میدهد، حقیقت ماوراء طبیعی همان مبداء یگانه هستی هست که به مشیت او انسان و جهان پدید آمده است و انسان باید از مسیر طبیعت به حقیقت خالق طبیعت پی ببرد و آنرا بشناسد و از آن سرچشمه فیاض مطلق مدد بگیرد و پیوند خود را باچنان منشاء مقدس استوار سازد و میزان توان فکری و عرفانش به مبداء هستی علم پیدا کند و از طرف دیگر جهان را باید بشناسد با طبیعت و پدیده‌ها نیروهای آن علم پیدا کند و از همه مزایای آفرینش که برای او آفریده شده است استفاده کند و در پرتو علم عمیق و اصیل و کشف و بررسی و تلاش همیشگی بدانش گسترده و پرتوان راه یابد و این جاست که در اسلام؛ دانشجو مقام ارجمند میابد و فرشتگان بالهای خود را بر او می‌گسترانند و نام دانشمند در ردیف نام خدا ﷻ قرار میگیرد.

پیامبر اسلام در مورد کسب دانش تا آنجا پیروان خویش را برمی‌انگیزد که میفرماید اگر یک ساعت از عمر شما باقی مانده است همانرا در تحصیل علم و دانش بگذرانید و نتیجه این اهتمام و انگیزش به آنجا میرسد که ابوریحان البیرونی دانشمند

بزرگ اسلام تا واپسین دم حیات از بحث علمی برکنار نمیماند و در همان حال جان میسپارد و نتایج ارزنده ای بررسی های علمی اش برای آیندگان باقی میگذارد ، چنانچه دو نظریه و محاسبه او پس از گذشت قرنهای باقی میماند: یکی اندازه گیری دقیق او از محور زمین است که با نداشتن وسایل لازم بحساب آورده و امروز با وجود گسترش علم و کشف ابزارهای دقیق هندسی و محاسباتی، همان اندازه گیری ابوریحان به اصالت خود باقی است و دیگر آنکه میگوید که مرتفع ترین نقاط امروز زمین ژرف ترین نقطه های پیشین بوده است، امروز بر فراز بلند ترین کوه های زمین فسیل ماهی ها و حیوانات دریائی کشف میشود.

اسلام انسان را چون موجود غریب در کویر آفرینش تنها نمیگذارد بلکه او را به هستی پیوند میدهد و میگوید: "سقف آسمان را برای تو برافراشتیم و ستاره گان را به خدمت گری تو به چشمک زدن وا داشتیم و زمین را زیر پایت گستردیم و ابرها و بادها را به خدمتت گماشتیم تا آنها را بشناسی و از آنها نترسی و همگی را استخدام کنی و از نیروها و پدیده های هستی استفاده ببری". چنانچه در سوره فاطر آیه های

۲۸،۲۷ میفرماید: **أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ**

مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا ۚ وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ

سُودٌ ۗ وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ ۚ كَذَلِكَ

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ۝۱۷ آیا ندیدی

خداوند ﷻ از آسمان آب فرو فرستاد که بوسیله آن میوه های رنگارنگ (از زمین) خارج ساختیم- و از کوه ها راه های به رنگهای گوناگون سفید و سرخ و سخت سیاه است. و از انسان، و جنبنندگان و چهارپایان انواعی با رنگهای مختلف، (آری) حقیقت چنین است: که میفرماید: بندگان خدا، تنها دانشمندان از او میترسند همانا خداوند ﷻ پیرومند و آمرزنده است! ". منظور این است که انسان باید طبیعت را با همه عوامل و مظاهرش بشناسد و زندگی خود را با نظام آفرینش وفق دهد، تا پیروز و بهروز باشد.

اگر حرکتش بر خلاف نظام هستی که همان اراده خداوند ﷻ است انجام پذیرد، بد بخت و نابود میشود و تنها دانشمندان اند که نظام هستی و اراده الهی را درک میکنند و باز میفرماید: **قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْأَرْضَ**. و در جای دیگر «**كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ**»: یعنی در روی زمین به منظور شناخت زمین و پیدایش آن موجوداتی که بر دامانش پدیدآمده اند حرکت کنید و به چگونگی پیدایش و خواص آنها پی ببرید". زمین شناس، معدن شناس، گیاه شناس و جانور شناس باشید و ازین همه پدیده های خلقت بهره برید و در سایه دانش و بررسی برای خود زندگانی بهتری را تأمین کنید و به این همه اکتفاء نکنید، رصد خانه بسازید و از پشت تلسکوپ ها کرات آسمانی را ببینید و بشناسید و اشعه آنها را تجزیه کنید (**قُلْ انظُرُوا مَا فِي السَّمَوَاتِ**) "نگاه کنید و ببینید که در آسمانها چیست؟". و باز در سوره رعد آیه ۳ میفرماید:

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رَوَاجِينَ أُنثِينَ يُغَشِّي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

﴿۳﴾ " و او کسی است که زمین را گسترده و در آن کوه ها و رود ها قرار داد؛ و در آن از تمام میوه ها دو گونه آفرید؛ شب را بر روز میپوشاند، در اینچنین آیاتی است برای گروه هایی که تفکر میکنند".

باز هم دعوت به علم و اندیشه است تا انسان به ساده گی به طبیعت نگاه نکند بلکه ژرف نگر و جوینده و عالم محقق باشد و همین امتیازات است که بشر را نسبت به دیگر موجودات برتری بخشیده قرآن طبیعت را کتاب میداند و پدیده های طبیعی را آیات میخواند و ما را به نظر کردن به آیات هستی بر می انگیزد و میگوید با حسن باید به فکر و دریافت و تجربه همراه باشد و درین باره در آیه ۳۶ سوره بنی اسرائیل میفرماید: **وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ**

أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿۱۸﴾ " و از پی به آنچه آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا

ماده، زندگی، جنگ خشم، شهوت و آسایش، سقوط علم از استوای حقیقت سراسیمه حیوانی است که چنین علم خودش یکنوع جهل است. ما امروز بیشتر از علم به حکمت نیازمندیم زیرا علم مستخدم و ابزار حکمت است و حکمت یعنی آگاهی بحقایق هستی و اینکه انسان بداند چگونه زیست کند و چگونه به کمال برسد و از ناگواریهایی زندگی حیوانی و مادی رهائی یابد. (ص ۵۴-۵۷)

علم همراه با اندیشه:

شناخت پدیده های جهان باید همراه با فکر و استدلال و تحقیق باشد مسایل علمی را باید با دلایل منطقی ثابت کرد زیرا معرفت های که تقسیم بندی شده شامل بخشهای حسی، سطحی، علمی و فلسفی است. دانش های حسی و سطحی نمیتواند قابل اعتماد و اطمینان باشد، بهمین جهت بسیاری از علوم را میبینیم که بزودی نقص و رد میشود و نمیتواند در برابر تطورات فکری و استدلالی دوام بیاورد بهمین جهت مسئله برهان در قرآن کریم مقام والائی دارد و قرآن کریم میفرماید: قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین " یعنی اگر راست میگوئید برای اثبات گفتار تان دلیل و برهان بیاورید". پس علم باید در همه ابعادش متکی به اندیشه باشد مخصوصاً تبلیغ و هدایت انسان و اداره امور زندگی، مبانی اخلاقی، سیاسی، علوم اقتصادی، حقوقی، تعلیم و تربیت، ادب و فرهنگ، هنر و مسایل زیستی و مبانی، علوم فیزیکی، ریاضی، شیمی و طبیعی باید بر بنیان فکر و استدلال و اثبات قوام یابد و ادعای نظری صرف نباشد و جامعه انسانی عادت کند که موتور مغز و اندیشه ای خود را به حرکت درآورد و بدون برهان [دلیل] چیزی را نپذیرد. البته اندیشه و تفکر سالم و راستی [نه بیمار و دروغین] به همین جهت است که می بینیم اسلام دینی تفکر و تدبر است. قرآن کتابی اندیشه و برهان و علوم انسانی، قویترین پایگاه را در زمینه تمدن بشری پدید آورده، هم از منشأ فکر تغذیه میکرده بهمین جهت اصیل و پایدار باقی مانده است. ۱ (ص ۵۸)

قرآن بحر علوم است:

جَمِيعِ الْعِلْمِ فِي الْقُرْآنِ لَكِنْ تَقَاصَرَ عَنْهُ الْفَهَامِ الرَّجَالِ

در قرآن مجید در مورد کلام و علم لایتناهی و لامحدود خویش [قرآنکریم] در آیه (۱۰۹) سوره کهف میفرماید: قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ

الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿۱۰۹﴾ "بگو: «اگر بحر

سیاهی «رنگ قلم» برای نوشتن سخنان پروردگار من گردد هرآئینه فانی شود بحر پیش از آنکه ختم شود کلمات پروردگار من اگر چه بیایم بمانند بحر «رنگ»".

شود خون خامه اگر آب رود به پایان نیاید نوشتش درود

سپاس ستایش و رادرخواست که او خسرو و یاور و داوواست

سخنان علم و حکمت پروردگار بیحد و حساب است، سخنانیکه مطابق ظرف و استعداد و حسب ضرورت شما گفته شده از معلومات و علم حق تعالی مانند یک قطره از بحر نیست، ازین مثال باید دانست که بذریعه قرآن هر قدر معلومات وسیع در موضوعات مختلف به بزرگترین مقدار بیان شده و هر چند تا بحال به توان و قدرت علم بشر واضح و کشف گردیده و در آینده هم به اثر پیشرفت علم تفسیر و سایر علوم رازهای آن آشکار گردد، در مقابل علم وسیع و لایتناهی خداوند ﷻ نهایت محدود و قلیل است که حد برای آن تعیین شده نمیتواند و در سوره لقمان آیه ۲۷ میفرماید:

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمْدُورٌ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَنْخُرٍ

مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۱۷﴾ " و اگر آنچه در زمین است

درختان قلم ها گردند و بخرابه سیاهی [رنگ قلم] شوند که زیاده میکند آنرا بعد ازین بحرها هفت بحر دیگر به پایان نرسند سخنان پروردگار". یعنی اگر تمام درختان جهان قلم و بحرهای موجود جهان رنگ قلم بسازیم بعد از آن هفت بحر دیگر هم سیاهی [رنگ قلم] به امداد آن برسند، تمام مخلوقات به قدر استطاعت و مقدور خویش به تحریر بپردازند، کلمات و عظمت الله تبارک و تعالی را به تحریر آورده نتوانند، عمرهای نویسندگان تمام شود، قلمها سائیده و شکسته گردند، رنگها به پایان رسند لیکن اوصاف علم لایتناهی و لامحدود الله جلت عظمته بمنتهی نرسد.

کس راپس پرده ئی قضا راه نشد
وز سرّ قدر هیچکس آگاه نشد
هرکس زسر قیاس چیزی گفت
معلوم نگشت وقصه کوتاه نشد

«غزالی»

دفتر تمام گشت و پایان رسید عمر
معلوم نگشت وقصه کوتاه نشد

بروایتی ابن حبان در کتاب «احیاء غزالی» که حضرت علی گفته است **انَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنَاً وَحَدًّا وَمَطْلَعًا**: "بی گمان قرآن دارای ظاهر و باطن، حد و مطلعی میباشد". اگر بخواهیم بار هفتاد شتر را از سوره الحمد لله تفسیر میکنیم. قرآن معجزه بزرگی حضرت محمد مصطفی و بحر عمیق و لایتناهی و نامحدود از علم حکمت راز نهفته و آشکار است که بر بهترین بنده و برگزیده خویش خیرالامم والبشر که به طفیل وی حق تعالی مخلوقات خویش را خلق و خدائی خویش را آشکار ساخت و برای فلاح، رستگاری و نجات بشریت از گمراهی ها و بدبختی ها فرستاده شد در کتاب ریاض الصالحین حدیث ۹۹۶ به نقل از مسلم عن عمر قال **انَّ اللهَ يَرْفَعُ بِهِدَاكُتَابِ اقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ اٰخَرِيْنَ** از حضرت عمر روایت است که پیامبر فرمود: "بوسیله این کتاب (قرآن) اقوام را بلند و بالا میبرد، بلند مرتبه میگرداند [آنانیکه بآن ایمان آورده و عمل میکنند] و عده دیگر را بدان پست میکند [کسانیکه ایمان ندارند و عمل بدان نمیکنند]".

و پیغمبر فرمود: "قرآن کتابیست که عجایب و غرایب آن پایان ناپذیر است و به گذشت زمان کهنه نمیشود در هر زمان شأن نو و تازه ای دارد".

و در کتاب جواهر القرآن امام محمد غزالی حدیث از رسول الله نقل شده: "قرآن را حد و نهایتی است فوق هر حد و نهایتی دیگر، قرآن بی پایان است و تازگی آن کهنه گی ندارد". و در ریاض الصالحین حدیث هزارم به نقل از بخاری از ابن عباس روایت گردیده: **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ انَّ الذِّي لَيْسَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ** "آنکه در دلش چیزی از قرآن نیست یعنی چیزی را از آن حفظ و درک نمیکنند مانند خانه ویران است".

حق خواندن قرآن آنست که زبان، عقل و دل در آن شریک باشد و هر یک را بهره خاص.

۱- بهره زبان درست و روشن خواندن حروف. ۲- بهره عقل تشخیص معارف و تفسیر و معانی آن ۳- بهره دل پند پذیرفتن است در ترک بدی و گزینش نیکی؛ پس زبان پند دهنده، عقل ترجمه کننده و دل پذیرنده. وَقَالَ الرَّسُولُ يَرَبِّ إِنَّ

قَوْمِي أَخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٢٠﴾ (۱: فرقان، آیه ۳۰) "پیامبر شکوه

کنان از چگونگی برخورد مردمان با قرآن « میگوید پروردگارا قوم من این قرآن را که "وسیله سعادت دو جهان بود رها « و از آن دوری کردند» و از خواندن و تدبیر و عمل بآن غفلت ورزیده اند» . راجع به فضایل و اهمیت قرآن، بیانات قرآن و احادیث گرانبهای سرور کائنات و گفتار با ارزش بزرگان دین، دانشمندان و شاعران را نقل کنیم کتاب جداگانه ضرورت می افتد اما راجع به اعجاز و شگفتی های قرآن و سنت علماء، اندیشمندان، متفکرین قلم بدست، دانشمندان با احساس جهان اسلام در زمانهای مختلف به زبانهای مروج در جهان کتابهای با ارزش به رشته تحریر در آورده به دسترس عاشقان، تشنگان و شیفتگان قرآن و اسلام قرار داده اند و روشن ساختند که اسلام عزیز تنها دین نقل نه بلکه دین عقل و استدلال، رأی، علم، اندیشه و تفکر است. در مکتب بزرگ اسلام عقل و تدبیر نیز حجت است، در قرآن طوریکه به توحید، عقاید، عبادات، معاملات در قدم اول توجه گردیده همچنان در اموری سیاسی، اجتماعی، مدنی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی علم ابدان و علم کونی و هستی نیز توجه زیادی صورت گرفته و پیروان خویش را مأمور به تعلیم، تعقل و تفکر در خلقت کاینات و سایر مخلوقات و نفسهای خویش، پند و عبرت گرفتن از گذشتگان، سیر و سیاحت در روی زمین و بحرها و استفاده از آنها و غیره گردانیده است.

بزرگان دین، امامان، مجتهدین گرامی و مفسرین بزرگ اسلام هر کدام در عصر و زمان خویش به خاطر رهنمائی و هدایت و روشن ساختن اذهان مسلمین و انتشار دین برحق اسلام و ترویج قانون برتر قرآن زحمات قابل قدر کشیده که به وسیله جهاد و مبارزه علمی و دینی شان که واقعاً شمشیر برآن و موثر در مقابل دشمنان اسلام بود، اسلام زنده را بمارسانیده اند، اسلامیکه دارای مدنیت پیشرفته، عزت و آبرو بوده اسلام که سرچشمه همه تمدنها و افتخارات بوده (برای معلومات بیشتر دریکی از عناوین این

کتاب روشنی انداخته شده) ولی متأسفانه در اعصار گذشته به اثر عوامل مختلف از جمله محول شدن امور کشورهای اسلامی بدست زمامداران بیخبر از اسلام و قرآن و با سوء استفاده از دین بخاطر بقای قدرت خویش دور نگهداشتن ملت ها از علم و آگاهی، تجدد و ابتکار و فاصله گرفتن مسلمین از فرهنگ اصیل خویش، شیفته گردیدن به فرهنگ بیگانه، تقلید کورکورانه، پناه بردن به اوهام، خرافات و انحرافات و چنگ نزدن به ریسمان خدا، قرآن و سنت، تفرقه و بجان هم افتیدن بنامهای واهی، تکفیر کردن یکدیگر، ناشنیدن و درک نکردن یکدیگر و بالأخره دوری از علم، دانش و تحقیق و مؤثر شدن توطئه های دشمنان سبب شد که ابتکار و اتحاد از دست رفته؛ فقط نام و رسمی از اسلام باقی بماند اما انسان معاصر با وجود اختلاف دین و نژاد برای هیچ چیزی به اندازه علم و آثار علمی ارزش قایل نیست و خداوند عزوجل تفکر در آسمانها و زمین و سایر عالمین را که بر مبنای علم تجربوی است وسیله ای برای ایمان خود و پیامبر و دینش قرارداد دین خود بسوی دانش، دانش نیز بسوی آن فرا میخواند.

تفکر در آسمانها و زمین از بزرگترین عبادتهاست و تفکر در معنی و فهم قرآن و حدیث نیز عبادت در بالاترین سطوح و ارایه آن به مردم خالص ترین و موثرترین دعوت بسوی پروردگار عزوجل است، این همه فضایل با پرداختن بحث اعجاز علمی قرآن و سنت صحیح ممکن میشود، این مسئله میتواند مسلمانان را برای اکتشافات اسرار هستی با انگیزه های قوی تشویق کرده تا دوران طویل عقب ماندگی خویش را درین زمینه ها پشت سر گذاشت، وقتی که با علم و تحقیق به رشته های مختلف علوم آشنا شدیم واقعاً در خواهیم یافت که چه تاثیری مثبتی برای تقویه ایمان و رفع فتنه ها دارد، که کفر و الحاد لباس علم را به تن کرده و همیشه بر مسلمانان آقائی و سرداری دارند و بالای مسلمانان طوریکه میبینیم با نامهای مختلف بیرحمانه میتازند و ناجوانمردانه اسلام عزیز را دین خرافات، عقب گرا و ضد حقوق بشر، حقوق زن و صدها برچسپ غیر واقعی و بی مورد را به آن حواله میکنند و ازین طریق جوانان و مسلمانان کم خرد را تحت تاثیر تبلیغات سوء خویش قرار داده و با تطمیع نمودن مسلمانان به امکانات مادی و پخش و نشر وسایل ترویج کننده فساد، ناروائی، بی حیائی و غیره و

جایگزین نمودن آنها بجای فرهنگ انسان ساز و والای اسلام و صدها توطئه دیگر، پس برمسلمانان است که با نیروی علمی قرآن و سایر علوم با ایمان راسخ و دعوت خردمندانه به جهاد و مبارزه برخواسته، چون اسلام یگانه دینیست که نسبت به سایر ادیان و مذاهب بر علاوه علوم دینی و عقیدوی بر سایر علوم و فنون اهمیت عمده قایل بوده و اینکه در قرآن کریم به همچو کلمات بر میخوریم: **خرج لکم، انزلکم، سخر لکم، خلق لکم و...** و یا سیر و سیاحت در زمین و تفکر در کاینات و استفاده از بحرهای و غیره، مارا و میدارده علوم مختلف را بیاموزیم و باتهبیه و بدست آوردن وسایل، امکانات مدرن از نعمت های بزرگ خداوندی که برای بشریت ارزانی داشته بهره و استفاده معقول و اعظمی نمائیم.

امام محمد غزالی (رح) در کتاب احیاء علوم الدین خویش علوم پسندیده را به دو دسته تقسیم نموده است:

۱- **فرض عین: طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة** که بعد از بلوغ شدن به هر فرد مسلمان فرض است که احکام، اعتقادات، عبادات و حلال و حرام خداوند ﷻ را بداند و همچنان اگر فردی در معتقداتش شک و تردیدی خطور کرد بر او واجب است که در آموختن آن بیشتر تلاش نماید تا شک و تردید برطرف شود که علم و آگاهی او را از مهلکات نجات میدهد که اینگونه علوم و آگاهی فرض عین است.

۲- **فرض کفایی:** اینگونه علوم عبارتند از علمهای پسندیده که در رابطه به امور مباح دنیوی و وسایل زندگی میباشد به گونه ای که قوام و دوام زندگی بدون آنها امکان پذیر نیست مثل علم طب، صنعت، کشاورزی، فزیک و... و هم هدف از آموختن سایر علوم بر علاوه رفع ضروریات و حوایج زندگی و بهتر شدن آن و عقب نماندن از کاروان تمدن و ترقی بشریت، هدف عمده از آموختن سایر علوم؛ شناخت و معرفت قدرت توانا و حکمت علم علیاء و لایتناهی و بلاکیف خدا میباشد.

اگر به تحقیق نگریسته شود شناخت و درک درست از علوم است که راه را برای درک قدرت خداوند ﷻ باز میکند و از تعلیم و فهم علوم است که رازهای نهفته و قوانین بی مثال الله ﷻ در همه کاینات و مخلوقات موجود در آن فهم صورت گرفته و اعجاز علمی قرآن یکی پی دیگری با پیشرفت علوم و تکنالوجی روشن ترمیگردد،

طوریکه دیده میشود عده ای از علماء و دانشمندان غیرمسلمان اما با وجدان و با انصاف از برکت علم و فهم تحقیقات خویش حقیقت الله ﷻ، قرآن و اسلام را درک و به آن اعتراف کرده اند، قابل تذکرات وقتی که دانشمندان آیات کونی در قرآن را بیش از ۸۰۰ آیه میدانند و فهم آنها در راه دعوت بسوی خدا ﷻ درین عصر علم و تکنالوجی سرمایه بزرگ بدست مسلمانان است بر مسلمانان واجب و لازم است که ازین رهبری و هدایات علمی قرآن به شکل احسن استفاده اعظمی نموده، تا باشد که از دنباله روی و زیر بار فشار بیگانگان و دشمنان نجات یافته، امتیاز رهبری بشریت را از دیگران گرفته شکوه و عظمت گذشتگان خویش را بدست آورند.

قرآن کریم کتاب علوم ساینس نیست، بلکه کتاب تشریح تربیه و اصلاح بوده ولی نمیتوان از اعجاز علمی آن چشم پوشید، این اعجاز علمی قرآن است که ثابت میگردداند قرآن کلام بشر نیست و انسانهای معاصر پیغمبر ﷺ بسیاری از معجزات را بچشم سرخود میدیدند، به ایمان و اعتقاد شان افزوده میگرددید، خداوند ﷻ برای مردم این زمان معجزه از پیامبرشان بایشان نمایانده که بآنها ثابت سازد که قرآن حق است و معجزه همان معجزه قرآن و سنت است که تا قیامت باقی است.

اعجاز علمی قرآن ناحیه دیگری از گنجینه های اسرار خداوند ﷻ است که ایجاب میکند در آیات قرآن کریم تدبّر بخرج دهیم و در راه فهم اسرار آن در پرتو علم و معرفت، ساینس و تکنالوژی معاصر سعی و تلاش ورزیم، زیرا علم امروزی است که ما را بهتر به آیات و مفاهیم علمی قرآن و اسرار خلقت خداوند ﷻ آشنا میکند وقتی ما از اسرار، راز و گنجینه ها بهره گرفته میتوانیم که آنچه لایق قرآن است بجا آوریم؛ حق و لایق قرآن آنست که در معانی و مفاهیم آن توجه مبذول داشته باتعظیم و طهارت ظاهر و باطن و حضور دل تدبّر و تفهیم در معانی و تفسیر آن بهره گیری نمائیم.

”پیامبر ﷺ بسم الله الرحمن الرحیم را شبی در نماز ۲۰ بار تکرار کرد و باز گردانیدن او برای تدبّر در معانی آن بود و ابودر (رض) میفرماید: که پیامبر شبی در قیام ما را امامت کرد، همه شب این آیه را تکرار کرد. **إِنْ تَعَذَّبْتُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ**

وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَاِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١١٨﴾ (۲: مایده، آیه ۱۱۸) "اگر عذاب

کنی ایشانرا ترارسد، همانا ایشان بندگان توهستند".

و حضرت علی (رض) فرمود: "در عبادت بی فهم وتلاوت بی تدبیرخیری نباشد".

(جواهرالقرآن).

امام محمدغزالی در جواهرالقرآن مینویسد: "زود بیدار شو، ای خواننده قرآن، اینکه مقصود از قرآترا همین خواندن دانسته ای، و از معانی آن بظاهرش بسنده کرده ای، تاچند بربل این دریای محیط «اقیانوس» طواف میکنی؟! بر چشم فراز کرده به غرائب و عجائب آن نظرنمیکنی! آیا هنگام آن نرسیده که خود را در میان این دریا افگنی تاباکمال حقیقت وسرّ و مغز قرآن آشناسوی؟. و یا در قعراین دریا غواصی کنی تاگوهر معرفت و مروارید استقامت فراچنگ آوری؟، آیا ندانسته ای که قرآن بحرمحیط است که علم اولین و آخرین از آن میتراود، چنانکه از کرانه های دریای ظاهر رودها و جویها مایه میگیرند، آیا رشک نمیبری برجماعت که خود را بامواج این دریا سپرده اند و سر انجام انواع دُر و گوهربدست آورده اند؟".

در اخیر واقعیت این است که قرآن بحر عمیقیست که هیچگاه غواصان اعجازش به عمق واقعی آن نخواهند رسید چون علم و معجزه جاوید خداوند ﷻ است. علم الله ﷻ شامل، کامل، فراگیر، بی نقص و مصئون از خطاست، هر چند در معانی و مفاهیمش تحقیق، تدبر و پژوهش مکرر صورت گیرد مفهوم و نتایج نو و تازه بدست می آید، نسل های بشری یکی پی دیگری به مفهوم و اعجاز آن پی خواهند برد.

فضیلت تفکر:

در روایتی آمده است: تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ "روایت ابن حیان" یک ساعت اندیشیدن در آفرینش مخلوقات بهتر از یکسال عبادت است، باید دانست که آیات و احادیث زیادی درباره تشویق و ترغیب انسان به تفکر و تدبر، حجت نگریستن در آفرینش موجودات عالم و پند و عبرت گرفتن از آنها آمده است زیرا برکسی پوشیده نیست که فکر و اندیشه تنها کلید انوار معرفت و سرآغاز آشنائی و

روزنه ای بسوی علوم مختلف و آگاهی هاست. خداوند ﷻ در مدح تفکر و فضیلت آن میفرماید: " که در هر حالت و موقعیت که داشته باشیم فکر نموده و خود را به عمق حقایق و رازهای خلقت پروردگار خود آگاه کنیم ". **الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا**

وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۷۱﴾ (آل عمران، آیه ۱۹۱).

ترجمه: " آنانیکه خدا را یاد میکنند ایستاده و نشسته و بر پهلویش و بر فکر میکنند در پیدایش آسمانها و زمین میگویند، که ای پروردگار ما نیافریدی این را عبث، پاکیزه ترا از همه عیبها پس نگهدار ما را از عذاب دوزخ ". (۱۷ ص ۴۶۹)

از ابن عباس روایت شده که گفته است: روزی جماعتی در باره خداوند ﷻ می اندیشیدند، پیامبر فرمود: **" تفکروا فی خلق الله ولا تفکروا فی الله فانکم لن تقدروا قدره "**. (در باره آفریده های خداوند ﷻ بیانیدیشید اما در باره خداوند ﷻ نیاندیشید زیرا که هرگز نمیتوانید به کنه ذات اقدس او پی ببرید) "بروایت ابونعیم در حلیه". بروایتی "نقل از قسمتی حدیث عبدالله بن سلام « آمده است که روزی پیامبر ﷺ در جماعتی گذشت داشت دید که ساکت نشستند و فکر میکنند، گفت: " که چه چیزی موجب شده است که حرف نمیزنید! عرض کردند؛ که درباره آفریده های خدای عز و جل می اندیشیم ". حضرت فرمود: " همینطور عمل کنید، درباره آفریده های خداوند ﷻ بیانیدیشید اما در باره خداوند ﷻ نیاندیشید ". "طبرانی و بیهقی این حدیث را از ابن عمر روایت کردند".

یکی از صحابه کرام بنام عطاء از عایشه " که شبی رسول الله به کنار مشکی آب رفت وضوء گرفت سپس برخاست به نماز، ناگاه شروع به گریه کرد به گونه ایکه به اثر جاری شدن اشک هایش محاسن و سجده گاهش خیس شد، بعد به حالت گریه بر پهلویش خود افتاد تا اینکه بلال به اذان صبح آمد گفت ای رسول الله ﷺ چرا گریه میکنی خداوند ﷻ تمام گناهان گذشته و آینده ترا بخشیده است ". پیغمبر ﷺ گفت: " ای بلال چگونه از گریه مرا منع میکنی؟! بیگمان خداوند ﷻ امشب این آیه را بر من

نازل کرد". **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ**

لَأَيَّتِ لِّأُولَى الْأَلْبَابِ ﴿۱۶﴾ "مسلماً در آفرینش آسمان، و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های روشن بینی برای خردمندان است". بعد پیامبر گفت وای بحال کسی که آن را بخواند «به مفهوم و مصداق آن» نیاندیشد. از اوضاعی رحمه الله علیه پرسیده شد که فایده تفکر در نشانه‌های آفرینش چیست؟ در جواب گفت آنها را بخوانند و در آنها تدبر و تفکر نمایند و به فواید آنها پی خواهند برد.

جنید رحمه الله گفته است "مبارکترین مجالس و عالیترین آنها نشست های است که هم‌رای اندیشیدن در راستای توحید و استشمام نسیم شناخت میباشد، همچنین نوشیدن بوسیله جام محبت و نگرستن به حسن ظن نسبت بخداوند باشد». و اینکه گفته شده که درباره آفریده های خداوند ﷻ بیاندهشید اما درباره ذات او نیاندیشید، بخاطریکه این عقلها در آن متحیر و سرگردان میشوند و قدرت دستیابی به کنه آنها ندارند، لذا از همه شرع اقتضاء میکند و هم صلاح آنست درباره ذات الله ﷻ فکر نشود، چرا که فکر، عقل و رأی انسان قادر به درک ذات پروردگار نیست ولی هر اندازه انسان به وسیله ملک و ملکوت و درباره عظمت و صفات خداوند ﷻ تفکر کند، به همان اندازه نیز در محبتش فزونی میابد.

تفکر بخاطر انکشاف قدرت و عظمت خداوند ﷻ جایز میباشد مانند دقت و تدبر در معانی اسماء و صفات خدا و تفکر در صنعت خداوند ﷻ از قبیل آفرینش آسمانها، ستاره گان و سایر مخلوقات و آفریده های الله ﷻ. چنانچه الله ﷻ در سوره فصلت میفرماید: **سُنُّرِهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ**

﴿۵۲﴾ "به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون نفسهایشان، به آنها! نشان دهیم، تا برای آنان، آشکار گردد که او حق است!" و در سوره ذاریات میفرماید:

وَ فِي الْأَرْضِ ءَايَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ﴿۲۰﴾ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ ءَآفَآلَا تَبْصُرُونَ ﴿۲۱﴾ " و در

زمین آیاتی برای جویندگان یقین است؛ و در وجود خود شما، آیا نمی بینید". (۱۷: ص ۴۷۰)

مسلمانان همگام با قرآن هم سطح زمان خود شوند:

در جنبه های علمی قرآن جنبه دیگری به چشم میخورد که عبارت از ذکر پاره ای از حقایق علمی جهت عطف توجه انسان و فراخوان وی به مشاهده و اندیشیدن و آزمون قرار دادن انسان مسلمان در فضای علمی قرآن برای انسان علوم مشخص تبیین نکرده بلکه او را در فضا و بستر علمی قرار داده تا در آن به حرکت به پردازد، تا به کاربرست حواس خود در هستی بیندیشد و نظرکند، تأمل و اندیشیدن در دین اسلام خبر و منابع کسب ایمان به شمار میرود.

داکتر راشد مبارک همین نکته را یاد آور گردیده که واژه (فکر) از میراث منظوم و منثور جاهلیت بما نرسیده در حالیکه قرآن مملو ازین واژه و حجم بیشتر تکلیف انسان را تفکر، تدبر و اندیشیدن تشکیل میدهد، طوریکه در سوره سبأ آیه ۴۶ میفرماید: ﴿

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بَوَاحِدَةٍ ۖ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي ۖ وَفِرَادَىٰ تُمَرَّتْ فَتَفَكَّرُوا ۗ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾

بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز میدهم. و آن اینان دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیاندیشید که، این دوست و همه شما (محمد) هیچگونه جنونی ندارد؛ او فقط بیم دهنده برای شما پیش از رسیدن عذاب شدید (الهی) است!» " (۱۹: ص ۲۲۵).

همین گونه در سوره (ص) آیه ۲۹ میفرماید: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكٌ

لِيَذَّبَ رُؤْءَآئِهِمْ ۖ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾ "این کتابی است پر برکت که بر

تو نازل کرده ایم، تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان پند گیرند!" و در سوره محمد

آیه ۲۴ میفرماید: أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴿٢٤﴾ "آیا

آنها! در قرآن تدبر نمی‌کنند؛ یا بر دل‌های شان قفلها نهاده؛ شده است؟". ما از سنت‌های هستی‌شناختی خداوند ﷻ به اساس منطق، تجربه، استقرا و مشاهده که در حقیقت منطق قرآن نیز هست و پیامبر نیز آنرا عملی کرده نفهمیده ایم و درباره تمدن‌ها و جوامع خوب استفاده نکرده ایم، در قرآن پرسش‌های وجود دارد از جمله: إِنَّكَ لَا

تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

"تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی؛ ولی خداوند ﷻ هر کس را

بخواهد هدایت میکند! و او به هدایت یافتگان! آگاه‌تر است!" پس این موضوع نیست که پیامبر علاقه مند است فرد و یاملتی هدایت شود که خود کاری نکند که موجب سربلندی وی شود و یا خود را تهذیب و اصلاح نکند، اگر بالهای ما قلم شود هرگز نخواهیم توانست پرواز کنیم باید به قانون علیت باز گشت و به دقت عوامل و خواستگاه‌های وا پس ماندگی را شناخت، واپس ماندگی همچو بیماری است که تا مادام که میکروب داخل بدن است درمان امکان پذیر نخواهد بود، نابود کردن میکروب با داروهای ضد همان میکروب پیام آور درمان خواهد بود.

قرآن درمان مومنان است اما مفهوم این مطلب چیست؟ نکته سنجان میگویند زمانی حکومت ترکان جهت برکت و پیروزی در جنگ کسی را می‌آوردند تا در ناو جنگی کتاب صحیح بخاری را بخواند، ظریفی میگوید ناو با بخار حرکت میکند نه به بخاری. مسلمانان صدر اسلام که با قرآن و سنت تازه آشنا شده بودند آنان در جنگ ذات‌الصوری با رومیان در افتادند، عربها هیچ آشنائی و پیوندی با جنگ‌های دریایی نداشتند اما میدانستند در صورتی میتوانند با رومیان در جنگ پیروز شوند که کشتی بسازند بهمین جهت عملاً به کشتی‌سازی پرداختند و با دشمن درگیر شدند، آنان هیچگاه به این نیاندیشیدند که تلاوت آیات و احادیث را وسیله پیروزی خود قرار دهند و پیروزی را درین میدانستند که آیات جهاد را به جهاد عملی و آیات تدارک را به تجهیز و

تدارک عینی مبدل کنند، آنها سوارکاران شتر در بیابان بودند، چه عواملی باعث شد تا جهت حرکت و حیات خود در دل دریا کشتی بسازند، بی تردید بهره گیری و اقتباس ما از قرآن کریم کاستی های بسیاری دارد، این کاستی ها نیز در کارهای شخصی روزمره ما سرایت کرده است، بطور مثال کسانی را میبینیم که پنج وقت وضوء میگیرند و غسل میکنند اما در دستها، بدن، سر، روی و گردن آن کثافات موجود است، نا آگاهانه آب را بر اعضای خود روان کرده اما به آب آلودگیها را پاک نکرده چنین است که ما نا آگاهانه به آیات قرآن گوش میسپاریم، و درسوره روم میفرماید: **فَإِنَّكَ لَا**

تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿۱۰۱﴾ "تو نمی توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی، و نه صدا را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند!" باید این پرده ایکه اندیشه ها و حواس و اعضاء را ببند کشیده پاره شود و بجای اینکه این آیت شریف را روی تابلوی دیوار بنویسیم **وَأَعْدُوا**

لَهُمْ مَا أَسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ ﴿۱۰۲﴾ "هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها! (دشمنان)، آماده سازید." ساختار تربیتی آمادگی عملی، طرح ریزی اقتصادی بر اساس ادوات و ابزار های فراهم شده و دستگاه ها و امکانات گردآوری شده یعنی (رباط الخیل) جدید تانگ، موشک و طیاره صورت میپذیرد. اینکه الله ﷻ در سوره بقره آیه ۱۹۵ میفرماید: **وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ** اشاره بسوی همه آمادگیها برای مبارزه با دشمن نیست؟ اکنون بدون اندیشه ای به سفر دریائی برای مردم آیات تسلط بر دریاها را میخوانیم.

در زمینیکه گفته میشود که سه حصه آنرا آب تشکیل میدهد و گفته میشود که در حوزه گسترده دریائی اضافه از بیست هزار کشتی دریائی وجود دارد اما یک زیر دریائی و یا هوا پیمابر متعلق به مسلمانان وجود ندارد، مفهوم این قضیه چیست؟ آیا

گفته منکرین دین که اسلام دین عقب گرا و ضد تمدن است درست و یا به گفته سید جمال الدین افغان:

اسلام در ذات خود ندارد عیبی هر عیبی که هست در مسلمانان ماست
 آیا مسلمانان مفهوم این سخن خداوند ﷺ را درک میکنند که میفرماید (**الله الذی
 سخر لكم البحر**) خداوند ﷺ کسی است که دریاها را برای شما مسخر گردانید، آیا
 تنها از آواز و نوای این جملات لذت ببریم و ندانیم بجای این که دریا و خشکه را
 خداوند ﷺ برای ما مسخر گردانیده بر اساس اندیشه طبیعی امت اسلام دریا و خشکی
 تحت سیطره بندگان بی دین قرار گیرد، ما تنها از حدیث همچو (**هو الظهور ماء الحل
 مینة**) آب دریا پاک و مرده اش حلال ما تنها این را فهمیده ایم که از ماهیان و
 حیوانات (حتی مرده ای) دریا بخوریم و در آن غسل کنیم و فقط و قضیه را به همین
 جا خاتمه دهیم آیا فهم ژرف قرآن همین است؟ که از ماهی دریا بخوریم و خود دریا را
 ب دیگران وا گذاریم و چگونه میتوانیم به ماهی آن دست یابیم و اینکه الله ﷻ در سوره
 نحل آیه ۱۶ میفرماید: **وَعَلَّمْتِ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ** " و (نیز) علاماتی
 قرار داد؛ و (شب هنگام) به وسیله ستاره (قطبی) راه خود را پیدامیکنند". زمانیکه
 (سرچیمز فزیکدان، ریاضیدان و ستاره شناس انگلیسی) برای مسلمانان داده های خود
 را در زمینه ستاره گان میخواند، درحالیکه احساسات تندی به او دست داده بود بخود
 میلرزید در اثر مشاهده کهکشانهای عظیم تحت مطالعه خویش و از عظمت خداوند ﷻ
 سخن میگفت، مسلماً از روی دانش و فکر خود، او از بسیاری مسلمانان ما بخدا ﷻ و
 اسلام نزدیکتر بود.

ما چون این فرموده خداوند ﷻ را میخوانیم (علامات النجم) صرفاً بسنده میکنیم
 که خداوند ﷻ ما را متوجه گردانیده که در آسمانها و زمین نشانه های وجود دارد، اما
 این نشانه ها کجا هستند؟ ما برای این موضوع چه ساخته ایم؟ دیگران دست به کشف
 فضا زده اند برای سیطره یافتن بر کل، تمدن فراهم ساخته اند، اما درین میان ما
 ایستاده تماشامیکنیم: **وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ**

وَلْيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿١٥﴾ "آهن را

پدید آوردیم که در آن نیروی بسیار و سودها ی برای مردم وجود دارد که خداوند ﷻ بداند چه کسانی او را و پیامبرانش را غایبانه یاری میکند برآستی خداوند ﷻ نیرومند و چیره است." از آیه حدید چنین بر میآید که خداوند ﷻ میخواهد به مسلمانان بیاموزاند که چه کسانی او را یاری میکند، انگیزه کار برد آهن روشن است که نصرت غایبانه خداوند ﷻ ناگزیر باید انجام گیرد، پس کاربرد آهن تنها ساختن شمشیر، نیزه، چاقو و غیره است؟. امروز نصرت دین خداوند ﷻ، پیامبران و ساختن و سایل مدرن و پیشرفته از قبیل تانکها، کشتی ها، طیاره ها، موشکها، و راکتها و غیره و غیره است. (۱۹: ص ۹۳، ۹۸)

مسلمانان پیشتاز علوم در جهان بودند:

طوریکه ملاحظه گردید اسلام عزیز یگانه دینیست که پیروان خویش را به آموختن و تعلیم و تعلم تشویق، ترغیب و مامور گردانیده برخلاف برجسپه‌های ناروائیکه امروز دشمنان اسلام بر آن حواله میکنند که نعوذ بالله دین عقب گرا، ضد پیشرفت، ترقی و رفاه عامه است. دین اسلام در سرزمین جزیره العرب وقتی پا بعرصه وجود گذاشت که هر نوع شر فساد اخلاقی، اجتماعی، ظلم و ستم، جهل گمراهی، به سرحد اخیر خود رسیده بود، دختران خویش را از جهل زنده بگور میکردند، به فساد اخلاقی، جنگ و درگیری های بیمورد، کشت و کشتار، چپاول و غارتگری افتخارمینمودند، پرستش بتها ی ساخته شده دست خود شان بطور عموم مروج بود و بر علاوه بر تمام کره خاکی ابرهای تاریک جهل و نادانی سایه افکنده بوده همچنان در تمام جهان جهل، ظلم، بی دانشی، فساد و بربریت حکمفرما بود .

پیروان حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) تحریفات و انحرافات زیادی در آئین خویش بوجود آورده بودند، در همچو شرایط اسلام یگانه دینی بود که نور روشنی، تمدن و ترقی، اخوت و برادری، عدالت و مساوات، علم و دانائی را به ارمغان آورد، در صدر اسلام اروپا که در آنوقت در تاریکی های جهل و نادانی بسر میبردند،

دارالخلافة اسلامی مرکز یک تمدن عالی بود که تمام جهان را تحت شعاع خویش قرار داده بود، در دوره های قبل فتوحات زیادی صورت گرفته بود سرزمینهای حکومت اسلامی توسعه یافته بود علم، ادب، حرفه و صنعت انکشاف نموده بخاطر گسترش علم و تمدن پوهنتونها و مدارس متعدد در بغداد، نیشاپور، دمشق، قاهره و اسکندریه تأسیس شدند که درین مدارس و پوهنتونها علاوه بر تعلیمات اسلامی مضامین فزیک، کیمیا، طب، ریاضی، تاریخ، جغرافیه و تعلیم علوم ادبی نیز پیشرفت قابل ملاحظه نمود، الحسن بن ایشان عالم بزرگ فزیک آن وقت بود، جابر بن حیان در علم کیمیا مقام ممتازداشت، در طب ابوبکر محمد ذکریای رازی نخستین شخصی بود که در دوره عباسیان به جهان اسلام خدمت شایانی نموده است، ابو عبدالله بن موسی خوارزمی ریاضیدان، ستاره شناس و تاریخ نگار و سرپرست کتابخانه مأمون عباسی بود، کتابهای زیادی از وی به میراث مانده، ابوعلی محمد بن حسین اهل بصره مهندس ملقب به بطلیموس ثانی در زمینه هندسه هفتاد کتاب از او بجامانده. و سپس از طرف ابو علی سینای بلخی قوانین طبیی تحریر گردید که تا حالا نیز در پوهنتونهای طبیی اروپا از آن استفاده میگردد. از تاریخ دانان آن زمان ابو جعفر محمد بن جریر طبری، ابن اسعد، ابن اثیر، ابن عساکر، سعودی و ابن خلدون قابل یاد آوریت. ابوالقاسم ابن حوقل، ابن بطوطه و ادریس از علمای قابل ذکر در جغرافیا است که سه صد سال قبل کتب تألیف شده ادریس در اروپا یک بخش کتب تدریسی بود و نیز ابوالوفاء آن محقق جغرافیه و علم هیأت است که نظریه بطلیموس (که زمین را ساکن میدانست) ناقص ثابت نمود و هم چنان این امر نیز روشن است که تهداب گذار علم الجبر محمد بن موسی خوارزمی میباشد که در زمان مامون الرشید میزیست. قابل یاد آوریت که در پوهنتونهای اروپا حتی الآن از قوانین الجبری حکیم خیام استفاده بعمل میآید.

علاوه بر آن مسلمانان در زمان عباسیان غرض انکشاف فن کشتیرانی، قطب نما و جهت توسعه علم جغرافیه برای اولین بار یک آله را که حیثیت لابراتوار علم جغرافیه را داشت بنام [اسطرلاب] به میان آوردند که توسط آن دوری و نزدیکی ستاره ها معلوم میگردد، آله مذکور توسط یک نفر بنام (اغریق) ساخته شده بود. همچنان مسلمانان در ساختن کاغذ، باروت و ساعت استادان اروپائیان محسوب میشوند، مؤرخانی بنام

جرجی زیدان مینویسد که هندسه، هیئات و غیره علوم ریاضی را اروپائیان از مسلمانان آموخته اند که اصطلاحات علمی غربی با تفاوت اندک تا الآن در آن باقی مانده است از قبیل الجبر و کیمیا که در لسان های اروپائی به آن قسم الزیر و شیمیا باقی مانده است.

مستشرق اروپائی (ژورماک کاپ) مینویسد که بر آن علوم، فنون و تمدن که امروز فخر مینمائیم در حقیقت این همه از برکت همان مفکوره عالی و حرکت اصلاحی و ادامه همان تمدن است که از طرف مسلمین تهداب گذاری شده است، همه مؤرخین اتفاق دارند که یکتعداد زیادی جوانان فرانسه، انگلستان، ایتالیا و آلمان دائماً در مدارس و پوهنتونهای اندلس، هسپانیه و غیره ممالک اسلامی تربیه میشدند در آنها مهندسین، طبیبان، ریاضیدانان، ادیبان و علمای بزرگ علوم طبیعی به بار میآمدند و بعد در ممالک خویش بر میگشتند.

بناءً بر مسلمانان است که؛ عظمت علمی گذشته خویش را در نظر بگیرند به تغییرات منفی خویش توجه نمایند و عوامل عقب ماندگی خویش را درک و سپس دستور العمل خویش را تعیین و درین راه قدم های مثبت بردارند.

فصل سیزدهم: (اخبار رسالت پیامبر ﷺ در کتابهای آسمانی)

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوْلِيْنَ ﴿١٦٦﴾ (۱: شعراء آیه ۱۹۶) "بدون تردید در کتابهای امتهای

گذشته نیز خبر او ﷺ هست."

پیشگویی های عهد قدیم از پیامبر خاتم:

الله ﷻ بر کافران میفرماید که در کتابها ئیکه نزد شما معتبر هستند "تورات، انجیل « با وجود تحریف این پیشگوی ها و خوشخبری ها از محمد ﷺ در کتابهای گذشته داده شده مثلاً در سفر استنای تورات آمده، خداوند ﷻ از سینا آمد و از شعیر بر آنها طلوع کرد و از کوه خاران تجلی کرد (شعیر نام کوهی است نزدیک مدینه منوره) و خاران کوهی نزدیک مکه معظمه غار حراً در آن واقع است اکنون معروف به جبل النور به همراه ده هزارتن قدسی آمد شریعت آتشین بدست راست او برای آنها بود استناب ۳۳ درس ۲

بدیهی است که هیچ پیغمبری غیر از رسول خدا از پیغمبران بعد از حضرت موسی (ع) از کوه های خاران و شعیر جلوه گر نشده است و از ده هزار قدسی چنین برمیآید که حضرت عیسی (ع) به پیروان خود فرمود؛ وقتی که او [روح حق خواهد آمد] تمام راه های راستی را بشما نشان خواهد داد برای اینکه او از طرف خود نخواهد گفت بلکه هر آنچه را که خواهد شنید خواهد گفت و از آینده بشما خبر خواهد داد (یوحنا ۱۵-۱۲). (۱۵:ص ۱۹۳)

پیشگویی های موسی (ع):

در تورات به موسی درباره رسول الله ﷻ در سفر تثبیه ۱۸: ۱۸-۱۹ من برای آنان پیامبری از میان برادران شان مثل تو بر پا میکنم و سخنم را در دهنش قرار میدهم طوریکه امرش میکنم به آنان سخن میگوید کسیکه کلام مرا از وی گوش نمیکند من او را مواخذه خواهم کرد و در سفر تکوین ۱۷-۱۸: که ابراهیم از الله ﷻ زنده ماند،

اسماعیل را تقاضا کرد خداوند ﷺ چنانچه (در عدد ۲۰ آن اصحاح) آمده برایش گفت در باره اسماعیل در خواست را پذیرفتم بوی برکت میآورم، ثمر بخش میسازمش ۱۲ رئیس تولد میشود از آن و او را امت بزرگ میگردانم چنانچه در سفر تکوین آمده این دلالت میکند که پیامبر که میآید باید حتماً از ذریعه ابراهیم بیآید و هم در تورات سفر تثنیه ۳۳: ۱-۲ موسی قبل از مرگش میگوید آمد رب از سینا و درخشید بانان از شعیر و تلائو کرد از کوه خاران و آمد از بلندی های قدس و از جانب راستش آتش شریعت برای ایشان.... مقصد از اماکن مقدس کجاست؟.

تأمل میکنیم میابیم که سینا مکان اول که تورات خروج کرد، شعیرمکان دوم سرزمین فلسطین است که ذریعه یعقوب که جمله از آنان سید مسیح است و سرزمین خاران که الله ﷻ تعالی به ابراهیم وعده اعطاء زمین نمود از رود نیل الی فرات چنانچه در سفر تکوین ۱۵: ۱۸-۱۹ آمده که پروردگار ﷻ با ابراهیم پیمانی بست و گفت به نسل تو این سرزمین را میدهیم از نهر مصر تا نهر بزرگ فرات، قنیان، قدمونیان، حثیان، فرزبان، رفائیان، امویان، کنعانیان، وحاشیان و ویبوسیان پس اینان همه اقوام این سرزمین هستند که خدا آنان را بیرون میکند و بجای آن نسل ابراهیم را ساکن میسازد و هم در سفر تکوین ۱۷-۲۰ آمده که فرزند کنیز را نیز امت بزرگی میگردانم زیرا وی هم از نسل توست. (۲۰: ص ۱۸۰)

کشف نام محمد ﷺ در قدیمی ترین نسخه تورات:

این نسخه از تورات به زبان عبری است و کارشناسان آن را اصیل ترین نسخه در جهان میدانند، زیرا تحریف های تورات کنونی را ندارد. این نسخه تورات به قرن دوم میلادی باز میگردد و خاخام های بزرگ یهود اصالت آن را تأیید کرده اند، درین آیاتی دیده میشود که نام "محمد" را به عنوان منجی آخر الزمان نام برده است.

همچنین در این تورات تحریف هایی که در نسخه های کنونی تورات دیده می شود وجود ندارد، سانسور یک هفته ای این خبر از سوی منابع صیهونیستی هدف دار است، زیرا این تورات اولاً به زبان عبری یهودی نوشته شده است که این نکته میتواند

حقانیتی بر حضور نا مشروع صیهونیست ها در فلسطین تلقی شود و ثانیاً این تورات مانع انتشار تورات تحریف شده رژیم صیهونیستی میشود.^۱

پیشگوئی های حبقوق:

بعد از موسی(ع) نزد حبقوق میآئیم در سفر خود در (اصحاح ۳ عدد ۳-۴) میگویند **اللَّهُ** از تیمان آمده و قدوس از کوه خاران او را تسلی داد جلال و عظمتش آسمانها را فرا گرفت و زمین تسبیحش مملوگردید و درخششی بود مانند نور برای او دستش شعاع است و آنجا قدرتش مسطر خواهد بود این پیشگوئی حبقوق بدون شک اشاره بسوی مکه معظمه است چه این سخن که **اللَّهُ** از تیمان آمد به قریه در جنوب شرق تبوک نزدیک به مدینه منوره اشاره میکند و قدوس از کوه فوران بدون شک اشاره به مکه مکرمه است اینکه میگوید جلال و عظمتش آسمانها را فرا میگیرد اشاره به اذان است که به آفاق میپیچد همین است جلال و عظمت **اللَّهُ** که آسمانها و زمین را فرا میگیرد هرگز امکان ندارد که اشاره باشد به معابد دیگر که از بوق و وسایل دیگر استفاده میکند، زمین مملو از تسبیح **اللَّهُ** نمیشود مگر در نماز مسلمانان از دستش شعاع میآیند و قدرتش مستطر پس این ستایش عظیم وصف قرآنکریم که در آن نعمت و هدایت است (اینرا حبقوق پیغمبرگفته است). (۲۰: ص ۱۸۴)

پیشگوئی های داود (ع):

در مزمور ۱۸۸: ۲۲-۲۳ میگوید سنگ را که معماران ترک کرده اند رأس زاویه شد، درین پیشگوئی بسوی پیامبران بنی اسرائیل بنا به کثرت شان به سنگ های زیاد در خانه پروردگار اشاره شد، اما سنگ که رأس زاویه بوده تمام عمارت را نگه میدارد اشاره بسوی محمد ﷺ کسیکه بدون وی نبوت ها با هم مرتبط نمی شود و امکان ندارد

^۱ - ماهنامه الغزالی: شماره دهم، سال دوم، ص ۱۷.

شاید کسی بگوید که بسوی مسیح باشد؟ ولی مسیح خطاب به بنی اسرائیل توأم با سرزنش شدیدی میگوید: چنانچه در انجیل متی ۲۱: ۴۳-۴۴ آمده است یسوع به آنان گفت آیا هرگز در کتب نخوانده اید سنگ را که ترک کرده بودند رأس زاویه شد، بنا بران بشما میگویم که ملکوت الله ﷺ از شما گرفته میشود د به امت دیگری داده میشود که به ثمره های آن عمل میکنند هر که بر سر این سنگ افتاد سرش در هم میشکند، قول مسیح درین جا بدان معنی است که پیامبر خاتمی که به سنگ رأس زاویه بجانب وی اشاره شده هرگز از بنی اسرائیل نمی باشد، بلکه از امت نیک میباشد که امر بالمعروف و نهی از منکر میکند. اینکه هر کس بر سر وی افتاد او را در هم میکوبد، اشاره بقوت و نیروی اسلام است که تاریخ ثبت کرده است، آنگاه که تعداد اندک و ضعیف از مسلمانان عرب توانسته اند که دو امپراطور ی بزرگ نیرومند را در زمان ظهور اسلام (فارس، رومانی) در هم شکند، پیشگوئی مسیح درینجا پیرامون شکست دشمنان اسلام موافق است، چنانچه پیشگوئی موسی در سفر تثنیه ۱۹: ۱۸ گفته بود و چنان میباشد انسانی که به سخن وی بنام من میگوید و گوش نمیدهد مواخذه و مجازات خواهد شد.

پیشگوئی اشعیا:

(مدینه منوره) سفر اشعیا ۴۲: ۱۱-۱۳ تا آنکه صحرا و شهرهایش آواز خود را بلند کند دیار که در آن قیدار مسکن گزینند تا ساکنان صالح از سر کوه ها به آواز خوش آواز کشند تا پروردگار را به بزرگی یاد کنند و تسبیح وی را به جزایر رسانند. صالح کوهیست نزدیک به احد در مدینه و این سخنش تا آواز خوش کشند پیشگوئی از استقبال مردم مدینه از رسول الله با سرودن این ترانه. طلع البدر علینا...

مکه مکرمه در سفر اشعیا ۶۰: ۱-۷ چنین مییابیم برخیز و روشن شو زیرا نورت فرا رسیده و عظمت بر تو درخشید، زیرا اینکه ظلمت سیاه همه جا را فراگرفته اما بالای تو روشنائی میآورد و عظمت او در تو دیده میشود پس ملت ها در نور تو و شاهان در روشنائی تو حرکت میکنند... همه جمع بسوی تو میآیند دارائی ملتها به جانب تو سرازیر میشوند... کثرت شتران... همه پیشگوئی اشاره بسوی مکه مکرمه که سر چشمه

عظمت، روشنائی و هدایت و همه ملت ها شاه و گدا و سرمایه ها و دارائی ها و شتران بسوی او میآیند... (۲۰: ص ۱۸۸)

پیشگوئی های عیسی (ع):

در انجیل یوحنا. ۱۶: ۱۴-۱۷ میگوید من از پدر میخواهم که برای شما معزی دیگری دهد که همیشه تا ابد همراهی شما باشد (یهودیان مردم ما دیگر بودند، هنوز به مقام روحانیت نرسیده بودند مسیح خواست صفات که به الله ﷺ نسبت داده بودند چیزی تخفیف بیاورد پس خواست که از خدای رحمن الرحیم به آنان به این قول تعبیر کند، پدر مابا آنهاست یعنی بسوی الله ﷺ به کلمه پدر اشاره میکند بخاطریکه پدر سر تاسر ترحم و شفقت با اولاد دارد).

در انجیل یوحنا ۱۴: ۲۵-۲۶ میآید که این سخنان را من به شما گفتم در حالیکه من نزد شما ام، اما معزی روح القدس که او را پدر بنام من خواهد فرستاد همه چیز را به شما تعلیم میدهد، همچنان انجیل یوحنا ۱۶: ۱۲-۱۴ من اموری بسیاری دیگری نیز دارم که برای شما بگویم و لیکن شما نمیدانید که الآن آنرا برداشت کنید اما هنگام که آن روح حق آمد وی شما را به تمام حق ارشاد و رهنمائی خواهد کرد، زیرا وی از هوی و هوس خود سخن نمیگوید بلکه هرچه که از جانب حق شنید به آن تکلم میکند و از امور آینده شما را با خبر میکند و مرا تمجید خواهد کرد (کلمه معزی که در انجیل یوحنا مذکور است در زبان یونانی "بارقلیط « دارای چهار معنی محمد، محمود، ماحی و معزی است، ولی یهود و نصاری سخت کوشیده اند که کلمه محمد ﷺ و احمد را از کتب خویش حذف و تغیر دهند) (۲۰: ص ۱۹۵).

حضرت رسول الله نبی الامم و نبی الانبیاء (ع) است:

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِءَ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۚ قَالَ

ءَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي ۗ قَالُوا أَقْرَرْنَا ۚ قَالَ فَاشْهَدُوا ۗ وَأَنَا

مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٢١﴾ (۲: عمران، آیه - ۸۱) "وقتی که خداوند ﷻ از پیامبران تعهد گرفت که آنچه من به شما کتاب و علم دادم و باز بیاید پیش شما رسول بزرگی که تصدیق کند کتاب شما را پس به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! (خداوند) به آنها! گفت: «آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آنان، پیمانش مؤکد بستید؟» گفتند: «(آری) اقرار داریم!» خداوند ﷻ به آنها؛ گفت: «پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم»!"

طبق تفسیر حضرت علی (رض) و حضرت عباس این تعهد از انبیاء (ع) گرفته شد، گویا آنحضرت نبی الامم و نبی الانبیاء هم هستند، در آیه مذکور انبیاء (ع) نبوت آنحضرت را تصدیق نموده و امت خود را به نبوت و همکاری به آنحضرت تأکید کردند چنانچه حضرت موسی (ع) در تورات استثناء، باب ۲۳ و داود (ع) در باب ۴۵ از زبور و حضرت سلیمان (ع) در غزل الغزالات و حضرت عیسی (ع) در انجیل یوحنا در باب نزده آیه ۵-۱۵ این را اعلان کردند، اکنون نیاز داشت که نبی الانبیاء بودن ایشان عملاً و بالذات ظهور کند که صورت از آن در حدیث معراج به شکل امامت آن جناب به انبیاء (ع) انجام گرفت.

تمام انبیاء را ای شه دین بکردی در شب اسراء امامت

صورت دوم عملی اینکه نزدیکترین نبی به زمان او یعنی حضرت عیسی تا آخر زمان زنده نگاه داشته شده با وجود نبوتش من حیث امتحان بودن برای خدمت دین محمدی از آسمان نازل شوند و او به عنوان نماینده کل انبیاء گذشته خدمت و نصرت شرع محمدی را جامه عمل به پوشاند و مقام نبی الانبیاء بودن آنحضرت را آشکار سازد، زیرا پس از آنحضرت باب نبوت مسدود بود، فشرده از حکمت نزول مسیح (ع) آنها هم با در نظر داشت ختم نبوت آنحضرت. (۱۶ ص ۲۵۶)

فصل چهاردهم (معجزات سیرت و پیشگوئی های رسول الله ﷺ)

سید کل صاحب ام الكتاب پرده گی ها از ضمیرش بی حجاب
گرچه عین ذات رابی پرده دید ربّ زدنی از زبان او چکید

سیرت رسول اکرم ﷺ معجزه بزرگ است:

اگر بخواهیم زندگی رسول الله ﷺ را مورد مطالعه قرار دهیم کتب سیرت، تاریخ، نسک شمایل، کتب اذکار و اعمال شباروزی و کتب احادیث، صحاح، سنن و مسانید وجود دارد که زندگی، سلوک، اخلاق، کردار، گفتار، روش جنگی، معامله بادشمنان، روش در عبادات، ازدواج و معاشرت و بالآخره بالاتر از آنها قرآن کریم که از سیرت و اخلاق پیامبر ﷺ روایت و حکایت کرده چنانچه از عایشه (رض) راجع به اخلاق رسول الله ﷺ پرسیده شد، گفت: (کان خُلِقَ القرآن) اخلاقش همانا قرآن بود، بدون شک حیات وی ﷺ و سیرت و عنایت کامل به تسجیل و ثبت تمام اقوال، افعال و تقریراتش همه و همه اشاره بدان میکند که وی خاتم النبیین و تمام صفات، اخلاق، روش و عاداتش خارق العاده بوده تا هنوز هیچ بشری به آن مقام و جایگاه نرسیده است و نمیرسد تولد، دوران شیرخوارگی، کودکی، دوران نوجوانی و جوانی روش، اخلاق و کردار برخورد با اجتماع صداقت، امانت داری و میل نکردن به عادات ناپسند، عبادات جاهلانه و خرافات اجتماع و محیط آن زمان که سالها ترویج و جزء لاینفک فرهنگ و عقاید مردم گردیده بود "قبل از بعثت" و بعد از بعثت.

روش دعوت و تبلیغ، شهامت، بردباری، استقامت در برابر سختی های مافوق توان بشر عادی، صبر و حوصله مندی و گذشت در مقابل دشمنان، پرورش و تربیه و ساختن فوق العاده و بی نظیر یاران و اصحاب که هر کدام به نوبه خویش الگو و نمونه مقام والای انسانیت و معنویت بودند، برخورد با مخالفین، تدابیر بجا در میدان و عرصه های مختلف، پابند به تعهدات بالآخره با وجود عدم امکانات و شرایط لازم به بزرگترین موفقیت ها نایل گردید همه دلالت به آن دارد که انسان عادی نبوده بلکه بهترین و بالاترین عالم بشریت که، قدرت و توانائی نامرئی خالق بی نیاز حامی آن بوده که به

بالاترین مقام والای بشریت که عقل و تصور ماخارج از درک آن است رسانیده، برخلاف تبلیغات و برچسپ‌های که مخالفین و دشمنان زیرک که خلاف حقیقت بر دین مبارک محمدی وارد میکنند، که گویا دین اسلام بزور تحدید و جنگ، خونریزی حاکم گردیده و بعضی دوستان جاهل، نادان و از دین بیخبر تحت تأثیر تبلیغات سوء آنها قرار گرفته و تا هنوز آله دست مذورانه آنها قرار داشته، تیشه به ریشه اسلام عزیز میزنند و از دین اسلام تصویری خلاف و ناروا از وحشت، جنگ و ترور به نمایش گذاشته، در حالیکه دین مبارک اسلام دین جنگ و ترور نه بلکه دین الفت و رحمت، صلح و ترقی، عدالت، علم و عمل است.

نمونه و الگوی آن تاریخ، سیرت، رفتار، گفتار و عملکرد رسول الله ﷺ و اصحاب و یاران وی در دوران دعوت، هجرت، جهاد، معامله و برخورد با دشمنان دین و بالآخره سیاست و حکومتداری آنها هیچگاه در سیرت رسول الله ﷺ و یاران وی تعرض، زورگوئی و مجبور ساختن مخالفین به دین نبوده بلکه هدف رسانیدن عقیده حق به مردمان و نجات آنها از بندگی غیر الله ﷻ به بندگی الله ﷻ اگر دقیق شویم دیده میشود که تمام غزوات در جزیره العرب و خارج از آن مشکل دفاع، دفع آزار و هموار ساختن راه دعوت اسلامی و مقاومت در برابر شرارت و پایمردی در مقابل گمراهی و تجاوز میباشد. هرگز اکراه و مجبور ساختن بر ایمان نبوده، چنانچه خداوند ﷻ در سوره بقره آیه ۲۵۶ میفرماید: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ^ج "در قبول

دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است." و هم در سوره یونس آیه ۹۹ میفرماید: وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ الْمَؤْمِنِينَ^ج "و اگر پروردگار تو

أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۹﴾^ج "و اگر پروردگار تو میخواست، هر آئینه هر که در زمین است همگی شان یکسر ایمان میآوردند پس آیاتو مردم را ناگزیر میکنی تا مومن شوند؟!". هرگز ثابت نگردیده که پیامبر ﷺ احدی را به دین جبر کرده باشد چنانچه باری یکی از انصار میخواست که فرزند خود را به ایمان آوردن مجبور سازد، پیامبر ﷺ وی را از کارش منع قرار داد، چنانچه در سوره توبه آیه

۶ میفرماید: **وَإِنَّ أَحَدًا مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَةَ**

اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ^ع **ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ** ﴿۱﴾ "و اگر یکی از

مشرکان از تو پناه (امان) خواست به او امان ده، تا سخن خدا را بشنود، سپس او را به جای امنش برسان این (امان داری) از آنروست که آنان قومی نا آگاه اند!"

این نمونه اشاره به رأفت اسلام است و نمونه از نصوص و اسلوب و وصایه رسول الله ﷺ در حین جنگ، کارزار و ختم معارک.

۱- پیامبر مسلمانان را بسوی عدم آرزوی رویاروی با دشمن فرا میخواند و در روایتی بخاری در (کتاب الجهاد) میفرماید که ترجمه اش اینست: رویاروی با دشمن را آرزو نکنید هرگاه رو برو شدید مقاومت کنید.

۲- رسول الله ﷺ بسیار حریص به منع جنگ بود، وقتی که معاذ بن جبل (رض) را به حیث فرمانده به یمن میفرستاد میگفت به آنان مجنگید مگر بعد از اینکه آنان را دعوت کنید، اگر از قبول دعوت امتناع ورزیدند بازهم به جنگ نپردازید، مگر بعد از اینکه آنان جنگ را آغاز کنند و اگر آنان جنگ را آغاز کردند باز هم شما جنگ را آغاز نکنید مگر بعد از آنکه کسی از شما را به قتل برسانند آنگاه وی را به آنان نشان داده بگوئید آیا راه نیکو تر ازین وجود ندارد؟ زیرا که اگر خدا ﷻ یکتن را بدست تو هدایت کند بهتر از تمام دنیا خواهد بود (مسلم، باب الجهاد).

۳- پیامبر در وصف دعوت و حرب خود چنین گفته: من پیامبر دعوت و پیامبر معارک جنگم (ابوداود) رحمت و کارزار در جنگ های پیامبر با هم متلازم و قرین بودند، زیرا رحمت حقیقی همان قطع ریشه های فساد و متوقف ساختن گسترش و شیوع جرم و شرارت است. پیامبر سپاه خود را به جلب دلهای مردم توصیه میکرد نه به تلف کردن جانهای ایشان، چنانچه در حدیث است (یعنی مردم را الفت دهید و از تائی در برابر شان کارگیرید و تا آنان را دعوت نکرده اید بالایشان هجوم نبرید). اینکه هر قوم از اقوام روی زمین را مسلمان کرده نزدم بیاورید، نزد من محبوب تر از آن است که مردان آنها را به قتل رسانید و زنان و فرزندان شان را اسیر بیاورید.

رفتار و عناد و دشمنی کفار قریش با رسول الله ﷺ و بر آنانیکه وی و یارانش را با انواع و اقسام عذاب، شکنجه ها کرده تا آنجا که برخی از یارانش از شدت عذاب و شکنجه های بیرحمانه کفار جان باخته اند و به وقت فتح مکه که آخرین جنگ پیامبر ﷺ با قریش بود، به آنها میگوید چه فکر میکنید، با شما چه خواهیم کرد؟. گفتند گمان نیک داریم، با وجودی قدرت و توانائی پیامبر ﷺ برایشان سوره ۹۲ یوسف که به برادران خود میگوید: خجل و متأثر نباشید من عفو کردم خداوند ﷻ گناه شما را ببخشد که از مهربان ترین مهربانان است؛ به همان طریق مورد عفو و رحمت قرار میدهد.

موقف پیامبر ﷺ در برابر دشمنان شکست خورده اش همیشه موقف کریمانه بود این نمونه نیل و ارزشمندی انسانی میباشد، وی ﷺ در برابر اسیران میگفت (استوصوا بالاسری خیراً) با اسیران روش نیک کنید یارانش امر ایشان را به بهترین وجه پیروی نموده اند که خداوند ﷻ در ستایش شان در سوره دهر آیه ۸ میفرماید: **وَيُطْعَمُونَ**

الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ ۖ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا " و غذای (خود) را به رقم دوست داشتنش، به بینوا و یتیم و اسیر میخورانند".

مواردی زیادی از گذشت، عفو و محبت از پیامبر ﷺ و یاران و اصحاب وی وجود دارد که با دشمنان و مخالفین سرسخت و گنهکار گذشت داشتند که همه تعجب آور و شگفت انگیز است.

دین اسلام در فتوحات، پیروزی و انتشار خود چنان سریع بود که پژوهش گران و تاریخ نویسان تا امروز از تفسیر این تحریک چشم گیر اسلام و یافتن پاسخ به سوال عاجز ماندند، که محمد ﷺ چگونه توانست در ظرف ۸ سال یک میلیون کیلومتر مربع را فتح کند؟. در عصریکه وسایل مواصلاتش محدود و راه های غافله هایش ناهموار بود و این همه فتح مبین با کمترین خساره بشری و مالی تحقق یافت زیرا تعداد شهیدان مسلمان و کشته شده گان کافران همه از (۱۰۰۲) نفر تجاوز نمی کند اگر پاسخ را بر حسب معیار ها و عرف بشری جستجو کنیم مشکل و متعذر است و اگر سنت الهی و

عمل به این سنت در مجتمعات و ملت ها در نظرگیریم آنگاه جواب را باسانی بدست میآوریم. (۲۰: ص ۲۹۵)

سیرت رسول الله ﷺ در جهاد، در سوره حج آیه ۳۹ میفرماید: **أُذِّنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ** ﴿۳۹﴾ " به کسانی که جنگ بر آنان، تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستمشان قرار گرفته‌اند! و خدا بر یاری آنها! تواناست." و هم در سوره بقره آیه ۱۹۰ میفرماید: **وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ** ﴿۱۹۰﴾ " و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا **عَلَّامٌ** تعدی، را دوست نمی‌دارد!". اگر متوجه آیات قرآنی و سیرت و احادیث رسول الله ﷺ شویم در میابیم که آغاز گر تجاوز و جنگ همیشه مشرکان بوده تجاوز بر آزادی دینی و تلاش های مکرر با اسالیب مختلف بر شکنجه مؤمنان در عقیده شان و هم وقتی که مسلمانان برعکس العمل در مقابل تجاوز مأمور میگردند، نیز مأمور، مخاطب دو چیز مهم:

۱- عدم تجاوز که در آیه ۱۹۰ فوق الذکر بیان گردید.

۲- تقوی و خدا ترسی که در سوره بقره آیه ۱۹۴ ذکر گردیده است. **فَمَنْ**

أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ ﴿۱۹۴﴾ **وَاتَّقُوا اللَّهَ** **وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ** ﴿۱۹۴﴾ " پس هرکس بر شما تعدی نمود براو بمانند آنچه بر شما تعدی کرده تعدی کنید و از خدا **عَلَّامٌ** بترسید و بدانید که خداوند **عَلَّامٌ** با پرهیزگاران است." که تقوی درین جا بمعنی پابندی به فضیلت و روش انسانی است، یعنی نباید که سیلاب دشمنی آنان را از جا برده و چنان عمل نمایند که دشمنان شان عمل میکنند مثل تجاوز بر آبرو و عزت، مثله نمودن، کشتار اطفال، زنان،

پیران، قطع درختان، از بین بردن مزروعات و امثال آنها که عادت جاهلی و شرکی بود. کسانی که به سیرت نبوی مراجعه کنند می بینند که چگونه در صدر اسلام مسلمانان شکنجه و ستم دیدند و به هر طرف رانده شدند تنها بگناهی ایمان بخدا و رسالت محمد ﷺ به آزار و اذیت شهید گردیدند آنگاه خواهند دانست که باعث از حرب اسلامی دور کردن تجاوز و متوقف ساختن سیلاب هولناک طغیان بوده شرک و کفر با تمام قوت و نیرو تجمع نمود که تا اسلام را در پناه گاهش در میان انصارش از اهل مدینه سرکوب کند همان بود که قول خداوند ﷻ نازل شد (سوره توبه آیه ۳۶ میفرماید): وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً^ج

وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿۱۰۰﴾ " و با همه مشرکان بجنگید چنانکه با همه شما میجنگند؛ و بدانید که خدا با پرهیز گاران است." همان بود که با وجود نبودن وسایل و امکانات و اسباب تسلط که عبارت از تعداد زیاد علم، اقتصاد و هنر که هیچ کدام آن در اعراب آنزمان موجود نبود چرا که در زمان نزول قرآن عرب فقط عبارت بود از منطقه سعودی و یمن، عراق، شام، فلسطین، اردن، لبنان، بیروت، مصر و افریقای شمالی همه این ها ممالک غیرعرب بودند پس از فتوحات اسلامی جزء ممالک عرب قرار گرفتند، بناءً تعداد شان اندک بود علم و تعلیم هم نداشتند، چرا که مملکت عرب آنزمان بنام امیین (ناخوانها) بودند وحدت و اتفاق هم بین شان وجود نداشت هر قبیله دشمن قبیله دیگر بودند.

صنعت: نه کارخانه ای برای تهیه اشیاء و مایحتاج عادی خود از قبیل شمشیر، لباس، پوشاک و غیره محتاج هند و مسیحیان شام بودند و هم مایحتاج خوراکی خویش را نیز از ملل دیگر بدست می آوردند.

نیروی جسمی: ازینکه عربستان مملکت گرم بود غیر از خرما غذای مرغوب دیگر برای شان میسر نبود مردم بادیه نشین و فقیر حتی برای علاج مریضی خویش دوا نداشتند و هم قدرت روحی و اخلاقی نسبت به پرستش بتها و سنگها و خرافات وجود نداشت با همه کمبودی ها ی متذکره ازینکه توانستند بعد از نزول قرآن و پیروی

پیامبر بزرگوار ﷺ بوقت کم کامیابی های بی مثال و بی نظیر را نصیب خود گردانند اعجاز بزرگ قرآن و پیامبر بزرگ محمد ﷺ میباشد.

معجزات و پیشگوئی های پیامبر

بر شمردن معجزات پیامبر آنقدر زیاد است که شمردن آن به کتب و مجلات متعدد محتاج است بگفته این تیمیه که تقریباً هزار معجزه جمع آوری گردیده بطور مختصر برخی از آنها قرار ذیل است:

- ۱- خبردادن وی از فتح مکه، بیت المقدس، یمن، شام و عراق.
- ۲- اینکه خیبرفردای آن روز بدست علی فتح خواهد شد.
- ۳- اینکه آنان خزانه های ملک فارس و روم را تقسیم خواهند کرد.
- ۴- اینکه فارس یک برخورد یا دو برخورد است ابداً دیگر فارس وجود نخواهد داشت، اما روم دارای سرهای بسیار هرگاه سری از آن هلاک شود سری دیگری جانشین میشود.
- ۵- اینکه الله ﷻ زمین را برایش منقبض کرد او مشرق و مغرب آنرا دید و ملک امتش بر تمام آنچه برایش منقبض گردیده بود خواهد رسید.
- ۶- همواره گروهی از امتش برحق استوار خواهند بود تا آنکه امر الله ﷻ تعالی بیاید و مخالفت کسیکه بایشان خلاف و اختلاف میکند ضرری بآنان نخواهد کرد.
- ۷- تازمانیکه عمر (رض) زنده است فتنه ها ظاهر نخواهد شد.
- ۸- عثمان (رض) در حالی کشته خواهد شد که قرآن تلاوت میکند.
- ۹- شقی ترین آخرت کسی است که این از آن رنگین میکند (یعنی ریش علی «رض» ازخون).
- ۱۰- عماد را گروهی باغی به قتل میرساند.
- ۱۱- اینکه خلافت بعد از وی سی سال در امتش خواهد بود بعد از آن به پادشاهی توأم باظلم تبدیل میشود.
- ۱۲- در قبیله ثقیف یک کذاب و یک خونریز خواهد بود که بعداً دیده شد که مختار و حجاج بود.

۱۳- اینکه امتش مانند شاهان بر سریرها، در بحرهای غزاه خواهند رفت، چنانچه در صحیحین آمده.

۱۴- اینکه فاطمه (رض) از میان اهل بیت بیشتر از همه بوی ﷺ ملحق خواهد شد پس همان بود که شش ماه بعد از رحلتش وفات کرد.

۱۵- درباره حسن بن علی (رض) گفت این فرزندم سردار است خدا توسط وی میان دو گروهی بزرگ صلح خواهد آورد، همانگونه که خبر داده بود واقع شده بود الله ﷻ توسط وی میان پیروان خودش اهل شام صلح آورد.

۱۶- اینکه ابوذر (رض) تنها زندگی میکند و تنها وفات مینماید که همان قسم شد.

۱۷- و اینکه سریع ترین همسرانش در ملحق شدن بوی دست دراز ترین ایشان است که زینب بنت جحش بود زیرا او در صدقه دست دراز داشت.

۱۸- و اینکه سراقه بن جحش دستانه های کسری را خواهد پوشید.

۱۹- و اینکه خالد (رض) را بجانب اکید روان کرد برایش گفت تو وی را در شکارگاه خواهی یافت.

۲۰- از انس بن مالک روایت است که مادرم گفت یا رسول الله بخادمت انس دعا بکن پیامبرگفت بار خدایا مال و فرزندانش را بیافزای و بر آنچه برایش میدهی برکت عنایت کن انس میگوید قسم بخدا ﷻ مالم الآن بسیار است فرزندان و فرزندان فرزندانم امروز از صد تن تجاوز کرده اند.

۲۱- شق شدن قمر بدلیل و قول خداوند ﷻ سوره قمر آیه ۱-۲.

۲۲- پیامبر بر کسری امپراطور و شاه ایران هنگامیکه نامه اش را درید دعا کرد که خدا سلطنت او را پاره پاره کند همان بود که هیچ چیزی دیگری از وی باقی نماند.

۲۳- سلام دادن سنگها بوی و تسبیح گفتن سنگریزه ها در دستش.

۲۴- بروایت عباس (رض) در اطراف کعبه سه صد شصت بت قرار داشت که پاهای همه آن با سرب در سنگ محکم کرده شده بود هنگامیکه رسول الله در سال فتح مکه وارد مسجد گردید باشاخه خرمائیکه در دست داشت میگفت قل جاء الحق

وز حق الباطل ان الباطل کان زهوقاً بجانب هر بت که اشاره میکرد بت به عقب می افتاد.

معجزات حسنی رسول الله آنقدر زیاد است که درینجا ممکن نیست که همه بطور مفصل تشریح و بیان گردد اگر بخواهید در مواضعش از کتب حدیث، سیرت و تاریخ مطالعه نمائید مملو از مطالب که عطش را فرو مینشانند. (۲۰: ص ۲۸۰)
نتیجه:

از آنجا نیکه بحث حقانیت قرآن و اسلام واضح تر از آن است که ایجاب بحث و استدلال را نماید، خوب است تا در نتیجه گیری از مطالب تحقیقی این رساله‌ی، روی یک سلسله مسایل که جنبه های استدلالی و مراجعه به چلنج ها و فراخوانی هایی قرآن کریم در برابر معاندین (راجع به محق بودن قرآن کریم) را در بر نداشته باشد اشاره نمایم، زیرا بر همگان واضح و هویدا است که قرآن کلام رب العالمین بوده و فراتر از آن است که ما امروز به علم و استدلال تخنیکی و فزیکوی روز متوسل شده و ادعاء نمائیم که قرآن کتاب خدا است، بلکه دلایل حقانیت قرآن کریم در خود قرآن کریم نهفته است.

قرآن کریم در همان اوضاع و احوال نزولش با علم همان وقت که معمولاً به جنبه های بلاغی ارتباط بیشتر داشت به تحدی و مبارزه برخاسته و مدعیان فصاحت و بلاغت آن وقت را به زانو در آورده، تا جائیکه نتوانسته اند یک آیه مثل آیات قرآن کریم را بیاورند و یا هم حاضر به مبارزه شوند و همان مبارزه طلبی بلاغی قرآن کریم تا قیام قیامت پا برجا بوده و همواره بالای معاندین ندا سر میدهد و آنها را ملزم و وادار به سکوت مینماید، آنچه که قرآن کریم بیشتر از همه به معاندان عصر حاضر چلنج میدهد علوم و تخنیکی است که در قرآن کریم وجود دارد و تا اکنون کشف و یا کشف نشده باقی مانده و برای ملزم ساختن کفار امروز که به علم ایمان آورده اند کافی و بسنده است. این معجزات علمی قرآن کریم مطابق سنت الهی که در آیه سنرپهم آیاتنا فی الافاق.... بیان شده، برای جوامع انسانی نمایان ساخته شده، و همچنان تداوم و استمرار میابد و معاصرین باتوجه به تایید علم ودانش روز مجبور هستند در مقابل آن سر تسلیم فرود آورند.

در اینجا به عمده ترین نکات قابل توجه اشاره مینماییم که میتوانم به عنوان نتیجه تحقیق از آنها یاد نمایم:

الف:- بحث اعجاز علمی قرآن کریم با توجه به عنایت قرآنکریم به موضوعات مختلف طبیعت، انسان و کاینات، یک بحث بسیار وسیع بوده و دامنه تحقیق در این زمینه بسیار گسترده است، فلذا من با وجود تلاشهای که انجام داده ام، آنرا کافی و بسنده ندانسته و امید وارم که دانشمندان چیره دست جهان اسلام همچنان در زمینه به تحقیقات علمی بیشتر خود ادامه دهند.

ب:- اساساً مباحث علمی در جهان معاصر، جایگاه ویژه و قابل اهمیت در بین انسانهای معاصر دارد و همواره بپذیرفتن سخنان علمی آماده میباشند فلذا صحبت از اعجاز علمی قرآن کریم در یک فضای که علم حاکمیت دارد، برای موافقین و معاندین جلب توجه نموده و هر کدام میخواهند در راستای مطابقت با فکر و نظر شان به موضوعات جدید در رابطه به قرآن کریم دست یابند، موافقین برای حصول اطمینان و یقین بیشتر در زمینه تلاش میورزند و معاندین به فکر دریافت راه گریزی همواره دست و پا میزنند که سرانجام جز اندوه و شعله ور ساختن حسد درون شان چیزی دیگر نصیب شان نمیشود و همواره در آتش حسد میسوزند و با شنیدن مطالب جدید علمی قرآن کریم بیتاب شده و یأس و نا امیددی بر فضای درون و بیرون شان همچنان پرتو افکنده و آنها را به ذلت و دربند لجاجت می کشاند.

ج:- جای تأسف و نکته قابل تأمل این است که امروز دانشمندان اسلامی بیشتر در جستجوی کشف موافقت های قرآن کریم با موضوعات علمی هستند که قبلاً توسط دانشمندان غیر اسلامی کشف و واضح ساخته شده است. و این موضوع بسیار زیاد مهم نیست زیرا نتیجه جز تنبلی و عدم زحمت کشی مسلمانان چیزی دیگری را نشان نمیدهد و نباید این روند ادامه یابد و نباید دانشمندان ما ازین شیوه پیروی نمایند. مهمتر و بهتر از همه این است که علماء و دانشمندان اسلامی خود اولاً و مستقلاً موضوعات قرآن کریم را که جنبه های علمی دارد تحقیق نموده و ادعای قرآن کریم را در زمینه تثبیت نمایند و بعداً در فکر تحقیق آن موضوع در علوم و فنون معاصر شوند، یعنی اینکه قرآن کریم را هادی و رهنمای خود در عرصه علم و

اختراعات عصری قرار دهند و با استفاده از قرآنکریم فن آوریها، تکنولوژی ها و مطالب جدید علمی را کشف و حاصل نمایند.

د:- تحقیقات علمی در موضوع اعجاز علمی قرآن کریم بسیار مفید و سازنده است زیرا مطالعه آثار تحقیقی اعجاز علمی قرآن کریم بالای همه انسانها مؤثر واقع می شود، یکتعداد افراد که دارای عقیده ضعیف باشند به عقیده و ایمان شان می افزاید و افراد معتقد را اطمینان و یقین بیشتر حاصل می گردد و افراد معاند را ملزم، مات و مبهوت می نماید، فلهمذا گفته میتوانم که در هر مطلب از مطالب این کتاب فواید فوق الذکر را بصورت واضح مشهود بوده ومطالعه آن برای همگان اثر بخش خواهد بود.

در اخیر و به عنوان آخرین مطلب قابل یاد آوری میدانم که قرآن کریم مخزن اسرار بی پایان بوده و هر قدر که در زمینه کشف این اسرار سعی و تلاش صورت گیرد، برخی ازین اسرار علمی بر ما نمایان خواهد شد و این روال تا قیام قیامت ادامه پیدا خواهد کرد، و باید این روال با تلاش های جدی تری همواره ادامه یابد.

به امید اینکه روندگان این راه روز بروز گسترش یافته و افزایش یابند و به امید اینکه الله متعال توفیق بیشتر نصیب کند تا گامهای استوار تری را در زمینه برداریم و به آرزوی اینکه خوانندگان عزیز ازین نوشته بهره کافی حاصل نمایند، کلام خود را خاتمه میبخشم.

و من الله التوفیق

حاجی غلام محمد "خیر خواه"

مرکز ولسوالی تولک، ولایت غور.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم ، ترجمه شاه ولی الله دهلوی.
- ۲- قرآن کریم ، ترجمه جدولی عبد الله خاموش هروی، نشر احسان، چاپ اول ۱۳۸۶.
- ۳- افغانی، شمس الحق. علوم القرآن، مترجمان شهداد مسکن ذهی، محمد یوسف حسین پور، چاپ اول. ایران: انتشارات شیخ احمد جام، ۱۳۷۱.
- ۴- افضلی. ایدز یا طاعون قرن بیست. پاکستان - پشاور، ب - ت.
- ۵- حجازی، محمد. برتریهای اسلام — — ۱۳۶۱.
- ۶- خلخالی، سید کاظم، سید محمود اختریان و رحیم چاوش اکبری. اطلاعات عمومی، جلد دوم. ایران: — ب - ت.
- ۷- خیرخواه، غلام محمد. حرام بودن مواد مخدر از دیدگاه اسلام. افغانستان - هرات: — ۱۳۸۶.
- ۸- دمشقی، نووی، امام ابی ذکریا یحی بن شرف. ریاض الصالحین، ترجمه عبدالله خاموش هروی. پاکستان - لاهور: لاهور پرنینتینگ پرس، ۱۳۷۲.
- ۹- دهلوی، عبدالحق. اشعة المعات. پاکستان: ناشر کتابخانه مجیدیه ملتان، ب - ت.
- ۱۰- دیوبندی، محمود الحسن. تفسیر کابلی، ترجمه اردو به دری تحت نظر علمای جید افغانستان. پاکستان - پشاور: تاج کتب خانه، ب - ت.
- ۱۱- روحانی، کمال. اعجاز قرآن در عصر فضا و تکنولوژی، چاپ دوم. ایران: نشر سامرند، ۱۳۸۷.
- ۱۲- سیاف، عبدالرب رسول. فلسفه عبادات (چپتر تدریسی).
- ۱۳- شیرازی، بی آزار. قرآن وطبیعت گذشته و آینده جهان. ایران: انتشارات بعثت، ۱۳۶۱.
- ۱۴- عبدالباقی، محمد فواد. حدیث لوءلوء ومرجان، مترجمان: ابوبکر حسن زاده، جلد اول، دوم و سوم، چاپ چهارم. ایران: نشر احسان، ۱۳۸۷.
- ۱۵- عثمانی، محمد تقی. علوم القرآن، مترجمان: محمد عمر حیدری و عیدی وهنه، چاپ سوم. ایران: انتشارات احمد جام، ۱۳۸۹.
- ۱۶- عشرتی، عبدالاحد. ساینس و اعجاز علمی قرآن کریم، چاپ چهارم. پاکستان - پشاور: موسسه انتشاراتی خاور، ۱۳۸۶.
- ۱۷- غزالی، امام محمد. مختصر احیاء علوم الدین، ترجمه و تحقیق محمد صالح سعیدی. ایران - کردستان: انتشارات کردستان سنندج، ۱۳۸۶.
- ۱۸- غزالی، امام محمد. جواهر القرآن، بکوشش سید حسین خدیوچم. افغانستان - کابل: نشر بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰.
- ۱۹- غزالی، محمد. نگرشی نو در فهم قرآن، مترجم داود نارویی، چاپ دوم. ایران: نشر احسان، ۱۳۸۶.

- ۲۰- غازی، محمد جمیل و قیس جیمز رنجیت. مناظره بزرگ میان مسلمانان و نصرانیان، ترجمه مولوی محمد طاهر عطایی. افغانستان - کابل: کتابفروشی محمد سردارخان، ۱۳۸۴.
- ۲۱- قرقوز، احمد و داکتر عبدالحمید ویاب. طب در قرآن، ترجمه علی چراغی. افغانستان - کابل: انتشارات احمد ابدالی، ۱۳۷۰.
- ۲۲- الکحیل، دایم. سفرایمانی در مراحل خلقت انسان، _____: _____ ب - ت.
- ۲۳- کلورو مونس، جان. الله یتجلی فی عصرالعلم، ترجمه آرام امین مجتهدی، چاپ چهارم، _____ ۱۳۵۵.
- ۲۴- کیهانی، محسن. عجایب فضا و کهکشان، چاپ اول. ایران: انتشارات زرقلم، ۱۳۸۸.
- ۲۵- لاهوری، علامه اقبال. کلیات علامه اقبال لاهوری، چاپ دوم. پاکستان - پشاور: ب - ت.
- ۲۶- مرادی، علی محمد. فزیک از دیدگاه قرآن، چاپ اول. ایران: نشر چاپخانه ارسباران، ۱۳۸۳.
- ۲۷- المیدانی، عبدالرحمن حسن حینکه. مشعلهای فروزان در شناخت یزدان، ترجمه محمد سلیمان، چاپ اول. ایران: نشر احسان، ۱۳۸۲.
- ۲۸- نابلسی، راتب. شگفتی های خداوند ﷻ درجهان آفرینش، مترجمان محمد آزاد شافعی، عبدالباسط عیسی زاده، چاپ دوم. تهران: نشر آردس سنندج، ۱۳۸۷.
- ۲۹- نذیر، دادمحمد. اساسات حقوق اسلام، طبع اول. کابل: مطبعه نعمانی، ۱۳۸۸.
- ۳۰- نائیک، ذاکر. بایبل وقرآن در روشنائی ساینس، ترجمه محسن مهاجر. کابل: موسسه نشراتی میهن، ۱۳۸۸.
- ۳۱- نائیک، ذاکر. قرآن شناسی . کابل: موسسه نشراتی میهن، ۱۳۸۸.
- ۳۲- یحیی، محمد هارون. اعجاز قرآن در پرتو ساینس و تکنولوژی، ترجمه داکتر فرید آسمند. _____ ناشر عزیزالرحمن قرغه ای، ۱۳۸۵.